

کارگران همه کشورها متحد شوید!

دنیای

نشریه سیاسی و تئوریک کیستۀ مرکزی حزب توده ایران

بنیادگذار دکتر تقی ارانی

۳. ۱۳۶۵

کارگران هنر کشور استعدادهای

ویژه نامه

دنیای

نشریه سیاسی و تاریک یکشنبه مرکزی حزب توده ایران

۱۳۶۵

بنیادگذار دکتر تقی ارانی

دُنیا
بنیادگذار دکتر تقی ارانی

تاسیس ۱۳۱۲
زیر نظر شورای نویسندگان دُنیا
تشریح سیاسی و تشویک کمیته مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۳، سال اول، دوره پنجم
شهریورماه ۱۳۶۵

آدرس پستی:

P. B. 49034
10028 Stockholm 48
Sweden

DONYA
POLITICAL AND THEORETICAL
ORGAN OF THE CENTRAL COMMITTEE
OF THE TUDEH PARTY OF IRAN

بها: ۲۰۰ ریال

۶ مارک آلمان فدرال
۱۵ فرانک فرانسه
۲/۵ دلار آمریکا
۱/۵ پوند

در این شماره:

- ۳ پیشگفتار
- ۴ در برون رفت از شب یلدا (شعر)
- ۵ اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، برگزاری
کنفرانس ملی حزب توده ایران
- ۸ اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره تصمیمات
پلنوم نوزدهم
- ۹ کنفرانس ملی حزب توده ای ما تشکیل شد
- ۱۱ گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنفرانس ملی حزب توده ایران
- ۵۵ قطعنامه کنفرانس ملی حزب توده ایران در باره وضع ایران
و جهان و وظایف حزب در مرحله کنونی
- ۶۹ پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به مردم ایران
- ۷۲ پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به مردم ایران و بشریت
مترقی در حمایت از زندانیان سیاسی
- ۷۴ قطعنامه در باره گروه فراکسیونی
- ۷۵ قطعنامه کنفرانس ملی حزب توده ایران در باره تعبیر در
اساسنامه حزب
- ۷۶ پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به کمیته مرکزی سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ۷۸ قطعنامه کنفرانس ملی حزب توده ایران در باره کوشش در
راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران
- ۷۹ قطعنامه کنفرانس ملی حزب توده ایران در باره همبستگی
احزاب کمونیستی و کارگری با حزب ما
- ۸۱ قطعنامه کنفرانس ملی در باره تدارک برگزاری جهل و پنجمین
سالگرد پایه گذاری حزب توده ایران

- پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به پرسنل آگاه و
 ۸۱ میهن پرست نیروهای مسلح
- ۸۵ پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به زنان ایران
- پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به شاعران ، نویسندگان ،
 ۸۶ هنرمندان و اندیشمندان متمدن ایران
- پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به سازمان آزاد پیشش
 ۸۸ فلسطین
- ۹۰ پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به حزب کمونیست عراق
- ۹۱ پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به حزب کار آنکولا
- ۹۲ پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به کنگره ملی آفریقا
- ۹۳ ارزیابی خط مشی حزب توده ایران در سالهای ۱۳۶۱-۱۳۵۷
- ۱۱۰ برنامه حزب توده ایران
- ۱۳۳ در راه تحقق رهنمود های کنفرانس ملی بکوشیم
- ۱۳۷ برگزاری موفقیت آمیز کنفرانس ملی ما

پیشگفتار

با پایان موفقیت آمیز کنفرانس ملی حزب توده ایران، صفحه نوینی در تاریخ پرافتخار مبارزه ما گشوده شد. اسناد و مدارکی که کنفرانس ملی حزب مورد بررسی دقیق و همه جانبه قرارداد و به تصویب رساند، در مجموع خود نه تنها تصویر جامعی از وضع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک جامعه را ارائه می دهد، بلکه وظایف اعضای حزب را نیز در مرحله کنونی دقیقاً و همه جانبه تعیین می کند.

این اسناد و مدارک که بر پایه انطباق خلاق مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط ویژه اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه ما تنظیم و تدوین گردیده و محصول تحلیل علمی اوضاع و احوال کنونی کشور است، راهگشای مبارزه سخت و پیگیری است که در پیش داریم. بهمین سبب آموزش عمیق آن به قصد بردن شعارهای استراتژیکی و تاکتیکی حزب به درون توده های زحمتکش و در درجه اول به درون کارگران و تبدیل آنها به حربه تجهیز توده های میلیونی در مبارزه آشتی ناپذیر با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، وظیفه مقدس فرد - فرد اعضای حزب است.

با در نظر گرفتن اهمیت حیاتی این اسناد و مدارک، هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران تصمیم گرفت که همه آنها را در شماره نوبتی مجله "دنیای چاپ و منتشر سازد تا بدینوسیله بهره گیری از اسناد و مدارک مصوب کنفرانس ملی را تسهیل کند.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

دربرون رفت از شب یلدا

دیده در صبح رخ دوست زهم وا کردیم
چهره در آینه یار تماشا کردیم.

بزمی آراسته کردیم ز رزم آرایان
وند را آن حلقه بصد ظفله عوغا کردیم.

ننشستیم و گرفتیم بگف دامن دوست
آنکه از دوست همه دوست تمنا کردیم.

سرو آزاد که از باد خزان خم شده بود
بایهار نفسش برشده بالا کردیم.

بس نهادیم من خویش جود را در برهم
خانه عشق بنا ز آب و گل ما کردیم.

بوسه دادیم و گرفتیم بس پرده اشک
زر اندیشه گنید در دلها کردیم.

سوک سهراب کشیدیم ز شهنامه برون
چون بد آروی خرد در دماوا کردیم.

تن رهانیده ز هر بند بشکرانه وصل
همه ای آزادی نام تو اوا کردیم.

می شکفتیم ز شادی به برای غنچه باغ
آنچه می خواست دل تنگ تو آنجا کردیم.

سرنگون تا شود آن در گه بیدار آئین
ما سراپرده ای از داد صهیبا کردیم.

روزها در گره زلف تو ما را طی شد
تا برون رفت خوشی زین شب یلدا کردیم.

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

برگزاری کنفرانس ملی حزب توده ایران

کنفرانس ملی حزب توده ایران، علی رغم پیامدهای سنگین پرورش بربرمنشانسه ارتجاع و امپریالیسم به حزب، با شرکت شمار زیادی از کادرهای حزبی در محیطی سرشار از روح دمکراسی و همکاری های رزمی برگزار شد. این کنفرانس مظهر استواری آشتی ناپذیر و خاراآین حزب در برابر انواع دشواری ها است که دشمن طبقاتی در روند مبارزه بوجود می آورد.

کنفرانس ملی نخست گزارش کمیته مرکزی را درباره حیاتی ترین مسایل اقتصادی - اجتماعی و سیاسی کشور استماع کرد و سپس در محیط تبادل نظر رفیقانه و دمکراتیک پیرامون به بحث و بررسی پرداخت و آنرا به تصویب رساند.

کنفرانس ملی پس از بررسی تزه های مربوط به انقلاب بهمن ۵۷ و ارزیابی خط مشی سیاسی حزب در ارتباط با آن و گفتگوی مفضل در اطراف برنامه جدید، این دو سند مهم را تصویب کرد.

کنفرانس ملی با توجه به کیفیت فعالیت حزب در شرایط کنونی تغییرات لازم را در اساسنامه بوجود آورد.

کنفرانس ملی بر اساس گزارش کمیته مرکزی یک سلسله اسناد را به صورت قطعنامه ها و پیام ها به تصویب رساند که از آن جمله است:

قطعنامه ویژه درباره اوضاع جهان و ایران و وظایف حزب در مرحله کنونی، قطعنامه درباره کوشش در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران، پیام به مردم ایران و بشریت مترقی درباره زندانیان سیاسی، پیام به زندانیان سیاسی، پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به مردم ایران، پیام به نویسندگان و هنرمندان ایران، قطعنامه درباره همبستگی احزاب کمونیستی و کارگری با حزب ما، پیام به مردم قمرمان شیلی، پیام به حزب کمونیست عراق، پیام به لنگره ملی آفریقا، پیام به حزب کارآنگولا، پیام به مبارزین ضد آپارتاید و نژاد پرستی در آفریقای جنوبی، پیام به کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان، پیام به خلق مبارز فلسطین و دیگر نیروهایی که علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه می کنند.

کنفرانس ملی در پایان کار خود کمیته مرکزی حزب توده ایران را با رای مخفی و بسا رای اکثریت قاطع آراء انتخاب کرد. سپس کمیته مرکزی جدید در اولین اجلاس خود هیئت سیاسی و هیئت دبیران حزب را با رای مخفی برگزید و رفیق علی خسروی را مجدداً با اتفاق آراء بسمت دبیر اول حزب انتخاب کرد.

برگزار شدن موفقیت آمیز کنفرانس ملی حزب توده ایران که یکی از پرنمایند ه ترین
کرد هم آیی های حزبی در ۳۸ سال اخیر بود ، یکبار دیگر به وضوح نشان داد که حزب
تود های ما با افراشته نگاه داشتن پرچم ظفر نمون مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم
پرولتری در جنبش کارگری میهن ما ، ستاد رزم استوار طبقه کارگر و زحمتکشان ایران در
مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع است .

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

درباره تصمیمات پلنوم نوزدهم

پلنوم نوزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران جلسه نوبتی خود را برگزار کرد. مسایل زیر در دستور کار پلنوم نوزدهم قرار داشت:

- * تغییر در اساسنامه حزب
- * تصمیم درباره گروه فراكسیوني
- * بررسی پیشنهاد مربوط به دعوت کنفرانس ملی حزب توده ایران
- * تصویب اسناد و مدارک و از جمله گزارش کمیته مرکزی، طرح برنامه حزب و تزه‌های مربوط به خط مشی سیاسی حزب پس از انقلاب بهمن ۵۷، برای ارائه به کنفرانس ملی

* * * *

۱ - پلنوم نوزدهم ماده ۳۷ مقررات کار مخفی (قطعنامه مربوط جداگانه منتشر می‌شود) مندرج در اساسنامه حزب مصوب سال ۱۳۵۲ را که پس از انقلاب بهممن در شرایط کار علنی از اساسنامه حذف شده بود، دوباره به اساسنامه حزب افزود.

۲ - پلنوم نوزدهم به بحث مفصل درباره عملکرد ضد اساسنامه‌های شش نفر از اعضا اصلی و مشاور کمیته مرکزی پرداخت و به اتفاق آراء تصمیم گرفت که آنها را به شرکت در این پلنوم دعوت نکند. این تصمیم با توجه به این واقعیت اتخاذ شد که این شش نفر در موارد پر شمار با پخش نظرات خود از طریق مجاری غیر سازمانی اصل رازداری و پنهانکاری مقرر در اساسنامه حزب را که مراعات اکید آن وظیفه همه اعضای حزب است، به گونه‌ای خشن نقض کرده بودند. علاوه بر این، این افراد در ملاقات‌هایی که با کمسیون‌های ویژه هیئت سیاسی منتخب پلنوم هجدهم داشتند، نه تنها به هیچ وجه حاضر به انتقاد از خود نشدند، بلکه به نفی رهبری قانونی حزب نیز اصرار ورزیدند.

پلنوم نوزدهم با اکثریت بیش از دو سوم آراء، بایک خسروی، فرهاد فرجیاد، فریدون آذر نور، حسین انور حقیقی، سعید مهراندم و محمد آزادگر را از عضویت در کمیته مرکزی و حزب اخراج کرد. پلنوم تصمیم گرفت که قطعنامه مربوط به اخراج این افراد برای نظر خواهی به کنفرانس ملی ارائه شود.

۳ - پلنوم نوزدهم تشکیل کنفرانس ملی در شرایط کنونی را ضرور تشخیص داد و در این باره به اتفاق آراء تصمیم ویژه‌ای اتخاذ کرد. این تصمیم پلنوم در انطباق کامل با ماده ۳۷ اساسنامه در باره مقررات کار مخفی است.

۴ - پلنوم نوزدهم پس از بحث و بررسی اسناد و مدارک پیش‌گفته را برای ارائه به کنفرانس ملی به تصویب رساند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

کنفرانس ملی حزب توده ای ماتشکیل شد!

- رفقا از هر سو گرد آمدند و در محیطی پسر شور، گرم و صمیمانه و دمکراتیک در بارهٔ دیروز و امروز و فردای حزب و جنبش به بحث و گفتگو نشستند و در بارهٔ خط مشی حزب، تصمیم گرفتند .
- شالودهٔ بحثها و تصمیم‌گیریها بر چگونه به ثمر نشستن جنبش انقلابی کشور در راه سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی، احیای آزادیهای دمکراتیک و تحقق آماجهای مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب بهمن ۵۷، که خواست دیرین خلقهای میهن‌سازان، کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان کشور است، استوار بود .
- در کنفرانس ملی جای رفقای دریند تودهای سخت خالی بود، اما بازتاب روحیهٔ رزمندهٔ آنها و پیوند عمیق و استوارشان با حزب توده‌های خود، قوت قلبی برای ادامهٔ دهندگان راه آنها بود . رفقای دریند همچنان جایگاه شایستهٔ خویش را در حزب حفظ کردند .
- گل‌های با طراوت سرخ در سالن کنفرانس که در حصار انبوه سیمهای خاردار قرار داشتند، خاطرهٔ شهیدان توده‌های و ریشه‌های عمیق توده‌های ما را در میان مردم زنده می‌داشتند .
- روح دفاع‌پیکر از انترناسیونالیسم پرولتری و مبارزهٔ ضد امپریالیستی برکنفرانس ملی حاکم بود .
- پاکیزگی صفوف حزب از یاران نیمه‌راه، خواست همگان بود که با شعار "د رود بر کمیتهٔ مرکزی حزب ما" تظاهر می‌بافت .
- همبستگی با همهٔ خلق‌ها و جنبش‌های رهایی‌بخش ملی، بویژه خلق‌های منطقه از ویژگی‌های بارز کنفرانس ملی بود .
- پیوند سازمانی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواست قاطع و بلااستثنای شرکت کنندگان بود که با شعار "توده‌های فدائی، پیوند سازمانی" تجسم می‌بافت و سالن کنفرانس را به لرزه در می‌آورد .
- گزارش هیئت سیاسی، برنامهٔ جدید حزب، قطعنامه‌ها، پیامها و دیگر اسناد به تصویب کنفرانس ملی رسید که به تدوین و ریح منتشر خواهد شد .
- کمیتهٔ مرکزی جدید حزب با اکثریت قاطع آرا برگزیده شد و هیئت سیاسی منتخب آن کار خود را آغاز کرد .
- اینک پیام حزب توده‌های ما می‌رود تا لبخند آشنا و مطمئن بر لبان نخبه‌ها کارگران، دهقانان و زحمتکشان رزمندهٔ میهن بنشانند و نوید تازه و امید بخشی‌باری ادامهٔ مبارزه در سطحی گسترده‌تر و با آینده‌های ثمربخش‌تر باشد .

شما ای زحمتگشان کشور!
 شما ای همه خلقهای میهن انقلابی!
 شما ای زنان ستدیده میهن! جوانان پیکارجو! دانشجویان! دانشآموزان!
 شما ای افسران! درجه داران! سربازان! پاسداران و بسیجی‌های میهن
 دوست و مبارز!
 شما ای هنرمندان! ای روشنفکران و ای همه پای‌بندان به آماجهای مردمی و
 ضد امپریالیستی انقلاب بهمن ۵۷! حزب‌توهای خود را پاس دارید .
 دود برحزب‌توده ایران، حزب‌طراز نوین طبقه کارگر ایران!
 زنده باد جبهه متحد همه زحمتگشان و نیروهای انقلابی و مترقی برای
 سرنگون ساختن رژیم جمهوری اسلامی!



برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا،
دشمن اصلی مردم ایران،
متحد شویم!

گزارش سیاسی کمیته مرکزی به

کنفرانس ملی حزب توده ایران

رفقای گرامی !

در فاصله میان پلنوم هیجدهم و کنفرانس ملی ، د هها و د هها نغز از بهترین و فد اکارترین فرزندان میهنمان ؛ اعضای حزب توده ایران ، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر سازمانهای انقلابی و مترقی کشور به شهادت رسیدند و نیز چندین نفر از پیشتازان جنبش کمونیستی و کارگری جهان و ایران در گذشتند .

اینک بیا می خیزیم و به خاطر گرامید اشت خاطره همه شهیدان افتخار آفرین خلق و پیشکسوتان جنبش کمونیستی یک دقیقه سکوت می کنیم .

رفقای عزیز !

کنفرانس ملی ما در شرایطی کار خود را آغاز می کند ، که حزب توده ایران دوران بسبار دشواری را می گذراند ، پیامد های یورش وحشیانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به حزب ما ، چنان شدید بود که در تاریخ ۴۵ ساله حزب سابقه نداشتنه است . هزاران نفر زندانی که در سیاهچالها زیر شکنجه بسر می برند و هزارها نفر مهاجر که در سراسر جهان پراکنده اند ، بخشی از محصول این عمل بیرمزشانه رژیم " ولایت فقیه " است . سردرگمی ها ، اختلاف نظر ها در ارزیابی دوران پس از انقلاب و خط مشی سیاسی در درون حزب که در نتیجه خیانت گروه سه نفری به مجرای ناصحیحی سوق داده شد و به بیرون از حزب نیز انتقال یافت ، جلوه های دیگر از پیامد های یورش به حزب به شمار می رود .

کنفرانس ملی ما وقتی برگزار می شود که بحران عمیق اجتماعی - اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی سراسر جامعه را فرا گرفته است . مبارزه در حاکمیت که بازتاب ادامه پیکار در بطن جامعه است ، هرچه بیشتر تشدید می شود .

کنفرانس ملی ما هنگامی کار خود را آغاز می کند ، که در نتیجه سیاست تجاوز -

کارانه ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی و در رأس آن دولت ریگان، خطر جنگ هستی‌بر-انداز هسته‌ای موجودیت جهان و بشریت را تهدید می‌کند.

بررسی مجموعه‌ای این مسائل، در برابر کنفرانس ملی ما قرار دارد. شما رفقای عزیز باید با بحث خلاق و سازنده و نیز با صبر و حوصله وظایف حزب را در باره همه این مسائل تعیین و خط مشی سیاسی و سازمانی حزب را تدوین و طسرق تحقق بخشیدن به آنها را ارائه کنید.

این که در چنین شرایط سخت و دشواری ماموق شد‌ه‌ایم، پس از گذشت ۳۸ سال از کنگره دوم حزب، برای اولین بار یک کنفرانس ملی، با شرکت بیش از صد تن از کادرهای حزب تشکیل دهیم، خود دارای اهمیت سترگی است. از اینرو، پد رستی با یستی خاطر نشان ساخت تصمیم‌هایی که شما در این جلسه تاریخی خواهید گرفت حائز اهمیت فوق‌العاده خواهد بود. از اینرو، وظیفه بس سنگین و مقدسی بر عهد شماست. ما تردیدی نداریم که رفقا با در نظر گرفتن حساسیت لحظه و بغرنجی مسائل مورد بحث، با تکیه بر اصولیت کمونیستی از عهده اجرای این وظیفه بر خواهند آمد.

اینک با اجازه رفقا به بررسی وضع جهان و ایران و وظایف حزب می‌پردازیم:

وضع ایران و جهان

الف- وضع جهان

بشریت حساس‌ترین دوران تاریخ خود را می‌گذراند. از یکسو امپریالیسم و ارتجاع با تشدید مسابقه تسلیحاتی به ویژه در زمینه تولید جنگ افزارهای هسته‌ای و کشتادن آن به فضای کیهانی، جهان را در معرض خطر فاجعه جنگ هسته‌ای قرار داده‌اند و از سوی دیگر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیز نیروهای صلح خواه و دمکراتیک در سراسر جهان، علیه سیاست ضد بشری امپریالیسم مبارزه می‌کنند.

کشورهای سوسیالیستی در زمینه رشد نیروهای مولد، در عرصه‌های اجتماعی-اقتصادی دمکراسی سوسیالیستی، فرهنگ و ... به دستاورهای بزرگی نایل آمده‌اند. اتحاد شوروی و اکثر کشورهای سوسیالیستی کام در مرحله سوسیالیسم پیشرفته گذارده‌اند که پایه قانونمند بلوغ اجتماعی-اقتصادی جامعه سوسیالیستی در چارچوب فاز نهایی صورتبندی کمونیستی بشمار می‌رود.

در این زمینه اسناد و مدارکی که در کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی به تصریب رسید، دارای اهمیت تاریخی-جهانی است. کنگره بیست و هفتم مسایل گرهی خط‌مشی استراتژیک حزب کبیر لنین در مرحله کنونی و دورنمای تاریخی نزدیک را بشکل فشرده‌ای ارائه و راه حل آنها را نشان داد. مضمون و محتوای همه اسناد مصوبه کنگره، تسریع رشد اجتماعی-اقتصادی اتحاد شوروی است که باید در خدمت

مردم این کشور فرار گیرد . اسناد کنگره بیست و هفتم، بطور مشخص هدف های عمده تئوریک و سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی را از موضع کنونی تعیین می کند . این اسناد محصول خرد جمعی حزب، اراده و فاطحیت آن برای تامین همه جانبه بابرنامه تکمیل سوسیالیسم و حرکت آتی جامعه شوروی به سوی کمونیسم است .

این روند از انقلاب کمپرسوسیالیستی اکثبر سرچشمه می گیرد . مردم اتحاد شوروی به جهانیان نشان دادند ، چگونه خلق هایی که زنجیر بردگی اجتماعی و ملی را پاره می کنند ، قادر می شوند در زمانی کوتاه دستاورد های عظیمی در کلیه عرصه های اجتماعی، اقتصادی، فنی، علمی و فرهنگی داشته باشند . مردم شوروی، علیرغم مشکلات عده - از جنگ داخلی گرفته تا جنگ جهانی دوم - با اراده تزلزل ناپذیر خود توانستند اتحاد جماهیر شوروی را با قدرت عظیم اقتصادی کنونی جایگزین روسیه فقیر و عقب مانده کنند . اگر تا جنگ جهانی دوم اتحاد شوروی به مثابه جزیره ای در اقیانوس جهان سرمایه داری بود، امروز سیستم نیرومند جهانی سوسیالیسم که یکی از دستاورد های بشریت مترقی است، در عرصه بین المللی عمل می کند و الهام بخش ملل جهان در مبارزه در راه استقلال، آزادی، پیشرفت اجتماعی، صلح و سوسیالیسم است .

کمونیست های اتحاد شوروی در کنگره بیست و هفتم با شهامت لنینی جامعه خود را همه جانبه مورد بررسی قرار دادند و با تکیه روی دستاورد های عظیم آن، نارسایی ها، مسایل گرهی و مشکلاتی را که مانع پیشرفت سریع جامعه است، شکافتند . برنامه افزایش دوبرابر تولید در اتحاد شوروی طی ۱۵ سال آینده، با استفاده گسترده از دستاورد های انقلاب علمی و فنی، نه تنها نیروی جاذبه سوسیالیسم را بیش از پیش تقویت می کند، بلکه در عین حال به معنی تحکیم پایه های صلح و امنیت عمومی در جهان است . ناگفته پیداست که جهان سرمایه داری قادر به ارائه در تحقق چنین برنامه ای نبوده و نیست .

افزایش پیگیر قدرت کشورهای سوسیالیستی زمینه هرگونه مقابله نظامی امپریالیسم با سوسیالیسم را خنثی می سازد . در چنین شرایطی عرصه اقتصادی - اجتماعی به مرکز ثقل مقابله و سیستم جهانی تبدیل شده است . تاریخ این مسابقه چندین ده سال را در بر می گیرد . ۴۰ سال پیش، در سال های نخست پس از جنگ جهانی دوم، اتحاد شوروی از نظر اقتصادی بطور چشمگیری از ایالات متحده آمریکا عقب بود . اما امروز، این کشور در بسیاری از شاخص ها به ایالات متحده رسیده و در مواردی حتی از آن پیشی گرفته است . بدیهی است که هنوز تجهیز علمی و فنی در اتحاد شوروی در برخی از رشته های صنعتی کاملاً رضایت بخش نیست . ولی تردیدی نیست که کشور شوراها بزودی این نارسایی ها را جبران خواهد کرد .

در عرصه اجتماعی، سوسیالیسم مدتهاست سرمایه داری را پشت سر گذاشته است . در این عرصه است که هدف عالی سوسیالیسم و خصالت بشر دوستانه و فرقی ماهوی آن با نظام سرمایه داری تظاهر می کند .

در اسناد کنگره بیست و هفتم، تحلیل دقیق و علمی مضمون اساسی دوران ما ، معضلات عظیم آن ، آرایش نیروها در جهان ، خصلت بحران سرمایه داری و نیروی محرکه روند انقلاب جهانی ارائه گردیده ، که برای همه مبارزان راه آزادی و سعادت بشری آموزنده است .

جنبش های آزادی بخش ملی همیشه مقام ویژه ای در استراتژی بین المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی داشته اند . کنگره بیست و هفتم تئوری مارکسیستی - لنینیستی مبارزه انقلابی - آزادی بخش را غنی تر ساخت . در این زمینه مسایل بسیار مهم تناسب عوامل عینی و ذهنی ، نقش پیشروی آگاه انقلابی در گسترش دامنه فعالیت سیاسی توده ها ، شیوه های دستیابی به اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و دیگر معضلات حیاتی جوامع در حال رشد ، مورد بحث و بررسی دقیق قرار گرفته اند .

دولت اتحاد شوروی ، بمثابة یکی از دولت های بزرگ و قدرتمند جهانی ، با پیروی مستعرا از سیاست لنینی صلح که از آغاز تا امروز سنگپایه سیاست خارجی آنرا تشکیل داده و می دهد ، در مسیر حوادث جهانی تاثیر قاطع دارد . اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی در مجموعه خود عامل تعیین کننده رشد جامعه بشری هستند .

با نگاهی گذرا به جغرافیای سیاسی جهان می توان دریافت که در گره های نمایانی در چهره اجتماعی کره زمین روی داده است . تشدید بحران عمومی سرمایه داری ، شرایط پیروزی جنبش های آزادی بخش ملی و انقلاب های ملی و دمکراتیک را در برخی از کشورهای آسیا و آفریقا فراهم آورد . به از هم پاشیدن نهایی سیستم استعماری امپریالیسم منجر گردید . این روند به نوبه خود منجر به تغییر تناسب نیروهای طبقاتی و سیاسی در عرصه جهانی به سود سوسیالیسم و تحکیم بین المللی موضع آن ، همچنین افزایش نقش خاق ها در مبارزه بر سر پیشرفت اجتماعی و صلح گردید .

توازن نظامی - استراتژیک میان اتحاد شوروی و ایالات متحد آمریکا ، میان " پیمان ورشو " و " پیمان ناتو " ، به عنوان یکی از بزرگترین دستاورد های سوسیالیسم ، دارای اهمیت تاریخی - جهانی است . این دستاورد بزرگ موضع سوسیالیسم واقعا موجود و همه نیروهای صلح دوست و ترقی خواه جهان را در مبارزه علیه سیاست جنگ و تجاوزگری امپریالیسم نیرومند تر ساخت و امکان های ارتجاع امپریالیستی را که نقشه " چنکصیلی " علیه کمونیسم جهانی و نیروهای پیشرفت اجتماعی و صلح را در مخیله خود می پروراند ، بیس از پیش محدود ساخت .

در طرح برنامه حزب تاکید می شود که خصلت و مضمون اساسی دوران ما گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و کمونیسم و مسابقه تاریخی دو سیستم اجتماعی - سیاسی جهانی است . دوران ما ، دوران انقلاب های سوسیالیستی و آزادی بخش ، دوران مبارزه نیروهای عده محرکه پیشرفت اجتماعی ، یعنی سوسیالیسم جهانی ، احزاب کمونیست کشورهای سرمایه داری پیشرفته و جنبش های آزادی بخش ملی ، بر ضد امپریالیسم و در راه دمکراسی و ترقی اجتماعی و صلح است .

شناخت درست و صحیح از خصلت دوران، به ما امکان می دهد تا :
اولا - وضع عمومی جهان و دوره های رشد آن را، هم در آینده نزدیک و هم در
دراز مدت، به درستی درک نماییم ؛

ثانیا - به نتایج مبارزه خود علیه ارتجاع و امپریالیسم و در راه دگرگونیهای بنیادی
در جامعه با اعتماد و خوش بینی بنگریم .

خصلت و مضمون دوران ما، مؤید آن است که دگرگونی های انقلابی پس از پیروزی
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که در سراسر جهان، شرایط استقبال روزافزون بشریت از
سوسیالیسم را فراهم ساخت، نتیجه قانونمند رشد اجتماعی است . امپریالیسم و ارتجاع
چه بخواهند و چه نخواهند، صورتبندی نوین اجتماعی - اقتصادی کمونیسم، جایگزین
نظام بهرهکشی انسان از انسان خواهد شد .

هراس امپریالیسم از سوسیالیسم و انقلاب های آزادی بخش ملی، نشانه ای از آن
است که نظام سرمایه داری دورنمای تاریخی خود را از دست داده است . به راه انداختن
کارزارهای تبلیغاتی گسترده کمونیسم ستیزی، و تبلیغ اندیشه های شوونیستی و نژاد پرستانه
در میان توده های وسیع، از این هراس دیوانه وار سرچشمه می گیرد . اینجاست که
سیاست، تبلیغ، دیپلماسی، "جنگ روانی" و "در شکل واحدی تظاهر پیدا می کند و
خصلت نظامیگری به خود می گیرد .

نباید فراموش کرد که لبه تیز کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی - به عنوان حربه
ایدئولوژیک بورژوازی و به ویژه محافل امپریالیستی نه تنها متوجه کشورهای سوسیالیستی
و احزاب کمونیستی و کارگری، بلکه متوجه همه جنبش های مترقی و دمکراتیک است .

امپریالیسم و ارتجاع می کوشند تا چرخ حرکت تاریخ را به عقب بازگردانند و یا
آن را از حرکت بازدارند . آنها با کام برداشتن در راه تشدید و خامت اوضاع بین المللی
مسابقه تبلیغاتی، میلیتاریزه کردن کلیه عرصه های اجتماعی - سیاسی و حیات معنوی
جهان غرب بشریت را با فاجعه جنگ هسته ای رویرو ساختند . ایالات متحده آمریکا
و متحدانش در "تاتو" سعی دارند تا مقابله و سیستم - سرمایه داری و سوسیالیسم -
را به عرصه نظامی سوق دهند .

در این دهه در آخرین تحلیل نیروهای سوسیالیسم و پیشرفت اجتماعی و صلح پیروز
خواهند شد تردیدی نیست، ولی نباید لحظه ای از نظر دور داشت که امپریالیسم هنوز
دارای توان اقتصادی و سیاسی قابل ملاحظه ای است و نقش مهمی در سیاست جهانی
ایفا می کند . امپریالیسم و عمال آن در این یا آن نقطه از جهان در ایجاد کانون های
بحران تشدید و وخامت تا سرحد جنگ های محلی موفق می شوند و برای مدت نسبتا
طولانی می توانند رژیم های ضد مردمی فاشیستی و نژاد پرست برای سرکوب خلق ها
حمایت کنند .

امپریالیسم آمریکا همچنین تکیه بر نیروی نظامی را به عنوان یکی از عمده ترین حربه
های خود علیه کشورهای مترقی، جنبش های رهایی بخش ملی و ضد امپریالیستی بکار

می‌گیرد .

با این همه این پدیده‌ها نه نشانگر قدرت امپریالیسم، بلکه مؤید آن است که نظام سرمایه‌داری قادر به کشیدن کره‌های کوری که مستقیماً با دورنمای موجود است، آن، ارتباط دارد، نیست . سیر رویدادها نشان می‌دهد که نه چاره‌جویی‌های امپریالیسم و نه مجموعه سیاست و دیپلماسی‌اش، نمی‌توانند از روند فروپاشی نظام فاسدسود سرمایه‌داری جلوگیری کنند . محکومیت تاریخی سرمایه‌داری و ژرف‌سبحان آن، زائیده عوامل ذهنی و یا اشتباه دولت‌های امپریالیستی نیست، بلکه ناشی از تضادهای اجتماعی آن است . پدیده‌های بحرانی مزمینی مانند بیکاری گسترده و فزاینده و تورم، به ویژه در شرایط کنونی - در شرایط انقلاب علمی و فنی - پی‌آمدهای فاجعه‌آمیزی در پی دارد . بخش عظیمی از ساکنان جهان سرمایه‌داری از ابتدایی‌ترین حقوق اجتماعی محرومند و با فقر و گرسنگی دست‌بگیران هستند . مثلاً تعداد بیکاران در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه که همه کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری را در بر می‌گیرد، در اول سال ۱۹۸۶ به ۳۰ میلیون نفر رسید .

امپریالیسم عامل اصلی بوجود آمدن مشکل‌های عظیم اجتماعی - اقتصادی دامنگیر کشورهای "جهان‌سوم" است . درست است که جنبش‌های آزادی‌بخش ملی کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین سیستم استعماری امپریالیسم را در هم شکست‌اند، ولی هنوز نتوانسته‌اند بیرمکانیسم نو استعماری امپریالیسم که مانع اساسی دستیابی به استقلال اقتصادی است چیره شوند . در حال حاضر سهم کشورهای رشد یافته در تولید جهانی اندکی بیش از ۲۱ درصد است، در حالی که وزن مخصوص آنها به نسبت کل جمعیت جهان به ۷۵ درصد بالغ می‌شود و این بیانگر ژرف‌سکاف میان کشورهای رشد یافته و کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته است . رشد ناموزون سرمایه‌داری، کاربرد مکانیسم نو استعماری و الگوهای "مدنیزه کردن" اقتصاد کشورها که از جانب نظریه پردازان بورژوازی دیکتسه می‌شود، عامل عمده وضع فلاکت‌بار قاطع کشورهای رشد یافته است .

یکی از حلقه‌های اصلی زنجیر اسارت بار سیستم بهره‌کشی نو استعماری، بدهی عظیم کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین به کشورهای رشد یافته صنعتی جهان غرب است . در حال حاضر وام خارجی که زائیده صدور سرمایه و در ارتباط مستقیم با تشدید بحران در بازار جهانی سرمایه‌داری از سوئی و تضعیف موضع کشورهای رشد یافته از سوی دیگر است، یکی از مهمترین اشکال بهره‌کشی از این کشورها بشمار می‌رود .

برای آنکه تصویر روشنی از این واقعیت بدست آید، به ارقام مراجعه کنیم . کل بدهی کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین به مراکز مالی سرمایه‌داری از ۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۸۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ (طبق آخرین آمار در سال ۱۹۸۶ به ۱۰۰۰ میلیارد دلار) رسیده که بیش از یک سوم کل محصول ناخالص این کشورهاست .

بانک های امپریالیستی با افزایش بهره وام که در اواسط سال های ۸۰ میلادی به ۱۴-۱۰ درصد برای وام های بلند مدت و ۲۰-۱۷ درصد برای وام کوتاه مدت رسید، در واقع بهره کشی از کشورهای رشد یابنده را در برابر افزایش دادند. در نتیجه، کل مبلغی که به شکل بهره وام طی پنجسال اول دهه ۸۰ از کشورهای رشد یابنده به کشورهای رشد یافته صنعتی سرمایه داری انتقال یافت به ۱۳۰ میلیارد دلار بالغ گردید. هم اکنون کشورهای رشد یابنده ناگزیر هستند برای بازپرداخت بهره وام، وام جدید دریافت کنند و بدینسان هرچه بیشتر در باثناق سیستم بهره کشی نواستعماری امپریالیسم فسرورند.

تصادفی نیست که کشورهای در حال رشد، در راه تجدید نظر بنیستادین در مناسبات اقتصادی با جهان غرب و در راه ایجاد نظام مناسبات عادلانه و برابر حقوق مبارزه می کنند. مناسبات کشورهای رشد یابنده با کشورهای عضو "شورای همیاری اقتصادی" و از جمله اتحاد شوروی نشانه بارز این واقعیت و نمونه درخشان مناسبات عادلانه و برابر حقوق است.

سیاست نواستعماری امپریالیسم منشاء جنگ ها و برخورد های نظامی و مسابقه تسلیحاتی در "جهان سوم" است. مسابقه تسلیحاتی تحمیل شده از جانب امپریالیسم تاثیر ویرانگری بر رشد اجتماعی- اقتصادی این کشورها برجای می گذارد. اگر در سال ۱۹۶۵ سهم کشورهای رشد یابنده از کل هزینه های نظامی در جهان فقط ۶ درصد بود، این رقم در سال ۱۹۸۴ به ۱۸ درصد افزایش یافت. در این سال کشورهای "جهان سوم" ۱۱۹ میلیارد دلار صرف هزینه های نظامی کردند که ۴۶ میلیارد دلار آن به کشورهای خاورمیانه و نزدیک و ۳۲ درصد آن به کشورهای خاور و جنوب شرقی آسیا، تعلق داشت.

انباشت جنگ افزارهای مدرن در کشورهای رشد یابنده، به ویژه با در نظر گرفتن اختلاف هایی که میراث استعمار است و در مواردی به برخورد های مسلحانه و حتی جنگ میان آنها منجر می گردد، خطر بزرگی برای صلح و امنیت جهانی است.

امپریالیسم از برخورد های نظامی و جنگ های بین کشورهای "جهان سوم" که زائیده سیاست نواستعماری است، برای سرکوب جنبش های آزادی بخش و تحمیل "حل" نواستعماری گره های کور اجتماعی به این کشورها به قصد حفظ آنها در دایره تقسیم کار بین المللی سرمایه داری بهره می گیرد.

برپایه برآورد کارشناسان فقط طی ۲۵ سال نخستین پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای رشد یابنده در ۹۳ جنگ شرکت کرده اند. مجموع اینگونه جنگ ها و برخورد های نظامی مرزی از سال ۱۹۴۵ تاکنون به ۱۵۰ مورد می رسد.

استعمار نو و ایدئولوژی و استراتژی ضد کمونیستی آن، به این جنگ ها خصیلت بخرنجی می دهد. امپریالیسم می کوشد تا با به راه انداختن جنگ های محلی سیاست غارت و بهره کشی و حفظ مناسبات نواستعماری را با وظایف اجتماعی- طبقاتی خود برای

حفظ سرمایه داری، به مثابه یک نظام اجتماعی، پیوند دهد.

از نظر طبقاتی یکانه منشاء جنگ های محلی، استراتژی سیاسی - نظامی امپریالیسم علیه سوسیالیسم جهانی، جنبش های آزادی بخش ملی و نهمت کارگری بین المللی است که به اشکال گوناگون چهره خود را می نمایند. حمله اسرائیل، متفق استراتژیک آمریکا، به کشورهای عربی و اشغال سرزمین های آنها منجر به آواره شدن میلیونها فلسطینی گردید. حمله این کشور به لبنان بازپراگندن مقررات بین المللی و تبدیل این کشور به مخروبه، تجاوز سومالی به اتیوپی به تحریک امپریالیسم آمریکا، تجاوز مستعمرزم نژادپرست آفریقای جنوبی که از پشتیبانی دولت آمریکا و همپیمانان آن در "ناتو" برخوردار است به آنگولا، موزامبیک و برخی دیگر از کشورهای آفریقای، استفاد ه از تاکتیک "جنگ های اعلام نشده" در افغانستان انقلابی، کامپوچیا، آنگولا، نیکاراگوئه و یا ورودی هجوم مسلحانه مستقیم به کشورهای مانند حمله به گرنادا و لیبی نمونه هایسی از استراتژی نظامی - سیاسی و تروریسم دولتی امپریالیسم است.

گسترش تروریسم بین المللی تا سطح سیاست خارجی دولت ایالات متحده آمریکا نظیر آنچه در تجاوز به لیبی انجام شد، بیانگر خود سری و اعمال قانون جنگل از طرف دولت ریگان است. کنفرانس این سیاست راهزانه و تفرعن ننگین را شدیداً محکوم می کند.

ایالات متحده آمریکا می کوشد تا از جنگ های به اصطلاح محلی برای سر هم زدن "توازن نیروها" به سود خود در مقابل با سوسیالیسم بهره گیرد و از این کانون ها برای تشدید هرچه بیشتر وخامت بین المللی استفاده کند.

از آنچه که گفته شد می توان نتیجه گرفت که میان وظایف نهایی جنبش های آزادی بخش ملی و مبارزه در راه صلح و علیه مسابقه تسلیحاتی ارتباط ناگسستی وجود دارد. از اینرو حزب توده ایران ضمن محکوم کردن سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، از سیاست صلح لنینی حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی قویا پشتیبانی می کند. بیانیه ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ رفیق گارباچف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پیرامون تقلیل جدول بندی شده ذخایر جنگ افزارهای هسته ای و انهدام کامل آنها تا سال ۲۰۰۰، آئینه تمام نمای این سیاست است. حزب توده ایران خواهان پایان دادن به هرگونه مداخله خارجی، ایستاد منطقه ای از سلاح های هسته ای در اقیانوس هند و خاورمیانه و نزدیک است و در این راه مبارزه می کند. حزب توده ایران مبارزه در راه صلح و تامین امنیت جهانی و پشتیبانی از مبارزات آزاد یخواهانه و استقلال طلبانه خلق های جهان را وظیفه انقلابی خود می داند.

ب- وضع ایران

هفت سال از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ می گذرد. هفت سال برای پی ریزی یک

اقتصاد مستقل و سالم و آغاز حل معضلات اجتماعی به سود زحمتکشان، زمان کوتاهی نیست، بویژه با در نظر گرفتن درآمد عظیم نفت که در فاصله سالهای ۱۳۵۹ تا اول سال ۱۳۶۴ به ۷۹۶۰ میلیارد ریال بالغ شد. اما، سران مرتجع جمهوری اسلامی با عدول از آماج های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب و پشت کردن به توده ها، سیاستی عمیقاً ضد خلقی و ضد دموکراتیک در پیش گرفتند. در نتیجه امروز پس از گذشت هفت سال از انقلاب، جامعه ما با بحرانی عمیق که کلیه عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی و معنوی را فرا گرفته، روبرو است.

۱- رژیم ترور و اختناق

رژیم با استقرار نظام خودکامه قرون وسطایی، کلیه آزادبهای دموکراتیک، از آزادی احزاب، جمعیت ها، اتحادیه ها گرفته تا آزادی قلم و بیان و اعتصاب و غیره را زیر پا گذارد. سران مرتجع و خیانت پیشه جمهوری اسلامی با سازمان دادن یورش های فاشیستی به حزب توده ایران و مجموعه سازمانهای انقلابی و نیروهای ملی و دموکراتیک و دستگیری و شکنجه و اعدام ده ها هزار تن از نیروهای انقلابی و مترقی از یک سو و آزاد کردن سواکی ها و عمال و دست نشاندهگان امپریالیسم از سوی دیگر، بزرگترین ضربه را به جنبش آزاد بیخشم مردم میهن ما وارد ساختند.

رژیم نه تنها تاب تحمل دگراندیشان را ندارد و با قساوت بیسابقه ای با آنها به مقابله می پردازد، بلکه با سازمان دادن انواع نهاد های سرکوبگر - از انجمنه وزارت اطلاعات - تروریسم و جاسوسی علیه شهروندان و دخالت آشکار در زندگی شخصی انسان هارا به سیاست رسمی خود تبدیل کرده است. رژیم قادر نیست بدون توسل به زندان و شکنجه و اعدام و شلاق و چماق به موجودیت خود ادامه دهد.

زندان ها از دارکران و دهقانان و دانشجویان و روشنفکران مترقی و مبارزان ایتنا داشته شده است. دادگاه های "شرع" بی وقفه سرگرم صدور احکام زندان های دراز مدت و اعدام برای میهن پرستان هستند. این دادگاه ها نه تنها خود را ملزم به مراعات عدلی ترین موازین و مقررات و حقوق بین المللی مورد پذیرش جهانیان، نمی دانند بلکه مواد قانون اساسی و قانون مدنی تصویب شده جمهوری اسلامی را نیز زیر پا گذارند. زندانیان سیاسی از ابتدایی ترین حقوق انسانی، قضایی و زیستی محروم هستند. در زندان های جمهوری اسلامی برخلاف موازین بین المللی از متهم به عنوان شاهد استفاده می شود. متهمین حق انتخاب وکیل مدافع را ندارند و اصولاً از هرگونه حق دفاع محروم هستند.

شلاق زدن، آویزان کردن زندانی از پاها، کشیدن ناخن، بستن چشمه ای زندانی طی چند ماه، استفاده از دستبند قیانی، قرار دادن زندانی در دستگاهی مشهور به "سوراخی" و نیز خوراندن و تزریق داروهای شیمیایی و روانگردانی و ... از جمله شکنجه های رایج در فراموشخانه های جمهوری اسلامی است. این شکنجه ها ماه های متوالی ادامه می یابد و شامل حال بسیاری از رفقای ما که گروهی از آنها سالها

ست در سلول های انفرادی بسر می برند ، شده است . از بهداشت و درمان در زندانها خبری نیست . بیماری های گوناگون از قبیل دیسک ، بیماری های چشمی ، پوستی ، کوارشی ، طحال ، سل ، رماتیسم و غیره در زندانها بیداد می کند . زندانیان از غذای کافی ، سالم و مقوی محروم هستند .

چنانکه می دانید رفقا افضلی ، کبیری ، عطاریان ، فرزاد جهاد ، غلامرضا خاضعی ، محمد بهرامی نژاد ، ابوالفضل بهرامی نژاد ، شاهرخ جهانگیری ، حسن آذرفر و خسرو لطفی چند ماه پس از دستگیری طی یک مذاکمه کوتاه به اعدام محکوم و به جوخه اعدام سپرده شدند . بعد ها رژیم رفقا عظیم محقق و صالح امیرافشار و رضا محمد زاد هکارگاه را اعدام کرد . افزون بر این رفقا علوی ، قزلچی ، شلتوکی ، کی منش ، حسن حسین پور تبریزی ، مرتضی باباخانی ، علی شناسائی ، شاپور قناعتی ، عادل رام ، حسین قدمگاهی ، رسول امیری ، حمید موس غفاری ، اسدالله ریاحی ، موسی فرقانی ، محمد صدیق و اخیرا بهروز افشاری یاد در زیر شکنجه و یا در نتیجه شکنجه های حیوانی رژیم شهید شده اند . در اینجا نمی توان از رفقا کیشا علیشاهی و همانصر زنجانی (که زیر شکنجه به شهادت رسید) به عنوان مظهر قهرمانی و عشق بی پایان به حزب یاد نکرد . همچنین طبق اطلاعات رسیده رفقا رحمان هاتفی (حیدر مهران) ، غلامحسین آگاهی و گایگ آوانسیان نیز به شهادت رسیده اند که به علت قطعی نبودن این خیرها ، تا کنون از اعلام رسمی شهادت آنها خود داری شده است . بدینسان تنها از بد و بورش تا کنون بالغ بر ۳۰ تن از بهترین فرزندان خلق و اعضای حزب ما جان خود را در راه دفاع از آرمان های حزب طبقه کارگر ، یعنی در راه نجات توده های زحمتکش از فقر و بیکاری و گرسنگی و ایجاد ایرانی آزاد و آباد و مستقل فدا کرده و به خیل انبوه شهدای حزب پیوسته اند . یادشان گرامی باد !

رفقای گرامی !

در شرایط کنونی ، رژیم جمهوری اسلامی ، نه تنها بر همه خلق ها ستم طبقاتی روا می دارد ، بلکه حقوق ملی خلق های ساکن ایران را نیز بشدت پایمال می سازد و برای پیشبرد سیاست شوونیستی خود از ارتکاب هیچ تبهکاری و جنایتی کوتاهی نمی کند . خلق های ایران در شدیدترین فشارهای سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی بسر می برند . در کشورما ، ملیت های گوناگونی (کرد ، بلوچ ، آذربایجانی ، عرب ، ترکمن و فارس و غیره) زیر سایه سرنیزه روزگار می گذرانند . ملل ، اقوام و اقلیت های ملی مانند ارمنه و آشوری ها حق نوشتن و خواندن و تحصیل به زبان مادری ، پوشیدن لباس های ملی و برگزاری آداب و سنن دیرپا و رشد و تعالی فرهنگ خود محروم هستند . در این بین رژیم بویژه لبه تیز حملات خونبار خود را متوجه خلق قهرمان کرد کرده است . در ماندگی رژیم " ولایت فقیه " که در کردستان از پایگاه مردمی برخوردار نیست ، از آنجا آشکارتر می شود که بیش از یکصد هزارتن از نیروهای سرکوبگر خود ، از ارتشیی ، پاسدار و بسیجی گرفته تا مشتی عناصر مزدور و خود فروخته را در کردستان متمرکز و در

سراسر خاک کردستان پایگاه و قرقگاه های نظامی ایجاد کرده است .

محاصره اقتصادى شهرها و روستاهای کردستان ، به خاک و خون کشیدن روستاهای کرد نشین در زیر آتش سنگین تانک و توپ ، بمباران بیرحمانه روستاهای بدون دفاع ، تخلیه اجبارى روستاهای نوار مرزى و اتخاذ سیاست تمرکز کرده در شهرها از طریق کوچاندن آنها به منظور کنترل همه جانبه امور زندگى و فعالیت اجتماعى و سیاسى آنها ، اجرای طرح ارتجاعى "هجرت دانش آموزى" و روانه کردن دانش آموزان غیر بومی به مدارس کردستان به عنوان چشم و گوش های رژیم و ابزار تبلیغى و ایدئولوژیک آن ، همپیمانى با رژیم وابسته ترکیه بخاطر سرکوب مبارزان کرد ، از جمله اشکال و شیوه های ضد مردمى رویاروى رژیم "ولایت فقیه" با جنبش عادلانه و حق طلبانه خلق کرد است .

افزون بر این ها ، سرکوب طوایف گمشاد زهوى و یارمحمد زهوى و اسمعیل زهوى و ناروى در بلوچستان و بطور کلی دستگیرى ، شکنجه و اعدام بهترین فرزندان مبارز خلق های ایران نشانگر این واقعیت است که سردمداران و پسرگرا و تبهکار جمهورى اسلامى اساسا نمى خواهند جز با زبان اسلحه و اختناق با خلق های ایران سخن گویند .

مضمون اصلی سیاست رژیم در باره مسئله ملی ، خواه در ردستیزی به اعمال قهر خونبار و خواه با برداشتن علم "دفاع از حقوق خلق ها" عبارت است از سرکوب جنبش عادلانه و حق طلبانه خلق ها یا تهى ساختن آن از محتوای آزادخواهانه ضد امپریالیستى ، افشاندن بذر تفرقه و چند پارچگى در بین صفوف پیکارگران راه آرمان های ملی و دمکراتیک تمام خلق و مبارزان راه دستیابى به حق خود مختارى . رژیم نمى تواند شراره های مبارزه خلق های ایران از جمله و بویژه خلق کرد را که از ستم دیرینه ملی و طبقاتى سربرمى کشد ، با توسل به جنگ افزار و خونریزى خاموش کند .

حزب توده ایران یگانه حزبی است که از بدو تشکیل خود واقعیت کثیرالمله بودن ایران را مطرح کرده و همواره از حق کلیه ملیت هاد تعیین سرنوشته خویش و از برابری کامل حقوق ملیت ها و اقوام و اقلیت های ملی ساکن سرزمین ایران دفاع کرده و مى کند . یاری های بیدریغ به جنبش های آزاد بیخش خلق های آذربایجان و کردستان در سال های ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ برگ های زرینی از تاریخ مبارزه حزب ما بشمار مى رود .

در اینجا باید به پیوند مسئله ملی با جنبش سراسرى و همگانی خلق های ایران توجه شود و از آن نتیجه گیری مشخص سیاسى به سود جنبش علیه رژیم به عمل آید . تردیدى نیست که حل مسئله ملی تنها در چارچوب حل تضاد عمده جامع معنی تضاد تمام خلق با رژیم ضد مردمى "ولایت فقیه" ، رژیم مدافع منافع کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران ، امکان پذیر است .

حزب توده ایران از مبارزه همه خلق های ایران و از آنجمله خلق کرد و بلوچ که در راه خود مختارى مى رزمند با تمام قوا پشتیبانى کرده و مى کند .
رفقای گرامسى !

رژیم که از رشد جنبش تودمى ، تشدید مبارزه نیروهای انقلابی و مترقى و نیوسز

اوجگیری موج مقاومت در زندانها بشدت هراسان شده است، ضمن تشدید جو اختناق و افزایش دستگیری ها، نسبت به زندانیان سیاسی سختگیری های بیشتری می کند و دست به حرکت های انتقامجویانه می زند. حاکمان "شرع" و شکنجه گران بویژه با کادرهای حزبی در بند برخورد های غیر انسانی دارند. آنها با افزایش شکنجه، کم کردن جیره غذایی، جلوگیری از بستری شدن در بیمارستان و انواع اقدام تضيقات دیگر می کوشند تا به شکلی "طبیعی" به زندگی گروهی از زندمرین مبارزان توده ای خاتمه دهند. حزب توده ایران اعمال ضد بشری رژیم را بشدت محکوم می کند و تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی را به عنوان يك وظیفه عاجل تا فراهم شدن رهایی آنها در دستور روز مبارزه خود می داند.

۲ - وضع اقتصادی

اقتصاد ایران در چار بحران ژرفی است. تولیدات صنعتی و کشاورزی ایران در دهه اخیر هیچگاه در چنین سطح نازلی نبوده و این زائیده سیاست ضد خلقی رژیم است. نبرد برنامه مشخص عمرانی و ناتوانی و بی لیاقتی گردانندگان اهرم های اداره کشور، از جمله دیگر عوامل موثر در ژرفش بحران اقتصادی ملی است. تقریباً همه واحدهای صنعتی کشورما، از نظر تامین مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و قطعات و لوازم یدکی، عمیقاً وابسته به انحصارهای امپریالیستی هستند. مکانیسم نواستعماری ایجاد صنایع وابسته که در گذشته به کشور و مردم ما تحمیل شد، امروز نیز پس از گذشت هفت سال از انقلاب با همان شدت و حدت عمل می کند. ادامه جنگ خانمانسوز که بخش عمده بودجه کشور را جذب می کند و عدم تامین نیاز ارزی کارخانه ها، نه تنها زمینه رشد داخلی را از بین برده بلکه در برخی رشته‌ها آن را با رکود مواجه ساخته است. واحدهای تولیدی صنعتی با کمتر از نصف ظرفیت کار می کنند و یا یکی پس از دیگری تعطیل می شوند.

طبق برآورد مقام های رسمی، میزان نیاز ارزی سالانه برای ادامه فعالیت عادی ۷ هزار واحد صنعتی بزرگ ۵/۶ میلیارد دلار است. این حداقل رقمی است که دولت در نظر گرفته است. در واقع نیاز ارزی صنایع ایران در مجموع به ۷ تا ۶ میلیارد دلار بالغ می شود. ولی ارزی که رژیم در اختیار وزارت صنایع گذاشته، در سال ۶۳، ۳/۸ میلیارد دلار بوده که در سال ۶۴ کاهش یافته به ۲/۵ میلیارد دلار رسیده است.

سرمایه گذاری در صنایع بطور عمده برای برآورد اختن چرخ های آن موسساتی به کار می رود که از لحاظ ماشین آلات ۹۵ درصد و از لحاظ مواد خام ۷۵ درصد به بازار جهان سرمایه‌داری وابسته هستند. اضافه بر این، رژیم حتی امکان هزینه کردن سرمایه گذاری های صنعتی پیش بینی شده در بودجه کشور را نیز ندارد. مثلاً در سال ۱۳۶۳ از ۱۱۸۶ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری مصوب بودجه فقط ۸۰۰ میلیارد و در سال ۱۳۶۴ (با وجود کاهش سرمایه‌گذاری به ۱۱۳۵ میلیارد ریال) تنها ۷۵۰ تا ۸۰۰ میلیارد ریال هزینه شده است. این در حالی است که هزینه های جاری کشور سال بسال افزایش

داشته است . در نتیجه تولید ناخالص ملی سال بسال رویه کاهش رفته و هنوز هم به سطح سال ۱۳۵۶ نرسیده است . کاهش تولید ، موجب رشد و افزایش بیکاری و فساد در جامعه گردیده است .

ترکیب واردات کشور و "سیاست درهای باز" که رژیم در پیش گرفته ، سبب ورشکست صنعتی کشور گردیده است . کالاهای مصرفی بخش عمده واردات کشور را تشکیل می دهند . رژیم که در سالهای نخست پس از انقلاب رسیدن به "خودکفایی صنعتی" را یکی از شعارهای عمده خود اعلام کرده بود ، نه تنها گامی در این راه برنداشته و سرمایه گذاری در راه ایجاد صنایع تولید وسایل تولید را تقریباً به صفر رسانده ، بلکه با اتخاذ "سیاست درهای باز" ، عملاً صنایع موجود را نیز به سوی ورشکستگی کشانده است .

کارسواپی هیئت حاکمه ایران به جایی رسیده که - به گفته مقام های رسمی - درصد است صنایع ایران را در اختیار انحصارهای امپریالیستی قرار دهد . جالب که هیئت حاکمه خیانت خود به مصالح ملی را "اجاره دادن صنایع" به "دیگر کشورها و کمپانی های جهانی" نامگذاری کرده است . در واقع این نامگذاری پوششی است برای پنهان ساختن سیاست رژیم در جلب سرمایه های انحصاری و احیاء مواضع از دست رفته امپریالیسم جهانی در اقتصاد ملی . پی آمد های ویرانگر این سیاست نیازی به تفسیر ندارد . وابستگی عمیق ایران به بازار جهان سرمایه داری که از رژیم گذشته به ارث رسیده و در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی تعمیق یافته و اتکاء به صادرات نفت که هم اکنون ۹۸/۵ درصد کل صادرات کشور را در برمی گیرد ، عمده این سیاست ایران بر باد ده است . وابستگی به درآمد نفت به معنای وابستگی به نوسان های عرضه و تقاضا و نیز نزلزل بهای نفت در بازار جهان سرمایه داری است . در حال حاضر ، بیش از ۸۴ درصد بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی با کشور های رشد یافته صنعتی سرمایه داری و یا شعبه های انحصارهای امپریالیستی در کشورهای نظیر ترکیه ، پاکستان ، بزرگیل و غیره است .

همچنین جهان غرب بزرگترین مصرف کننده نفت خام ایران نیز هست . بدینسان نفت به مثابه عامل تشدید وابستگی عمل می کند . نوسان های تقاضا در بازار نفت تاثیر منفی بر اقتصاد ملی می گذارد . مثلاً بودجه رژیم در سال ۱۳۶۳ بر اساس ۸۰۰ میلیارد ریال از محل درآمد نفت تنظیم گردید ، در حالی که درآمد واقعی از ۱۳۷۳ میلیارد ریال بیشتر نشد . در بودجه سال ۶۴ درآمدی حدود ۱۸۶۰ میلیارد ریال پیش بینی شده بود در حالی که فقط ۱۲۰۰ میلیارد ریال عاید دولت شد . در بودجه سال ۶۵ درآمد نفت ۱۶۰۰ میلیارد ریال تخمین زده شده و از هم اکنون می توان گفت که رژیم قادر نخواهد بود حتی نصف این درآمد را از محل فروش نفت خام بدست آورد . زیرا لایحه بودجه قبل از پائین آمدن سریع قیمت نفت در بازار جهانی تنظیم شده بود ، یعنی هنگامی که قیمت نفت خام برای هر بشکه ۲۸ دلار بود . ولی در ژانویه سال ۱۹۸۶ قیمت نفت به

۱۰-۹ د از برای هر بشکه تقلیل یافت که ضربه شدیدی بر اقتصاد کشور وارد خواهد ساخت . در نتیجه کاهش قیمت نفت در سال های اخیر قیمت هر بشکه نفت خام از ۳۵ دلار در سال ۱۹۸۱ به ۱۷-۱۵ دلار رسیده است . در این بین ، دولت برای برون رفت از این بست اقتصادی از سوئید مواد غذا، ایی کاسته و قیمت سوخت و آب و برق و غیره را به تدریج افزایش داده است .

تنزل قیمت نفت ناگامی در نیل به هدف های بودجه سال ۱۳۶۵ را در پی خواهد داشت و سطح زندگی در کشور ما را بیش از پیش پائین خواهد آورد . کاهش درآمد نفت و کسری بودجه ، مالا استقراض از نظام بانکی را افزایش خواهد داد . استقراض بانکی به چاپ اسکناس بدون پشتوانه و افزایش حجم پول در گردش منجر خواهد شد که این نیز بنوبه خود بمتورم افسارگسیخته موجود دامن می زند . در حال حاضر ، بار تورم که بیش از ۵۰ درصد بالغ می شود ، بطور عمده بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند .

از آنجایی که پول در گردش بر مبنای تولید داخلی و ارزش افزوده نیست و متکی بر درآمد نفت و استقراض بانکی است . حجم آن و میزان نقدینگی متمرکز در دست بخشی خصوصی روز به روز افزایش می یابد . این نیز فقط و فقط به سود کلان سرمایه داران و واسطه ها و به زیان اکثریت قاطع مردم کشور ما است .

به اعتراف نخست وزیر رژیم ، در نتیجه این سیاست نقدینگی بخش خصوصی از ۲۶۱۳ میلیارد ریال در سال ۵۷ به ۸۰۰۰ میلیارد ریال در اوایل سال ۶۴ رسید . انباشت این ثروت عظیم بطور عمده در دست بخش خصوصی که خارج از کنترل دولت است ، خطر بزرگی برای اقتصاد ملی است . بخش خصوصی از سرمایه گذاری در صنایع خودداری کرده و به خدمات که سود کلان دارد ، روی آورده است .

به موجب آمار که موسوی به هنگام طرح لایحه بودجه سال ۶۵ در مجلس ارائه کرد ، در سال ۶۲ ارزش افزوده بخش کشاورزی در کل ارزش افزوده کشور مبلغی حدود ۴۲۹ میلیارد ریال و ارزش افزوده بخش آب و برق ۵۹ میلیارد ریال بود ، حال آنکه سهم خدمات به ۷۳۷۵ میلیارد ریال رسید . سود خالص از این مبلغ فقط طی یکسال سه ۲۳۰۰ میلیارد ریال بالغ شد که در تاریخ معاصر ایران بیسابقه است .

تشکل های تجار و سرمایه داران بزرگ همانند "کمیته امور صنعتی تهران" و "سازمان اقتصاد اسلامی" در واقع شریان های مهم تجاری کشور را در دست دارند . این تشکل ها شبکه وسیعی با شرکت عدده کثیری از روحانیون حاکم ایجاد کرده اند و در نهاد های گوناگون دولتی نفوذ دارند . هم اینها مانع از تصویب قانون ملی کردن بازرگانی خارجی شدند و عامل عدده گرانی و کمبود کالا های ضروری و مورد نیاز مردم هستند . ناسراسایی شبکه راهها و موسسات حمل و نقل و مخابرات ، کمبود انبارهای مناسب در مراکز مصرف شهری و روستایی ، فقدان تعاونی های واقعی مصرف و تولید و نیز عدم تمرکز پول در گردش در نظام بانکی ، به سود کلان سرمایه داران و به ضرر اقتصاد ملی است .

سران جمهوری اسلامی به همپیوندی با انحصارهای امپریالیستی ادامه می دهند، در آمیزی سرمایه دولتی با سرمایه امپریالیستی، یکی از ویژگیهای رژیم دست نشانده شاه بود. رژیم جمهوری اسلامی در این زمینه نیز رد پای رژیم گذشته را دنبال می کند. همه سرمایه گذارهای خارجی رژیم سابق، از سرمایه گذاری برای کشف نفت در کرانه های انگلستان گرفته تا سرمایه گذاری در کارخانه های فولاد سازی "گروپ"، بانک ایران - مصر و پالایشگاه در آفریقای جنوبی و کره جنوبی و غیره همچنان به قوت خود باقی است. رژیم با افزایش مستمر واردات محصولات کشاورزی و نیز خودداری از اجزای اصلاحات ارضی بنیادی به سود دهقانان کم زمین و بی زمین، ضربه مهلکی بر اقتصاد کشور ما وارد آورده است. ارزش واردات مواد غذایی از خارج سالانه به ۳ میلیارد دلار رسیده است.

واگذاری اعتبارات کشاورزی بطور عمده به بزرگ مالکان از سوئی و عدم حمایت مادی و معنوی از روستائیان زحمتکش از سوی دیگر موجب مهاجرت وسیع روستائی و خالی شدن روستاها از سکنه می شود. برپایه نتایج طرح آمارگیری روستائی "جهاد سازندگی"، در حال حاضر ۲۵ درصد از روستاها و مزارع خالی از سکنه است و در مجموع حدود ۶۰ صد از روستاها از مزارع دارای جمعیتی زیر ۲۵ خانوار هستند. روشن نبودن سیاست و هدفهای کشاورزی رژیم همراه با حفظ نظام سنتی کاشت و داشت و برداشت در روستاها، باعث کاهش هرچه بیشتر بازده تولید محصولات کشاورزی شده است.

بازگشت خانها و بزرگ مالکان که بعضا صاحب ۲۰ تا ۲۸ هزار هکتار زمین هستند، به عنوان سمبل غارت و زور و قلدری به روستاها، اداره امور روستاها را با مشکلات جدی روبرو ساخته است. تعدد نهاد های دولتی در روستاها و بوروکراسی حاکم بر آنها که مغایرت کامل با مصالح روستائیان دارد، به تشدید بحران اقتصاد کشاورزی کمک کرده است. تفاوت شدید درآمدها در شهر و روستا، لاینحل ماندن مسئله زمین، روشن نبودن هدفهای مکانیزاسیون کشاورزی، کمبود کادرفنی و بیسوادی بخش اعظم روستائیان، استفاده نکردن از بسذریهای مرغوب، کمبود آب و در بسیاری از مناطق تبدیل اراضی زراعی و باغها به مناطق مسکونی، وابستگی کشور را از لحاظ تامین مواد غذایی به خارج تشدید می کند.

هیئت حاکمه ایران فاقد برنامه رشد اقتصادی است و قادر به سرو سامان دادن به وضع اسفبار اقتصاد ملی نیست. برخورد دولت به معضلات عظیم اقتصادی، روزمره است. بی برنامه گی دولت زاینده مبارزهای است که در درون حاکمیت، میان جناحهای گوناگون در جریان است. اختلافهای موجود در درون حاکمیت و نهاد های تابع آن، از جمله موانعی است که پس از گذشت هفت سال از انقلاب نگذاشته است که مسئله مالکیت و حیطه عملکرد آن حل شود. در این زمینه و برخورد از سوی دولت و جناح عمده به چشم می خورد:

— برخورد هواداران آزادی همه جانبه بخش خصوصی

— برخورد هواداران نقش بیشتر دولت در کنترل اقتصاد کشور

موضع هواداران آزادی همه جانبه بخش خصوصی، مبارزه با بخش دولتی و تعاونی زیر پوشش سپردن "کار مردم به مردم" یعنی شعار همیشگی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان است. این جناح در حالیکه بسیاری از مواضع کلیدی را به دست گرفته، می کوشد تا همه قدرت سیاسی را تصاحب و مواضع خود را تحکیم کند.

هواداران نقش بیشتر دولت در کنترل اقتصاد کشور ضمن حمایت از راه رشد سرمایه داری بر ضرورت کنترل دولتی بخاطر جلوگیری از محدودیت سریع پایگاه اجتماعی رژیم تاکید دارند.

بدون تردید ادامه جنگ که رهبران جمهوری اسلامی آن را در راس سیاست داخلی و خارجی خود قرار داده اند، در تشدید بحران اقتصادی کشور تاثیر مهمی دارد. جنگ ایران و عراق که امپریالیسم آمریکا آتش آن را برافروخت و به آن دامن زده و می زند و اکنون وارد ششمین سال خود شده، تلفات انسانی و مالی عظیمی برای کشور ما ببار آورده است. گرچه دولت تا کنون ارقام رسمی تلفات انسانی را اعلام نکرده، با این وجود به موجب اخبار منتشر شده در مطبوعات جهان فقط تعداد کشته شدگان و معلولان و اسیران ایران به ۷۰۰ هزار نفر بالغ شده است. افزون بر این، حدود ۳ میلیون نفر از خانمو کاشانه خود آواره شده و به شهرهای بزرگ روی آوردند که بخش مهمی از آنها هنوز در زیر چادرها بسر می برند.

جنگ بخش اعظم بودجه کشور را می بلعد و بیش از ۵۰ درصد بودجه سال ۱۳۶۵ بطرز مستقیم و غیر مستقیم به آن اختصاص داده شده است.

قطع نظر از تلفات عظیم انسانی، یعنی قربانی شدن صدها هزار انسان و در درجه اول جوانان کشور که نیروی فعال جامعه را تشکیل می دهند، باید خاطر نشان ساخت که در نتیجه ادامه جنگ ده ها شهر و صدها روستا با خاک یکسان شده و تعداد پرشماری از موسسه های صنعتی و از جمله پالایشگاه بزرگ آبادان از بین رفته و یا خسارتهای سنگین دیدند. برپایه محاسبه رسمی دولت خسارتهای جنگ بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار است. همچنین طبق برآورد کارشناسان خارجی برای ترمیم ویرانی ناشی از جنگ حداقل به بیست سال وقت و صد ها میلیارد دلار سرمایه نیاز خواهد بود.

امپریالیسم آمریکا، توانست پس از آغاز جنگ حضور نظامی خود را در منطقه خاورمیانه و نزدیک و به ویژه در اقیانوس هند و خلیج فارس تحکیم کند. ادامه جنگ یکی از عوامل احیاء مواضع اقتصادی انحصارهای امپریالیستی در ایران بوده و هبت که خود زمینه ساز تقویت نیروهای ارتجاعی و گرایش رژیم به سوی امپریالیسم شده و می شود. امپریالیسم همچنان از جنگ به مثابه ابزار مهم اجرای توطئه های کوتاه مدت و درازمدت خود، از آنجمله تضعیف دو کشور همسایه به منظور تحقق بیش از پیش هدفهای خود بهره می گیرد.

پس از اشغال بخش وسیعی از اراضی کشور از جانب نیروهای تجاوزکار عراقی، حزب توده ایران بنا به خصلت عمیق میهن پرستی خود در جنگ شرکت جست و گروهی از جمله بهترین فرزندان خلق از بین اعضا، حزب ما - افضلی ها، کبیری ها، عطاریان ها - در بیرون راندن نیروهای اشغالگر از خاک میهن نقش بسیار مهمی ایفا کردند. ولسی بی درنگ پس از آزادی خرمشهر، برخلاف خواست سران رژیم، حزب ما شعار پایمان جنگ از طریق نشستن پای میز مذاکره را مطرح ساخت.

ما به درستی خاطرنشان ساختیم که پیروزی نظامی در جنگ غیر ممکن و ادامه آن با مصالح ملی کشور ما مغایرت دارد. ما به درستی یاد آور شدیم که ادامه جنگ فقط و فقط به نفع امپریالیسم جهانی و در درجه اول امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی است. سران مرتجع جمهوری اسلامی با سازماندهی یورش وحشیانه به حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سرکوب آزادی اجتماعی به خشن ترین شکل ممکن، شرایط ادامه جنگ را فراهم آوردند و بدینسان خیانت بزرگی علیه مصالح ملی کشور ما مرتکب شدند.

سیاست حزب توده ایران در زمینه ضرورت عاجل پایان دادن به جنگ، پاسخگوی منافع مردم کشور ما بوده و هست و باید مبارزه در این راه را تشدید کرد. باید همه اعضا و هواداران حزب را برای تحقق بخشیدن به این سیاست حزب بسیج کرد.

زندگی مردم

فقر مالی، بهداشتی و فرهنگی، بیکاری، گرانی سرسام آور، تورم فزاینده و تشدید معضل مسکن از جمله رده های حاکمیت جمهوری اسلامی برای میلیونها نفر از اهالی میهن ما است. برای اینکه تصور همه جانبه ای از زندگی کارگران و دهقانان و کارمندان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا بدست داده شود، باید با زبان ارقام سخن گفت. طبق بررسی کارشناسان اقتصادی جمهوری اسلامی در رابطه با توزیع درآمد ها در جامعه، بیش از نیمی از درآمد کل کشور در دست ۲۰ درصد از افراد جامعه متمرکز یافته است و درآمد ۸۰ درصد بقیه جمعیت که نزدیک به ۳۳ میلیون نفر را تشکیل می دهند کمتر از ۵۰ درصد کل درآمد کشور است.

۴ میلیون نفر از جمعیت کشور ماهانه درآمدی برابر ۱۸۰ تومان دارند و تقریباً ۴ میلیون نفر دیگر درآمد ماهانه شان از ۳۹۰ تومان تجاوز نمی کند. این در حالی است که ۴ درصد از افراد کشور درآمد ماهانه شان بالغ بر ۳۰۰ هزار تومان است. به بیان دیگر حداقل ۸ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر غذایی زندگی می کنند و از امکانات لازم برای تغذیه مناسب برخوردار نیستند.

طبق اظهارات معاون دام وزارت کشاورزی، در حال حاضر مردم ایران بطور متوسط روزانه ۹ گرم پروتئین حیوانی مصرف می کنند، در حالیکه میزان مصرف آن در کشورهای رشد یافته ۷۰ گرم و در بسیاری از کشورهای رشد یابنده حداقل ۱۹ تا ۲۰ گرم پروتئین در روز است، به بیان دیگر کشور ما در نتیجه سیاست ضد خلقی رژیم از این لحاظ در زمره

فقیرترین کشورهای جهان قرار دارد. یک سوم مرگ و میر کودکان در ایران به علت سوء تغذیه است.

هر روز ۶۰۰ کودک ایرانی کمتر از یکسال از کرمبگی می‌میرند. در بسیاری از روستاها بچه‌ها با برگ درخت و میوه درخت بلوط ارتزاق می‌کنند. افزایش سریع قیمت ۱۵ و ثابت ماندن دستمزدها زندگی میلیونها کارگر و کارمند را در شهرها با مشکلات عظیم روبرو ساخته است. روزنامه "کیهان" (۲۷ آذرماه ۶۲) وضع زحمتکشان را چنین توصیف می‌کند:

"مثل اینکه زمان و ساعات کار هیچگونه برای آنها متوقف نمی‌شود و ۰۰۰ برگهای تقویم که پشت سرهم و بی وقفه ورق می‌خورد و آخرین ساعات و دقائق يك روز به آخرین ساعات و لحظات يك هفته و سرانجام يك ماه می‌پیوندند. نمره دسترنج‌ها و ساعات طولانی کار در دستهای خسته آنها جای می‌گیرد، اما اسکناسهای کهنه که بهای يك ماه کاری وقفه آنهاست در عرض چند روز گویی، از دستهای آنان پرمی‌کشد و کم می‌شود و ۰۰۰ آنچه که برایشان به جای می‌ماند قرض و وام، هزینه و خرجهای کمرشکن است."

درآمد و دستمزد میلیونها کارگر و کارمند دولت پائین است. در شرایطی که قیمت‌ها روز بروز سیر صعودی دارد، زحمتکشان از حداقل امکانات رفاهی محروم هستند. با اینکه ماهانه بخش چشمگیری از حقوق کارگران و کارمندان به عنوان حقوق بیمه، حقوق بازنشستگی و ۰۰۰ کسر شده و به حساب دولت ریخته می‌شود، آنها از هرگونه خدمات و تأمین اجتماعی محروم هستند.

حداقل دستمزد کارگران از ۷۲۰ ریال تجاوز نکرده است. در نتیجه این سیاست روند تنزل سطح زندگی زحمتکشان بی وقفه ادامه دارد، سهمیه تعاونیهای کارگری سال به سال رو به کاهش است. تعاونیهای مسکن کارگران و کارمندان کماکان از دریافت زمین محرومند. در شهرکهای کارگری، نهادهای ویژه زیر پوشش مقابل با "تصرف عدوانی" و "بازنسی گرفتن اراضی موقوفه" در ابعاد وسیعی تعرض به سرپناه محقر زحمتکشان را که از مدت‌ها پیش آغاز شده، دنبال می‌کنند.

مسکن‌بیکری از معضلات عظیم و حل نشده زحمتکشان تبدیل شده است. مقایسه رقم متوسط هزینه اجاره بها و سایر هزینه‌های منزل مسکونی با متوسط درآمد سالانه يك خانوار شهری "به صراحت نشان می‌دهد که در سال ۶۲، بیش از ۹۰ درصد متوسط حقوق يك کارمند دولت، صرف اجاره بها و هزینه محل سکونت او و خانواده‌اش می‌شده است." (اطلاعات ۱۲ دیماه ۶۴)

بیش از ۵۰ درصد کارگران و کارمندان یا در مسکن اجاره‌ای یا در خانه‌های رهنی زندگی می‌کنند. سه میلیون ایرانی از بی سرپناهی رنج می‌برند. این‌ها بطور عمده در الونکها، کپرنا، حصیرآبادها و حلبی‌آبادها و بیخوله‌های تنگ و در هم فشرده بدون آب و برق بسر می‌برند. طبق آمار شهرداری تهران تراکم جمعیت در مناطق جنوبی پایتخت برخلاف استانداردهای بین‌المللی که می‌بایست در هر هکتار

۱۵۰ تا ۲۵۰ نفر باشد، ۷۰۰ تا ۷۵۰ نفر است .
از ۵/۳ میلیون واحد مسکونی کشور ۳/۹ میلیون واحد آن با خشت و گل و چوب و سنگ و حصیر و چادر و حلبی ساخته شده است .

سیاست ارتجاعی رژیم موجب رشد بیکاری بیسابقه در کشور گردیده است . نبودن برنامه اشتغال زای یک سو و خواباندن بخش مهمی از کارگاههای صنعتی و اخراج کارگران از سوی دیگر، تعداد بیکاران را به سرعت افزایش می دهد . در حال حاضر بین ۲۰ تا ۴۰ درصد جمعیت فعال کشور را بیکاران دائمی و فصلی تشکیل می دهند . در تهران این رقم به ۲۱ درصد می رسد و در نتیجه جمعیت روستایی که در سال ۵۶، ۵۲ درصد کل جمعیت کشور را تشکیل می داد، در سال ۶۲ به ۴۸/۳ درصد تنزل کرده است . در فاصله سالهای ۵۷ تا ۶۲ حدود ۵/۷ میلیون نفر به جمعیت شهرنشین اضافه شده، در حالی که در همین فاصله افزایش جمعیت روستایی ۲/۳ میلیون نفر بود است . هر ساله ۷۰۰ هزار نفر جوان باید وارد بازار کار شوند که به علت رکود اقتصادی و فقدان برنامه های عمرانی، بخش چشمگیری از آنها به اردوی بیکاران می پیوندند . بیش از ۳۰ درصد بیکاران را جوانان دیپلمه تشکیل می دهند . این در شرایطی است که رژیم از کارگران خارجی استفاده می کند و به گفته محمدی نمایندگه مجلس "واردات نیروی انسانی بعنوان کارگر ساده نیز به رسمیت شناخته شده است ." ("کیهان"، ۲۷ تیر ۶۴) . با وجود اینکه کشور سالانه به ۳۰۰ هزار تن کارگر ماهر نیاز دارد، رژیم از سرمایه گذاری در تربیت نیروی ماهر خودداری می کند . بیکاران از حمایت دولت و تأمین اجتماعی محرومند و مالا به مشاغل کاذب برای امرار معاش می پردازند . بیش از ۲ میلیون تن بیکار برای گذران زندگی به دستفروشی، دکه داری، ماشین شوئی و غیره مشغولند .

صرف نظر از بیکاران صنعتی و معدنی، گروه - گروه از پیشه وران و کسبه ورشکست می شوند و به خیل بیکاران می پیوندند . در حالیکه بیکاری به معضل عظیم اجتماعی تبدیل شده، استثمار کودکان رواج دارد . هم اکنون ده ها هزار کودک خردسال با مزد ناچیز به کارهای سخت و توانفرسا اشتغال دارند . کارگاههای صنوف انباشته از کودکان شاغل و نیمه بیکار است . شکل کار "پادویی" از اشکال همهگیر کار کودکان شده است . مسئله کودکان فقیر و بی سرپرست که جنگ عامل فزاینده آنهاست، یکی از مشکلات عظیم جامعه ما است .

شکل زندگی مخفی بخش وسیعی از جوانان که از رفتن به جبهه های جنگ امتناع می کنند، از پدیده های ویژه نظام تکت بار جمهوری اسلامی است . اعتیاد، بیکاری، عدم امکانات تحصیلی، ورزشی و تفریحات سالم از سوئی و فقر مالی از سوی دیگر، میلیونها جوان ایرانی را آزار می دهد .

سالخوردگان نیز در وضع وحشتناکی قرار دارند . این گروه عظیم که تا دم مرگ کار می کنند، بیعنه نیستند و از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم هستند .

مهاجرت جمعی روستائیان به شهرها محصول سیاست ضد خلقی رژیم و از جمله روند بازگشت زمین داران و خانها به روستاهاست که بویژه در سه سال اخیر شدت بیشتری یافته است. • بازپس گرفتن زمین های تقسیم شده از دهقانان و دادن آنها به زمین داران بزرگ و از جمله زمینهای موقوفه که در اختیار دهقانان بود، ظلم و جور سلف خرها، پهلوران و واسطه های بزرگ و کوچک و انواع فشارهای دیگر میلیونها دهقان ایرانی را از هستی ساقط کرده است. • در روستاهای "خان زده" جان و مال و ناموس روستائیان در معرض تهدید و تجاوز خانها و بزرگ مالکان قرار گرفته است. • به نوشته مطبوعات مجاز، بزرگ مالکان و خوانین از میان شیوه های گوناگون بهره کشی روش روزمزدی را می پسندند. • زیرا آنها از این طریق می توانند روستائیان بومی که ادامه زندگی شان در روستاها موجب "حق ریشه" می شود، جلوگیری کنند. • حتی روزنامه "جمهوری اسلامی" اعتراف می کند که "اربابها آنچنان عرصه را بر زارعین تنگمی کنند که برایشان راهی جز فرار و آوارگی باقی نمی ماند و آنچه باقی می ماند ویرانی است و ویرانی" (۱۲/۱۰/۶۴).

در سالهای اخیر، صد ها روستا، که روزگاری در هر یک از آنها ده ها و حتی صد ها خانوار زندگی می کردند، یا بلکی ویران شده اند و یا آنکه ساکنان آنها به چند خانوار تقلیل یافته است.

بسیاری از روستاهای ایران فاقد حداقل امکانات رفاهی هستند. • از آب لوله کشی، حمام، برق، درمانگاه و مدرسه در این روستاها خبری نیست. • بچه ها و زنهای بخشی از روستاهای کشور، شهر را نمی شناسند و به نوشته مطبوعات مجاز دورترین افق دیدشان کپیر خودشان و چند کپیر اطرافشان است. • به اعتراف معاون پارلمانی نخست وزیر رژیم "این کپیر نشین ها از بسیاری از مزایای ابتدایی ترین زندگی بی بهره هستند" (اطلاعات، ۶ آذر ۶۴).

وجود سلف خرها، پيله وران و واسطه ها در روستاها، عامل مهم دیگر تشدید فقر دهقانان است. • زارغانی که برای حمل محصولات خود به بازار مصرف دور فاقصد سرمایه هستند، مجبورند محصول دسترنج خود را سرخرمن و در کشتزارها و باغ ها به واسطه ها بفروشند. • بدیهی است قیمتی که به دهقانان پرداخت می شود کمتر از نصف قیمت در بازار آزاد است.

رژیم جمهوری اسلامی قیمت خرید بسیاری از محصولات کشاورزی را تضمین نمی کند و بدینسان عرصه را برای واسطه ها و سلف خرها بسازگدارده است. • در حال حاضر دولت تنها وش پنبه، گندم و برنج را خریداری می کند. • افزون بر آن، قیمت های تضمینی دولت برای گندم و غیره بسیار پائین تعیین شده و اکثراً موجب ورشکستگی دهقانان خرده پا می شود.

۷۰ درصد روستاهای کشور فاقد آب آشامیدنی تصفیه شده هستند. • مصرف آب ناسالم موجب مرگ زودرس، ابتلا به انواع بیماریها، نابینا شدن نوزادان، سل،

حصیه، مالاریا، اسهال، سنگ کلیه، گواتر، بیماریهای انگلی و ۰۰۰۰ می گردد، در بسیاری از روستاها از آب باران برای آشامیدن استفاده می شود.

چنین وضع اسفناکی تنها شامل روستاها نیست. در خیلی از شهرها مانند اردبیل، دشتستان، خاش، اهواز، چاه بهار و غیره نیز آب آشامیدنی به علت آلودگی و داشتن املاح مضره بیماری را است. از لحاظ بهداشتی ایران در زمره عقب مانده ترین کشورها قرار دارد.

در حال حاضر ایران با بیش از ۴۰ میلیون نفر جمعیت تنها دارای ۱۵ هزار پزشک است که در تقسیم سرانه به هر ۳۵۰۰ نفر یک پزشک می رسد. باید خاطر نشان ساخت که دو سوم پزشکان کشور در تهران و مراکز استانها متمرکزند و در نقاط دیگر به ازاء هر ۱۰ تا ۵۰۰ و حتی صد هزار نفر و بیشتر تنها یک پزشک وجود دارد.

نیمی از ۵۷۵ بیمارستان و درمانگاه دولتی و خصوصی در تهران است. تعداد تخت بیمارستان در سراسر کشور ۶۲۰۵۶ دستگاه است که ۳/۵ برابر کمتر از استاندارد های بین المللی در ازاء تقسیم سرانه آن است. این در شرایطی است که تعداد بیماران بستری شده در سال ۱۳۶۳ نسبت به سال ۱۳۶۱ دو برابر شده است.

آمار تلفات کودکان زیر یکسال از مهمترین شاخص های وضع اسف انگیز بهداشت در جامعه بشمار می رود. از هر هزار کودک ۱۳۰ نفر قبل از پنج سالگی می میرند.

بخش وسیعی از توده های زحمتکش با مشکل دارو و درمان روبرو هستند. کم نیستند بیماریانی که در اثر نبود امکانات پزشکی جان خود را از دست می دهند. هنوز اکثریت زنان کشور از امکان زایمان در بیمارستانها و زایشگاهها محرومند. بیمارستانها انباشته از مجروحان جنگی است. دارو نایاب است و به چندین برابر قیمت رسمی در بازار سیاه عرضه می شود. حق ویزیت پزشک و هزینه های روبه افزایش آزمایشگاهها برای زحمتکشان کمر شکن است.

طبق اظهارات وزیر بهداشت رژیم عمر متوسط در کشور ۵۷ سال است. ولی آمار سازمان ملل متحد میانگین عمر انسان را در ایران ۳۵ تا ۴۵ سال برآورد کرده که بیانگر وضع وحشتناک بهداشت در کشور ما است.

بیسوادی یکی دیگر از معضلات اجتماعی دامنگیر کشور ما است. سران رژیم که مبارزه با بیسوادی را در سرلوحه برنامه خود اعلام کرده بودند، در این زمینه نیز کامپی برنداشتند. بیش از ۷۰ درصد مردم کشور ما هنوز هم قادر به خواندن و نوشتن نیستند. این رقم در سطح روستاها به بیش از ۸۰ درصد و در سطح زنان روستائی به ۹۴ درصد می رسد.

در اردیبهشت سال ۶۴ روزنامه ها نوشتند که تا کنون ۳ میلیون نفر را در سرکلاسها نشانده اند که یک میلیون نفر از آنها با سواد شده اند. در حالی که با توجه به آهنگ ۳/۱ درصد رشد جمعیت در هر سال یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر به جمعیت کشور اضافه می شود.

۳۰ تا ۳۵ درصد کودکان در سن تحصیل (بین ۶ تا ۱۱ سال) از امکان رفتن به مدرسه محرومند. در سال ۱۳۶۳، ۲۲ کودک از ۱۰۰ کودک در شهرها از آموزش محروم بودند. در روستاها بیش از ۴۰ درصد از کودکان در سن تحصیلی، پوشش تحصیلی ندارند. هم‌اکنون در کشور ۲۰ تا ۳۰ هزار روستای فاقد مدرسه وجود دارد.

فاجعه آنتی که از هر ۱۰۰ نفر دانش‌آموز دبستانی ۲۵ نفر به دوره راهنمایی و از هر ۱۰۰ نفر دانش‌آموز راهنمایی ۶۸ نفر به دبیرستان راه نمی‌یابند. همچنین از هر ۱۰۰ نفر دانش‌آموز روستایی فقط ۶ نفر به دبیرستان راه پیدا می‌کنند. "انقلاب فرهنگی" با زتاب سیاست فرهنگ ستیزانه رژیم بود. کشوری که نیاز مبرم به کارشناسان و متخصصان در کلیه رشته‌های علمی و فنی دارد، در سالهای بعد از انقلاب قادر به تربیت کادر نشد. در حال حاضر نیز در دانشگاه‌های بی‌سوی هزاران جوان بسته است. در سال تحصیلی جاری از حدود ۴۰۰ هزار داوطلب، نزدیک به ۴۰ هزار نفر - و بخش چشمگیری از آنها بطور فرمایشی - به دانشگاه‌ها راه یافتند. در سالهای اخیر صد ها نفر از جوانان دگراندیش از دانشگاه‌ها اخراج شدند. سطح آموزش در دانشگاه‌های ایران بسیار نازل است.

نیاز مبرم کشور به کارشناس را بطور نمونه و به عیان در وضع وحشتناک بهداشت میتوان دید. طبق برآوردی اگر سالیانه ۵ هزار پزشک تربیت شوند، تازه پس از بیست سال، یعنی در سال ۱۳۸۰ بازم به ۴۰ هزار پزشک نیاز خواهیم داشت، صرف‌نظر از اینکه در این مدت جمعیت کشور هم دو برابر خواهد شد. اما، در سال ۱۳۶۱، فقط ۸۰۰ پزشک فارغ‌التحصیل شدند و این در حالی است که تعداد طلاب حوزه‌های علمیه سال به سال افزایش می‌یابد.

هم‌اکنون در ایران به ازای هر صد هزار نفر جمعیت، ۴۶۹ دانشجو داریم. در سوریه این رقم بالاتر از ۱۳۰۰ است و در کشورهای دیگر به رقمهای دو و سه هزار می‌رسد.

عملکرد کمیته مرکزی پس از بنوم هجدهم

رقعی سزیز،

بنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران در شرایط بسیار بغرنج و دشواری تشکیل شد. در آن زمان ارگانهای سرکوبگر با یورشهای فاشیستی به حزب، هزاران نفر از اعضا و هواداران و تقریباً بخش اعظم رهبری حزب را دستگیر و روانه زندانها کرده بودند. هزاران نفر از اعضا و هواداران حزب ناگزیر به جلای وطن شده بودند. رژیم، حزب ما را "منحله" اعلام کرده بود.

عمده‌ترین وظیفه‌ای که در آن روزها در برابر کمیته مرکزی قرار داشت احیای رهبری حزب، تنظیم خط مشی آن در ارتباط با وضع حاکم بر کشور و نیز جابجا کردن مهاجرین،

سازمان دادن آنها، بازسازی سازمانهای حزبی در داخل و خارج و انتشار ارگانهای مطبوعاتی حزب بود.

در قطعنامه پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب گفته شده بود: "مهمترین، عاجلترین و مرکزیترین وظیفه‌های که در حال حاضر در برابر حزب ما قرار دارد، احیای سازمانهای حزب در کشور است."

پلنوم هجدهم در زمینه فعالیت سازمانی اصول چهارگانه زیر را از تصویب گذراند:

الف - عدم تمرکز سازمانی؛

ب - ترجیح کیفیت بر کمیت؛

ج - تلفیق کار علمی و محفّی؛

د - حفظ اسرار حزبی.

هیئت سیاسی رهنمودهای پیشگفته را مبنای عمل خود قرار داد.

مسائل تشکیلاتی

اطلاعیه هیئت سیاسی "در باره اصول کار سازمانی" در خرداد ۱۳۶۳ در آماده انتشار یافت و هدف آن ایجاد هسته‌های جداگانه مرکب از ۳ تا ۵ نفر با مراعات اصول چهارگانه یادشده در فوق بود. این اطلاعیه نقش مهمی در تجدید سازمان حزب به منظور کاهش ضربه پذیری آن ایفا کرد.

باید یاد آور شد که اعلامیه کمیته بیرون مرزی که قبلاً در این زمینه منتشر شده بود، با مقاومت برخی از اعضای "کمیته داخلی" که پس از یورش دوم به حزب اداره متمرکز سازمانهای حزبی را (گرچه با نیت دفاع از حزب) بعهده گرفته بودند، روبرو گردید. ولی پس از انتشار اطلاعیه هیئت سیاسی توجه اعضا و هواداران حزب در داخل کشور به اهمیت موضوع بیشتر جلب شد.

تذکر این نکته ضرور است که بعلت عدم ارتباط سریع و مستقیم و مطمئن رهبری حزب با "کمیته داخلی" تقدیم مشکل و سازمان یافته باقی مانده تشکیلات حزب به هسته‌های جداگانه و تنظیم ارتباط با آنها دچار اشکال گردید. در نتیجه، هسته‌های حزبی بطور عمده بگونه‌ای خود بخودی تشکیل شدند. در حال حاضر هسته‌های زیادی در داخل کشور فعالیت می‌کنند.

بطور کلی باید خاطر نشان ساخت که رهبری حزب در احیای هسته‌های حزبی در داخل کشور با مشکلات و در مواردی با کارشکنی‌هایی روبرو بوده است. بلافاصله پس از پایان پلنوم هجدهم "گروه سه نفری" با اتخاذ مواضع خاصی که جداگانه به اطلاع رفق رسیده، در جهت ایجاد اختلال در امور سازمانی حزب در داخل کشور عمل کردند. آنها با استفاده از تماسهایی که داشتند کوشیدند تا از ایجاد ارتباط برخی از هسته‌ها با مرکز حزب جلوگیری بعمل آورند. افزون بر این، "گروه سه نفری" با ارسال جزوه‌ها و نامه‌های منتشر شده از جانب خود به ایران، کوشیدند تا در میان رفق‌سای درون کشور تشقت، فکری ایجاد کنند. گرچه اثربخشی این تلاشها در داخل کشور

محدود است، با این حال مشکلاتی را به وجود آورد که برای رفع آنها باید کوشش زیادی بعمل آورد. همه این عوامل موجب آن گردید تا احیای هسته های حزبی به کنده انجام شود. وظیفه کنفرانس است که در این زمینه تدابیر جدی اتخاذ کند.

یکی دیگر از وظایف هیئت سیاسی تجدید سازمان تشکیلات حزب در خارج از کشور برپایه اصل عدم تمرکز بود. چنانکه رفقا می دانند قبل از پلنوم هجدهم سازمان های حزب در خارج از کشور به شیوه متمرکز اداره می شدند. با گسترش مهاجرت و افزودن شدن بر تعداد مهاجرین بر این شیوه کار نیز می بایست تجدید نظر بعمل می آمد. باید در نظر داشت که هیچگاه در تاریخ حزب چنین مهاجرت وسیع و پراکنده ای - تقریباً در سراسر جهان - وجود نداشته است. بدیهی است که این امر با مشکلات زیادی توأم است.

بنابراین بافت و ساختار سازمانی در خارج از کشور نیز تا اندازه ای بفرنج است و این امر در مجموع از خصلت کار مخفی حزب سرچشمه می گیرد. بنظر می رسد این سیستم تشکیلاتی در آینده نیز باید حفظ گردد.

سازمانهای حزبی ما در خارج از کشور نیز با مشکلات عینی و ذهنی گوناگون روبرو هستند. همه سازمانها در همه کشورهای به یک اندازه فعال نیستند و به همین سبب می توان گفت که از نظر تقسیم کار نابرابر هستند. ریشه این اشکال را باید در ضعف کیفیت های برخی از سازمانها جستجو کرد. کادرهای حزبی بطور عمده در چند کشور خارجی متمرکز هستند و مهاجرین حزبی در دیگر کشورها عمدتاً اعضای ساده و در اکثر موارد هواداران حزب هستند. در اینگونه کشورها بعلت عدم وجود کادرهای آشنا به مسایل تشکیلاتی و تبلیغاتی و آموزشی، کار رضایت بخش نیست.

یورش به حزب، پخش "شوه های تلویزیونی" و متعاقب آن فعالیت خرابکارانه "گروه سه نفری" و هواداران آنها در کمیته های کشوری ضربه های زیادی به سازمانهای حزبی در خارج از کشور وارد آورد. این ضربه ها از آن لحاظ کاری بود که "گروه سه نفری" نخست در خفا کار می کرد و انواع نظریات انحرافی و اطلاعات ناصحیح را از مجرای غیر تشکیلاتی در میان اعضای حزب شایع می کرد. در این زمینه، بویژه از شیوه ناپسند شایع پرگانی زیاد بهره گیری می کردند. مقابله هیئت سیاسی با "گروه سه نفری" که منجر به تعلیق آنها از عضویت کمیته مرکزی گردید و توضیحات درون حزبی - گرچه موجب بهر رفتن وقت و انرژی زیاد شد - چهره واقعی این گروه را نشان داد و در جهت پایان دادن به سردرگمی و شدت آراء در برخورد با مسائل و مشکلات حزب نقش روشننگری ویژه ای ایفا کرد. بدیهی است که این به معنی نفی وجود مسائل و مشکلات درون حزبی در سازمانهای خارج از کشور نیست. نظرات نادرستی که "گروه سه نفری" و هواداران آنها در درون و بیرون حزب منتشر ساختند، نیاز پاسخ صریح و روشن دارد. اگر در مواردی بعلت مراعات اصل پنهانکاری پاسخ به آنها امکان پذیر نیست، در موارد دیگر در درون می توان و باید به مسایل مطرحه پاسخ داد.

در حال حاضر مسایل مطروحه در درون حزب عمدتاً عبارتند از ضرورت تشکیل پلنوم وسیع، ارزیابی از سیاست، حزب پس از انقلاب و توضیح درباره سیاست ۴۵ ساله حزب توده ایران.

با تشکیل کنفرانس ملی قاعدتاً باید موضوع اتهام وارده در باره امتناع رهبری حزب از تشکیل پلنوم وسیع با شرکت کادرها برطرف شده باشد. ولی، تصور اینکه هدف "گروه سه نفری" و هواداران آنها ترمیم رهبری و یا تأمین انسجام و وحدت درونی حزب بوده و هست اشتباه خواهد بود. آنها چنانکه در گزارش جداگانه گفته شد، هدفهای دیگری را تعقیب می‌کردند که قبضه کردن رهبری حزب بود.

کنفرانس ملی مدت‌ها پیش از این می‌بایست تشکیل می‌شد. متناسفانه فراخوانی کنفرانس با کارشکنی‌ها و اعمال ضد حزبی گروه سه نفری با مشکلاتی برخورد کرد و مآلاً به تعویق افتاد.

هدف عمده از تشکیل کنفرانس ملی، تصویب برنامه، تعیین خط مشی و بازسازی رهبری حزب است که در نتیجه یورش رژیم به حزب، ضربه سختی خورد. چنانکه رفقا می‌دانند در گذشته ترمیم رهبری حزب متناسب با شرایط آن دوران و طبق موازین اساسنامه‌ای از طریق برگه‌اری انجام می‌شد. اینک کنفرانس ملی می‌تواند از طریق انتخاب رهبری را ترمیم و با جوان کردن ترکیب کمیته مرکزی ادامه‌کاری حزب را تأمین کند.

علاوه بر آن ارزیابی سیاست پس از انقلاب حزب که اینهمه پیرامون آن سخن می‌رود بطور جداگانه در اختیار رفقا قرار گرفته و تردیدی نیست که متن نهایی آن به تصویب کنفرانس خواهد رسید و رفقا نحوه انتشار آنرا نیز تعیین خواهند کرد.

در مورد خط مشی حزب در ۴۵ سال گذشته چه می‌توان گفت؟ طی چند دهه اخیر حزب کوشیده است تا بخشی از تاریخ حزب را که توسط برخی از رفقا نوشته شد منتشر سازد، علاوه بر این مهمترین اسناد و مدارک پلنوم‌های حزب نیز تحت عنوان "اسناد و دیدگاهها" انتشار یافته است. در اینکه باید تاریخ جامع حزب را تدوین کرد تردیدی نیست، ولی در شرایط کنونی که باید نیروی حزب صرف وظایف عاجل آن گردد، امکان این کار عملاً وجود ندارد. اما، بهر حال وظیفه شعبه "ایدئولوژی" حزب است که به تحریف‌کنندگان تاریخ حزب پاسخ دهد.

در هر دوی این زمینه‌ها نیز باید در انتظار بود که "گروه سه نفری" دست به خرابکاری بزنند، وظیفه هر عضو وفادار حزب است که با تمام قوا با اینگونه انحرافها مبارزه کند.

فعالیت تبلیغی و ترویجی

فعالیت "شعبه ایدئولوژی" حزب با انتشار "نامه مردم" آغاز شد. نخستین شماره "نامه مردم" در ۱۷ خرداد ۱۳۶۳ انتشار یافت و تا کنون بیش از ۱۰۰ شماره منتشر شده است.

"نامه مردم" که نخست با همکاری عدهٔ قلیلی از رفقا آغاز به کار کرد، تردیدند دارای ناستی های اندکی نبود. نبودن روزنامه نگاران حزبی تعلیم دیده از سوی و پراکندگی رفقا که تا اندازهای در این زمینه مهارت داشتند از سوی دیگر علت عمدهٔ نارسایی ها در "نامه مردم" بود. بعد ها رهبری حزب توانست، با متمرکز کردن عدای از کادرها در جنب "نامه مردم" و نیز تشکیل هیئت های تحریریه در کشورهای گوناگون تا اندازهای از نارسایی ها بکاهد. هم اکنون هیئت های تحریریه "نامه مردم" و "دنیا" در فرانسه، انگلستان و آلمان غربی تشکیل شده است و می توان گفت که فعالانه در بهبود کار مطبوعاتی شرکت دارند.

با انتشار "نامه مردم" هیئت سیاسی تصمیم گرفت تا انتشار "راه توده" را قطع و به جای "مجله ماهانه "آرمان" را به مثابه ارکان سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات منتشر کند. بدین منظور هیئت تحریریه ای تعیین شد که شروع به کار کرد و تا کنون ۱۰ شماره "آرمان" منتشر شده است. هیئت تحریریه "آرمان" می کوشد تا با بهره گیری از انتقاد های خوانندگان و گسترش همکاری با آنها مضمون ماهنامه را غنی تر کند.

با وجود انزاع مشکلات تحریری، فنی و مالی، در آبانماه ۱۳۶۴ نخستین شمارهٔ دوره پنجم و در اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ دومین شمارهٔ مجله "دنیا" از چاپ خارج شد، انتشار نشریه "مسائل بین المللی" ادامه دارد. افزون بر این "فرقه دمکرات آذربایجان" سازمان ایالتی حزب نیز روزنامه "آذربایجان"، مجله "آذربایجان" و نشریات دیگری منتشر می کنند.

شعبه "ایدئولوژی" حزب وظیفه داشت تا فعالیت تبلیغی و ترویجی را در زمینه های توضیح استراتژیک و تاکتیک حزب و استراتژی و تاکتیک جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و ارتقاء سطح شعور و آگاهی سیاسی مردم ایران، با روح علاقه به صلح، دمکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم، دوستی با کشورهای سوسیالیستی و نهضت های آزادی بخش ملی و پیکارجویی علیه امپریالیسم و ارتجاع، متمرکز سازد.

این وظایف دشواری بود که نیاز به کادر و گسترش هرچه بیشتر کار مطبوعاتی و غیره داشت. هیئت سیاسی بلافاصله پس از پلنوم هجدهم کوشید تا بتواند تاسیس رادیویی را برای انجام موفقیت آمیز این وظایف تدارک به بیند. فعالیت رادیو "صدای زحمتکشان" که با همکاری حزب و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آغاز شد، کوششی بود در این راه. عدای از رفقا در شرایط بسیار دشوار و سخت اداره این بخش از تبلیغات حزب را بعهده دارند و در این راه فداکاریهای زیادی کرده اند.

حزب ما، در زمینه ترویج مارکسیسم-لنینیسم با وجود محدودیتهایی که دارد همچنان به پخش آثار مارکسیستی که در گذشته ترجمه شده ادامه می دهد. هم اکنون بخش اول از ترجمهٔ جلد سوم "کاپیتال" از زیر چاپ خارج شده و بخش دوم آن در دست ترجمه است.

پس از برگزاری پلنوم هجدهم شعبه های تبلیغات و ایدئولوژی حزب در راه اجرای

تصمیمهای پلنوم در زمینه مبارزه بخاطر پایان دادن به جنگ ایران و عراق و پیکار در راه آزادی زندانیان سیاسی و رد اتهامهای وارد به حزب، دو جزوه "ویژه نامه صلح" و "چرا امپریالیسم و ارتجاع از حزب توده ایران وحشت دارند" را منتشر ساخت، که این دو می بزبان انگلیسی نیز ترجمه شد و در اختیار احزاب برادر و سازمانهای مترقی بین-المللی قرار گرفت. در عین حال در همین فاصله "لنین و پیشرفت اجتماعی"، "حقوق زن از دیدگاه مارکس و انگلس"، "فروپاشی امپراتوری روس"، "سرنوشت انقلاب ایران" "مروری بر رویداد های کارگری در سال ۱۳۶۳"، "پیوند-دفتر شعر" و غیره منتشر شده است. در حال حاضر کتابهای دیگری نیز که ترجمه آنها پایان یافته، زیر چاپ است از جمله می توان از برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی و سخنرانی ر. گارباچف در بیست و هفتمین کنگره حزب نام برد.

طبق تصمیم هیئت سیاسی بولتن "توده نوز" به زبانهای انگلیسی و فرانسه منتشر می شود که برای احزاب برادر و سازمانهای بین المللی و علاقمندان ارسال می گردد. علاوه بر تبلیغات متمرکز حزب، سازمانهای حزبی با در نظر گرفتن شرایط محل، انواع شبنامه ها، پوسترها، خیرنامه ها و غیره را منتشر می سازند که برخی از نمونه های آنها در دسترس رفقا قرار دارد. در عین حال اکنون ده ها جزوه با تیراژ زیاد در باره وضع زنان و جوانان کشور و غیره به انگلیسی، فرانسه و آلمانی منتشر شده که مجامع بین المللی، در فستیوال جوانان مسکو و در جلسه دهه زن در ناپرویی که از طرف سازمان ملل متحد تشکیل شده بود، میان شرکت کنندگان و نمایندگان پخش شده است. در عرصه تبلیغی و ترویجی عده کثیری از رفقای ما فداکارانه شرکت، داشته اند که قدر دانی از زحمات آنان ضرور است.

بنظر ما کنفرانس در باره بهبود هرچه بیشتر امور تبلیغی و ترویجی حزب، که هنوز با کاستی ها و کمبود هایی همراه است تصمیمهای مقتضی را باید اتخاذ بکند. اتخاذ موضع صریح و روشن، خواه در برخورد به عملکرد حزب گذشته و خواه در برخورد به مسایل حال و آینده کمک ارزنده ای به رفع کاستی های موجود خواهد کرد.

پیشروی بسوی هدفهای استراتژیک

رفقای عزیز،

فعالیت کمیته مرکزی بطور عمده متوجه انجام وظایف تعیین شده از جانب پلنوم هجدهم بود و در این چارچوب می بایست حرکت، بسوی هدفهای استراتژیک تسهیل می شد. بالا بردن سطح آگاهی زحمتکشان و تجهیز آنان برای مبارزه، پیکار علیه سیاست ترور و اختناق رژیم در راه آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه پیگیر در راه پایان دادن به جنگ خانمانسوز ایران و عراق از طریق افشای سیاست تجاوزکارانه رژیم "ولایت فقیه"، در مرکز مبارزه حزب قرار داشت.

با در نظر گرفتن اینکه پلنوم هجدهم در ارزیابی از وضع حاکم بر کشور به این نتیجه

رسیده بود که "نیروهای راستین انقلاب و همه کسانی که خواهان پایان دادن به سیطره ارتجاع در حاکمیت و تشکیل یک دولت ائتلاف ملی برای دفاع از منافع زحمتکشسان و محرومان جامعه هستند، می‌توانند با هم زبان مشترک بیابند و با تدوین برنامه جامع، فعالانه در راه تحقق آن مبارزه کنند"، هیئت سیاسی در لوشش برای رسیدن به این هدف، با سازمان برادر، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) وارد مذاکره شد. دو سازمان برادر پس از تحلیل علمی و همه‌جانبه وضع اقتصادی و اجتماعی کشور و آرایش نیروهای طبقاتی در جامعه به این نتیجه رسیدند که پایان دادن به سیطره ارتجاع در حاکمیت و تشکیل یک دولت ائتلافی در چارچوب "جبهه متحد خلق" با برنامه مشترک، فقط از طریق سرنگون کردن رژیم امکان پذیر است. "بیانیه مشترک" محصول این کار جمعی و در عین حال بازتاب خواست اکثریت مطلق اعضا و هواداران حزب بود.

باید خاطر نشان ساخت که برای تهیه این سند، هیئت سیاسی طی بخشنامه‌های از اعضا و هواداران حزب خواسته بود تا دربارهٔ دو مسئله مهم، یعنی علل یورش به حزب و نیز سیاستی که باید در آینده در پیش‌گرفت نظرات خود را کتبا به رهبری ارائه دهند. چنان که گفته شد اکثریت قاطع آنها می‌گفت که به این پرسش‌های حزب پاسخ داده بودند، خواهان اعلام شعار سرنگونی بودند. در واقع پلنوم هجدهم نیز با طرح "پایان دادن به سیطره ارتجاع" و "تشکیل دولت ائتلافی" با شرکت احزاب، سازمانها و گروه‌ها و شخصیت‌های ملی و مترقی، نفی حاکمیت موجود را اعلام کرده بود. بنابراین طرح شعار سرنگونی با برنامه جبهه متحد خلق که خواست اعضا و هواداران حزب بود در دستور روز مبارزه قرار داشت و در این مورد تأمل جایز نبود.

طرح برنامه حزب که هم‌اکنون در اختیار رفقا قرار دارد بر پایهٔ نیازهای مرحله انقلاب و احکام "بیانیه مشترک" تنظیم گردیده است. این طرح در شماره ویژه "نامه مردم" برای نظر خواهی از کلیه اعضا و هواداران و دوستان حزب منتشر گردید و اینک با در نظر گرفتن پیشنهاد های حزبی تکمیل شده و برای تصحیح و تصویب نهایی در اختیار کنفرانس قرار می‌گیرد.

چنانکه رفقا اطلاع دارند، در شرایط فعالیت علنی حزب پس از انقلاب بهمن ۵۷، تغییراتی در اساسنامه بوجود آمد. به بیان دیگر بخش مربوط به فعالیت حزب در شرایط مخفی از آن حذف گردید. اینک در این زمینه مادی به اساسنامهٔ حزب افزوده شده که تصویب آن در شرایط کنونی مبارزه برای حزب ضرورت حیاتی دارد.

رفقای عزیز،

تردیدی نیست که عملکرد رهبری حزب با نارسایی های زیادی همراه بوده است. برخی از این نارسایی ها دارای علل عینی و زائیده شرایط کار مخفی است. برخی نیز بعلت عدم امکانات فنی و زائیده عوامل ذهنی بود. در مواردی که امکان آن وجود داشت که با اتخاذ تدابیری این نارسایی ها را به حداقل کاهش داد. در عین حال اسناد پلنوم هجدهم در مواردی دارای تناقضهایی بود که نمی‌توانست در تبلیغات ما

منعکس نگردد . برای رفع این تناقضها کنفرانس ملی باید خط مشی آینده حزب را صریح و روشن تدوین کند و به تصویب برساند . در این زمینه نباید فرمولهایی را بکاربرد که قابل تفسیر باشد .

وظایف حزب در مرحله کنونی مبارزه

رویدادهای کشور ما نشانگر رویگردانی هرچه بیشتر توده های میلیونی مردم از حکام مرتجع جمهوری اسلامی است . این پدیده محصول رویگردانی سرمداران واپسگرای جمهوری اسلامی از آماجهای مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب ۲۲ بهمن و در پیش گرفتن سیاست ضد خلقی و ضد دموکراتیک رژیم است .

تضادهای اجتماعی در کشور اوج می گیرند .

اختلافهای درون حاکمیت و لاینحل ماندن مسایل حیاتی کشور، ناتوانی گردانندگان اهرمهای اداره امور کشور از تنظیم برنامه رشد اجتماعی و اقتصادی، ادامه جنگ خانمانسوز و غیره . . . مانع تثبیت نظام جمهوری اسلامی است . تعیین منظری بسه عنوان جانشین خمینی در زمان حیات خود وی، که هدف از آن پایان دادن و یسای تخفیف اختلافها در راس هرم حاکمیت به نفع جناح معینی بود، نه تنها چنین شرایطی را پدید نیآورد بلکه برعکس به اختلافهای موجود بیش از پیش دامن زد . رژیم بسترای حفظ حاکمیت خود به حربیه شناخته شده مورد استفاده همه رژیمهای خود کمااستبدادی، یعنی ترور و اختناق، متوسل می شود . به اعتراف رضایی فرمانده سپاه پاسداران، نظام جمهوری اسلامی بر اساس سیستم رعب استوار است .

بنظر هیئت حاکمه ایران، اتخاذ سیاست یورش فاشیستی به حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، مجاهدین خلق ایران و دیگر نیروهای مرفقی و چپ، که منجر به کشته شدن هزاران نفر و زندانی شدن ده ها هزار تن گردید می بایست شرایط تثبیت رژیم را فراهم می کرد . اما رژیم نتوانست به این هدف نایل آید . باوجود شرایط سخت، نیروهای چپ توانستند حتی المقدور با حفظ و بازسازی و احیای سازمان های خود به مبارزه ادامه دهند . از سوی دیگر تشدید مبارزه خود پوی مردم بسه اشکال گوناگون مانند اعتصابات کارگری، مبارزات دهقانی، تظاهرات روستایی و غیره بویژه رویه گسترش بوده، بار دیگر نشان داد که نمی توان با ترور و اختناق خلقهای میهن ما را که در کوره مبارزه سالهای ۵۶ و ۵۷ آبدیده شده و تجربه اندوختاند، از مبارزه در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بازداشت .

آمار دقیق اعتصابات کارگری در دست نیست ولی قدر مسلم آنست که مبارزه اعتصابی کارگران علیرغم فراز و نشیبهای خود همچنان ادامه دارد . اعتصاب کارگران کارخانه های نوشابه سازی ساسان، تلویزیون سازی پلغوند، نساجی غرب (باختران) نیشکر هفت تپه، نساجی اصفهان، ماشین سازی اراک، شرکت نفت پارس، کشت و صنعت

مغان، گروه صنعتی ایران لوله (تهران)، معدن مس سرچشمه، کارخانه ذوب آهن - اصفهان، نمود اهواز، پالایشگاه نفت اصفهان، اعتصاب کارگران راه آهن در پنجاه منطقه، اعتصاب خونین کارگران د خانیات، اعتصاب کارگران فولاد مبارکه، ارج، فخرایران، ایران ناسیونال، بنز خاور، چوکا (درگیلان) ۰۰۰۰۰۰، لاستیک و کفش سازی جم، شرکت لوله و بشکه سازی ایران، نیروگاه برق اصفهان و دهها اعتصاب دیگر میسود آندست که پرولتاریای صنعتی ایران برای دستیابی به خواستههای خود با سختی مبارزه می کند و اگرچه نهاد های سرکوبگر با اعتصابگران به وحشیانه ترین طرز رفتار می کنند، مبارزه اعتصابی کارگران به ویژه در کارخانه های بزرگ، ادامه دارد. در موسسه های بزرگ صنعتی کشور خواسته های اقتصاد کارگران روز بروز بیشتر با خواسته های سیاسی آنان پیوند می خورد و مبارزه پرولتاریای صنعتی علیه مجموعه نظام استبداد قرون وسطایی جمهوری اسلامی خصلت پیکارجویانه بخود می گیرد. این پیکار نه تنها به شکل اعتصاب، بلکه بصورت کم کاری و اعتراض علیه سیاست ادامه جنگ، خفقان حاکم بر کشور و سیاست مالی و اقتصادی رژیم، علیه نهاد های سرکوبگر و غیره بروز می کند.

با در نظر گرفتن اهمیت و بغرنجی مبارزه طبقه کارگر، مسئله تشکل هر چه بیشتر کارگران در دستور روز قرار می گیرد. ضرور است که همزمان با تشدید و گسترش مبارزه اعتصابی به تشکل سازمان های صنفی و حتی الامکان کمتر پنهانکار توجه بیشتر شود بنظر ما هسته های مخفی کارگری رهبری کننده در کارخانه های بزرگ باید این وظیفه را بعهده بگیرند.

هسته های حزبی نیز باید ضمن رعایت کامل اصول پنهانکاری، هسته های مخفی رهبری کننده در کارخانه ها را از هر نظر یاری کرده و بطور کلی برای سازماندهی و رهبری مبارزه کارگران تمام تلاش خود را بکار بندند.

وظیفه عمده حزب ما، به مثابه حزب طراز نوین طبقه کارگر، همیشه عبارت است از سازماندهی و تجهیز زحمتکشان و رهبری مبارزه طبقاتی آنان. زیرا فقط در روند این مبارزه است که حزب می تواند با گذار از مراحل معین انقلاب، به هدف نهایی خود، یعنی دستیابی طبقه کارگر و متحدان آن به قدرت سیاسی و ایجاد جامعه فارغ از بهره کشی انسان از انسان جامه عمل بپوشاند.

وظیفه ای که در مرحله کنونی مبارزه در راه سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی در برابر فرد فرد اعضا حزب قرار دارد کوشش در راه تلفیق هر چه بیشتر مبارزه اقتصادی کارگران با مبارزه سیاسی است. باید با کارگسترده در میان کارگران این واقعیت انکار ناپذیر را در مقیاس وسیع تبلیغ کرد که موفقیت در مبارزه اقتصادی وقتی امکان پذیر است که با مبارزه سیاسی توأم باشد. مبارزه سیاسی، یعنی مبارزه علیه رژیم به خاطر دستیابی به حقوق آزادی های دموکراتیک. کارگران نمی توانند بدون داشتن حق تشکل در سند یگانه مستقل و آزاد، بدون حق تشکیل اتحادیه ها، بدون حق تجمع، بدون آن که آزادی بیان و قلم، آزادی احزاب و جمعیتها و آزادی انتخاب کردن و انتخاب شدن

وجود داشته باشد، به پیروزی برسند. برای دستیابی به این هدف، حزب باید هسته مرکزی مبارزات خود را به واحد های بزرگ صنعتی که کارگران در آنها تمرکز بیشتری دارند و نیز به محله های کارگر نشین منتقل سازد. باید کوشید تا برنامه حزب، اعلامیه ها و نیز "نامه مردم" را در مراکز تجمع کارگران پخش کرد. در این راه می توان و باید با در نظر گرفتن اصل پنهانکاری از خود کارگران مبارز نیز استفاده کرد. این در واقع بخشی از وظیفه تلفیق کار علنی و مخفی است که در برابر ما قرار دارد.

بنابراین توجه اصلی به واحد های صنعتی و کار در میان کارگران باید پایه و اساس مبارزه ما را در مرحله کنونی تشکیل دهد. اگر ما بتوانیم در کارخانه های بزرگ تهران، اصفهان، تبریز، اهواز و شیراز و دیگر شهرهای بزرگ هسته های مخفی رهبری مبارزه کارگران را تشکیل دهیم، خواهیم توانست نقش مهمی در نبرد نهایی ایفاء کنیم. نیازی به توضیح نیست که اعضا این هسته ها نباید اصولاً ضرورتی ندارد که منحصرأ از میان اعضا حزب انتخاب شوند. در اینگونه هسته ها، نقش کارگرانی که دارای وجهه اعتبار مردمی و نفوذ در بین کارگران هستند، از اهمیت زیادی برخوردار است. مهم آشنایی همه جانبه با روحیه توده های زحمتکش و گرایش ها و نیازمندی های واقعی آنان است. هسته های مخفی فقط وقتی می توانند اعتماد بی پایان زحمتکشان را جلب کنند، که با خواستها و نیازهای آنان برخورد واقع بینانه، دلسوزانه و رقیقانه داشته باشند. این امر بهیچ وجه به معنی عدم شرکت کارگران در شکل های صنفی موجود که زیر کنترل شدید رژیم، مخصوصاً انجمن های اسلامی است، نبوده و نیست. کارگران باید در این شکل ها شرکت جویند و بکوشند تا کادر رهبری آنها را از اعمال رژیم پاکسازی کنند.

بدون تردید این وظیفه سنگینی است. ولی، باید با تمام قوا در این راه بکوشیم و این یکی از مهمترین وظایف ماست. بدیهی است که این امر به هیچ وجه به معنی عدم توجه به کار تبلیغی و افشاکاری سیاسی در میان دیگر توده های زحمتکش نبوده و نیست. در سالهای اخیر مبارزه دهقانان نیز شدت یافته است. بازگشت خوانین و مالکان بزرگ به روستاها و حمایت ارگانهای قضایی رژیم از آنان با مقاومت، دهقانان روبرو شده است. تظاهرات گسترده دهقانان در سراسر مازندران و گرگان، گرچه از جانب جناحی از رژیم سازمان داده شده بود، اما بازتاب ناراضی عمیق و مقاومت روستائیان بود. راهبیمایان در گرگان در اواسط سال پیش خواهان حل فوری مسئله اراضی مزروعی از طریق کوتاه کردن دست مالکین بزرگ بودند. در قطعنامه روستائیان شرکت کننده در تظاهرات مازندران از ارگانهای قضایی خواسته شد که به احکام شرعی که به سود "سرمایه داران و ظلم به کشاورزان" صادر می کنند، برخورد قاطع شود تا "جمهوری اسلامی شاهد محکوم شدن کشاورز مظلوم و پیدر شهید و حاکم شدن خان های فراری نباشد". تظاهرکنندگان از سران رژیم خواستند تا "در امر زمین و امور کشاورزان با صدور احکام انقلابی دست خوانین را از مملکت کوتاه نمایند".

در برخی دیگر از نقاط کشور از جمله در قزوین، بوشهر و غیره نیز دهقانان علیه ستم بزرگ مالکان دست به تظاهرات زدند.

تا زمانی که مبارزه دهقانان سازمان داده نشود، امکان جلوگیری از تعرض مالکان بزرگ وجود نخواهد داشت. • مناسبانه باید گفت که کم‌کاری در میان دهقانان همیشه یکی از نقاط ضعف حزب ما بوده است. • کنفرانس باید توجه خاصی به این مسئله مهم و حیاتی مبذول دارد. • دهقانان تهیدست نزد یکتترین متحدان طبقه کارگر هستند. • درست است که در شرایط تاریخی و کمبودهای سازمانی موجود، کار در میان دهقانان بادشوارهای فراوانی رویرو است، با این وجود باید کوشید تا در نقاط حساس کشور، بویژه در شمال، برای کار در میان دهقانان هسته‌های حزبی بوجود آورد. • این هسته‌ها ضمن اجرای وظایف حزبی و سازمانی خود وظیفه دارند که در جهت رهبری مبارزه دهقانان و پیشبرد این مبارزه و متشکل کردن دهقانان زحمتکش در سازمانهای محلی - صنفی بکوشند. • تشکیل دهقانان در این سازمانها - بویژه در اتحادیه‌های دهقانی که به منزله ستون فقرات قدرت توده‌های روستایی است - به‌آنان امکان می‌دهد که در وجود سازمانهای خود به جبهه متحد خلق به پیوندند. • در ارتباط با مسئله کار در میان دهقانان، توجه به مناطقی مانند خوزستان، بلوچستان و ترکمن صحرا نیز حائز اهمیت است. • تاکنون کام‌هایی در این راه برداشته شده که بدون شك باید تقویت گردد. • اعتراض توده‌های مردم به اشکال گوناگون علیه ادامه جنگ، بویژه پس از آغاز بمباران شهرها توسط هواپیماهای عراقی گسترش یافت. • اکثر نمایش‌های ضد جنگ شکل موضعی داشتند و بهمین سبب نیز با سرکوب رژیم رویرو شدند و نتوانستند به تظاهرات وسیع فراروند. • نا پیگیری در مبارزه علیه جنگ، در ارتباط مستقیم با عدم سازماندهی است. • گرچه شعار ضرورت برقراری صلح در شرایط فعلی جذابیت زیادی دارد و می‌تواند در بسیج توده‌های وسیع نقش مهمی ایفا کند، ولی نفاق و پراکندگی در بین نیروهای ضد جنگ و عدم همکاری و هماهنگی آنان با یکدیگر مانع اصلی تشکیل توده‌ها و مبارزه سازمان یافته آنها در راه صلح بشمار می‌رود. • کار مستمر میان لایه‌های متوسط و پسا بینابینی، اعم از سنتی و غیر سنتی معاصر، که شعار قابل ملاحظه‌ای از مردم جامعه ما را تشکیل می‌دهند، از اولویت خاصی برخوردار است. • حزب ما گرچه در میان روشنفکران و کارمندان و هنرمندان نفوذ داشته ولی به کار در میان قشرهای سنتی کم بها دادناست. ما موظفیم با طرح مشکلات آنها و نشان دادن راه برون رفتشان، در جلب این لایه‌های وسیع بکوشیم. • به نظر ما زنان که زیر انواع فشارها قرار دارند و از ابتدائی‌ترین حقوق محرومند، می‌توانند در مبارزه علیه رژیم نقش برجسته‌ای ایفا کنند. • فرزندان و شوهران صدها هزار زن ایرانی یا در زندانهای رژیم به بند کشیده شده‌اند یا بدست نهادهای سرکوبگر شهید شده‌اند و یا در جنگ جان خود را از دست دادند. • پایان دادن به جنگ و آزاد ساختن زندانیان سیاسی و احیاء حقوق مدنی شعارهای مشترک اینگونه زنان است که می‌توان با اتخاذ روش‌های درست سازمانگرا و تبلیغی آنها راه عرصه برد کشانید. • بدیهی است که تلاش در راه دستیابی زنان به حقوق مدنی خویش، برای بخش عمده زنان کشور ما جذابیت دارد. • کار در میان زنان و استفاده از نیروی آنان

در مبارزه علیه رژیم حائز اهمیت فراوانی است .

دانشگاههای ایران همیشه مرکز مقاومت در برابر رژیم بود هاند . در شرایط کنونی تسلط گسترده نهاد های سرکوبگر بر دانشگاهها موجب فروکش مبارزه در این مراکز حساس شده است . ولی تجربه دوران شاه نشان می دهد که این روند نمی تواند طولانی باشد . ایجاد هسته های حزبی در دانشگاهها برای به حرکت در آوردن دانشجویان ضرورت حاد دارد . "شعبه تشکیلات" حزب باید راههای دستیابی به این هدف را پیدا کند .

رژیم "ولایت فقیه" که با فرهنگ ملی ما سرستیز دارد مانع بزرگی در راه بالندگی علم و فرهنگ معاصر در کشور است . نشر کتابهای علمی و ادبی و هنری و تاریخی و فلسفی مترقی میهنی و جهانی ممنوع است . کشور ما به جولانگاه نشر افکار روحانیون قشری و مترجم تبدیل شده است . نویسندگان و مترجمان و شاعران و هنرمندان ایران یکی از سخت ترین دوران های سانسور و تفتیش عقاید را می گذرانند . رژیم می خواهد با تبلیغ نظرات قرون وسطایی خود از نسل امروز مجسمه های بی ارادای برای پیشبرد هدفهای ضد بشری خود بسازد .

در چنین شرایطی وظیفه بس دشوار بر عهده نویسندگان و شاعران و هنرمندان است که خوشبختانه گروهی از بهترین آنها در صفوف حزب ما متشکل شده هاند . شاعران و نویسندگان و هنرمندان حزبی در هرکجا که هستند باید با آفرینش آثار علمی و فرهنگی، سرودن شعر، نوشتن نمایشنامه، داستان، طنز، سناریو، ساختن آهنگ های انقلابی، آفرینش تابلوهای نقاشی، طرحها و کاریکاتورها، ساختن فیلم های افشاگرانه و انقلابی و به مبارزه خاق کمک کنند . آنها می توانند نقش هوشری در بسیج توده ها ایفا کنند . ما اعتقاد راسخ داریم که شاعران، نویسندگان و هنرمندان ما این وظیفه مقدس خلقی و میهنی را همچنان با افتخار انجام خواهد داد .

رفقای عزیز!

گسترش هسته های حزبی در کشور ما همچنان به مثابه وظیفه عمده و اساسی باقی می ماند . بدون گسترش فعالیت حزب، نفوذ در میان توده ها و هدایت مبارزه آنها در راستای درست، امکان پذیر نخواهد بود . البته برای گسترش هسته ها باید به اصول پنهانکاری توجه کامل شود . به دیگر سخن کیفیت را باید ارجح شمرده، نه کمیت را . گسترش فعالیت حزبی بهیچ وجه نباید و نمی تواند به بهای پائین آمدن کیفیت انقلابی و مبارزه جویانه هسته ها، تامین گردد .

هدف ما ایجاد چنان سازمانی است که به گفته لنین "باید پیش از هرچیز و بطور عمده کسانی را که فعالیت انقلابی حرفه آنهاست، در برداشت باشد (و به همین جهت من از سازمان انقلابیون سخن می گویم و منظورم هم انقلابیون سوسیال دمکرات هستم) این سازمان الزاماً نه چندان گسترده و حتی الامکان بیشتر پنهانکار باشد " (لنین، آثار منتخب در دوازده جلد، جلد ۱، به زبان فارسی، صفحه ۲۶۲) .

کفرانس باردیگر باید تاکید کند حزب ما نه تنها در سراسر کشور سازمان واحدی ندارد، بلکه حتی در یک شهر و در هر یک از واحدهای بزرگ، اعصم از صنعتی و غیرصنعتی

و نیز دانشگاهها تشکیل واحد های مجزا و غیر متمرکز را ترجیح می دهند. برخی از رفقا برآنند که این امر موجبات کندی کار را فراهم می آورد. این نظر صحیح است. ولی این شیوه کار مخفی ضربه پذیری هسته های حزبی را در شرایط شدید ترور و اختناق کاهش می دهد و از این جهت دارای اهمیت زیادی است.

کنفرانس باید اهمیت ویژه ای به امر پنهانکاری در درون هر واحد حزبی بدهد. این امر شامل همه سازمانها و هسته ها، هم در داخل و هم در خارج از کشور می شود. لحظه ای نباید فراموش کرد که نه تنها نهاد های جاسوسی رژیم، بلکه همه سازمانهای امنیتی کشورهای امپریالیستی در تلاش دستیابی به اسرار حزبی ما هستند و می کوشند تا بوسیله عمل خود در درون حزب نفوذ کنند. در سازمان مخفی اطلاع هر فرد از مسایل مشخص سازمانی فقط تا آنجا جایز است که برای پیشبرد فعالیت ضروری است.

همه واحد های حزبی در هر کجا هستند باید بطور فعال و پیگیر در انجام وظایفی که از طرف حزب در برابرشان گذارده می شود، شرکت جویند و برنامه ویژه عمل خود را تنظیم کنند. واحد های حزبی به فراخور امکانات و خود ویژگیهای محلی و سازمانی باید برنامه کار خود را تنظیم کنند و زمینه پیاده کردن خط مشی و برنامه حزب را فراهم سازند. در این راه واحد های حزبی بگونه ای عمل کنند که از همه استعدادها و ابتکارهای انقلابی اعضا و هواداران حزب به بهترین وجه بهره گیری گردد.

در شرایط کنونی، مسئله مهم و حیاتی در آمیزی کار علنی و مخفی ضرورت جدی دارد. چنانکه خاطر نشان کردیم، در سالهای اخیر ده ها اعتصاب، اعتراض علیه جنگ، کمبود مایحتاج عمومی، گرانی، بی مسکنی، سنگینی هزینه مسکن و غیره ۰۰۰۰۰ روی داده و در موارد پرشماری دهقانان به رویارویی با مالکان بزرگ و خوانین برخاسته اند. همه اینها بهترین عرصه برای کار علنی هستند که می تواند و باید با مبارزه مخفی انقلابی و روشننگری سیاسی پیوند داده شود.

رفقای گرامی!

چنانکه ملاحظه می کنید مسایل بس مهمی در برابر کنفرانس ملی قرار دارد که باید با خلاقیت برای آنها راه حل ارائه داد. ما امید داریم که رفقای شرکت کنند در کنفرانس در درجه اول به این وظایف مهم که پیش روی حزب است و کمیته مرکزی آینده باید به آنها جامه عمل بپوشاند، توجه کنند و با ارائه پیشنهاد های مشخص در هر مورد مشخص، وظایف حزب در کلیه زمینه های یاد شده را بطور دقیق و همه جانبه تعیین کنند.

از هم اکنون می توان گفت که برای انجام موفقیت آمیز وظایفی که کنفرانس تعیین خواهد کرد ما قبل از هر چیز باید حربه آزمایش شده سازماندهی را بکار گیریم. بنابراین باید همه نیروها را در این راه بسیج کرد. رفقای مهاجر در این زمینه می توانند نقش مهمی ایفا کنند.

چنانکه گفته شد تصمیم پلنوم هجدهم دایر بر عدم تمرکز سازمانی و ایجاد هسته های ۳ تا ۵ نفری با ارتباط زنجیرهای تصمیم صحیحی بود، اما ضرورت های مرحله کنونی

مبارزه لزوم ایجاد تغییراتی در برخی از هسته ها را مطرح ساخته است .
 تجربه نشان می‌دهد که برای سازمان دادن برخی کارها در کشور نیروی يك هسته
 کافی نیست . در چنین مواردی که احتیاج به نیروی بیشتری است باید فعالیت دو یا
 سه هسته را به گونه مقتضی و از طریق مسئولان آنها را به یکدیگر پیوند داد . بدون آنکه
 اعضای هسته ها شناختی از یکدیگر داشته باشند و در عین حال بدون آنکه مسئولان ،
 اعضای دیگر هسته ها را بشناسند . این کار باید با نظارت فعال رهبری صورت گیرد .
 بهرحال ، پیروزی در امر مهم سازماندهی در ارتباط تنگاتنگ و ناگسستنی با تامین
 انسجام و وحدت درونی حزب است . در شرایط کار مخفی ، دستیابی به این هدف
 بدون مراعات انضباط پولادین در حزب امکان پذیر نخواهد بود . حزب تود مایران ، حزب
 طراز نوبین طبقه کارگر است . عضو چنین حزبی موظف است مبلغ مرام و مشی حزب باشد و
 برای تحقق آن بیکار کند ، در راه وحدت حزب که شرط اصلی تیرد و بقای آن است بسا
 تمام قوا بکوشد و از هرگونه کار گروهی و فراقسیونی اکیدا بپرهیزد . انضباط حزبی را
 مراعات کند ، اسرار حزبی را اکیدا حفظ کند ، از هر عملی که به حیثیت و اعتبار حزب و
 ارگان های آن ضربه می زند ، بپرهیزد . لنین مخالف سرسخت حزبی بود که در آن به
 اراده این یا آن فرد ، هرج و مرج و محفل بازی حاکم گردد . حزب ما با هر جاوه‌ای از
 فراقسیونسم و انحلال طلبی به طور پیگیر مبارز می کند .

با کمال تأسف باید گفت که در نتیجه اعمال ضد حزبی "گروه سه نفری" و همراهان
 آنها در پاره‌ای از واحدها لطمه محسوسی به انضباط درون حزبی وارد آمده و مآل موجب
 عدم مراعات اصول پنهنکاری و حفظ اسرار حزبی شده است . سازمانهای خارج از کشور
 برای مقابله با این پدیده ، ناسالم خواستار اجرای دقیق مواد اساسنامه حزب هستند و در
 مواردی برخی از افرادی که تابع موازین حزبی نبودند ، از حزب اخراج کرده اند .

اهمیت این مسئله به اندازه‌ای است که باید تدابیر جدی در باره آن اتخاذ
 گردد . پیشنهاد می‌شود که طبق رسم جاری در همه احزاب کمونیستی و کارگری - اعم
 از حاکم و غیر حاکم - بررسی همه جانبه‌ای در مورد اعضا و هواداران حزب به عمل آید .
 برای اینکار باید کمیونهای متعددی را تشکیل داد تا باتک - تک اعضا حزب جداگانه
 مصاحبه کنند . این کمیونها موظف خواهند بود تا پس از تحقیقات دقیق و کافی فهرست
 افرادی را که لیاقت عضویت در حزب را ندارند ، با ارائه دلایل قانع کننده ، در اختیار
 رهبری حزب قرار دهند . باید هیئت سیاسی آینده را موظف ساخت تا پس از رسیدگی
 دقیق و نظرخواهی از کمیته های کشوری اینگونه افراد را از حزب کنار بگذارد . مدت کار
 این کمیون ها نباید بیش از یکسال بطول بیانجامد . چنین کاری در عین اینکه بیه
 تشدید فعالیت حزبی را خواهد رساند ، حزب را از افرادی که سد راه انسجام و وحدت
 درونی آن هستند ، پاکسازی خواهد کرد .

مهاجرت سیاسی و مسائل مهاجرت

برای پی بردن به اهمیت موضوع، باید یاد آور شد که پس از یورش سبسه حزب و مهاجرت شمار قابل توجهی از مسئولان، کاررها و اعضای حزب به خارج از کشور، مسئله مهاجرت خواهان نظر کمی و خواه از نظر کیفی، به خاطر ادامه حیات حزب و احیاء سازمان های ضربه خورده آن در سراسر ایران، از اهمیت خاصی برخوردار می گردد.

ناگفته نماند که پیوند با حزب و زندگی حزبی در مهاجرت و نیز وظایف انقلابی در محیط مهاجرت با روند پرفراز و نشیب مبارزه در داخل کشور تفاوت اساسی دارد. اگر رفقاً به درستی ماهیت وظایف و زندگی انقلابی خود را در مهاجرت درک نکرده و بسا وظایف حزبی خویش آنگونه که شایسته یک توده ای است برخورد نکنند، دوران مهاجرت از بسیاری جهات خالی از محتوای مترقی و انگیزه های رزمجویانه انقلابی خواهد شد.

رفقا باید به مهاجرت، به عنوان پدیده ای از زندگی انقلابی، به گونه ای واقع سنج بینانه برخورد کنند. مهاجرت سیاسی در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی جهان و ایران دستاورد های بزرگی ببار آورده است. لنین - برخلاف برخی "انقلابیون" سنا آگاه - نسبت به پدیده مهاجرت انقلابیون قبل از خود در نیمه سده نوزدهم، برخورد کاملاً عینی و مثبتی داشت. وی در این باره نوشت:

"به برکت مهاجرت اجباری از طرف تزارسم، روسیه انقلابی در نهمین قرن نوزدهم، آن چنان اطلاع عالی از جهت اشکال و تئوری جنبش جهانی انقلابی بدست آورد که هیچ کشوری در جهان صاحب آن نبود" (لنین، آثار منتخب، جلد ۲۱، صفحه ۹). در شرایط کنونی نیز که مهاجرت اجباری از سوی ارتجاع به ما تحمیل گردیده است، باید با درک ماهیت زندگی و مبارزه در مهاجرت با دستهای بر به آغوش خلق و مهن باز گردیم. اگر می خواهیم حزبی نیرومند و استوار با خصلت هرچه بیشتر کارگری داشته باشیم، باید خود را برای رفتن به میان کارگران و متشکل کردن آنها در صفوف حزب آماده سازیم. کار در محیط کارگری و کسب تخصص در یک رشته صنعتی در خارج، ما را در انجام وظایف فردای حزبی خود در داخل کشور یاری خواهد کرد.

اما این بدان معنا نیست که فراگیری حرفه و تخصص کارگری را در محیط مهاجرت مطلق کنیم. بدیهی است که به موازات کار و همپای بوجود آمدن امکان تحصیل، رفقاً باید حد اکثر کوشش خود را در بهره گیری از امکانات در دسترس، برای بالا بردن سطح دانش عمومی خود، خواه از نظر علمی و فنی و خواه از نظر فراگیری تئوری جهان بینشی - مارکسیسم - لنینیسم، بکار بندند.

کمیته مرکزی بر آنست که در سطحی گسترده از همه استعدادها و توانایی های رفقای حزبی برای بازسازی حزب بهره بگیرد.

در دوران مهاجرت مهمترین وظایف ما عبارتند از:

— کمک به ایجاد هسته های حزبی جدید در ایران،

— گسترش همه جانبه تبلیغات حزب در صحنه بین‌المللی به خاطر افشای هرچه بیشتر رژیم ترور و اختناق حاکم بر ایران و جلب همبستگی هرچه فعالتر نیروهای انقلابی مترقی و کوشش در راه پایان بخشیدن به جنگ امپریالیسم برافروخته و آزادی زندانیان سیاسی،

— مبارزه اصولی با گرایشهای ناسالم و نغمه‌های ناسازمند حزبی از سوی مخالفان و روشنگری در بین کسانی که سیاست حزب را بد رستی درک نمی‌کنند،
— خودآموزی - خودآموزی همه جانبه یکی از مهمترین وظایف رفقا در مهاجرت است . باید از امکانات موجود برای ارتقاء تجربه انقلابی و آگاهی سیاسی - ایدئولوژیک مارکسیستی به بهترین وجه ممکن بهره گرفت،

— فراگیری زبان کشوری که رفقا در آن بسر می‌برند و همچنین مطالعه منظم و پیگیر مطبوعات و کتابهای سیاسی و شرکت در کلاسهای ویژه آموزش مارکسیسم-لنینیسم در هر محلی، بایستی جای ویژه‌ای را در سبزه وظایف ضروری رفقای مهاجر اشغال کند . مسلح شدن به سلاح برنده مارکسیسم-لنینیسم در امروز، انباشت سرمایه معنوی بزرگی است برای مبارزه سرسخت و دشوار فردا و یاری رساندن به حزب،

— رفقا می‌توانند و باید با ارسال نظرات خود پیرامون مسایل گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به حزب یاری کنند . در این رهگذر تهیه و ارسال گزارشها، خبرها یا نوشته‌های تحلیلی عمومی از اوضاع جامعه ایران و یا پژوهش‌های تخصصی در چارچوب مشی سیاسی حزب و نیز ترجمه آثار مارکسیستی و غیره از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است . در انجام این وظیفه مبرم، تشکیل گروههای پژوهشی چه بسا بتواند نخستین گام مثبت و مهم به حساب آید . در حال حاضر، دفاع از موجودیت حزب توده ایران وظیفه فرد - فرد اعضاء و هواداران است . باید از همه امکانات بهره‌برداریم تا با شایسته‌ترین شکلی شعله پرفروغ موجودیت حزب را فرا راه جنبش انقلابی خویش فروزان نگهداریم .

جبهه متحد خلق

مسئله اتحاد نیروهای چپ، مترقی و انقلابی در جبهه واحد و با برنامه مشترک همیشه در سرلوحه مبارزه حزب توده ایران قرار داشته است . امروز پس از گذشت هفت سال از انقلاب بهمن ۵۷ این وظیفه حاد تر از همیشه در برابر جنبش انقلابی قرار دارد .

کنفرانس باید تعیین کند که هدف از تشکیل جبهه واحد چیست و کدام نیروها باید در آن شرکت جویند؟

برنامه پیشنهادی حزب برای تشکیل جبهه واحد در "بیانیه مشترک" و طرح برنامه حزب - که بررسی آن در دستور کار کنفرانس قرار دارد - ارائه شده است . "بیانیه مشترک" در واقع برنامه پیشنهادی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران

(اکثریت) برای تشکیل جبهه‌های است که ما آن را "جبهه متحد خلق" نامیدیم و بدیهی است که می‌تواند مورد بررسی دیگر نیروها قرار گیرد و به احتمال قوی تغییراتی نیز در آن به وجود آید. ما نباید از سازش یا سازمانهای انقلابی و دمکراتیک کسه می‌خواهند به جبهه واحد بسپیوندند، خودداری کنیم. با توجه به آن که بر سر مسائل اصولی راهی برای سازش وجود نخواهد داشت.

همینجا باید خاطر نشان سازیم که در بحث پیرامون نیروهایی که باید در "جبهه متحد خلق" مورد نظر ما شرکت جویند، مسئله سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مطرح نیست و نمی‌تواند مطرح باشد. پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران و نیز پلنوم دوم سازمان، مسئله وحدت سازمانی حزب و سازمان را مطرح کرد ماند و ما در این راه پیش‌روی رویم.

نیازی به تذکر نیست که امر تأمین وحدت سازمانی روندی است تدریجی، برای تسریع این روند طبق تصمیم هیئت سیاسی حزب و سازمان، "کمیته هماهنگی" تشکیل گردیده که در جلسات آن همگونی سیاست حزب و سازمان و تعمیق همکاری میان آنها مورد بررسی قرار گیرد. ما امیدواریم که علیرغم پاره‌های کمبودها این روند هرچه زودتر با موفقیت به پایان برسد. پرواضح است که کنفرانس نیز این مسئله حیاتی و مهم را مورد بررسی قرار خواهند داد و تصمیم‌های مقتضی را اتخاذ خواهد کرد.

اما ضرورت تشکیل جبهه واحد و نیروهایی که رهبری آینده باید به آنها توجه داشته باشد، مسئله جداگانه‌ای است که کنفرانس باید در مورد آن نظر صریح بدهد.

باید متذکر شد که در باره تشکیل جبهه واحد نظرات گوناگونی وجود دارد. گاه مسئله تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری از همه نیروهای ضد رژیم مطرح می‌شود. نقطه مقابل این نظرات جبهه واحد ضد دیکتاتوری از همه نیروهای چپ است. اگر پیشنهاد نخست چارچوب جبهه را با پوزسیفون ارتجاعی گسترش می‌دهد، پیشنهاد دیگر دایره آنرا نیروهای چپ پیروان سوسیالیسم علمی محدود می‌سازد.

ما سرنگونی رژیم را در محدوده انقلاب ملی دمکراتیک مطرح می‌سازیم. بنابراین جبهه واحد باید همه نیروهای ملی و انقلابی و دمکراتیک، از متزلزل‌ترین تا پیگیرترین آنها را در برگیرد. بنظر ما چنین جبهه‌ای می‌تواند "جبهه متحد خلق" باشد.

در باره اتحاد پیروان راستین سوسیالیسم علمی، نظر حزب توده ایران روشن است. ما، در درجه اول، خواهان اتحاد سازمانی همه این نیروها هستیم، از آن گذشته، ما در راه وحدت عمل آنها در این یا آن مورد مشخص کوشش می‌کنیم. در صورت عدم موفقیت در اتحاد سازمانی، بهترین راه تشکل آنها در "جبهه متحد خلق" است. در این صورت این نیروها هسته مرکزی جبهه‌های را تشکیل خواهند داد که تا اوم انقلاب ملی و دمکراتیک را تضمین خواهد کرد. ناگفته پیداست که پایه اتحاد سازمانی نیروهای چپ پیروان سوسیالیسم علمی در یک حزب واحد، اتحاد سازمانی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواهد بود.

در قطعنامه ویژه پلنوم هجدهم در باره ضرورت وحدت حزب توده ایران —
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به هیئت سیاسی ماموریت داده شد :
" ۱ - حد اکثر کوشش را برای گسترش و تعمیق همکاری های گسترده و حفاظ
وحدت فکری و سیاسی بین حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به عمل آورد .

۲ - مساعی لازم را برای دستیابی هرچه سریعتر به امر وحدت همه جانبه حزب
توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دنبال نماید " .
آنچه مربوط به نیروهای چپ و دمکراتیک است، مواضع و برنامه های آنها جداگانه
در اختیار شرکت کننده در کنفرانس گذارده شده است . ما برآنیم که اکثر این سازمانها
می توانند برپایه برنامه مشترک در "جبهه متحد خلق" گرد آیند . حزب در فاصله
میان پلنوم هجدهم و کنفرانس ملی ، در راه اجرای رهنمود پلنوم دایر بر تشکیل جبهه
متحد خلق گامهایی برداشته است .

حزب کوشیده است تا جز در مواردی که بیش از حد مورد تهاجم این آن نیرو قرار
گرفته ایم، از مقابله با نیروهایی که می توانند در جبهه واحدی گرد آیند ، خودداری کنند
و به درستی در برخورد با این نیروها تکیه را روی نکات توافق بگذارد و از طرح مسایلی
مردم اختلاف بطور کلی پرهیز جوید .

به نظر ما در شرایط مشخص تاریخی کنونی هیچ يك از نیروهای یاد شده نمی توانند
به تنهایی آلترناتیوی در مقابل رژیم باشند .

در ایران مناسبات سرمایه داری حاکم است . اما مناسبات ماقبل سرمایه داری نیز
در کنار آن وجود دارد . این مناسبات به نوبه خود در شکل گیری و تکامل ساختار
طبقاتی تاثیر منفی داشته است . به دیگر سخن قطب بندی طبقاتی در جامعه ما
بطور کامل صورت نگرفته است .

هیچ حزب سیاسی جدی نمی تواند در تعیین خط مشی خود این ویژگی جامعه را
نادیده بگیرد . با در نظر گرفتن این واقعیت عینی جامعه است که حزب ما مرحله کنونی
انقلاب را مرحله ملی و دمکراتیک می داند که وظیفه آن حل مسایل عام دمکراتیک مورد
نظر طبقات و گروههای مختلف اجتماعی با انگیزه های گوناگون است .

تنوع ساختار طبقاتی جامعه ناشی از عقب ماندگی اجتماعی - سیاسی عینی است که
اولا ، موجب تنوع نیروهای سیاسی گردیده و ثانيا ، مانع از آنست که يك حزب و یا
سازمان سیاسی به تنهایی بتواند قدرت لازم برای تجهیز توده های میلیونی را کسب
کند . ضرورت تشکیل جبهه متحد نیروها نیز زائید به این شرایط عینی در جامعه است .

جبهه باید نیروهای سیاسی متنوع، از نمایندگان طبقه کارگر، زحمتکشان روستا ،
خرده بورژوازی شهری و لایه هایی از بورژوازی کوچک و متوسط را در برگیرد . حزب ما
نیروهای ملی و دمکراتیک را متحدان سیاسی خود می داند و برای آنها اهمیت خاصی
قابل است .

ناگفته پیداست که ما پشتیبان و مبلغ اتحاد بلاشرط نیستیم. ما از اتحاد نیروهای ملی، انقلابی و ضد امپریالیستی که نمایندۀ خلق باشد، دفاع می‌کنیم. روشن است که مبارزه ما با رژیم از موضع مترقی و بمنظور ایجاد یک جامعه مترقی، مستقل و دمکراتیک و تحقق آماجهای اصلی انقلاب یعنی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی است. حزب توده ایران بین مبارزه خود علیه نظام جمهوری اسلامی با مبارزه آن با گروههایی که از مواضع ارتجاعی و ضد انقلابی با رژیم مخالفت می‌ورزند، مرز مشخصی کند.

حزب ما خواهان ایجاد جبهه واحد دراز مدت با برنامه جامع است. ولی میتوان برای دستیابی به هدفهای ویژه در باره اتحاد کوتاه مدت نیز مذاکره کرد.

از آنچه گفته شد میتوان نتیجه گرفت که علاقه همه طبقات و اقشار خلق به اجراء وظایف ملی و دمکراتیک از سویی و عدم توانایی هر یک از آنها به تنهایی در انجام این وظایف و هدایت روند اجتماعی مورد نظر برنامه مشترک از سوی دیگر، پیش شرط عینی اجتماعی - سیاسی برای تشکیل جبهه متحد خلق است.

تجربه گذشته و حال نشانگر آنست که بدون تشکیل جبهه واحد مقابله با امپریالیسم و اعمال آن ارتجاع حاکم و ضد انقلاب سلطنت طلب و غیره، غیر ممکن است. آرموده را آرمودن خطاست. در شرایط کنونی تنها جبهه‌های قادر راست بر نفوذ و توان جنبش با عملکردی چندین برابر بیشتر از عملکرد هر کدام از نیروها بطور منفرد - بیافزاید و به آلتزاتیو واقعی در جامعه تبدیل شود که بتواند به مرکز اتحاد جنبش توده‌های تبدیل گردد.

حزب ما بارها خاطر نشان ساخته که بدون سازمان دادن مبارزه توده‌ها هیچ عمل انقلابی نمی‌تواند بشمار برسد. حرکت‌های سازمان نیافته در مقیاس جامعه - هر قدر هم که نیت مبارکان آن پاک باشد - در شرایط بغرنج کشور ما نمی‌تواند به موفقیت بیانجامد.

برای رسیدن به پیروزی، قبل از هر چیز یگانگی رهبری مبارزه از طریق تشکیل یک ستاد واحد، ضرورت دارد. و اما برنامه مشترک، آن قالب واحدی است که می‌تواند خواست‌های مشترک سیاسی اجتماعی طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف ملی، مترقی و ضد امپریالیستی را در برگیرد.

ما در صدد تحمیل سرکردگی (هژمونی) خود به جبهه واحد نیستیم و سرکردگی هیچ سازمان دیگری را هم هیچگاه نخواهیم پذیرفت. جبهه متحد خلق از ائتلاف داوطلبانه احزاب و سازمانهای ملی و دمکراتیک و انقلابی تشکیل می‌شود. این احزاب و سازمانها استقلال سیاسی، سازمانی و ایدئولوژیک خود را حفظ می‌کنند. ما معتقدیم که اگر شرکت کنندگان در جبهه نیروهای خود را آگاهانه و صادقانه در مبارزه برای تحقق کارهای مشترکی بکار گیرند، چنین جبهه‌ای می‌تواند نقش رهبری سیاسی را در مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک را ایفاء کند.

رفقای عزیز،

اگر خواهیم آرایش نیروهای اجتماعی را در جامعه به اجمال تصویر کنیم، باید خاطر نشان سازیم که در حال حاضر در جامعه ما سه نیروی اصلی، یعنی رژیم حاکم و اپوزیسیون بورژوازی سلطنت طلب در یک سو و نیروهای خلقی و انقلابی در سوی دیگر روی هم قرار دارند.

این قانونمندی در همه کشورهایی که در راه تحول بنیادی جامعه مبارزه می‌کنند، چهره خود را نشان می‌دهد.

بنابراین، ما باید در آن واحد در دو جنبه مبارزه کنیم: هم با رژیم خودکامسۀ قرون وسطایی و هم با اپوزیسیون سلطنت طلب که می‌خواهد دستاورد عمدۀ انقلاب ۵۷ یعنی نظام الغاء شدۀ سلطنتی را نابود سازد. در چنین شرایطی، مبارزۀ نیروهای خلقی و انقلابی که عمدتاً از کارگران، دهقانان، لایه های متوسط شهری، دانشجویان، روشنفکران مرفعی، بخشی از سربازان و پاسداران و افسران و درجه داران میهن پرست، فرهنگیان، با کوشش در راه جلب لایه هایی از بورژوازی کوچک و متوسط تشکیل می‌شوند، در راه تحقق آماجهای دمکراتیک انقلاب با مبارزۀ آنان برای سرنگون کردن رژیم پیوند می‌خورد.

انقلاب بیستم ۵۷ خصلت خلقی داشت، یعنی بیان کنندۀ نیازهای عینی همۀ جامعه بود. حزب ما که در راه آزادی ملی و اجتماعی مبارزه کرده و می‌کند، با در نظر گرفتن شرایط مشخص - تاریخی جامعه از خصلت خلقی انقلاب و مآل اهداف فزاینده آن دفاع کرد. امروز نیز ما در این راه پیش می‌رویم.

حرف بر سر خود داری از "جهش" از مرحله ملی دمکراتیک انقلاب است. تذکر این از آن لحاظ حایز اهمیت است که در دو خطر همیشه نیروهای خلقی و انقلابی را تهدید می‌کند. گرایش اپورتونیستی راست به معنی دنباله روی از بورژوازی و خیانت به منافع خلق و گرایش چپ به معنی کم بها دادن به شرایط اجتماعی - اقتصادی و دست زدن به اقدامهای چپ روانه مانند طرح شعارهای بلند پروازانه و کوشش برای جهش به انقلاب سوسیالیستی.

با در نظر گرفتن منافع عمومی پیشرفت اجتماعی است که حزب ما بر ضرورت تشکیل جنبه متحد نیروهای ملی و انقلابی و دمکراتیک تأکید می‌کند و در راه جلب هر چند جزئی همۀ متزلزلان بسوی این جنبه برای تحقق شعار محوری، یعنی سرنگون کردن رژیم می‌کوشد. همانطور که پیش از این نیز اشاره شد حزب ما برای رسیدن به این هدف از توسل به سازشهای لازم نیز ابایی ندارد.

علت اساسی اینکه در انقلاب ۵۷ حزب توده ایران، سازمان چریکهای فدائی خلق و مجاهدین قادر نشدند توده های مردم را متشکل سازند و در رهبری جنبش شرکت موثر داشته باشند، این بود که نتوانستند جنبه واحدی تشکیل دهند. البته در آن ایام عوامل دیگر و از جمله ضعف سازمانی این نیروها نیز مطرح بود.

کارگران و بویژه پرولتاریای صنعتی و در پیشاپیش آنان کارگران نفت نقش تعیین کنندۀ ای در بره فرسایند انقلاب ایفاء کردند، ولی آنها نتوانستند رهبری سیاسی را بدست گیرند. برای تأمین رهبری سیاسی طبقه کارگر و متحدانش، مسئولیت بزرگی بعهده پیروان راستین سوسیالیسم علمی گذارده شده است.

متأسفانه باید خاطر نشان ساخت که تفرقه در میان نیروهای چپ همچنان ادامه دارد. بحث های بی سرانجام در زمینه مسئله همزمنی پرولتاریا در انقلاب مائستی و

د مکرانیک، یکی از عوامل زاینده این تفرقه است.

ما مارکسیست-لنینیست‌ها میدانیم که سرکردگی (هژمونی) طبقه کارگر بستگی به میزان تاثیر سیاسی این طبقه و نمایندگانش بر دیگر طبقات و قشرهای جامعه دارد. این تاثیر سیاسی نیز بند ریج و در عمل، در جریان رشد ساختار طبقاتی و مبارزه طبقاتی، از طریق افزایش اعتبار سیاسی پرولتاریا و همچنین پذیرفته شدن رهبری و سرکردگی طبقه کارگر از جانب دهقانان و لایه های متوسط شهری شکل می‌گیرد.

در مرحله ملی و د مکرانیک انقلاب، سرکردگی طبقه کارگر را با دادن شعار نمی‌توان به جنبش تحمیل کرد. این امر فقط بر پایه پذیرش د اوطلبانه آن از سوی متحدان طبقه کارگر امکان پذیر است. برای دستیابی به این هدف طبقه کارگر و پیشروی آن باید در چارچوب منافع جنبش خواستهای متحدان خود را بپذیرند و صدقانه از منافع آنان دفاع کنند.

به دیگر سخن فرارویی طبقه کارگر به طبقه کارگر و رهبر، با شکل‌گیری مناسبات متقابل این طبقه با دیگر طبقات و گروههای اجتماعی ارتباط دارد و بهمن سبب ما مسئله سازمان دادن طبقه کارگر را یکی از وظایف عمده خود می‌دانیم و همواره بر آن تاکید می‌ورزیم. این بدان معنی است که دیگر متحدان بالقوه طبقه کارگر باید به تجربه دریابند که این طبقه و حزب پیشاهنگ آن سازمان یافته‌ترین، قاطع‌ترین و آگاه‌ترین نیروی مبارز در راه دگرگونی های د مکرانیک کشور هستند. این راهی است که باید پیمود. بردن تئوری انقلابی به درون طبقه کارگر نقش‌تعیین کننده‌ای را برای رسیدن به این هدف ایفا می‌کند. لنین می‌گفت، که بدون تئوری انقلابی، جنبش انقلابی هم نمی‌تواند وجود داشته باشد.

در عین حال لنین با قاطعیت با تازاندن روند انقلاب مخالفت می‌کرد. لنین به درستی خاطر نشان می‌کرد که: "انقلابها را نباید نه به سفارش انجام داد و نه بناپه توافق، بلکه انقلابها وقتی برپا می‌شوند که دهها میلیون نفر به این نتیجه برسند که نباید دیگر اینطور زندگی کرد" (و. ای. لنین، مجموعه کامل آثار، جلد ۲۶ صفحه ۴۵۷). بنا بر این برای تحقق انقلاب، باید وضع و حالت انقلابی موجود باشد که شرایط اصلی آنرا لنین چنین می‌شمارد: "۱- طبقات حاکمه بحالت بروز بحران در سیاستشان نتوانند سلطه خود را بشکل سابق نگهدارند؛ ۲- فقر و فلاکت طبقات ستمکش بیش از معمول شدت یابد؛ ۳- بنا به علل مذکور، سطح فعالیت توده‌ها که در نتیجه بروز حالت بحرانی به اقدام مستقل سیاسی تحریک شد فاند، خیلی بالا رود (همانجا، صفحه ۲۱۸). لنین می‌گفت، اما برای تبدیل وضع انقلابی به انقلاب باید به این عوامل عینی، عامل ذهنی هم اضافه شود که عبارتست از استعداد و آمادگی طبقات انقلابی برای اقدامات گسترده انقلابی که بقدر کافی نیرومند است تا بتواند حکومت‌کننده را سرنگون سازد (همانجا، صفحه ۲۱۹). همچنین لازم است که همه گروههای اجتماعی ستم‌دیده از طبقه پیشرو پشتیبانی کنند.

اظهارات لنین در باره اینکه موفقیت جنبش‌های بخش ملی و انقلاب‌های آزادی بخش ملی به شرکت مجدد توده‌ها و در وهله نخست طبقه کارگر در حال رشد رهبری جامعه بستگی دارد؛ امروز نیز مانند گذشته دارای اهمیت بزرگ علمی و انقلابی است. حزب توده ایران استراتژی و تاکتیک خود را بر پایه آموزش لنینی تعیین کرده و می‌کند. حزب ما مرحله کنونی انقلاب را ملی و دمکراتیک می‌داند و معتقد است که پیش شرط‌ها و زمینه‌های عینی برای سرنگون کردن رژیم در کشور ما وجود دارد. اما عدم نضج شرایط ذهنی مانع بسیج توده‌ها برای رویارویی با رژیم می‌شود. ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق نیز از این واقعیت نشئت می‌گیرد. اکثریت عظیم توده‌های مردم کشور ما بالقوه می‌توانند در این جبهه شرکت کنند. اتحاد کارگران و دهقانان استخوان بندی این جبهه است.

در مرحله کنونی تضاد عمده عبارت از تضاد میان نیاز جامعه به پیشرفت اقتصادی-اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ریبونی بازدارنده آن در سبمای رژیم استبداد قرون وسطایی جمهوری اسلامی است. با در نظر گرفتن این واقعیت‌هاست که ما مسئله تشکیل جبهه واحد نیروهای انقلابی، ملی و دمکراتیک را مطرح می‌کنیم.

بدون شک در شرایط تاریخی معاصر انقلاب ملی و دمکراتیک، تنها به تحقق آماج‌های دمکراتیک عام محدود نمی‌شود و باید به انقلاب اجتماعی فراروید. از اینرو، تدوین پیگیری و پیروزی نهایی انقلاب ملی و دمکراتیک در گرو اعمال رهبری حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر است. برای تامین هژمونی حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر در جبهه واحد، وحدت طبقه کارگر و همه رزمندگان راه طبقه کارگر و بسیج همه قشرهای زحمتکش جامعه ضرورت دارد. حزب توده ایران در این راه مبارزه می‌کند.

از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی حیات خویش را با سرکوب هرگونه مخالفتی در کشور پیوند زده و ادامه موجودیت خود را در گرو تشدید ترور و اختناق می‌داند، یگانه راه انتقال قدرت سیاسی به جبهه متحد خلق، اعمال قهر انقلابی است. بنظر حزب ما برای سرنگون کردن رژیم می‌توان و باید از همه اشکال مبارزه، از تظاهرات خیابانی تا اعتصابات همگانی و نیز مبارزه مسلحانه توده‌های استفاده کرد. حزب توده ایران تدارک اشکال مختلف اعمال قهر انقلابی را وظیفه خود می‌داند و با همه توان خود تلاش می‌ورزد که توده‌ها را در این راه آماده کند.

رفقای گرامی،

اگر حزب ما با وجود یورش‌های فاشیستی رژیم توانست در مدت کوتاهی ارگان‌های سازمانی و تبلیغاتی خود را احیا کند و به کامیابی‌هایی در این زمینه دست یابد، همه اینها در وهله نخست ثمره فداکارانه اعضا و هواداران حزب داخل و خارج کشور و کمک‌های بی‌ریسخ و بدون چشم‌داشت احزاب برادر است.

اگر کمک هزاران عضو و هوادار حزب نمی‌بود، رهبری نمی‌توانست به هیچ موفقیتی دست یابد. در این زمینه بویژه باید به فعالیت فداکارانه و از جان گذشتگی اعضا

و هواداران حزب در داخل کشور که در شرایط تسرور و اختناق قهرمانانه مبارزه می‌کنند، ارج بسیار نهاد • شور انقلابی مبارزان توده‌ای در همهٔ زمینه‌ها، از کار برای نشیمن و پخش "نامه مردم"، مجله "دنیا"، "آرمان" و دیگر نشریات حزب و تکثیر آنها و جمع‌آوری کمک مالی گرفته تا تلاش پیکر و پرشور در تبلیغ نظرات حزب، عهد نثرین عناصر - تعیین کننده در برون رفت حزب از مشکلاتی بود که رژیم جنایت پیشهٔ جمهوری اسلامی با یورشهای وحشیانه خود برای حزب ما فراهم کرد •

ما امید داریم که کنفرانس ملی در رفع کمبودها و ایجاد شرایط انجام و وحدت هر چه بیشتر درون حزبی نقش مهمی ایفا کند •

رفقا،

حزب ما در شرایط دشوار و حساسی کنفرانس ملی خود را با شرکت کادر رهبرانی حزبی تشکیل داده است • باید بی پرده و آشکارا به رفقا بگوئیم، مسئولیتی که در برابر ما قرار دارد بسیار مهم است • کنفرانس ملی باید با تدوین و تصویب خط مشی سیاسی و برنامه حزب و انتخاب کمیتهٔ مرکزی مسئله مهم و حیاتی ادامه کاری حزب را تأمین کند •

این عهد فوق‌وقتی برآورده خواهد شد که تک تک ما با احساس مسئولیت زیاده‌اد تحکیم وحدت و انجام درون حزب را مانند همیشه در مد نظر داشته باشیم، بهمین دلیل یک رسالت عظیم تاریخی بعهده شما رفقا گذارده شده است • ما اعتقاد داریم که خواهیم توانست با سربلندی از عهد و وظیفهٔ خطیر و مسئولیت سنگین خود در این شرایط حساس برآییم •

پیسروز باشید!

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی است!

قطعنامه کنفرانس ملی حزب توده ایران در باره وضع ایران و جهان و وظایف حزب در مرحله کنونی

کنفرانس ملی حزب توده ایران گزارش سیاسی پلنوم نوزدهم کمیته مرکزی حزب را در باره مسائل جهان، ایران و وظایف حزب در مرحله کنونی شنید و پس از بحث پیرامون آن قطعنامه زیر را تصویب کرد:

وضع جهان

۱ - بشریت دوران حساسی را می گذراند . از يك سو ، امپریالیسم - به ویژه امپریالیسم آمریکا - و ارتجاع ، با تشدید مسابقه تسلیحاتی - بخصوص در زمینه تولید سلاح های هسته ای - و کشاندن دامنه آن به فضای کیهانی ، جهان را در معرض خطر فاجعه جنگ هسته ای قرار داده است ؛ از سوی دیگر ، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیز نیروهای صلح خواه و دمکراتیک در سراسر جهان علیه این سیاست ضد بشری امپریالیسم مبارزه می کنند .

۲ - بیشتر کشورهای سوسیالیستی ، که در زمینه های گوناگون اجتماعی ، اقتصادی ، علمی و فرهنگی دستاوردهای بزرگی داشته اند ، گام به مرحله سوسیالیسم پیشرفته گذارده اند . این مرحله پایه فائونمند بلوغ اجتماعی - اقتصادی جامعه سوسیالیستی در چارچوب صورتبندی کمونیستی بشمار می رود .

۳ - امپریالیسم و عملکرد آن زمینه ساز اصلی بیدایش و افزایش مشکلات عظیم اجتماعی - اقتصادی دامنگیر "جهان سوم" است . یکی از حلقه های اصلی سیستم نوسااستعماری ، بدهی سنگین کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین به کشورهای رشد یافته صنعتی جهان غرب است .

۴ - سیاست نوسااستعماری امپریالیسم منشاء عمده جنگها و برخورد های نظامی و مسابقه تسلیحاتی در "جهان سوم" است و تاثیر مخربی بر رشد اجتماعی - اقتصادی این کشورها می گذارد .

در شرایط کنونی ، استعمار نو و ایدئولوژی و استراتژی ضد کمونیستی آن ، به این جنگها و برخوردها خصالت بخرنجی می دهد . امپریالیسم می کوشد تا با بسط و انداختن جنگ های محلی ، سیاست غارت و بهره کشی و جلوگیری از فروپاشی مناسبات نوسااستعماری را با وظایف اجتماعی - طبقاتی خود ، برای حفظ نظام میرنده سرمایه داری به مثابه نظام اجتماعی ، پیوند دهد .

۵ - هراس امپریالیسم از پیشرفت سوسیالیسم و گسترش انقلاب های آزاد بپخش

ملی، خود نشانگر است، که نظام سرمایه داری ورنمای تاریخی خود را از دست داده است. • کارزارهای تبلیغاتی کمونیسم ستیزی، شوروی ستیزی، شوونیستی و نژاد پرستی در میان توده های وسیع، از این هراس سرچشمه می گیرد. بدیهی است که لبه تیغ کارزار کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی محافل امپریالیستی نه تنها متوجه کشور های سوسیالیستی و احزاب کمونیستی و کارگری، بلکه متوجه همه جنبش های مترقی و دمکراتیک است. •

۶ - کنفرانس ملی، جنگ اعلام نشده امپریالیسم و ارتجاع علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان را، که تا کنون خسارت های جانی و مالی فراوانی برای این کشور بیسار آورد ه است، قویا محکوم و از پیشنهاد های دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان برای حل سیاسی مسایل مربوط به این کشور و پیرامون آن حمایت می کند. •

کنفرانس ملی همچنین توطئه ها و تجاوزهای مزدوران امپریالیسم آمریکا را علیه مردم نیکاراگوئه، آنگولا و موزامبیک محکوم و از مبارزه قهرمانانه زحمتکشان آفریقای جنوبی به رهبری "کنگره ملی آفریقا" علیه دولت نژاد پرست آن کشور و نیز از مبارزه فراگیر خدایق قهرمان شیلی علیه رژیم فاشیستی پینوشه پشتیبانی می کند. •

کنفرانس ملی از مبارزه برحق استقلال طلبانه و آزادی خواهانه مردم المالدور علیه حکومت دست نشانده امپریالیسم آمریکا در آن کشور پشتیبانی و دخالت های آمریکسا در امور داخلی کشورهای آمریکای لاتین را محکوم می کند. •

کنفرانس ضمن محکوم کردن سیاست تجاوزکارانه و توسعه طلبانه اسرائیل - این متحد استراتژیک امپریالیسم آمریکا - علیه خلق ها و کشورهای عربی، بر آن است که منطقه خاورمیانه و نزدیک بدون دستیابی خلق عرب فلسطین به حقوق حقه خود، از جمله تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی، رنگ صلح عادلانه و پایداری نخواهد دید. •

کنفرانس ملی همچنین پشتیبانی پیکارجویانه خویشتن را از همه خلق ها و دولت های مترقی و انقلابی، که در پنج قاره جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه می کنند، اعلام می دارد. •

ارتقاء تروریسم بین المللی تا سطح سیاست خارجی دولت ایالات متحده آمریکا، نظیر آنچه که در تجاوز به لیبی انجام شد و تهدید به تکرار آن علیه دیگر کشورهای منطقه، نمایانگر خود سری و اعمال قانون جنگل از طرف دولت ریگان است. • کنفرانس این سیاست راهزنانه ننگین را شدیداً محکوم می کند. •

۷ - کنفرانس ملی بر آن است که میان آماج های نهایی جنبش های آزادی بخش ملی و دمکراتیک و مبارزه در راه صلح و علیه مابقیه تسلحاتی، پیوند ناگسستنی وجود دارد. •

در عرصه جهانی چنان شرایطی بوجود آمده است که مقابله میان سرمایه داری و سوسیالیسم تنها در اشکال مابقیه صلح جویانه و همزیستی مسالمت آمیز می تواند ادامه یابد. • برخاسته از این واقعیت، کنفرانس ملی حزب توده ایران از سیاست خارجی

لنینی اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی در راه تنش زدائی و پایان دادن به مسابقه تسلیماتی - که از جمله در بیانیه ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ فیسقیوم گاراجف، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، پیرامون تقلیل زمان بندی شده ذخایر سلاح های هسته‌ای و انهدام کامل آنها تا سال ۲۰۰۰ ابراز شد - پشتیبانی می کند .

کنفرانس برای پیشنهاد ها و ابتکارهای صلح اتحاد شوروی ، که در کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح گردید و هدف از آنها کاهش تنش و ایجاد اعتماد متقابل برای فراهم ساختن زمینه نابودی سلاح های هسته‌ای است . ارزش زیادی قائل است . سیاست حزب توده ایران در زمینه تامین صلح و امنیت جهان ، از اوضاع موجود بین المللی سرچشمه می گیرد . مسابقه تسلیماتی که امپریالیسم بدان دامن میزند ، ادامه دارد . امپریالیسم آمریکا می کوشد تا با کشاندن دامنه مسابقه تسلیماتی به فضای کیهانی ، توازن نظامی - استراتژیک با کشورهای سوسیالیستی را بسود خود تغییر دهد ، ولی روشن است که در این زمینه موفق نخواهد شد . زیرا در آن قدرتی از تجاع بین المللی بسر رسیده و امپریالیسم دیگر تعیین کننده سیردگرگونی های سیاسی ، اقتصادی جوامع بشری به شمار نمی آید .

گسترش روند انقلابی در جهان و اوجگیری جنبش های توده‌های دمکراتیک در راه صلح و علیه جنگ ، موجب تقویت هواداران صلح و امنیت جهان می شود و سدی در برابر سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم ایجاد می کند .

۸ - سرنوشت صلح و پیشرفت اجتماعی با برپائی رشد اقتصادی - سیاسی سیستم جهانی سوسیالیسم و در وهله نخست اتحاد شوروی پیوند دارد . در این زمینه کنفرانس ملی اهمیت فوق العاده برای مسایل طرح شده در کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی قایل است .

اسناد و مدارک و از آن جمله برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی که به تصویب کنگره رسید ، دارای اهمیت تاریخی و جهانشمول است . این اسناد ، مسایل گرهی خط مشی استراتژیک حزب کبیر لنین را در مرحله کنونی و دورنمای تاریخی نزدیک ، به شکل فشرده‌ای ارائه می دهند و راه حل آنها را باز می نمایند .

مضمون و محتوای همه اسناد مصوبه کنگره بیست و هفتم ، تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی اتحاد شوروی است که باید در خدمت مردم این کشور قرار گیرد . اهمیت این اسناد در آنجاست که هدف های برنامه‌های سوسیالیسم پیشرفته را در بصرنج تریس شرایط بین المللی در بردارند و مسیر حرکت آتی جامعه شوروی را به سوی کمونیسم تعیین می کنند .

برنامه افزایش دو برابر تولید در اتحاد شوروی طی ۱۵ سال آینده ، با استفاده گسترده از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی ، نه تنها نیروی جاذبه سوسیالیسم را بیش از پیش تقویت می کند ، بلکه در عین حال به معنی تحکیم پایه مادی صلح و امنیت عمومی در جهان است . تقویت هرچه بیشتر قدرت اقتصادی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ، زمینه هرگونه مقابله نظامی امپریالیسم با سوسیالیسم را از بین برده و

عرصه اقتصادی - اجتماعی به مرکز ثقل مقابله و سیستم جهانی تبدیل شده است .
در اسناد کنگره بیست و هفتم اتحاد شوروی ، تحلیل دقیق و علمی مضمون اساسی دوران ما ، معضلات عظیم آن ، آرایش نیروها در جهان ، خصلت بحران سرمایه داری و نیروی محرکه روند انقلاب جهانی ارائه گردیده ، که باید مورد توجه همه جانبه حزب توده ایران قرار گیرد .

جنبش های آزادی بخش ملی در استراتژی بین المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی همیشه مقام ویژه ای داشته اند . کنگره بیست و هفتم تئوری مارکسیستی - لنینیستی مبارزه انقلابی - آزادی بخش را غنی تر ساخت . در این زمینه ، مسایل بسیار مهم تناسب عوامل عینی و ذهنی ، نقش پیشاهنگ آگاه انقلابی در گسترش دامنه فعالیت سیاسی توده ها ، شیوه های دستیابی به اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و دیگر معضلات حیاتی جوامع در حال رشد ، مورد بحث و بررسی دقیق قرار گرفتند .

کنفرانس ملی اعتقاد راسخ دارد که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در پیشبرد برنامه های عظیم اقتصادی - اجتماعی خود موفق خواهند شد .

۹ - کنفرانس ملی خواهان پایان گرفتن هرگونه مداخله امپریالیسم در امور خاور میانه و نزدیک ، خلیج فارس و اقیانوس هند و برچیدن کلیه پایگاه های نظامی خارجی و ایجاد منطقه عاری از سلاح های هسته ای در این بخش استراتژیک جهان است و مبارزه در این راه را وظیفه مستمر حزب می داند . کنفرانس ملی بر آن است که مبارزه در راه صلح و تامین امنیت جهانی ، یک وظیفه انقلابی است .

۱۰ - حزب توده ایران یکی از اعضای خانواده احزاب کمونیستی و کارگری و دارای مناسبات برابر حقوق و عمیقاً برادرانه با همه این احزاب است . کنفرانس بر آن است که تنوع برداشت ها در جنبش کمونیستی و کارگری به هیچ وجه معنی جدایی میان آنها نیست . همان گونه که وحدت نظر نیز به هیچ وجه به معنی تحمل نظر حزبی بر حزب دیگر و یا مداخله آنها در امور داخلی یکدیگر نبوده و نیست .

نیروی جنبش کمونیستی و کارگری ، از برخورد خلاق با واقعیت ها برپایه آموزش جهانشمول مارکس و انگلس و لنین ، همبستگی طبقاتی احزاب کمونیستی و کارگری و همکاری برابر حقوق آنها برای دستیابی به هدف های مشترک صلح و سوسیالیسم ، سرچشمه میگیرد .

وضع ایران

۱ - سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی با عدول از آماج های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ۲۲ بهمن ، رژیم ترور و خفقان پلیسی را بر کشور حاکم ساختند .

مشخصات عمده رژیم حاکم بر ایران عبارت است از :

- حفظ نظام سرمایه داری و ساختار اقتصادی وابسته و تک محصولی کشور ؛
- استبداد مذهبی به شکل تمرکز اختیارات قوای سه گانه مقتنه ، مجریه و قضائیه

در دست يك فرد بر پایه اصل "ولایت فقیه" ؛

- کنترل پلیسی جامعه، سرکوب آزادبها و حقوق دمکراتیک مردم و پیگرد و بازداشت و شکنجه و قتل و اعدام مخالفان ؛

- اعمال ستم بر خلق های ایران و اقلیت های ملی و مذهبی ؛

- پایمال کردن حقوق کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان کشور و حمایت از منافع

کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، به مثابه پایگاه امپریالیسم در ایران ؛

- زیرپا گذاردن حقوق سیاسی و اجتماعی زنان، یعنی بالغ بر نیمی از مرد کشور؛

- تلاش در راه انهدام فرهنگ ملی و کوشش مستمر برای گمراه کردن توده ها،

اشاعه خرافات و موهومات و سنت های قرون وسطایی، علم ستیزی و دشمنی کین توزانه با تاریخ، زبان، ادبیات و هنر خلق های ایران ؛

- نفی همزیستی مسالمت آمیز و معرفی جنگ به عنوان "رحمت الهی"، دخالت در

امور دیگر کشورها برای "صدور انقلاب اسلامی" ؛

- کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی و سیاست نزدیکی به کشورهای ارتجاعی

و امپریالیستی .

رژیم با سازمان دادن انواع نهاد های سرکوبگر و ارگان های اطلاعاتی، تروریسم

و جاسوسی علیه شهروندان و دخالت آشکار و خشن در زندگی خصوصی مردم را به سطح

سیاست رسمی دولتی ارتقا داده و دگراندیشان را به گونهای بی سابقه مورد پیگرد و

سرکوب قرار می دهد . زندان ها از مبارزان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی

و صلح و مدافعان حقوق کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان انباشته شده است . داد-

گاههای "شرع" با صدور احکام جابرانه، گروه گروه از زنان و مردان مبارز در بند را

به جوخه های اعدام می سپارند . شکنجه های جسمی و روانی در زندان های ایران

رواج کامل دارد . تا کنون صد هانفر از زندانیان سیاسی یا زیر شکنجه و یا بر اثر

شکنجه شهید شده اند .

۲ - جنگ ایران و عراق، که امپریالیسم آمریکا آتش آن را برافروخت و بدان دامن

زده و می زند، اکنون وارد ششمین سال خود شده است . این جنگ تلفات انسانی و مالی

عظیمی برای کشور ما ببار آورده است . شمار کشته شدگان، معلولان، بیماران روانی،

اسیران و آوارگان هردو طرف درگیر در این جنگ خانمانسوز به میلیونها نفر سر می زند .

ده ها هزار کودک و تنو جوان از جمله قربانیان این جنگ ویرانگر هستند .

در شرایط کنونی، جنگ به یکی از کارآمدترین دست افزارهای رژیم برای بستنایی به

هدف های واپسگرایانه، ضد خلقی و شوونیستی تبدیل شده است . ادامه جنگ رهاوری

جز زرفش و گسترش سیاست ضد دمکراتیک و سرکوبگرانه، شتاب گرفتن روند بحران

اقتصادی - اجتماعی و تشدید عوارض گوناگون ناشی از آن، بویژه گرانی و بیکاری و فقر

عمومی، استوار شدن پایه های وابستگی نظامی و اقتصادی به امپریالیسم، تحکیم مواضع

کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و دیگر یغماگران داخلی و خارجی، چپاول دسترنج

ناچیز کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان و قربانی شدن آنان و فرزندانشان در پی ندارد .

جنگ عامل مهمی در انحراف انقلاب از آماجهای ضد امپریالیستی و خلقی آن بوده است . رژیم جمهوری اسلامی از ادامه جنگ هرچه بیشتر برای سرپوش گذاشتن بر تضاد های اوج گیرنده جامعه و اختلاف های د رونی حاکمیت و به بیراهه کشاندن جنبش توده های بهره گیری می کند .

ادامه جنگ یکی از عوامل عمده تشدید حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه خاورمیانه و نزدیک و اقیانوس هند و بویژه خلیج فارس است . امپریالیسم از این جنگ به مثابه ابزار مهم اجرای توطئه های کوتاه مدت و دراز مدت و از آنجمله تضعیف و کشور همسایه ایران و عراق به منظور تحقق بیش از پیش هدف های شوم خود بهره می گیرد .

از آنجایی که رژیم جمهوری اسلامی سیاست خارجی ماجراجویانه و توسعه طلبانه ای را دنبال می کند ، نمی توان احتمال تشدید جنگ و گسترش آن در سطح منطقه را از نظر ورود داشت . رژیم با برداشتن هر گامی در این راستا نفعها استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها ، بلکه صلح و امنیت منطقه و جهان را در معرض تهدید و خطر جدی قرار می دهد .

۳ - اقتصاد ایران دچار بحران ژرفی است . تولیدات صنعتی و کشاورزی ایران در دهه اخیر هیچگاه در چنین سطح نازلی نبوده و این مسئله زاید به سیاست ضد خلقی رژیم است .

تقریباً همه واحدهای صنعتی کشور ما ، از نظر تامین مواد اولیه ، کالاهای واسطه ای ، قطعات و لوازم یدکی عمیقاً وابسته به انحصارهای امپریالیستی هستند . مکانیسم نوآرستکاری ایجاد صنایع وابسته که در گذشته از جانب انحصارهای فراملیتی بر کشور ما تحمیل شده بود ، امروز نیز پس از گذشت بیش از ۷ سال از انقلاب ، با همان شدت و وحدت عمل می کند . با وجود درآمد عظیم نفت هیچ تغییر مثبتی در ساختار صنعتی کشور بوجود نیامده است .

رژیم با در پیش گرفتن سیاست ضد ملی " د رهای باز " ، اختصاص دادن بخش اعظم روابط بازرگانی خارجی خود به کشورهای رشد یافته صنعتی غرب و افزایش سه ریع واردات کالاهای مصرفی و نیز فرآورده های کشاورزی ، تولیدات صنعتی و کشاورزی کشور را با ورشکستگی روبرو ساخته است .

۴ - رژیم با خود داری از اجرای اصلاحات ارضی بنیادی بسود دهقانان کم زمین و بی زمین ، شرایط مهاجرت جمعی روستائیان به شهرها را فراهم آورده است .

۵ - سران جمهوری اسلامی به سیاست همپیوندی سرمایه دولتی با سرمایه های انحصارهای امپریالیستی ادامه می دهند . در آمیزی سرمایه دولتی با سرمایه امپریالیستی یکی از ویژگی های رژیم شاه بود . رژیم جمهوری اسلامی در این زمینه نیز پا در جای پای رژیم شاه گذارده و تقریباً همه سرمایه گذارهای خارجی رژیم سابق را که هدف از آنها

د رآمیزی سرمایه د ولتی با سرمایه انحصارهای فراملیتی بود ، حفظ کرده است .

۶ - رژیم جمهوری اسلامی فاقد برنامه رشد اقتصادی است و قادر نیست به وضع اسفبار اقتصاد ملی سرسامان بخشد . برخورد دولت به معضلات عظیم اقتصادی ، روزمره است . بی برنامهگی دولت زائیده مبارزهای است که در درون حاکمیت و میان جناح های گوناگون ، بر سر قدرت و منافع گروهی در جریان است .

اختلاف های موجود در درون حاکمیت و نهاد های تابع آن مانع از آن شد مگره پس از گذشت ۷ سال از انقلاب ، مسئله مالکیت و نقش بخش خصوصی در اقتصاد و حیطه و شکل عملکرد آن حل شود .

در این زمینه دو برخورد از سری دو جناح عمده به چشم می خورد :

- برخورد هواداران آزادی همه جانبه بخش خصوصی ؛

- برخورد هواداران نقش بیشتر دولت در کنترل اقتصاد کشور .

موضع هواداران آزادی همه جانبه بخش خصوصی ، مبارزه با بخش دولتی و تعاونی زیر پوشش سپردن "کار مردم به مردم" یعنی شعار همیشگی سرمایه داران و بزرگ مالکان است . این جناح در حالی که بسیاری از مواضع کلیدی را بدست گرفته ، می کوشد تا همه قدرت سیاسی را تصاحب و مواضع خود را تحکیم کند .

هواداران نقش بیشتر دولت در کنترل اقتصاد کشور ، ضمن حمایت از راه رشد سرمایه داری بر ضرورت کنترل دولتی بخاطر جلوگیری از محدودیت سریع پایگاه اجتماعی رژیم تأکید دارند .

ساختار عقب مانده ، ناهماهنگ ، پرتضاد و نامنسجم دولتی ، تعدد مراکز قدرت ، روشن نبودن وظایف و پهنه عملکرد وزارتخانه ها و نهاد های گوناگون دولتی ، از خود ویزگیهای نظام حاکم است . وجود شخص "ولی فقیه" در راس سه قوه ، "شورای نگهبان" بالای سر مجلس ، "نمایندة امام" و "امام جمعه" در کنار استاندار و فرماندار و شهردار ، "سپاه پاسداران" و " بسیج" در کنار ارتش ، "وزارت جهاد" در کنار وزارت کشاورزی و همچنین "کمیته" ها در کنار شهرداری و ... و نیز "نمایندگان امام" در هر یک از نهاد ها ، جز در راستای متورم تر شدن هرچه بیشتر دستگاه دولتی ، فلج شدن نظام اداری کشور ، افزایش بی سابقه کافندبازی ، گسترش فساد و ریخت و پاش مالی و تشدید باند بازی و جناح بازی نیست و از مظاهر بحران نظام حاکم بر کشور ماست .

۷ - فقر مالی ، فقر بهداشتی ، فقر فرهنگی ، بیکاری روزافزون ، گرانی سرسام آور ، تورم فزاینده و بی مسکنی ، ره آورد های جمهوری اسلامی برای توده های مردم میهن ماست . در حالی که قیمت ها سیر صعودی دارد ، درآمد زحمتکشان بسیار اندک است . شکاف میان فقر و ثروت پیوسته ژرفتر می شود .

سیاست و عملکرد ارتجاعی رژیم از جمله زمینه ساز تشدید بی سابقه معضل مسکن و رشد بیکاری در کشور شده است . کمبود بیش از سه میلیون واحد مسکونی و بیکاری ۲۰ درصد جمعیت فعال کشور که بخش قابل توجه آن را کارگران صنعتی و صنوف تشکیل

می دهند، جلوه‌هایی از سیاست بحران‌زا و ضد خلقی رژیم است.

۸ - مخالفت مردم با سیاست داخلی و خارجی رژیم جمهوری اسلامی به سرعت گسترش می‌یابد. محمل عینی این مخالفت تضاد آشتی‌ناپذیر میان نیاز جامعه به پیشرفت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از یکسو و رویای بازدارنده رژیم استبداد قرون وسطایی - مذهبی، از سوی دیگر است. استقرار نظام خودکامه "ولایت فقیه" مسئله دمراتیزکردن نظام اجتماعی - سیاسی را به یکی از مسایل حاد روز تبدیل کرده است.

در پیشگرفتن سیاست "درهای باز"، احیای مواضع اقتصادی امپریالیسم از طریق اختصاص بخش اعظم بازرگانی خارجی به انحصارهای فراملیتی، هم‌روند با ادامه درآمیزی سرمایه‌دولتی با سرمایه انحصارهای امپریالیستی، تضاد میان خلق - و در درجه اول زحمتکشان - با منافع غارتگرانه انحصارهای فراملیتی رانیز تقویت می‌کند.

بالاخره تضاد میان منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان با منافع کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهری در مجموع خود محمل‌های عینی اقتصادی، اجتماعی - سیاسی جنبش انقلابی را به منظور سرنگونی رژیم فراهم آورده است.

وظایف حزب در مرحله کنونی

۱ - مهمترین، عاجل‌ترین و مرکزی‌ترین وظیفه‌ای که بر اساس برنامه مصوب کنفرانس ملی در برابر اعضا و هواداران حزب قرار گرفته، مبارزه در راه سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی است. بنابراین همه وظایف حزب، اعم از سازمانی و تبلیغاتی و سیاسی ایدئولوژیک، باید در ارتباط مستقیم با این وظیفه عمده باشد.

۲ - در زمینه کار سازمانی، گسترش هسته‌های حزبی در کشور همچنان به مثابه وظیفه عمده و اساسی باقی می‌ماند. بدون گسترش فعالیت حزب، نفوذ در میان توده‌ها و سمت‌دهی به مبارزه آنها در راستای درست، امکان‌پذیر نخواهد بود.

کنفرانس ملی اصل عدم تمرکز سازمانی را در شرایط کار مخفی ضروری دانند و بار دیگر بر آن مهر تأیید می‌زند.

کنفرانس به هیئت سیاسی منتخب کمیته مرکزی جدید اجازه می‌دهد تا با تشخیص و بررسی همه جانبه، تعداد اعضا هسته‌هایی را که ضرورتاً باید افزایش دهد. هیئت سیاسی موظف است که آئین‌نامه ویژه‌ای در این باره تصویب کند.

مراعات اصول چهارگانه عدم تمرکز سازمانی، ترجیح کیفیت بر کمیت، درآمیزی کار علنی و مخفی و حفظ اسرار حزبی همچنان خصلت اساسی کار تشکیلاتی حزب را تشکیل می‌دهد.

کنفرانس ملی اهمیت ویژه‌ای برای کارست دقیق و همه‌جانبه اصول پنهانکاری در درون هر واحد حزبی و در مجموعه حزب قایل است. رعایت اصول پنهانکاری شامل حال همه سازمانها و هسته‌ها، چه در خارج و چه در داخل کشور، می‌شود. باید با تمام قوا از نفوذ افراد مشکوک به درون سازمانها و هسته‌های حزبی جلوگیری به عمل

آورد. در سازمان مخفی آگاهی هر عضو حزب از مسایل مشخص سازمانی فقط تا آنجا جایز است که برای پیشبرد فعالیت حزبی وی ضروری می باشد.

۳ - حزب ما، به مثابه حزب طراز نوین طبقه کارگر، باید با تلاش و کوشش هرچه بیشتر و پیگیرتر به سازماندهی و تجهیز زحمتکشان و در درجه اول طبقه کارگر ایران ورهبری مبارزه طبقاتی آنان بپردازد، زیرا پیشرفت موفقیت آمیز بسری سوسیالیسم - کسه هدف نهایی حزب بوده ایران است - از روند افزایش دائمی نقش طبقه کارگر در زندگی اجتماعی، جدا نیست.

کنفرانس ملی تمرکز فعالیت حزب را در موسسه های بزرگ صنعتی - که کارگران در آنها تمرکز بیشتری دارند - و در محله های کارگری ضروری می داند. همچنین بر ایجاد هسته های مخفی رهبری مبارزه صنعتی کارگران تاکید می ورزد و گام برداشتن در راه اجرای آن را یکی از اصلی ترین وظایف رهبری آینده می داند.

۴ - به تناسب ایجاد محدودیت برای حزب و سپس یورش به آن، ادامه فعالیت سندیکاهای کارگری نیز ممنوع شد. تعداد زیادی از مسئولان سندیکاهای بازداشت شدند و تحت پیگرد قرار گرفتند. کنفرانس ملی مقرر می دارد تا رهبری آینده حزب در زمینه چگونگی مبارزه صنعتی - سیاسی کارگران در شرایط ترور و اختناق موجود به بررسی بپردازد و تدابیر لازم را اتخاذ کند. گسترش هسته های مخفی در کارگاه ها و کارخانه ها، با رعایت دقیق کار مخفی و علنی، از جمله این تدابیر می تواند باشد.

در شرایط موجود، تشکل علنی در "شوراهای اسلامی کار" متمرکز است که زیر کنترل شدید رژیم و چشم و گوش های آن، خصوصا انجمن های اسلامی قرار دارند. رژیم حتی تشکیل این شوراهارانی در کارخانه های بزرگ و مادر و همچنین کارگاه هایی که تعداد کارگران آنها کمتر از ۳۵ نفر است، ممنوع کرده است. کنفرانس مقرر می دارد که رهبری آینده حزب باید با استفاده از امکان های تشکیلاتی و تبلیغاتی خود در جهت هر چه بیشتر سیاسی - صنعتی ساختن این شوراهای و بنیانگذاری هسته های حزبی در آنها، تلاش ورزد. بنابراین استفاده از تشکل های صنعتی موجود و سازمان دادن تشکل های مستقل کارگری، اهمیت مبرم دارد.

کنفرانس در خصوص فعالیت اعضای حزب در تعاونی های مصرف و مسکن که رژیم تلاش دارد آنها را محدود و متلاشی سازد، به رهبری آینده حزب توصیه هایی کرد. بر اساس این توصیه ها، رهبری حزب باید برای تقویت هرچه بیشتر این تعاونی ها، رهنمود های لازم را به اعضا، و هواداران حزب ارائه دهد.

۵ - با در نظر گرفتن گسترش مبارزه دهقانان علیه بزرگ مالکان و خانها، ایجاد هسته های ویژه حزبی برای کار در میان دهقانان تهیه دست - خصوصا در مراکز مهم مبارزه دهقانی - به مثابه نزدیک ترین متحدان طبقه کارگر، ضرورت دارد.

این هسته ها ضمن اجرای وظایف حزبی و سازمانی خود، وظیفه دارند که برای رهبری مبارزه دهقانان و پیشبرد این مبارزه، جهت متشکل کردن دهقانان زحمتکش، در

سازمانهای محلی - صنفی بگوشند . تشکلهای هفتاد و دو نفره در این سازمان ها - و به ویژه در اتحادیه های دهقانی که به منزله ستون فقرات قدرت توده های روستائی است - بسط دهقانان امکان می دهد که در وجود سازمان های خود به جبهه متحد خلق پیوندند .

۶ - حزب باید کار میان قشر های متوسط جامعه و خرده بورژوازی شهر - صوری را سازمان دهد و در زمینه مشکل ساختن زنان ، روشنفکران ، کارمندان ، هنرمندان ، دانشجویان و دانش آموزان و بطور کلی همه جوانان تلاش ورزد .

۷ - کنفرانس ملی بر اهمیت دارد در بین نیروهای مسلح تاکید ویژه دارد و معتقد است ، در شرایط بحرانی و حساس کنونی که سر نوشت رژیم با ادامه جنگ و تشدید ترور و اختناق گره خورده است ، سازماندهی مبارزه انقلابی در میان نیروهای مسلح ، از طریق کار وسیع تبلیغی و ترویجی و با توجه به سنت ها و تجربه های گرانبهای موجود ، از اهمیت خاصی برخوردار است .

۸ - موفقیت در امر مهم سازماندهی ، در ارتباط تنگاتنگ و ناگسستنی با مابین انسجام و وحدت درونی حزب است . کنفرانس بر آن است که دستیابی به این هدف ، بدون مراعات انضباط آهنین در درون حزب ممکن نخواهد بود . حزب توده ایران ، حزب طراز نوبین طبقه کارگر ایران است . عضو چنین حزبی موظف است تا مبلغ مرام و مشی حزب باشد و برای تحقق آن بکوشد ، در راه وحدت حزب - که شرط اصلی ادامه نبرد و بقای آن است - با تمام قوا بگوشد ، از هرگونه کار گروهی و فراسیونی اکیداً بپرهیزد ، انضباط حزبی را زیر پا نکارد ، اسرار حزبی را کاملاً حفظ کند و از ارتکاب به هر عملی که به حیثیت و اعتبار حزب و ارگانهای آن لطمه بزند ، اجتناب ورزد .

همه واحدهای حزبی ، در هر کجا هستند ، باید بطور فعال و پیگیر در اجرای وظایفی که از طرف ارگانهای مسئول به عهده آنها گذارده می شود ، بگوشند . واحدهای حزبی باید به گونه ای عمل کنند که از همه استعدادها و ابتکارهای انقلابی اعضا و هواداران حزب به بهترین وجه بهره گیری شود . همه واحدهای حزبی باید حقوق اعضای حزب را محترم بشمارند .

۹ - کنفرانس ، رهبری آینده را موظف می سازد که در هر محلی (در مهاجرت) کمیسیون هائی برای بررسی همه جانبه وضعیت اعضا و اعضا آزمایشی حزب تشکیل دهد . این کمیسیون ها موظف خواهند بود ، طبق آئین نامه ای که هیئت سیاسی در چارچوب مصوبات کنفرانس تصویب می کند و در اختیار آنها می گذارد ، با تک تک اعضای حزب بطور جد آگاهانه مصاحبه کنند و پس از بررسی دقیق و کافی ، فهرست افرادی را که لیاقت عضویت در حزب را ندارند ، با ارائه دلایل قانع کننده در اختیار هیئت سیاسی قرار دهند . هیئت سیاسی وظیفه دارد که پس از رسیدگی دقیق و نظرخواهی از ارگانهای مربوطه ، اینگونه افراد را از حزب کنار بگذارد . این کمیونها باستی حد اکثر تا یکسال پس از تصدین آئین نامه ، به کار خود پایان دهند .

۱۰ - سازمان دادن مبارزه توده های مردم در عرصه سیاسی ، اقتصادی و ایدئولوژیک

برای افشای نیرنگ های رنگارنگ ضد انقلاب، وظیفه دائمی تبلیغات حزب است .
۱۱ - در زمینه امور تبلیغی و ترویجی، فعالیت حزب باید متوجه توضیح استراتژی و تاکتیک حزب، استراتژی و تاکتیک جنبش جهانی کمونیستی و کارگری، بالابردن سطح آگاهی زحمتکشان با روح دل بستگی به د مکرسی، پیشرفت اجتماعی، صلح و سوسیالیسم، دوستی با کشورهای سوسیالیستی و جنبش های رهای بخش رملی و پیکار علیه ارتجاع و امپریالیسم باشد .

۱۲ - افشای سیاست ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی به قصد روشنگری و تجهیز نیروها، در سرلوحه وظایف ارگانهای تبلیغی حزب قرار دارد .
در این رابطه بجاست با توجه به آن که در د ر ون هیئت حاکمه جناح های گوناگونی وجود دارند و این جناحها در زمینه های مختلف سیاست داخلی و خارجی با هم دارای اختلاف هستند، سیاست تبلیغی حزب منظم گردد . توجه به این تضادها و استفاده از آنها امری است ضروری . ولی این مسئله نباید موجب عدم توجه به ماهیت ارتجاعی و استبدادی رژیم در کلیت خود بشود . وظیفه اساسی در این مرحله مبارزه با مجموعه رژیم جمهوری اسلامی، به منظور برانداختن آن است .

۱۳ - تعرض ایدئولوژیک گسترده به منظور تقیم ساختن تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی، شناساندن دستاورد های سیستم جهانی سوسیالیسم به توده ها و آشنا ساختن آنها با سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز بین کشورها و پیوند ناگسستنی این سیاست با مبارزه انقلابی و به ویژه مبارزه ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای میهن ما، در عین حال افشای سیاست ماجراجویانه و تجاوزگرانه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و نیز توضیح سیاست صلح طلبانه اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی، از جمله وظایف مهم تبلیغات حزب بشمار می رود .

۱۴ - حزب در برخورد با نیروهای انقلابی و دمکراتیک، از اصل "اتحاد و انتقاد" تبعیت خواهد کرد و تبلیغات آن بر همین پایه استوار خواهد بود . انعکاس خواستهای ترقی خواهانه و مطالبات عاجل اجتماعی - اقتصادی و سیاسی نیروهای یاد شده تا آنجا که منطبق با برنامه حزب است و انتقاد اصولی از مواضع ناد رست این نیروها، از مواردی است که باید همواره در تبلیغات حزب مد نظر قرار گیرد .

۱۵ - مبارزه در راه آزاد یهای دمکراتیک و رهایی زندانیان سیاسی از بند، دفاع از همه اعتراضها و حرکت های ترقی خواهانه علیه رژیم جمهوری اسلامی، حمایت از خواست های عادلانه و برحق کارگران، دهقانان، کارمندان، پیشه وران، روشنفکران، دانشجو - یان و هنرمندان و غیره . همچنین افشای و محکوم کردن هرگونه بازداشت و محاکمه غیر قانونی و هر نوع شکنجه و اعدام - بدون در نظر گرفتن وابستگی سیاسی - باید جای ویژه ای در تبلیغات حزب داشته باشد .

۱۶ - خواست پایان فوری جنگ و اجرای آتش بس جهت مذاکره برای صلح عادلانه به مبرمترین و توده های ترین خواست مردم میهن ما تبدیل شده است . بن بست جنگ

بیشتر از پیش نمایان می شود . اکنون شعار "جبهه های جنگ را تحریم کنیم" یکی از شعارهای عمده جنبش توده ای است .

هسته های حزبی باید این شعار را در سراسر کشور ، بویژه در میان کارگران و زحمتکشان ، در سطح وسیع تبلیغ و با بکارگیری رهنمود های علمی ، توده ها را علیه جنگ بسیج کنند .

۱۷ - کمیته مرکزی در زمینه تبلیغات و ایدئولوژی موظف است با جلب و تربیت کادرها ، تا سرحد امکان در غنی ساختن مضمون تبلیغات حزب بکوشد . سازمان دادن ترجمه و تالیف آثار مارکسیستی - لنینیستی و همچنین انتشار آثار ویژه در باره نهضت کارگری جهت بالا بردن سطح آگاهی کارگران ، یکی از وظایف عمده کمیته مرکزی بشمار می آید .

کنفرانس از شاعران ، نویسندگان و هنرمندان حزبی دعوت می کند که با آفرینش آثار هنری در بالابردن آگاهی سیاسی توده ها شرکت کنند . فعالیت شاعران ، نویسندگان و هنرمندان و مترجمان و پژوهشگران مردمی ، بویژه در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی فرهنگ ملی و سنن تاریخی ما را آماج حمله های خود قرار داده ، حایز اهمیت فراوانی است .

۱۸ - یکی از مسایل مهم حزب ما مهاجرت سیاسی گسترده رفقا در سراسر جهان است . پیوند با حزب و زندگی حزبی در مهاجرت و نیز وظایف انقلابی در محیط مهاجرت با روند پرفراز و نشیب مبارزه در داخل کشور تفاوت اساسی دارد . در دوران مهاجرت وظایف ما عبارتند از :

- کمک به ایجاد هسته های حزبی جدید در ایران ؛
- گسترش همه جانبه تبلیغات حزب در صحنه بین المللی به خاطر افشای هر چه بیشتر رژیم ترور و اختناق حاکم بر ایران و جلب همبستگی هر چه فعالتر نیروهای انقلابی در سراسر جهان به پشتیبانی از مبارزه مردم ، مبارزه حزب و دیگر نیروهای انقلابی و برای آزادی زندانیان سیاسی ؛
- مبارزه اصولی با گرایشهای ناسالم و نغمه های ناساز ضد حزبی از طریق روشننگری سیاسی ؛

- مبارزه سرسخت و بی امان علیه رژیم و دشمنان حزب برای جلوگیری از نفوذ به درون حزب .

کار در مهاجرت جدا از کار در ایران نیست ، بلکه در خدمت آن است .

۱۹ - کنفرانس ملی از همه احزاب کمونیستی و کارگری برادر در سراسر جهان و در وهله نخست از حزب کمونیست اتحاد شوروی و از همه سازمانها و جمعیتها و شخصیتهای مترقی و آزادخواه که در این لحظات حساس و دشوار تاریخ حزب ما ، صدای اعتراض خود را علیه بدادگریمهای رژیم جمهوری اسلامی و در پشتیبانی از توده های درینند و دیگر زندانیان سیاسی بلند می کنند ، مراتب تشکر و سپاس خود را ابراز می دارد . هیچ نیرویی قادر نخواهد بود تا حزب توده ایران را از خانواده بزرگ احزاب

برادر جدا سازد . حزب توده ایران در آینده نیز مانند گذشته پرچم پرافتخار
انترناسیونالیسم پرولتری، همبستگی با احزاب کمونیستی و کارگری و دوستی با کشورهای
سوسیالیستی، بویژه همسایه دیوار به دیوار و دوست بزرگ خلقهای میهن ما، یعنی
اتحاد شوروی را برافراشته نگاه خواهد داشت .

ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی و دمکراتیک

- ۱ - حزب توده ایران مرحله کنونی انقلاب را ملی و دمکراتیک می داند .
- ۲ - پیش شرط ها و زمینه های عینی برای سرنگون کردن رژیم در کشور ما وجود
دارد . اما عدم نضج شرایط ذهنی مانع بسیج توده ها برای رویاری با رژیم می شود .
- ۳ - تنوع و ناهمگونی ساختار طبقاتی جامعه که ناشی از عقب ماندگی نظام
اجتماعی - سیاسی عینی موجود است ، اولاً موجب تشکل و سازمان یابی نیروهای سیاسی
متنوع گردیده ، ثانیاً مانع از آن است که یک حزب یا سازمان سیاسی بتواند قدرت لازم را
برای تجهیز توده های میلیونی کسب کند . ضرورت تشکیل جبهه واحد نیز زاییده این
شرایط عینی جا معه است . کنفرانس بر آن است که در شرایط کنونی تشکیل جبهه
متحد خلق - در برگرنده طیف وسیعی از همه احزاب ، سازمانها و نیروهایی که به
آماجهای مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب ۲۲ بهمن پایبند و خواهان تحقق شعار
"آزادی ، استقلال و عدالت اجتماعی" هستند - ضرورت حیاتی دارد . این جبهه
مشکل ارتزاکران ، دهقانان ، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی خواهد بود و
خواهد کوشید تا لایه هایی از بورژوازی متوسط و کوچک را که در برخی از تحولات ملی و
دمکراتیک ذینفع هستند ، بسوی خود جلب کند . اکثریت عظیم توده های مردم کشور
ما بالقوه می توانند در این جبهه شرکت کنند . اتحاد کارگران و دهقانان استخوان -
بندی چنین جبهه های است .

شرکت در جبهه متحد خلق باید بر پایه برنامه مشترک و با حفظ استقلال
سیاسی - ایدئولوژیک و سازمانی نیروهای شرکت کننده انجام گیرد . طبیعی است که
در مرحله نخست باید در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی گام برداشت و برای جامعه
عمل پوشاندن به برنامه مشترک چنان شرایطی را بوجود آورد که همه سازمانهای انقلابی،
مترقی و دمکراتیک و سازمانهای صنفی زحمتکش بتوانند با حقوق مساوی برای تبلیغ
اندیشه های خویش و تلاش در راه تحقق آنها به فعالیت بپردازند .

۴ - تدویم پیگیر و پیروزی نهایی انقلاب ملی و دمکراتیک در گرو اعمال رهبری
حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر است . برای تأمین هژمونی حزب واحد پیشاهنگ طبقه
کارگر در این جبهه ، وحدت طبقه کارگر و همه رزمندگان راه طبقه کارگر و بسیج قشرهای
زحمتکش جامعه ضرورت دارد . حزب توده ایران در این راه مبارزه می کند .

۵ - از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی حیات خویش را با سرکوب هرگونه مخالفتی
در کشور پیوند زده ، ادامه موجودیت خود را در گرو تشدید ترور و اختناق قرار داده

است ، یگانه راه انتقال قدرت سیاسی به جبهه متحد خلق ، اعمال قهر انقلابی است .
در مبارزه برای سرنگونی رژیم می توان و باید از همه اشکال مبارزه ، از تظاهرات خیابانی
گرفته تا اعتصاب های همگانی و نیز مبارزه مسلحانه توده های استغاده کرد . حزب توده
ایران تداریک اشکال مختلف اعمال قهر انقلابی را وظیفه خود می داند و توده ها
را در این راه آماده می کند .

**پیش سوی وحدت همه جانبه مبارزان راه طبقه کارگر ایران
در حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر**

**پیروز باد مارکسیسم - لنینیسم ،
جهان بینی انقلابی حزب توده ایران !**

پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به مردم ایران

مردم ایران ! مادران ، پدران ، خواهران و برادران !

میهن ما روزهای سخت و حساسی را می گذراند . رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی کشور ما را به زندان میلیونها ایرانی تبدیل ساخته و از اعمال هیچ جنایت و ستمی در حق توده های محروم و زحمتکش فروگذار نمی کند . شرکت کنندگان در کنفرانس ملی حزب توده ایران ، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران ، حزب شهیدان راه آزادی ، استقلال ، عدالت اجتماعی و صلح ، از شما هممیهنان عزیز و از همه پدران و مادران و برادران و خواهران رنج دیده و عذاب کشیده می خواهد تا مبارزه در راه سرنگون ساختن رژیم جمهوری اسلامی را تشدید کنید !

حال بر شما روشن است که حاکمیت جدید بانگه بر مبارزه قهرمانانه میلیونها ایرانی زمام امور کشور را بدست گرفت . اما سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی پس از قبضه کردن انحصاری قدرت حاکمه ، رژیم ترور و خفقان پلیسی را بر کشور فرمانروا ساختند . این رژیم است که با خیانت به آماجهای مردمی و ضد امپریالیستی میلیونها ایرانی شرکت کننده در انقلاب ، جز فقر و تورم ، گرانی و ورشکستگی و بی خانمانی برای مردم به بار نیاورده است .

این رژیم است که هزاران هزار کارگر را از کارخانه ها بیرون ریخته و صد ها هزار خانواده را به فقر و بدبختی دچار ساخته است . این رژیم است که سران و کارگزاران آن وعده واگذاری زمین به دهقانان را می داد اما هنوز چند صباحی نگذشته به وعده های خود پشت پا زدند و مبلینهاد هقان را مجبور به مهاجرت به شهرها و پیوستن به اردوی عظیم بیکاران کردند . این رژیم است که میلیونها زن قهرمان ایرانی را به اسارت و بردگی محکوم کرده است .

این رژیم است که امکان دستیابی میلیونها جوان به آینده ای شکوفان را از آنها سلب کرده و بخش عظیمی از آنها را یا روانه سیاهچالهای می کند و یا به کشتارگاههایی بنام جبهه گسلی می دارد . این رژیم است که کودکان ما - یعنی فردا و آینده میهنمان را قربانی این جنگ فرسایشی می کند .

چنین رژیم که عمیقاً ماهیت ضد مردمی دارد و در مقابله با خلق از شیوه های فاشیستی بهره می گیرد ، حق حیات ندارد و باید سرنگون گردد .

رژیم جمهوری اسلامی با ادامه جنگ خانمانسوز و بی حاصل نه تنها اقتصاد کشور ما را در آستانه ورشکستگی قرار داده ، نه تنها موجب کشته شدن و معلول شدن صد ها هزار نفر ، آوارگی میلیونها تن ، ویرانی صد ها شهر و روستا و صد ها میلیارد دلار

خسارت مادی گردیده، نه تنها عملاً آب به آسیاب امپریالیسم خونخوار آمریکا، مبعستگر اصلی ادامه جنگ ریخته، بلکه آینه مهین ما را نیز در معرض خطر جدی قرار داد ما است. رژیم "ولایت فقیه" لیخنند از لبان میلیونها ایرانی رود، مهین ما را به ماتکد فای تبدیل ساخته که اشک چشم مادران و پدران و زنان بیوه و کودکان یتیم، شاهد انکار ناپذیر آن است.

سران خیانت پیشه رژیم تا کنون ده ها هزار تن از بهترین فرزندان مهین ما را یابه جوخه اعدام سپرد هاند و یا زیر شکنجه های وحشیانه به قتل رساند هاند. دژخیمان جمهوری اسلامی به هیچ کی رحم نمی کنند. زندانها انباشته از توپاواگان و زنان و جوانان و سالخوردگانی است که سران رژیم آنها را محکوم به مرگ تد ریجی کسبرد هاند. تمهکاریهایی که مشتی خائن و خیانت پیشه در قبال مردم مهین ما مرتکب می شوند، انسان را بیاد دوران قرون وسطی می اندازد. نهاد های سرکویگر که شعارشان هر روز افزایش می یابد می کوشند تا برجان و مال و ناموس میلیونها ایرانی حکمرانی کنند. حکام "شرع" بپسداد می کنند. فساد و رشوه خواری و فحشا جامعه را فرا گرفت است. رژیم تلاش می ورزد تا فرزندان ما را به انسانهای مسخ شده تبدیل سازد. رژیم با هرچه مه سر ایرانی دارد مخالفت می کند و می کوشد تا مفاخر و فرهنگ و هنر اصیل ملی ما را لگسد مال و نابود سازد.

این رژیم نمی تواند قابل درام باشد. امروز در سراسر جهان خلق ها علیه رژیم های خود کاهه و استبدادی بیبا خاسته اند و به حیات نکبت بار آنها پایان می دهند. مردم مهین ما نیز که دارای سابقه تاریخی درخشان هشتاد ساله مبارزه علیه دیکتاتوری هستند، نباید و نمی توانند در راه سرنگون کردن رژیم قرون وسطایی استبدادی "ولایت فقیه" بیبا نخیزند.

مردم زحمتکش و قهرمان ایران!

— مبارزه در راه پایان دادن به جنگ ایران بریاد ده را هرچه بیشتر تشدید کنید!
— برای آزادی فرزندان دریند خلق از سیاهچالهای رژیم، پیکار کنید!
کارگران! به مبارزه اعتصابی علیه پامال شدن حقوق حقه خود و در راه بهیبود شرایط زندگی، جلوگیری از اخراج و ایجاد تشکل های صنفی آزاد و مستقل ادامه دهید. اعتصابهای اقتصادی را به اعتصابهای سیاسی فرا رویانید!
د هقانان! بزرگ مالکان را به روستا راه ند هید، زمین از آن کسی است که روی آن عرق می ریزد و زحمت می کند، زمین از آن شماست و اتحاد و یگانگی شماست که می تواند رژیم ضد خلقی را به عقب نشینی مجبور کند!
زنان قهرمان! اجازه ند هید تا رژیم شما را به برده های فرمانبر تبدیل کند. آزادی و برابری با مردان، داشتن حق کار و برخورداری از حقوق واقعی، شعار همیشه شما زنان بوده است. شما چنان نیروئی هستید که در صورت تشکل می ترانید رژیم را با شکست قطعی روبرو سازید!

اگر شما تصمیم بگیرید که به جنابتهای رژیم پایان دهید، بدون تردید پیروز خواهید شد . با برپایی تظاهرات در سراسر کشور از اعزام فرزند ان خود به جبهه های مرگ خودداری کنید !

جوانان ! از رفتن به جبهه های جنگ خودداری کنید ، به صفوف نیروهای انقلابی بپیوندید . با اتحاد و یگانگی مبارزه علیه رژیم ضد خلقی را شدت بخشید !

مرگ بر رژیم "ولایت فقیه" !

پیش به سوی تشکل جبهه متحد خلق !

زنده باد آزادی ، استقلال ، عدالت اجتماعی و صلح ، خواست اکثریت قاطع مردم میهن ما !

کنفرانس ملی حزب توده ایران

**بیروز باد مبارزه خلق در راه
سرتگونی رژیم جمهوری اسلامی!**

پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به مردم ایران و بشریت مترقی در حمایت از زندانیان سیاسی

رژیم استبدادی و ضد خلقی که بر میهن ما حکمروایی می کند، برای ادامه حیات منحوس خود زندانها را انباشته از بهترین فرزندان خلق کرده است. هزاران میهن دوست و انقلابی که با فداکاری و از جان گذشتگی بسیار در صف مقدم نبرد علیه رژیم ضد خلقی شاه قرار داشتند و در پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ نقش بزرگی ایفا کردند، یا به خوچه های اعدام سپرده شده اند، یا زیر شکنجه های روحی و جسمی جان باختند. دهها هزار نفر از بهترین فرزندان انقلابی خلق از جمله از بین اعضا حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و مجاهدین خلق ایران و دیگر نیروهای مترقی و انقلابی در سیاهچال های رژیم استبداد قرون وسطایی "ولایت فقیه" زیر جانگناه ترین شرایط تعزیر و شکنجه های مداوم در سرحد مرگ و زندگی بسر می برند و یا ناگزیر از جلای وطن شده اند. شکار گسترده انسان های دگر اندیش در جمهوری اسلامی به شدت ادامه دارد.

محصول این اعمال ضد خلقی و جنایتکارانه حکومت جمهوری اسلامی، هزاران کودک یتیم و بی سرپرست و مادران و پدران داغ دیده و زنان بیوه است. در خیمان جمهوری اسلامی برای پیشبرد هدفهای خود نه به نیاوران و نه به سالخوردگان و در یک کلام به هیچ کس رحم نمی کنند. در زندانهای ایران زنان جوان با کودکانی که در اسارتگاههای دوزخی رژیم چشم به جهان گشوده اند، در کنسار سالخوردگان هفتاد و هشتاد ساله بیمار و علیل به زنجیر کشیده شده اند. یگانه گناه این آزاد زنان و مردان آن است که خواهان آزادی و استقلال کشورند و سراسر زندگیشان شرافتمندانه خود را وقف رهایی زحمتکشان از فقر و فلاکت و مسکنت کرده اند. آنها در راه آزادی انسان و علیه دیکتاتوری مبارزه کرده اند و اینک در چنگال رژیم دیکتاتوری تحمیل شده به خلقهای ما اسیرند.

زندانهایی که در نتیجه پیکار قهرمانانه خلق بپاخاسته ما از زندانی سیاسی خالی شده بود، اینک دوباره آکنده از زبده مبارزان راه آزادی و استقلال ایران گردیده اند. باید امروز نیز مانند دیروز شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد!" با بانگی رسا در سراسر میهن بخون تپیده ما طنین انداز شود. باید با بسیج توده های میلیونی خلق به حمایت از خانواده زندانیان سیاسی کشور برخاست. دهها هزاران کسودک خواهان آزادی مادران و پدران خود هستند. مادران و پدران رهایی جگرگوشگان خود را از سیاهچالهای رژیم طلب می کنند. زنان در راه نجات همسران و نان آوران خانواده خود می رزمند. آنها به هر کجا که می روند و به هر مقامی که مراجعی کنند با سرنیزه نهاد های سرکوبگر روبرو می شوند.

مردم ایران !

جان اسیران خلق، جان هزاران زن و مرد هم مین شما تنها به جرم داشتن عقاید سیاسی متفاوت با عقیده سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی، یعنی خائنان به آماجهای مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب بهمن، در خطر است. برای نجات محکومین به مرگ تدریجی صدای اعتراض خود را بلند کنید و نگذارید که درخیمان کمرسته ارتجاع به تبهکاری های پشت پرده خود ادامه دهند. مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه در راه آزادی و دموکراسی است که همه ما به آن نیاز داریم و سالیان طولانی در راه آن پیکار کرده ایم. باید دستهای خونریز جلادان جمهوری اسلامی را قطع کرد.

وحدت و یگانگی شما یگانه ضامن پیروزی در عرصه مبارزه بخاطر آزادی است. بیایید دست به دست هم دهیم و در صف واحدی شعار آزادی زندانیان سیاسی را به حریمای علیه بیدادگرهای رژیم فلاکت بار جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. نیروی خلق لایزال است. خلق قهرمان ما عظمت و قدرت این نیروی لایزال را در انقصاب شکوهمند بهمن ۵۷ به جهانیان نشان داد. ما می توانیم و باید از قدرت خلق برای بازکردن در زندانها به روی زندانیان سیاسی بهره گیریم.

پیروزی در راه آزادی زندانیان سیاسی گامی است موثر برای نقطه پایان گذاردن بر هستی رژیمی که ایران را به زندان ایرانیان تبدیل کرده است. این یکی از تجربه های فراموش نشدنی انقلاب بهمن ۵۷ است.

کنفرانس ملی حزب توده ایران از همه احزاب و سازمانها و شخصیت های انقلابی، مترقی، آزاد بخواه و انسان دوست در سراسر جهان می خواهد تا در کارزار مبارزه به خاطر نجات جان هزاران انسان در سباهجالیهای جمهوری اسلامی به ما یاری رسانند. این خواست پدران و مادران و زنان رنج دیده و کودکان معصومی است که عزیزانشان در زندانهای رژیم با مرگ دست بگیرانند.

ما از همه احزاب و شخصیت های آزاد بخواه و مترقی ایران و جهان می طلبیم تا از سران جمهوری اسلامی ایران بخواهند درهای زندانها را به روی محافل و شخصیت های بین المللی بکشایند. اگر در زندانها گشوده شود، جهانیان از فجایح خونباری که هر روز در رون این فراموشخانه ها می گذرد با خبر می شوند.

مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی ایران وظیفه مقدس همه انسان های آزادی خواه و مترقی در سراسر جهان است.

کنفرانس ملی حزب توده ایران

قطعنامه درباره گروه فراکسیونی

پلنوم نوزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از بحث پیرامون گزارش هیئت سیاسی درباره گروه فراکسیونی، به اتکاف اسناد و مدارک موجود، شرکت این گروه را در پلنوم کمیته مرکزی، به علت افشای غیر مسئولانه اسرار حزبی از سوی آنان، ضرور تشخیص داد. نوزدهمین پلنوم کمیته مرکزی پس از بحث و تبادل نظر در باره عملکرد این گروه، تصمیم های زیرین را اتخاذ کرد:

- ۱ - اقدامها و فعالیتهای مخرب گروه فراکسیونی، ضد حزبی، غیر تشکیلاتی و تخلف آشکار از وظایف سازمانی اعضا، حزب توده ایران، مصرح در بند های "الف"، "ب"، "ج"، "د"، "و" و "ز" از ماده ۴ ارزیابی می شود.
- ۲ - بابک امیر خسروی، فرهاد فرجاد، فریدون آذر نور، محمد آزاد گر، سعید مهر اقدم و حسین انور حقیقی از عضویت اصلی و مشاور کمیته مرکزی کنسار گذاشته شده و از حزب اخراج می شوند.
- ۳ - تصمیم کمیته مرکزی باید به اطلاع شرکت کنندگان در کنفرانس ملی حزب توده ایران برسد.
- ۴ - این قطعنامه باید برای اطلاع اعضا و هواداران حزب در "نامه مردم" منتشر شود.

* این قطعنامه به اطلاع کنفرانس ملی حزب توده ایران رسید و با اکثریت مطلق آراء (تنهایی رای ممتنع) مورد تصویب قرار گرفت.

قطعنامه کنفرانس ملی حزب توده ایران در باره تغییر در اساسنامه حزب

با د نظر گرفتن اینکه اساسنامه مصوبه پلنوم هفدهم حزب برای فعالیت در شرایط علنی تنظیم و تصویب گردیده است و در اوضاع و احوال کنونی که رژیم تـبـرور و اختناق پلیسی بر کشور ما فرمانروائی می کند و حزب ما در شرایط مبارزه مخفی بسر می برد، افزودن ماده ای به مواد سی و ششگانه آن ضرورت دارد .
از اینرو ، کنفرانس ملی ماده زیر را به اساسنامه مصوب پلنوم هفدهم همی افزاید :

" درباره مقررات کار مخفی

۳۷ - در شرایط کار مخفی و بر اثر ضرورت های آن باید در اجرا مقررات و موازین مندرجه در این اساسنامه در برخی عرصه های فعالیت حزبی مانند : شیوه فعالیت و ساختار تشکیلاتی حزب، پذیرش عضو، حقوق اعضا، شیوه دادرسی ها و مجازات حزبی، اختیارات ارگان ها و نحوه و مهلت فراخواندن آنها (از جمله برگزاری پلنوم، کنفرانس یا کنگره)، انتخاب و انتصاب و نحوه فعالیت ارگان ها و افراد و نیز شکل و شیوه فعالیت سازمان جوانان و غیره در راستای تحکیم مرکزیت، تقویت انضباط و حفظ سربت حزبی تغییراتی پدید آمد .

رهبری حزب باید مقررات ویژه دوران کار مخفی را بر اساس تجربه های گرد آمده تنظیم و به ارگان های مربوطه ابلاغ کند و گزارش آنرا به پلنوم کمیته مرکزی بدهد ."

x این قطعنامه به اتفاق آراء تصویب شد .

تلفیق هشیارانه کار مخفی و علنی در شرایط کنونی
یک وظیفه انقلابی است!

پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای فدائی!

کنفرانس ملی حزب توده ایران که تبلور خواست و اراده رزمجویانه اعتدال و هواداران حزب است، به شما و از طریق شما به همه اعضا و هواداران سازمان هم‌رزم و — برادر درود می‌فرستد.

کنفرانس ملی ما در شرایطی برگزار می‌شود که سرپای جامعه ما غرق در بحران همه جانبه اقتصادی-اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است و جنگ، ترور و اختناق، فقر و بی‌خانمانی و گرانی و گرسنگی گلوی زحمتکشان وطن ما را بیش از پیش می‌فشارد. در چنین شرایط بغرنج و حساسی است که برگزاری کنفرانس ملی حزب توده‌های ما - باند ای وحدت طلبانه اثر- به عنوان رویدادی بزرگ در تاریخ پر افتخار جنبش کمونیستی و کارگری میهن‌مانش خواهد بست. این کنفرانس تاریخی از آن جهت برای میهن ما اهمیت دارد که در لحظات پربار و حساس آن، قلبهائی مالا مال از آرزوی دیرینه سال وحدت و پیوند، اراده قاطع خود را برای تحقق وحدت همه کمونیستهای ایران نشان داد.

رفقای عزیز!

در سالهای پس از بورش بربرمنشانه رژیم جمهوری اسلامی به صفوف ما، طیف‌نگارنگ دشمنان بسیار کوشیدند تا توده‌های ما و فدائی‌ها را از هم جدا کنند و میان آنها بذر توطئه و تفرقه بیفشانند. اما توده‌های ما و فدائی‌ها، این دشمنان آشتی‌ناپذیر امپریالیسم و ارتجاع و پایند ان به منافع خلق در هر کجا و هر زمان، هشیارانه وحدت خود را در سنگرهای مبارزه پاس داشتند و گل‌های سرخ یگانگی در قلبهای خود رویاندند. تصمیم‌های مهم کنفرانس حزب ما و پلنوم وسیع اخیر شما، نقش مهمی در تأمین وحدت جنبش کمونیستی و کارگری و ظرف‌مندی آن در راه تحقق آرمانهای طبقه کارگر و دیگ‌ر زحمتکشان وطنمان ایفاء خواهد کرد. با تحکیم بیشتر پیوند حزب و سازمان و با گسترش هرچه بیشتر همکاری و هم‌اندیشی تا مرحله یگانگی کامل و همه‌جانبه، آرزوی بزرگ و شیرین وحدت این پیشاهنگان طبقه کارگر، می‌شکند و به میوه می‌نشیند.

رفقای گرامی!

ما عمیقاً باور داریم که رهائی واقعی زحمتکشان ایران از قیدستواستعمار، در گرو اعمال رهبری طبقه کارگر در امر تدوم و پیروزی نهایی انقلاب ملی و دمکراتیک میهن ماست. این امر تنها با تأمین وحدت پیشاهنگان طبقه کارگر در یک حزب واحد و در مرکز جبهه متحد خلق امکان پذیر است. اتحاد کارگران و دهقانان باید ستون فقرات این جبهه باشد. تنها با کار هماهنگ و بی‌گیر کمونیستها در میان کارگران و دهقانان و —

حضور وسیع و فعال در مراکز تولید و مبارزه می توان این رسالت تاریخی را به انجام رساند .
این يك حقیقت است که راه اتحاد واقعی و کسبت ناپذیر خلق از گذرگاه وحدت و
نیرومندی طبقه کارگر میهن ما عبور می کند .
رفقای فدائسی !

ما بر این باور هستیم که باور شدن آن بند زرنی که حیدرمواغلی و ارانی بر فراز
میهن ما افشاندند ، با تلاش خستگی ناپذیر ما در امر سازماندهی مبارزه خلق ، هر چه
نزدیکتر می شود . متحد و پیکار جود را این راه پیش بنماییم !

پیش به سوی وحدت همه جانبه مبارزان راه طبقه کارگر ایران
در حزب واحد پشاهنگ طبقه کارگر !
زنده باد جبهه متحد خلق !

کنفرانس ملی حزب توده ایران

جبهه متحد خلق

ضامن پیروزی انقلاب است

قطعنامه کنفرانس ملی حزب توده ایران در باره کوشش در راه وحدت جنبش کمونستی و کارگری ایران

حزب توده ایران، چنانکه در برنامه آن تأکید شده، بر اساس اعتقاد راسخ به مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، در راه وحدت همه نیروهای پیوسته-سوسیالیسم علمی در حزب واحد طبقه کارگر ایران، می‌کوشد. این وحدت برگسترش و تعمیق بازهم بیشتر همکاریهای فکری و سیاسی بین حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به قصد تأمین وحدت سازمانی بر پایه برنامه و اساسنامه مشترک، مبتنی خواهد بود.

کنفرانس ملی، کمیته مرکزی را موظف می‌سازد تا برای سرعت بخشیدن به امر وحدت سازمانی میان حزب و سازمان گامهای عملی بردارد.

کنفرانس ملی، همچنین به کمیته مرکزی ماموریت می‌دهد که برای تأمین وحدت عمل همه نیروهای معتقد به مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، با دیگر سازمانها وارد مذاکره شود و در راه اتحاد سازمانی این نیروها که نیاز مبرم جنبش کارگری و کمونستی کشور ماست، بکوشد.

کنفرانس ملی، برای کارست اشکال و شیوه های موثر و گوناگون مبارزه ایدئولوژیک علیه هرگونه انحراف از مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و هرگونه انحراف "چپ" و راست در جنبش کمونستی و در راه حفظ پاکیزگی آن، اهمیت ویژه ای قائل است.

* این قطعنامه به اتفاق آراء تصویب شد.

«پرولتاریا در پیکار برای احراز قدرت سلاحی جز سازمان ندارد. پرولتاریا . . . تنها در صورتی میتواند نیروی شکست ناپذیر شود و حتماً هم خواهد شد، که اتحاد ایدئولوژیک آن که بر بنیاد اصول مارکسیسم استوار است، به نیروی وحدت مادی سازمان که میلیونها زحمتکش را در ارتش طبقه کارگر در می‌آورد، تحکیم پذیرد.»

همبستگی احزاب کمونیستی و کارگری با حزب ما

بیش از سه سال از یورش، خائنانه جمهوری اسلامی به حزب توده ایران، حسیزیه طراز زنین طبقه کارگر ایران، می گذرد. در این مدت یکی از عوامل پراهمتی که به حزب ما در شرایط سخت مبارزه بخاطر غلبه بردشواری های زائیده یورش باری رساند و به توده های ها انگیزه و امید بخشید و برحقانیت پیکار ما در راه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و صلح و سوسیالیسم مهر اصولیت انقلابی زد، همانا پشتیبانی و همبستگی بسی در بیخ و بدون چشم داشت احزاب کمونیستی و کارگری، سازمان های انقلابی و آزاد یخواه و بشریت مترقی در سراسر جهان بود.

دفاع پر شور و آتشین و در عین حال کم نظیر احزاب برادر و در پیشاپیش آنها حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب کمپرتین، از حزب توده ای ما نشانگر جایگاه شایسته آن در عرصه ملی و بین المللی است. کارزار همبستگی و پشتیبانی احزاب برادر و عدالت و زمینه تاریخی نبوده و نیست. در واقع این کارزار، کارزار دفاع از خصلت پرولتری حزب ما و پاسداری از سنن والا و نجیبانه برادری و هم پیوندی زحمتکشان جهان بود و هست.

احزاب برادر نیک آگاهند که حزب ما، در تاریخ بیش از چهار دهه کار و پیکار افتخار آمیزش، با اثبات وفاداری جانبا زانه خود به مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، همواره درفش خونگام دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان را در کشور ما برافراشته نگاه داشته است و برگ های زرینی در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری ایران و جهان با نام حزب توده ایران ورق می خورد.

کنفرانس ملی، به نمایندگی از سوی همه اعضا و هواداران حزب توده ایران مراتب قد رشناسی و سپاسگزاری خود را از همبستگی و حمایت احزاب کمونیستی و کارگری، سازمان ها و شخصیت های انقلابی و آزاد یخواه و بشریت مترقی اعلام می دارد و خاطر نشان می سازد که حزب ما امروز نیز برای ادامه پیکار، بویژه خود را بی نیاز از یاری و پشتیبانی همه جانبه شما نمی بیند. خلق های ایران و حزب توده ای ما در راه جامعه عمل پوشاندن به خواست های توده های ده ها میلیونی زحمتکشان ایران در زمینه های گوناگون، از جمله افشای سیمای ضد مردمی حکام مرتجع جمهوری اسلامی، پایان بخشیدن به جنگ امپریالیسم برافروخته ایران و عراق، آزادی زندانیان سیاسی، در هم شکستن جو اختناق و آزادی کشی و سرنگونی رژیم "ولایت فقیه"، در آینده هم به همبستگی فعال شما احتیاج دارد. تاریخ و تجربه خونبار خلق ها نمایانگر آن است، آنجا که بانگ اعتراض و نیروی پر توان همبستگی بین المللی با مبارزه خلق و نیروهای انقلابی هر کشوری پیوند می یابد، آزادی به ثمر می رسد، در سیاه چال ها گشوده می شود، تیغ

دژخیمان کنند و کند تر و سلاح رزمندگان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی
برنده و برنده ترمی گردد.
پرتوان باد همبستگی بین‌المللی احزاب کمونیستی و کارگری
با حزب توده ایران!
فروزان باد شعله دفاع بشریت آزادی خواه مترقی از
خلق ایران!

« سرمایه‌نیروئی است
جهانی. برای پیروزی بر
این نیرو اتحاد جهانی
کارگران و برادری آنان
در مقیاس جهانی ضرور
است »
لنین

قطعه‌نامه کنفرانس ملی درباره

تدارك برگزاري چهل و پنجمين سالگرد پايه‌گذاري حزب توده ايران

با فرا رسيدن دهم مه‌ماه ۱۳۶۵، چهل و پنج سال از زندگي پرافتخار و سراسر
کا رو پيکار حزب توده ايران، وارث برحق حزب کمونيست ايران، خواهد گذشت .
حزب توده ايران در اين سالها حتى لحظه‌اي از دفاع از حقوق کارگران و ديگر
زحمتکشان ، مبارزه در راه استقلال ، آزادي ، عدالت اجتماعي و صلح براي همه
خلق هاي ايران و پيکار عليه امپرياليسم و ارتجاع از پاي ننشسته است . تاريخ حزب
ما تاريخ اشاعه اندیشه هاي والای مارکسيسم-لنينيسم و انترناسيوناليسم پرولتري و کار-
بست خلاق اين اصول در چارچوب شرايط مشخص جامعه ايران است .
حزب ما به سهم خود پيوسته در راه پاکيزگي ايدئولوژيکي در سطح جنبش کارگري
و کمونيستي ايران و جهان کوشيده است . شگفت آور نيست که دشمنان طبقه کارگر
براي پيشبرد مقاصد شوم خويش در مقابل با حزب ما ، از هنج تلاش ، از تفرقه افکني
گرفته تا سرکوب وحشيانه دريغ نورزندند .

حزب توده ايران ، عليرغم يورش هاي تبهکارانه و خونبار رژيم جمهوري اسلامي ، هم
چنان به زندگي پريار و انقلابي خود ادامه مي دهد و بر پاي کنفرا نس ملي حزب
توده اي ما که بدون ترديد به عنوان يك رويداد بسيار پراهميت در تاريخ حيات و مبارزه
حزب به ثبت خواهد رسيد ، مظهری از ناميرايی و رزمندگی و ريشه در خلق داشتند
آست .

کنفرانس ملي ، کميته مرکزي حزب را موظف مي سازد که برگزاري هرچه باشکوه‌تر
چشن چهل و پنجمين سالگرد بنيانگذاري حزب را تدارك ببيند .
از اين مناسبت بايد بويژه براي جلب همبستگي افکار عمومي ايران و جهان با
مبارزه حزبي ما در راه آزادي توده‌ايهاي دريند و ديگر زندانيان سياسي ، پايان بخشيدن
به جنگ خانمانسور ايران و عراق و افشای چهره رژيم ضد خلقی جمهوري اسلامي ، حد
اکثر بهره برداري را به عمل آورد .

پيش به سوی برگزاري هرچه باشکوه تر چهل و پنجمين
سالگرد بنيانگذاري حزب توده ايران ، حزب
طراز نوين طبقه کارگر ايران !

کنفرانس ملي حزب توده ايران

پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به پرسنل آگاه و میهن پرست نیروهای مسلح

پرسنل آگاه و میهن پرست نیروهای مسلح !

میهن بلا کشیده ما احضات حساس و سرنوشت سازی را از سر می گذراند . در این لحظات حساس و تاریخی پرسنل آگاه و میهن پرست نیروهای مسلح که از نقش و موقعیت، انکارناپذیر در مهمترین عرصه های حیات سیاسی کشور برخوردارند ، وظایف بس خطیری به عهده دارند . در شرایط کنونی از یکسو جنگ امپریالیسم برافروخته کسه ششمین سال خود را پشت سر می گذارد و میلیونها کشته و معلول و آواره برجای نهاده ، همچنان به عنوان یکی از مهمترین اهرمهای مسخ و نابودی دستاورد های انقلاب درست امپریالیسم و ارتجاع عمل می کند ، و از سوی دیگر سیاست ترور و اختناق حاکم بر جامعه به عنوان مهمترین اهرم سرکوب جنبش انقلابی و ادامه حیات رژیم، مورد استفاده قرار می گیرد . هر دو این اهرمها یعنی سیاست ادامه جنگ و تشدید اختناق ، با تکیه بر نیروهای مسلح و به دست پرسنل نظامی و انتظامی بکار گرفته می شوند . در چنین شرایطی است که نقش پرسنل انقلابی و آگاه در خلع سلاح رژیم قرون وسطایی و یساری دادن به مبارزه توده ها اهمیت بسیار دارد .

اگر مبارزه علیه جنگ و ترور و اختناق در نیروهای مسلح سازمان یابد و پرسنل شریف و زحمتکش ارگانهای نظامی و انتظامی در کنار توده های زحمتکش و نیروهای مترقی و انقلابی به مبارزه با رژیم برخیزند ، حاکمیت قادر به ادامه جنگ و سرکوب نخواهد بود و پایه های سست حکومت جبارانفاش بسرعت فرو خواهد ریخت .
ارتشیان ، پاسداران و پرسنل انتظامی آگاه و میهن پرست !

تجربه بزرگ انقلاب بهمن ثابت کرد که نیروهای مسلح در جوامع طبقاتی پدیدهای مافوق طبقات نیستند و نمی توانند از انقلاب و تاثیرات شگرف آن مصون بمانند . تجربه انقلاب بهمن و همه انقلاب های جهان نشان می دهد که انبوهی از سربازان ، درجه داران و افسران در لحظات حساس و بحرانی جامعه که طوفان انقلاب برای درهم پیچیدن طومارستفکاران اوج می گیرد به صف خلق می پیوندند . تردیدی نیست که تجربه بزرگ انقلاب بهمن بار دیگر در میهن عزیز ما تکرار خواهد شد . دیری نخواهد گذشت و آن روز فرا خواهد رسید که پرسنل آگاه و زحمتکش نیروهای مسلح در کشاکش درگیری میان خلق و ضد خلق برخاسته از منشاء طبقاتی خود به حمایت از منافع کارگران و دهقانان یعنی پدران و مادران خود برخیزند . برای چنین روزهای سرنوشت سازی باید از هم اکنون آماده بود .

در شرایط کنونی بحران عمیق و همه جانبه اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه

را فرا گرفته و نبرد طبقاتی روز بروز حاد تر می شود . بازتاب این بحران و نبرد همه جانبه در میان نیروهای مسلح بخوبی قابل مشاهده است . ارتشیان و پیاسه داران و خانواده های آنان از جمله قربانیان مستقیم جنگ خانمانسوز هستند . نفرت از ادامه جنگ امپریالیسم برافروخته و اختناق حاکم بر جامعه ، در بین این بخش از مردم کشور نیز روبه افزایش است . فرار از جبهه ها گسترش یافته و مقاومت در برابر طرح های جنگ افروزان رژیم در پادگان ها و اردوگاههای نظامی شدت گرفته است . جویی اعتدالی و تنفر بین بدنه نیروهای مسلح و فرماندهان مدافع ارتجاع و رژیم جنگ طلب به سرعت گسترش می یابد . سیستم کنترل و اختناق دوایر سیاسی - ایدئولوژیک و ضد اطلاعات در واحدها و پادگانها با بن بست مواجه شده است . تبعیض و ستم سازمانی و پایمال شدن حقوق پرسنل جزء که همه ریشه در نظام ضد دموکراتیک و ضد مردمی حاکم بر نیروهای مسلح دارد ، مبارزه صنفی و سیاسی پرسنل را به هم گره زده است . در این شرایط بحرانی ، کار انقلابی در بین نیروهای مسلح از زمینه و اهمیتی بی مانند برخوردار است . پرسنل انقلابی و میهن پرست باید ضرورتهای این کار خلاق و تاخیر ناپذیر را دریابند و نقش خطیر خویش را در جنبش انقلابی میهنمان ایفا کنند .

پرسنل آگاه و زحمتکش نظامی و انتظامی !

با تشکیل هسته های انقلابی از دوستان و همکاران مورد اعتماد و همفکر خود، مبارزه در راه سرنگونی رژیم قرون وسطایی حاکم را سازمان دهید . این هسته ها باید خود را برای انجام حساس ترین وظایف انقلابی در شرایط مساعد آماده سازند . پیوند خود را با توده های و دیگر نیروهای انقلابی گسترش دهید . علیه جنگ در جبهه و پشت جبهه تبلیغ کنید و از فراریان از جبهه حمایت کنید . به جنبش توده های ضد جنگ از هر طریق ممکن یاری رسانید . فساد و دزدی فرماندهان و وابستگی تسلیحاتی رژیم را هرچه وسیعتر افشاء کنید . علیه سیاست ترور و اختناق رژیم مبارزه کنید . اخبار زندانها و شکنجه گاهها را برای مردم افشاء و بازندانیان سیاسی و خانواده های آنان پیوند فعال برقرار کنید .

پرسنل شریف و میهن پرست نیروهای مسلح !

مبارزه آگاهانه و دفاع از حقوق زحمتکشان در نیروهای مسلح ، از سنت های دیرینه انقلابی و دموکراتیک در میهن ما برخوردار است . سرداران قهرمانی چون روزبه ها ، سیامک ها ، وکیلی ها ، محقق زاده ها ، ودها افسر و درجه دار شهید دیگر پرچمداران این رزم پر شور و پایه گذاران این سنت های دیرینه بوده اند . این پرچم همچنان در رستان نیرومند فرزندان خلق در نیروهای مسلح باقی ماند و خواهد ماند . هم اینک نیز رژیم دمدنش جمهوری اسلامی با ریختن خون فرزندان شایسته ای چون ناخدا افضلی ، سرهنگ کبیری ، سرهنگ عطاریان ، سرهنگ آذرفر ، پاسدار عظیم محقق و با

به بند کشیدن دهها افسر و درجه دار و پاسدار انقلابی و میهن پرست دیگر و نیز
اخراج و تصفیه صدها پرسنل آگاه و مبارز، می کوشد تا این شعله همیشه فروزان
پیکار و مقاومت در نیروهای مسلح را خاموش سازد . اما تردیدی نیست که این پارتیز
خیال خام تاریک اندیشان نقش بر آب خواهد شد و پرسنل آگاه و زحمتکش نیروهای
مسلح با دیگر دیوارهای فاصله بین خود و خلق را فرو خواهند ریخت .

متحد و متشکل در راه سرنگونی رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی
به پیش تازیم !

پاینده و پیروز باد پیوند پرسنل انقلابی و میهن پرست نیروهای
مسلح یا جنبش انقلابی خلق !

زنده باد جبهه متحد خلق !

کنفرانس ملی حزب پوده ایران

سربازان، پاسداران میهن دوست، درجه داران، افسران!

شما از مردم ایرانید، به صفوف مبارزان خلق پیوندید!

پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به

زنان ایران

زنان مبارز و رنج دیده ایران!

کنفرانس ملی حزب توده ایران درودهای پرشور خود را به شما زنان حق طلب و پیکارجوی میهن تقدیم می دارد.

کنفرانس ملی ما در شرایطی برگزار شد که در اثر سلطه ارتجاع قرون وسطائی حقوق زنان در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی لگد مال می شود و هویت انسانی آنان انکار می گردد.

در جمهوری اسلامی به زن به عنوان موجودی ناقص و نیمه انسان می نگرند. رژیم "ولایت فقیه" حق تصمیم گیری زنان در باره کار، تحصیل، ازدواج و طلاق و حتی نگهداری و سرپرستی فرزندان خود را از آنان سلب کرده است. در جمهوری اسلامی زنان را شلاق می زنند و سنگسار می کنند. زندانهای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی هزاران زن و دختر مبارز و ترقی خواه را در خود جای داده است. در خیمان با اعمال شکنجه های حیوانی و فشارهای روانی، می کوشند تا شخصیت و اراده شیرزنان ما را درهم بشکنند. زندان، شکنجه و اعدام زنان انقلابی هیچگاه در طول تاریخ با این شدت و وسعت سابقه نداشته است.

دست حکام جمهوری اسلامی به خون صد ها نفر از زنان و دختران مبارز میهن ما آلوده است.

رژیم "ولایت فقیه" تاکنون دهها هزار نفر از جوانان و کودکان ما را در جبهه های جنگ خانمانسوز و توسعه طلبانه قربانی کرده است. فتوای خمینی مبنی بر آموزش نظامی زنان و اعزام آنان به جبهه ها، جلوه دیگری از جنون جنگ طلبی و عطش سیراب نشدنی رژیم جمهوری اسلامی به خونریزی است.

زنان رزمنده ایران!

حضور قاطع نمایندگان شما در کنفرانس تاریخی حزب ما نشانه ارتقاء سطح آگاهی سیاسی و توان رزمی شما و اراده راسخ حزب ما برای پیکار در راه رهایی همه زحمتکشان و ستندیدگان بطور اعم و زنان محروم میهن ما بطور اخص است. حزب توده ایران مدافع سرسخت تأمین حقوق زنان و خواهان برقراری برابری کامل زن و مرد در جامعه و خانواده است.

صغوف حزب توده های ما جای شایسته آن زنان انقلابی است که به مثابه پیشاهنگمان توده های وسیع زنان دوش بدوش مردان در پیکار علیه جباران خونخوار و مرتجع شرکت می کنند و در راه آزادی، استقلال، صلح، برابری، پیشرفت اجتماعی و شکوفایی و رشد کودکان و نسل آینده می رزمند. کنفرانس ملی حزب توده ایران

پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به شاعران، نویسندگان، هنرمندان و اندیشمندان مترقی ایران

شاعران، نویسندگان، هنرمندان و اندیشمندان مترقی ایران!

- چنانکه شاهد هستید، فرهنگشور ما به مخاطرات جدی کشیده می شود. آزادی در تمامی ابعاد آن در تنگنا قرار گرفته است. سانسورچیان از تجدید گفتار و نوشتاری فراتر رفته و بر عرصه اندیشه ها فرمانروایی می کنند.
- دگراندیشی جرمی است نابخشودنی که پاداشی دشوارتر از مرگ دارد.
- انقلاب بزرگ بهمن طبیعتاً می بایست موجب دگرگونی های تدریجی اما اوج گیرنده در زمینه فرهنگ و هنر - که در آزادی به بالندگی و شکوفایی می رسند - می شد ولی متأسفانه همان نخستین نویدهای آغاز جنبش نیز با یورش خشک اندیشان از میان رفت.
- دیری نپائید که در روزهای از سلطه استبداد و وحشت و خفقان آغاز شد و وظایف جدیدی در برابر شاعران، نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران ایران قرار گرفت.

حکومت جمهوری اسلامی نه تنها از برآمدن هر جوانه تازه در زمینه ادبیات، دانش، هنر و فلسفه جلوگیری می کند، بلکه به ریشه زنی گنجینه افتخارآمیز فرهنگ گذشته میهن ما نیز پرداخته و با تاراج بیرحمانه دستاورد های غنی و پربار هنری و تخریب آثار و ابنیه باستانی و سرعت انداخته های ملی و به حراج گذاشتن آنها در بازارهای بین المللی، گنجینه های معرفتی ما را بر باد می دهد.

واپسگرایان، این کم کردگان راه تاریخ، کوشش می کنند تا با ترویج افکار پوسیده اشاعه خرافه ها و آئین های منسوخ و احیای سنت های قرون وسطایی و سوء استفاد از باورهای مذهبی توده مردم پایه های اصطلاح فرهنگی برای حکومت ارتجاعی و خودکامه "ولایت فقیهی" بسازند. آنها به نام انقلاب فرهنگی از هیچ جرم و جنایتی فروگذار نمی کنند. هنرهای فولکلوریک، رقص و موسیقی محلی ملی در میهن ما ممنوع اعلام شده و تلاش می شود که جشن های ملی و باستانی ما، چون چهارشنبه سوری و نوروز و غیره، به فراموشی سپرده شود.

متن کتاب های درسی (از دبستان تا دانشگاه) جنبه های غیر علمی، ضد علمی و خرافی دارند و موجب انحراف کودکان، نوجوانان میهن ما از واقعیت های عصر خود می شود.

تخریب زبان زنده و پویای فارسی و تحریف تاریخ جوشان میهن ما و واقعیت های جهان از جمله دستاورد های عظیم اردوگاه سوسیالیسم یکی از شیوه های رایج رژیم برای تحمیل روحیه از خود بیگانگی است. پاره های از رشته های علمی و ادبی از رده

تد ریس حد فشه ده است . همه كتاب هاى را كه مغاير با اندیشه هاى واپسگرايانه رژيم است از كتابخانه هاى عمومى و - هر آنجاى كه دستشان رسيد - از كتابخانه هاى خصوصى و كتابفروشى ها جمع آورى كرده و از بين برد مانند . از چاپ و نشر آثار مترقى اكيدا پيشگيرى به عمل آمده و مى آيد . گروهى از شاعران ، نويسندگان ، هنرمندان ، و روشنفكران انقلابى را توقيف و به زندان و شکنجه گاه ها و جوخه هاى اعدام سپرد مانند . موج تفتيش عقايد و سانسور ، از كنترل نامه ها و تلفن هاى خصوصى تا دخالت در زندگى خصوصى مردم ، پيش رفته است . رژيم همراه با اين بيدادگرى هاى پليسى ظريف ترين شيوه هاى روان گردانى را براى كشتن روح زندگى در مردم بكار گرفته است . سوءاستفاده از آئين هاى مذهبى ، اشاعه مرثيه و نوحه خوانى ، سپاه پوشى ، خوار شمردن شادى و ديگر مظاهر شورانگيز زندگى ، مرگ خواهى و مرگ انديشى ، همه و همه به امر روزمره دستگاه تبليغياتى رژيم تبديل شده است و در خدمت پژمراندن گل هاى شاداب روح و روان ايرانى قرار دارند .

بر شاعران ، نويسندگان ، هنرمندان و انديشمندان مترقى کشور است ، همچنان كه در تك زرفاى سپاه ترين دوران ديكتاتورى شاه در پيوند با يكد يگر مشعل آزاد گسى را برافراشتند ، در شرايط كئونى نيز با چاپ و نشر و ارائه آثار خویش - بهر طريق ممكن ، پيوند دهند و اندیشه هاى مترقى و آرمان هاى والای انسانی باشند ، آزاد يخواهسى و صلح جوئى را كه شكندند حكومت استبدادى و روحيه جنگ طلبانه است ، ترويج كند ، شعله هاى اميد به آينده را در قلب هاى توده ها فروزان نگاه دارند و با گسترش روح مقاومت در برابر رسوخ هر اندیشه يا آئين ارتجاعى در ميان نسل جوان ايستادگى كند و همچنين در حفظ و نگهدارى آثار گرانبهاى فرهنگى ، كه ميراث معنوى مردم محروم ماست ، كوشا باشند .

يك رمان ، يك نمايشنامه ، يك شعر ، يك ترانه ، يك تصوير و حكايه طنز آميز در ميان توده ها مى تواند ، به ميزان معينى در افشاى واپسگرايان سالوس منشر ، و ياكار كه به توده ها پشت كرد مانند ، كارساز باشد و راه را بر فريبكارى آنها ببندد . روشنفكران ما مى توانند ، با گرد آورى اسناد و مداركى مبنى بر سانسور و تفتيش عقايد ، آزادى كشى و تجاوز به حقوق مردم از طرف كارگزاران حكومت و ارسال و ارائه آنها به مراجع صلاحيتدار بين المللى ، در نشان دادن ماهيت ضد دمكراتيك رژيم بكوشند . فرهنگ پروران مترقى ايران !

به شكرانه چراغ روشنى كه از هنر و دانش و مهر مردم در ضمير و اندیشه خود داريد متعهد به باور هاى انسان دوستانه و بدور از هرگونه گروهگرابى بد فرجام ، براى شكستن ديوارهاى جهل و سپاهى كه تبهكاران به گرد اكرد جان و روان ما مى كشد ، گرد آييد ؛ انجمن ، كانون ، شورا ، يا محفل هاى پنهان و آشكار خود را تشكيل دهيد ؛ در خلق آثار با ارزش ، متناسب با نيازهاى امروزي جامعه بكوشيد و مطمئن باشيد كه نيروى آگاه و استوار زمختشان و محرومان کشور و جان هاى آزاد بشریت مترقى ، در همه جا ياور و پشتيبان شماست .

كنفرانس ملي حزب توده ايران

پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به سازمان آزادیبخش فلسطین

رزمندگان سازمان آزادی بخش خلق فلسطین!

کنفرانس ملی حزب توده ایران خالصانه ترین دودها را نثاران کرده و — برای پیروزی راهتان که تجلی گاه آرمانهای خلقهای عرب فلسطین است، تمنیات قلبی خود را ابراز می دارد .

کنفرانس ملی حزب توده ایران یک رخداد بزرگ و بجامانندی در تاریخ حزب ما به شمار می رود . این کنفرانس در شرایطی برگزار می شود که رژیم خودکامه جمهوری اسلامی از مدتها پیش برای رسیدن به هدفهای ضد انسانی خود، راه خیانت ب—ه آرمانهای خلقی و ضد امپریالیستی انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (فوریه ۱۹۷۹) — ایران را در پیش گرفته است .

سران جمهوری اسلامی برای دستیابی به هدفهای ضد بشری خود از هیچ جنایتی روگردان نیستند . آنها آتش جنگ خانمانسوز بین ایران و عراق را که اکنون بیش از ۶ سال از آغاز آن می گذرد، هر روز شعله ورتر می کنند، جنگی که طی آن صد هزار تن از مردم بیگناه کشته یا زخمی شده اند . در نتیجه جنگ خسارت های مادی فراوانی به مردم هردو کشور وارد شده و سبب تقویت مواضع ارتجاع و حضور نظامی امپریالیسم در منطقه گردیده است . رژیم جمهوری اسلامی سازمانهای مترقی و انقلابی میهنان را — آماج ددمنشانه ترین یورش های سرکوبگرانه قرار داد و در اوایل سال ۱۹۸۳ به قصد نابودی حزب توده های ما، که قاطع ترین مدافع منافع کارگران و زحمتکشان ایران است، توطئه — وسیعی را تدارک دید . در اجرای این توطئه هزاران تن از بهترین فرزندان خلق زندانی و شکنجه گردیده و گروهی از رفقای قهرمان ما به جوخه اعدام سپرده شده و یا زیر شکنجه به شهادت رسیدند، اما خواست پلید "نابودی" حزب توده ها هیچگاه تحقق نیافت . حزب توده ایران پاییز سال ۱۳۶۲ با تشکیل پلنوم خود بر این توهمات رژیم خط بطلان کشید .

اکنون نیز که بیش از دو سال از آن تاریخ می گذرد، حزب ما با تشکیل کنفرانس ملی خود یکبار دیگر صلابت و قدرت رزمندگی خود را به نمایش می گذارد .

همسنگران عزیز!

حزب توده ایران همواره از حقوق حقه خلق فلسطین و از تنها نماینده برحق آن، سازمان آزادیبخش فلسطین، دفاع کرده است .

ما بر این امر واقفیم که امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، — برای نابودی انقلاب فلسطین از هیچگونه جنایتی دریغ نمی ورزد . اقدامهای جنایتکارانه —

اسرائیل غاصب و دستیار شماره يك آمریکا در منطقه بشمار می آید، بی هیچ تردیدی از نظر بشریت ترقی خواه و صلح دوست محکوم است . ما همواره از پشتیبانی، بیدریغ شما از مبارزه مردم خود برخوردار بودیم بر این همبستگی برادرانه ارج نهاده و در راه استواری و مداومت آن می کوشیم .

جا دارد که یکبار دیگر ضمن نثار د رود های گرم، پشتیبانی حزب توده ایران و مردم ایران را از نبرد بی امانتان در راه امر مقدسی که در پیش دارید، اعلام داریم .

— زنده باد انقلاب فلسطین

— برقرار و پرتوان باد سازمان آزادی بخش فلسطین، تنها نماینده بحر حق

خلق های عرب فلسطین !

— هر چه استوارتر باد همبستگی برادرانه سازمان آزادی بخش فلسطین و حزب توده ایران !

کنفرانس ملی حزب توده ایران

مرگ بر امپریالیسم آمریکا،
دشمن اصلی خلق های ایران و جهان!

پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به

حزب کمونیست عراق

رفقای عزیز!

د رود های گرم و پر شور شرکت کنندگان در کنفرانس ملی حزب توده ایران را

بسیذ یرید .

همزمان همیشگی ما !

حزب توده های ما علیرغم یورش بربرمنشانه و ناجوانمردانه رژیم خائن جمهوری اسلامی ، بسرعت توانست ، ستاد رهبری خود را برپا دارد ، سازمانهای خود را در داخل و خارج از کشور احیاء کند و بدینسان آرزوهای پلید ارتجاع و امپریالیسم را نقش بر آب سازد و پرچم ارانی و روزنه را برافراشته نگاه دارد .

د رارخیانت سران مرتجع جمهوری اسلامی به آرمانهای انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ و تد اوم توطئه های امپریالیستی ، بویژه امپریالیسم آمریکا ، مردم زحمتکش وطن ما در شرایط بس دشوار ادامه جنگ ایران و عراق و محرومیت از حقوق سیاسی و اجتماعی و در فقر ونداری بسر می برند . جنگ خانمانسوز و امپریالیسم برافروخته با عراق تاکنون باعث کشته و زخمی شدن صدها هزار نفر از مردم د و کشور گردیده و نزدیک به ۳ میلیون آواره و صدها میلیارد دلار خسارت بجای گذاشته است . اما رژیم جمهوری اسلامی همچنان بر آتش این جنگ بیهوده می دمد و امپریالیسم و ارتجاع منطقه با ادامه بهره گیری از آن ، توطئه های خود را هرچه بیشتر وسعت می دهند . ما برآنیم ، که با نشستن بید رنگ در پشت میز مذاکره ، باید به صلحی عادلانه دست یافت .

کنفرانس ملی حزب توده ایران تایید همه جانبه خود را از مبارزه بر حق شما

ابراز می دارد .

حزب توده ایران با تشکیل کنفرانس ملی خود و اتخاذ تصمیم های مهم در عرصه برنامه و خط مشی سیاسی ، شرایط لازم را برای همکاری با همه نیروهای خلقی ، انقلابی و ضد امپریالیستی ایران در جهت سرنگون ساختن رژیم "ولایت فقیه" فراهم می آورد . ما ضمن ابراز مراتب سپاس خود از حزب کمونیست عراق که در سخت ترین شرایط پشتیبانی انترناسیونالیستی خود را نسبت به حزب ما متجلی ساخته است ، آرزو می کنیم که حزب شما در اجرای مصوبات کنگره چهارم به موفقیت های بیشتری دست یابد .

— زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری !

— نابود باد جنگ !

— زنده باد صلح !

کنفرانس ملی حزب توده ایران

پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به حزب کار انگولا

رفقای عزیز!

سلام های گرم و پر شور شرکت کنندگان در کنفرانس ملی حزب توده ایران را
بپذیرید.

کنفرانس ملی حزب ما در شرایطی برگزار میشود که خلق های د را شـرخـیاـت
رهبران مرتجع جمهوری اسلامی به آرمانهای انقلاب ۲۲ بهمن در شرایط خفقان و ترور
و محرومیت از حقوق اجتماعی و سیاسی بسر می برند و جنگ شش ساله ایران و عراق صد
ها هزار کشته و معلول و چندین میلیون آواره برجای گذاشته است.

رفقای گرامی!

رژیم جمهوری اسلامی در سال های اخیر با یورشهای پدیدری به حزب توده
ایران قصد داشت که این پرچم را مبارزه زحمتکشان کشور ما را برای همیشه نابود سازد.
اما حزب ما علیرغم ضربه های سخت و بربرمنشانه سرکوبگران، ستاد رهبری خود را بر
پا داشت و اینک با برپائی کنفرانس ملی خود و اتخاذ تصمیم های سرنوشت ساز در عرصه
برنامه و خط مشی سیاسی، مبارزه گسترده تری را برای سرنگونی رژیم قرون وسطایی جمهوری
اسلامی تدارک می بیند و در راه همکاری با همه نیروهای انقلابی ایران، کام های بزرگی
به پیش بر می دارد.

رفقای عزیز!

حزب توده ایران، همچون گذشته، بطور پیگیر از پیکار د لیرانه خلق شما علیه
تجاوزهای رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی و توطئه های امپریالیسم پشتیبانی خواهد کرد
و مراتب سپاس خود را از حمایت بیبد ریخ شما از مبارزه خلق های ایران و حزب ما
اعلام می دارد.

مرگ بر امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا!

نابود باد رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی!

زنده بساد انترناسیونالیسم پرولتری!

کنفرانس ملی حزب توده ایران

پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران

بِه کنگره ملی آفریقا

همرزمان عزیز!

درود های گرم شرکت کنندگان کنفرانس ملی حزب توده ایران را بپذیرید .
حزب ما که سه سال پیش مورد یورش ددمنشانه و ناجوانمردانه رژیم جمهوری
اسلامی قرار گرفت، علیرغم تلفات سنگین سازمانی بسرعت ستاد رهبری و ارگانهای اصلی
خود را برپا داشت و اینک با تجهیز و بسیج کلیه نیروهای حزبی، همچنان در جهت
آرمانهای انقلابی مردم ایران می رزمند .

کنفرانس ملی ما در شرایطی برپا می گردد که جنگ امپریالیسم برافروخته عراق و ایران
ششمین سال خود را می گذراند و حاصل آن برای دو کشور، صد ها هزار کشته و معلول
و میلیونها آواره و صد ها میلیارد دلار خسارت مالی است . سیاست خائنانانه
سردمداران مرتجع رژیم، خلق های ایران را اسیر ظلم و ستم و محرومیت از کلیه
حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کرده است .

کنفرانس ملی حزب توده ایران با اتخاذ تصمیم های تازه در عرصه برنامه و خط مشی
سیاسی و تاکید بر همگامی هرچه بیشتر با سایر نیروهای انقلابی و میهن پرست، آماده تر
از پیش در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی گام بر می دارد .
رزمندگان راه آزادی !

حزب ما همچنان پیگیر و مصمم از مبارزه بر حق شما علیه رژیم نژاد پرست آفریقای
جنوبی، علیه استعمار کهنه و نو و بسود استقلال خلق رزمنده نامیبیا پشتیبانی می کند .
حزب توده ایران در آینده نیز پیوند انقلابی خود را با شما و مردم مبارز آفریقای جنوبی
در راه کسب حقوق مدنی و سیاسی و نابودی کامل سیستم آپارتاید گسترش خواهد داد .
ما با سپاس از همبستگی رزمجویانه شما با مبارزه حزب و خلق ما در راه آزادی و
استقلال و عدالت اجتماعی، خواستار تحکیم بیشتر این روابط متقابل بر مبنای پیوند های
انترناسیونالیستی هستیم .

— مرگ بر رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی !

— زنده باد همبستگی نیروهای انقلابی سراسر جهان !

کنفرانس ملی حزب توده ایران

ارزیابی خط‌مشی حزب توده ایران

درسالهای ۱۳۶۱-۱۳۵۷

در دهه های ۴۰ و ۵۰ به‌منظور بسط مناسبات سرمایه داری در روستاها و توسعه بازار داخلی، پارهای اصلاحات بورژوازی از جمله اصلاحات نیمه‌داری انجام گرفت که هدف آن رشد سرمایه داری وابسته در کشور بود. با رشد سرمایه داری وابسته لایه بندی در روستاها تسریع شد و گروههای مالی و صنعتی بزرگ همپوند با سرمایه‌های انحصاری خارجی بوجود آمد. این روند موجب گرگونی در آرایش طبقاتی - سیاسی جامعه گردید.

طبقه کارگر در روند بغرنج و متضاد بسط سرمایه داری وابسته از رشد کمی و کیفی قابل توجهی برخوردار شد. با افزایش کمی کارگران صنعتی و تمرکز آنها در موسسات بزرگ، طبقه کارگر توانست وزن مهمی در ساختار طبقاتی جامعه بدست آورد. از سوی دیگر بسط تدریجی مناسبات سرمایه داری در روستاها به تسریع روند لایه بندی دهقانان کمک کرد و شمار زیادی از دهقانان تهیدست به صفوف کارگران روستایی پیوستند و یا به مهاجرت از روستا کشانیده شدند. رشد سریع سرمایه داری وابسته ساختار سنتی خرده بورژوازی شهری را دگرگون کرد و لایه های جدیدی بوجود آورد. افزایش تعداد کارمندان بخش دولتی و خصوصی و صاحبان حرفه های آزاد یکی دیگر از پیامدهای روند رشد سرمایه داری در گسترش اقبال پائینی جامعه بود.

در چنین اوضاع و احوالی به موازات رشد سرمایه های بزرگ و رسوخ هرچه بیشتر سرمایه های انحصاری امپریالیستی در اقتصاد کشور، زمینه ورشکستگی خرده بسوزوازی سنتی و تضعیف مواضع اقتصادی - سیاسی لایه هایی از بورژوازی ملی که قادر به رقابت با گروه مالی - صنعتی نبودند فراهم آمد. بدین ترتیب رشد سرمایه داری وابسته شکاف عمیق بین رژیم و اشرار و طبقات دمکراتیک جامعه را بطرز فاحشی فزونی بخشید و ادامه حیات رژیم را در گرو تشدید سیاست ترور و اختناق قرار داد.

مجموعه این عوامل که زاینده سیاست اجتماعی - اقتصادی ضد ملی رژیم ازسویی، و نفوذ فزاینده اقتصادی سیاسی و نظامی امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا از سوی دیگر بود، جامعه را با بحران عمیق ساختاری مواجه کرد. تضاد میان خلق و امپریالیسم را که رژیم خود کماهم پهلوی مظهر آن بود به تضاد عمده در جامعه بدل ساخت. بر بستترین بحران عمیق بود که جنبش انقلابی مردم به تدریج اوج گرفت و منجر به پیروزی انقلاب بهمین ۵۷ شد.

نیروهای محرکه انقلاب

انقلاب بهمن ۵۷ با شرکت وسیع توده های میلیونی خلق از کارگران، دهقانان، خرد بوزروازی شهری گرفته تا لایه هایی از بوزروازی کوچک و متوسط به پیروزی رسید. طبقه کارگر توانست به لحاظ عینی در انقلاب نقش چشمگیری ایفا کند و در وارد آوردن ضربات قاطع بر پیکر رژیم نقش تعیین کننده داشته باشد. این به معنای آمادگی آن برای کسب رهبری جنبش نبود. زیرا اکثریت عظیم کارگران در واحد های کوچک تولیدی متمرکز و مجموعه کارگران فاقد تشکل های صنفی و پیوند با پیشاهنگ خود بودند. اقشار مختلف دهقانان بویژه دهقانان بی زمین و کم زمین علیرغم فقدان تشکل های صنفی روستایی با شعار اصلاحات ارضی در انقلاب شرکت کردند. خرد بوزروازی و اقشار بینابینی و تهیدستان حاشیه شهرها که اکثریت مطلق جامعه شهری را تشکیل می دادند نقش فعال و گسترده در جنبش انقلابی و سرنگونی رژیم ایفا کردند. شرکت لایه های مختلف بوزروازی ملی در انقلاب یکسان نبود. اگر در جریان اوج جنبش انقلابی، بوزروازی لیبرال به سازش با رژیم سلطنتی گرایش داشت، لایه های پائینی آن خود را در سرنگونی رژیم بقصد تحدید سیطره اقتصادی امپریالیسم ذینفع می دیدند. با این همه اوج روزافزون نهضت، بوزروازی لیبرال رانیز به همسویی با جنبش در سرنگون کردن رژیم مجبور ساخت.

مرحله، شکل، مضمون و رهبری سیاسی انقلاب

حزب توده ایران مرحله و مضمون انقلاب ایران را که ابتدا در اسناد حزب مصوب سال ۱۳۴۵ مطرح ساخته بود در برنامه مصوب پلنوم پانزدهم در سال ۱۳۵۴ چنین تکمیل و فرمولبندی کرد:

”جامعه ایران به یک تحول بنیادی، به انقلابی که عرصه های مختلف زندگی را در برگیرد و آن را در جهت منافع خلق دگرگون کند نیازمند است. این انقلاب در مرحله کنونی تاریخی رشد جامعه ما یک انقلاب ملی و دمکراتیک است که محتوای آن عبارت است از: کوتاه ساختن دست انحصارهای امپریالیستی از منابع طبیعی و اقتصاد کشور و تامین استقلال کامل اقتصادی و سیاسی ایران، برجیدن بقایای نظامات ماقبل سرمایه داری و اتخاذ سمتگیری سوسیالیستی، دمکراتیک کردن حیات سیاسی و فرهنگی کشور. شرط ضرور در تحول انقلابی ایران در مرحله کنونی، واژگون کردن رژیم فرتوت سلطنتی، شکستن دستگاه دولتی ارتجاعی و پایان دادن به حاکمیت سرمایه داران بزرگ و زمینداران بزرگ و انتقال قدرت حاکمه از دست این طبقات به دست طبقات و قشرهای ملی و دمکراتیک یعنی کارگران، دهقانان، خرد بوزروازی شهر (پیشه وران و کسبه)، روشنفکران میهن پرست و مترقی و قشرهای ملی بوزروازی، یعنی استقرار جمهوری ملی و دمکراتیک است.“

بدین ترتیب حزب توده ایران یگانه سازمان سیاسی بود که با تحلیل دقیق علمی

وضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور، مرحله انقلاب و آماجهای آنرا تعیین و برنامه جامع حکومت ملی و دمکراتیک را ارائه کرد. حزب توده ایران شرط عمده پیروزی انقلاب را در گرو تشکیل جبهه متحد خلق می دانست و با این استراتژی و تاکتیک در انقلاب بهمن فعالانه شرکت جست. پیروزی انقلاب و خصلت آن صحت ارزیابی های حزب توده ایران را به ثبوت رساند. انقلاب بهمن ۵۷ انقلابی بود ملی و دمکراتیک با خصلت ضد استبدادی، ضد سلطنتی، ضد امپریالیستی و خلقی. این انقلاب برخلاف تبلیغات سران رژیم خصلت اسلامی نداشت. انقلاب بهمن دارای مضمون اجتماعی و طبقاتی بود. در عین حال این نیز یک واقعیت است که جنبش انقلابی در کشور ما بنا به دلایل معین شکل مذهبی داشت.

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران دلیل شکل مذهبی انقلاب را در اطلاعیه مهرماه ۱۳۵۷ چنین بیان می کند:

"این واقعیت که جنبش بطور عمده رنگ مذهبی به خود گرفته است از طرفی از آن جهت است که رهبران مذهبی ضد رژیم در جهت خواست های خلق گام برداشته اند و از طرف دیگر از آن جهت است که در شرایط استبداد سیاه ۲۵ ساله برای این شکل مبارزه امکاناتی فراهم بود."

نیروهای سیاسی شرکت کننده در انقلاب عبارت بودند از: حزب توده ایران، چریکهای فدائی خلق ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران، جبهه ملی، نهضت آزادی، روحانیون پیرو خمینی و پارهای از گروهها و شخصیت های سیاسی دیگر. حزب توده ایران، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران علیرغم ضربات خونین شدیدی که در سالهای اختناق بر آنها وارد آمده بود فعالانه در انقلاب شرکت کردند. سازمان "نوید" وابسته به حزب توده ایران در داخل کشور که مبارزات سیاسی خود علیه رژیم را از اوایل دهه ۵۰ آغاز کرده بود، در آستانه انقلاب با افشاگریهای سیاسی وسیع و بردن شعارهای استراتژیک و تاکتیکی حزب به درون توده های زحمتکش در بسیج افکار عمومی علیه امپریالیسم و رژیم دست نشانده آن و نیز سازماندهی مبارزه کارگران و دیگر زحمتکشان، نقش موثری ایفا کرده. شعار اعتصاب همگانی که اولین بار در نشریه "نوید" مطرح و سرعت از طرف کارگران و کارمندان با استقبال عملی روبرو شد، تاثیر بسزایی در جهش کیفی نهضت انقلابی داشت. حزب توده ایران، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران با دعوت و سپس شرکت فعال در قیام مسلحانه تودهای، حقانیت و شایستگی خود را برای رهبری جنبش به اثبات رساندند، اما به دلیل عدم اتحاد و ضعف پیوند این نیروها با توده های زحمتکش رهبری آنها تحقق نیافت.

از سوی دیگر بورژوازی لیبرال نیز برای شرکت در رهبری سیاسی جنبش تلاش می ورزید. بورژوازی لیبرال یکدست نبود. اگر "جبهه ملی" همانند برخی احزاب بورژوازی غرب، مذهبا فقط به عنوان پرده ساتری برای استقرار حاکمیت بورژوازی

قبول داشت ، "نهضت آزادی" به رهبری بازرگان به سنن مذهبی و فرهنگ اسلامی هم معتقد و پای بند بود .

همچنین با اوجگیری جنبش انقلابی ، راست ترین جناح بورژوازی لیبرال سرکردگی شاپور بختیار ، با قبول مقام نخست وزیری شاه ، در موضع کلان سرمایه داران وابسته قرار گرفت . در جریان اعتلای نهضت انقلابی ، بورژوازی لیبرال می کوشید تا نارضایی خلق را در چارچوب خواسته های طبقاتی خود محدود سازد و حتی المقدور از گسترش و تعمیق نهضت جلوگیری کند . در آن اوضاع و احوال ، این قشر از بورژوازی بطور عمد و هدف سیاسی و اقتصادی را تعقیب می کرد :

— در عرصه سیاسی ، تحدید اختیارات شاه در چارچوب سلطنت مشروطه و تحدید (نه پایان دادن) سیطره امپریالیسم .

— در عرصه اقتصادی ، برکنار کردن کلان سرمایه داران وابسته (گروه های صنعتی - مالی) از اهرم های اقتصادی به قصد دستیابی به منافع عظیم درآمد نفت .
نهایتا جبهه ملی و نهضت آزادی با چنین سیاست سازشکارانه کاری از پیش نبردند و در آستانه انقلاب رهبری خمینی را پذیرفتند .

بدینسان از خلاء سیاسی ناشی از ضعف و پراکندگی احزاب و سازمان های شرکت کننده در انقلاب ، روحانیون پیرو خمینی به نفع تحکیم مواضع خود در جنبش انقلابی بهره برداری کردند . پدیدۀ شرکت فعال روحانیون در جنبش انقلابی ایران ، در گزارش سیاسی پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران چنین ارزیابی شده است :

" طی ۲۵ سال گذشته روحانیون تنها گروهی بودند که به مراتب بیش از همه گروهها و سازمانهای سیاسی دیگر امکان آن را داشتند که از راه مساجد و جلسات مذهبی ، که رژیم جرات حمله وسیع به آنها را نداشت ، با مردم تماس برقرار کنند و افکار خود را در میان مردم تبلیغ نمایند . در حالی که حزب توده ایران و سایر سازمانهای سیاسی در معرض شدیدترین اشکال فشار و اختناق قرار داشتند . بدین ترتیب برخی از روحانیون مترقی در تماس با مردم توانستند بسیاری از افکار اجتماعی خود را در جامعه مذهب عرضه کنند و آن را در اذهان عمومی رخنه دهند ."

روحانیون شیعه یک قشر اجتماعی دهها هزار نفری بودند که پایگاه اجتماعی آنان را خرده بورژوازی ، بورژوازی تجاری ، بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران تشکیل می دادند و در عین حال به لحاظ ایدئولوژی واحد دارای منافع صنفی مشترکی بودند . روند رشد سرمایه داری وابسته و پیامدهای ناگزیر آن در ساختار سنتی جامعه ، موقعیت و منافع صنفی روحانیون را به مخاطره انداخت . جناح محافظکار روحانیت که عمدتاً به بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران تکیه داشت ، در هراس از اوج گیری نهضت انقلابی با رژیم شاه از در سازش درآمد . اما جناح دیگر به رهبری خمینی که بیشتر از خرده بورژوازی و بورژوازی تجاری متاثر بود ، در موضع ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی (به ویژه امپریالیسم آمریکا) قرار گرفت . مبارزه این جناح از روحانیت به موازات اوج گیری جنبش

تودهای وارد مرحله جدیدی شد .
 در این مرحله خمینی و پیروانش، از موضع سرنگونی شاه یعنی شعار محوری جنبش حرکت کردند . آنها همچنین مواضع قاطع علیه امپریالیسم اتخاذ کردند و وعده آزادی و عدالت اجتماعی در چارچوب حکومت اسلامی می دادند . این موضعگیری موجب گسترش پایگاه اجتماعی روحانیت و جلب توده های میلیونی زحمتکشان زیر رهبری خمینی و افزایش اعتبار سیاسی او شد . بدین طریق خمینی توانست در مقام رهبر بلامنازع انقلاب در مرکز رویداد های سیاسی قرار گیرد .

استراتژی و تاکتیک حزب توده ایران، پس از پیروزی انقلاب بهمین

انقلاب بهمین ۵۷ با شرکت وسیع توده های میلیونی خلق به پیروزی رسید . اگر خصلت انقلاب به معنی شرکت همه طبقات و اقشار جامعه به استثنای قشر فوقانی بورژوازی و عمال امپریالیسم با طرح شعارها و خواسته های خود یکی از ویژگی های عمده مثبت انقلاب بهمین بود ، گرد آیی اکثریت شکننده نیروهای محرکه انقلاب متشکل از کارگران ، دهقانان و خرد بورژوازی شهری تا لایه هایی از روشنفکران و بورژوازی زیر پرچم خمینی و به رسمیت شناختن رهبری وی ، خود ویژگی دیگر انقلاب بشمار می رود که تاثیر مهمی در روند آتی رویداد های کشور و تعیین تاکتیک های مبارزه نیروهای انقلابی داشت .
 با پیروزی انقلاب بهمین ، کلیه جناح های هیئت حاکمه سابق از حاکمیت برکنار شدند و قدرت سیاسی به طیف وسیعی از نمایندگان (معمم و مکلائی) خرد بورژوازی ، لایه های بینابینی ، بورژوازی تجاری و بورژوازی لیبرال منتقل شد که در حاکمیت گذشته شرکت نداشتند .

نمایندگان طبقه کارگر و بخش مهم سایر نیروهای انقلابی و دمکراتیک در قدرت سیاسی سهم نداشتند و این نقطه ضعف اساسی انقلاب بهمین بود .
 حاکمیت جدید در شرایط ادامه مبارزه درونی خود و فرمانروایی جوانقلابی سر جامعه دست به یک رشته اقدامات پراهمیت زد : اخراج مستشاران و برجیدن پایگاه های نظامی آمریکا در ایران ، ملی کردن ۷۰ درصد صنایع بزرگ متعلق به سرمایه داران بزرگ داخلی و انحصارهای خارجی و در اختیار گرفتن حدود ۶۰۰ موسسه صنعتی کوچک توسط دولت ، ملی کردن بانکهای خصوصی و شرکت های بیمه که با مشارکت سرمایه های داخلی و انحصاری خارجی بوجود آمده بود ، تصویب قانون اصلاحات ارضی مشهور به بند "ج" و "د" ، افزایش حداقل دستمزدها از ۲۱۷ ریال به ۵۱۷ ریال ، سیادت دولت در بزرگانی خارجی ، الغای قرارداد های اسازتبار اقتصادی با دول امپریالیستی ، خروج ایران از پیمان سنتو و پیوستن به جرگه کشورهای غیر متحد ، و قطع رابطه دیپلماتیک با اسرائیل و رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی و غیره . افزون بر اینها ، حاکمیت جدید قرارداد سال ۱۹۷۳ معقده میان کنسرسیوم بین المللی و شرکت ملی نفت ایران

راگان‌لپکن اعلام کرد و همهٔ وسایل و وسایطی که از طرف شرکت ملی نفت ایران در اختیار کمپانی های نفتی خارجی خدمات گذارده شده بود پس گرفته شد. در حقیقت برای اولین بار اکتشاف، تولید، پالایش و حمل نفت در داخل و نیز خدمات مورد نیاز صنایع نفت و گاز بطور کامل در اختیار شرکت ملی نفت ایران قرار گرفت.

بدینسان برخی از هدفهای ملی و دمکراتیک انقلاب توسط حاکمیت جدید تحقق یافت. این اقدامات تنها تحقق بخشی از برنامهٔ حزب تودهٔ ایران مصوب سال ۱۳۵۴ را در بر می‌گرفت. برنامهٔ حزب افزون‌براینها خواهان تامین استقلال کامل اقتصادی و سیاسی ایران، برچیدن بقایای مناسبات ماقبل سرمایه‌داری و اتخاذ سمت‌گیری سوسیالیستی و دمکراتیزه کردن حیات سیاسی و فرهنگی کشور بود.

بدیهی است که تحقق کامل برنامهٔ حزب در مرحلهٔ انقلاب ملی و دمکراتیک، در رگو تحقق شرط عمدهٔ مطرح‌شده در برنامه، یعنی ایجاد جبههٔ متحد خلق با شرکت همهٔ نیروهای ملی، مترقی و انقلابی و از جمله روحانیت مترقی شرکت‌کننده در انقلاب بود. برایین اساس پلنوم شانزدهم بادر نظر گرفتن آرایش نیروهای سیاسی، دستیابی به هدف‌های فاز نخست انقلاب را در رگو تشکیل جبههٔ متحدی "با انکاب طبقه کارگر و سایر زحمتکشان شهر و روستا"، با شرکت حزب تودهٔ ایران، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران، نیروهای تحت رهبری خمینی، گروههای مترقی روشنفکران و بخش دمکراتیک سرمایه‌داری ملی برپایهٔ برنامهٔ مشترک می‌توانست به نظر حزب تودهٔ ایران این جبهه می‌بایست سدی در برابر تلاشهای سازشکارانهٔ جناح سرمایه‌داری لیبرال ایجاد می‌کرد. ما اعتقاد داشتیم "تنها از این راه می‌توان به این هدف رسید که همهٔ مردم و در درجهٔ اول قشرهای ده‌ها میلیونی مردم زحمتکش در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و روستاها و ادارات و موسسات، از نتایج محسوس و مشخص انقلابی که با خون خود به پیروزی رساند مانند، بهره‌مند شوند".

بدون شک در صورت ایجاد چنین جبهه‌های تغییرات کیفی در ساختار حاکمیت جدید بوجود می‌آمد و مبارزهٔ درون حاکمیت را بسود زحمتکشان به پیش می‌برد. متأسفانه چنین جبهه‌های بععل زیر تحقق نیافت:

۱ - موضع انحصارطلبانه و قشریت روحانیون پیرو خمینی

حاکمیت جدید بنا به بافت و محدودیت دید اجتماعی و طبقاتی حاضر نشد نیروهای انقلابی چپ و دمکراتیک را در دولت‌نویسید شرکت دهد، ولی جبههٔ ملی و نهضت آزادی را به دلیل همگونی مواضع جناحی از روحانیت با آنها و همچنین نداشتن کارآزموده برای ادارهٔ امور کشور در دولت موقت سهیم کرد.

۲ - تفرقه میان نیروهای انقلابی و دمکراتیک

اگرچه پیش از انقلاب میان نیروهای انقلابی چپ و دمکراتیک توافق ضمنی و همسویی عملی در برانداختن رژیم سلطنتی و ریشه‌کن کردن مواضع امپریالیسم در کشور وجود داشته

ولی پس از پیروزی انقلاب به علل عدیده و از جمله پیشد اورپها و اتخاذ تاکتیک های نادرست و چپ روانه از سوی پارهای از نیروهای انقلابی و دمکراتیک، این توافق ضمنی و همسویی عملی نیز پایان یافت و تفرقه جایگزین آن شد. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران نه تنها حاضر به اتحاد با حزب توده ایران بر اساس کارپایه مشترک بمنظور سازماندهی مبارزه توده ها و تاثیرگذاری بر روند انقلاب نشدند، بلکه خود نیز از برقراری چنین اتحادی بازماندند. علاوه بر این بخش رادیکال درون حاکمیت نیز سیاست تفرقه اندازی بین نیروهای انقلابی و انحصاری کردن قدرت را در پیش گرفت.

در چنین شرایط بغرنجی بود که حزب توده ایران می بایست تاکتیک مناسب و اصولی مبارزه را انتخاب و با جدیت دنبال کند. حزب توده ایران این تاکتیک را با در نظر گرفتن حمایت اکثریت قاطع توده ها از خمینی بر پایه باورهای مذهبی و اعتقادات اسطوره‌ای آنها و نیز وعده‌هایی که روحانیون حاکم در زمینه تحقق آماجهای مردمی انقلاب می دادند، تنظیم می کرد. مسئله عده برای حزب ما در آن مقطع زمانی جلب توده های مردم از طریق بردن برنامه حزب بین آنها در زمینه های اجتماعی - اقتصادی و از جمله ضرورت ادامه مبارزه در راه تشکیل جبهه متحد خلق و تجهیز سازماندهی توده ها بمنظور تحقق آماجهای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب بود. در عین حال حزب ما موظف بود با توجه به برخورداری خمینی از پایگاه عظیم توده ای، تاکتیک برجسته کردن و مطالبه اجرای وعده هایی که حاکمیت جدید به توده های میلیونی خلق داده بود را در پیش گیرد. نتیجه اتخاذ این شیوه اصولی مبارزه ازد و حال خارج نبود: یکا سران رژیم به خواست زحمتکشان جامعه عمل می پوشانند و یا از اجرای آنها سر باز می زنند که مالا شرایط جدا شدن توده ها از حاکمیت را فراهم می آورد. در حقیقت ما به این اصل لنینیسی توجه داشتیم که سبایل خطیر آزادی سیاسی و مبارزه طبقاتی را سرانجام فقط نیرو حل می کند و ما باید در راه آماده و متشکل ساختن این نیرو و در استعمال مجدد آن کوشش کنیم. ما توده های ما وظیفه داشتیم از تبدیل اصول عام مارکسیسم - لنینیسم به فرمولها، اندر زها، نسخه ها، دستورها و برنامه های کلیشه ای و از پیش تعیین شده و ناهمخوان با واقعیت بهره‌نیم و این اصول را با شرایط اجتماعی - اقتصادی جامعه و روحیه توده های خلق خلافتان انطباق دهیم. تنها در این صورت می توانستیم آگاهی توده ها را نسبت به آماجهای انقلاب ملی و دمکراتیک ژرفا و گسترش بخشیم و ضرورت فرارویی انقلاب را از مرحله سیاسی به مرحله اجتماعی را به آنها نشان دهیم. ما مارکسیست - لنینیست ها نمی توانستیم اقدامات و تدابیر شورای انقلاب در سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب را "حیله‌گری و عوامفریبی آخوند ها" بنامیم. ما در وراء هر اقدام و یا اصلاحاتی از "بالا"، مبارزه طبقاتی در بطن جامعه و نیز پایگاههای اجتماعی این یا آن جناح از حاکمیت را می دیدیم. بنابراین تدابیر حاکمیت جمهوری اسلامی در فاز اول پس از انقلاب جدا از مبارزه طبقاتی ای که در

جامعه جریان داشت نبود. این مبارزه طبقاتی به شکل محسوسی در "بالا" نیز جریان داشت. زیرا حاکمیت یکدست نبود، بلکه حاکمیتی برخاسته از انقلاب با همه ویژگیها و بغرنجی های آن بود. نمی توان بین سیاست جناح بورژوازی لیبرال و جناح معینی از روحانیت که در موضع مشابهی با آن قرار داشتند، با جناح دیگری که برآورده ساختن بخشی از آماجهای انقلاب را ضرور می شمرد علامت تساوی گذارد. نیروهای جناح اخیر به پیروان "خط امام" مشهور بودند که بخش قابل ملاحظه ای از آنها دارای پایگاه اجتماعی خرد بورژوازی بودند و مالا خصلت دوگانه داشتند. در چنین اوضاع و احوالی پیروی از اصل "اتحاد و انتقاد" یگانه شیوه درست مبارزه بود. این اصل توسط حزب ما در قبال آن جناح از حاکمیت که دارای پایگاه توده ای بود و نیز در مورد همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک بکار گرفته می شد. چارچوب این اصل که بارها در اسناد حزب مطرح گردیده عبارت بود از: حفظ و احترام به استقلال سازمانی، سیاسی و ایدئولوژیک هر گروه، سازمان، حزب و نیرویی که هدفش تدوین و تعمیق انقلاب برای تأمین پیروزی قطعی و نهایی آن به منظور محو کامل بازمانده های نفوذ امپریالیسم در ایران، انحلال بازمانده های بزرگ وابسته و بزرگ مالکی، نوسازی کشور به سود زحمتکشان و مستضعفان و نیز تأمین آزادیها و حقوق فردی و اجتماعی باشد، ما معتقد بودیم که فقط از این راه می توان توده ها را بسیج کرد و حاکمیت جدید را بسوی تحقق آماجهای انقلاب سوق داد.

شرکت حزب توده ایران در همه پرسی ها و انتخابات مطرح شده از سوی رژیم در چارچوب همین سیاست "اتحاد و انتقاد" انجام می گرفت. ما در هر یک از این همه پرسی ها اعم از رای دادن به جمهوری اسلامی و انتخابات مجلس خبرگان و تصویب قانون اساسی، با طرح مشخص انتقادات و نظریات خود و تفکیک نقاط قوت و ضعف هر برنامه رژیم، شرکت می کردیم. این تاکتیک با توجه به پایگاه توده ای وسیع رژیم، به ما فرصت می داد تا برنامه و سیاست حزب طبقه کارگر را به میان زحمتکشان ببریم. ما با شرکت در این همه پرسی ها و انتخابات تنها به سیاست ضد دمکراتیک و انحصار طلبانه رژیم مشروعیت نمی دادیم، بلکه با حضور در بین توده ها و رشد آگاهی سیاسی طبقاتی آنها را عملی می ساختیم. تحریم یک جانبه این انتخابات و همه پرسی ها که توده های میلیونی مردم را در اوطال بانه در آن شرکت می کردند، جز انزوای سیاسی نتیجه ای نمی توانست داشته باشد.

در ارتباط با شرکت حزب در همه پرسی راجع به جمهوری اسلامی در اعلامیه ۱۲ اسفند ۱۳۵۷ کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از تذکر اینکه حزب برنامه خود را در باره ضرورت تحول بنیادی در جهت تحکیم استقلال ملی، دمکراسی و سالم سازی اقتصادی کشور، رفاه عمومی و پیشرفت اجتماعی خاطر نشان ساخت اعلام کرد: "ما مدتهاست که نظر خود را در باره ضرورت ایجاد یک جمهوری متکی بر اراده خلق بیان داشتیم. بدیهی است که بر اساس مشی خود به سوال مربوط به جمهوری اسلامی یا سلطنت بسود

جمهوری رای می دهیم" . در باره "جمهوری اسلامی" در اعلامیه یاد آور می شود که :

"اصل مطلب محتوای سیاست حکومتهاست ، مردم مبارز ایران باید بکوشند تا قانون اساسی جدید بر پایه حفظ منافع اساسی جامعه، یعنی استقلال ملی ، عملی و دمکراسی ، پیشرفت اجتماعی و رفاه عمومی تنظیم شود و دولتهای ناشی از مجلس آینده پیگیرانه در جهت قانون اساسی جدید عمل کنند ."

همچنین در ارتباط با نظرخواهی در باره پیش نویس قانون اساسی ، کمیته مرکزی حزب توده ایران طی نامه سرگشاد های مورخ دوم تیرماه ۱۳۵۸ اصلاحات پیشنهادی خود را در زمینه های نظام اقتصادی ، سیاست خارجی ، حق حاکمیت ملی و قوای ناشی از آن ، حقوق زنان و حقوق زحمتکشان و آزادیهای دمکراتیک مشروحا منتشر ساخت . بخشی از پیشنهادات حزب توده ایران که در قانون اساسی کنجاند شده و مورد پشتیبانی زحمتکشان قرار گرفت ، از جمله عبارتند از : نظام اقتصادی بر پایه سه بخش ، دولتی ، تعاونی و خصوصی و برنامه ریزی منظم دولتی ، حق کار ، مسکن و آموزش مجانی برای زحمتکشان و غیره .

بدیهی است که عدول رژیم از تحقق این اصول قانون اساسی یکی از علل عمده رویگردانی توده ها از حاکمیت شد . جالب توجه است که هم اکنون نیز مبارزهای که در بطن جامعه و بویژه در میان کارگران و سایر زحمتکشان جریان دارد ، بر محور مضامین همین اصول است که توسط حزب توده ایران از ابتدای انقلاب در جامعه مطرح و تبدیل به یک نیروی عظیم مادی شده است .

حزب توده ایران با شرکت در نظر خواهی ها ، همه پرسی ها و انتخابات ، افزون بر طرح صریح نظرات خود به قصد روشن کردن افکار عمومی ، عملا از طریق حمایت از نامزدهای سایر نیروهای مترقی و انقلابی ، در تحقق سیاست اصولی اتحاد این نیروها می کوشید ، در حالیکه این نیروها چنین شیوهای را هیچگاه در مورد ما در پیش نگرفتند .

در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران اول مرداد ماه ۱۳۵۸ ، پیرامون کارزار انتخاباتی برای تشکیل مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی ، پس از تذکراتیکه حزب نظر خود را در باره قانون اساسی طی اعلامیه جداگانه و مقالات تفصیلی منتشر ساخته ، گفته می شد : "متأسفانه این عمل از طرف سازمانهای دیگر انجام نگرفته و بهمین دلیل مردم ایران ، در آستانه انقلاب نمایندگان مجلس خبرگان ، نمی دانند کسانی را که انتخاب می کنند در کدام موضع فکری نسبت به پیش نویس قانون اساسی قرار دارند و در مجلس آینده به این پیش نویس چگونه برخوردی خواهند داشت !" . با وجود این حزب ما در همان اعلامیه در باره پشتیبانی از نامزدهای سازمانهای مترقی و انقلابی یاد آور شد :

"پشتیبانی ما از نامزدهای سازمانها و گروههای سیاسی دیگر ، بار دیگر مظهر تلاش مشخص ما برای وحدت عمل نیروهای مترقی و انقلابی در راه ایجاد یک نظام

خلقی و آزاد در کشورما تبدیل دوران گذار و لاجرم آشفته کنونی به یک نظام مترقی تثبیت شده بسه سود اکثریت قریب به تمام مردم ایران است ."

حزب ما با احساس مسئولیت کامل نسبت به وظایف ملی و میهنی که بر عهده داشت بموازات جریان کار مجلس خبرگان به هنگام تدوین قانون اساسی جدید ، همه اصول ارتجاعی قانون اساسی بویژه اصل "ولایت فقیه" ، نهاد شورای نگهبان را در روزنامه مردم (از شماره ۵۶ تا ۸۵ سال ۱۳۵۸) به نقد کشید . همچنین در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره همه پرسى پیرامون طرح قانون اساسی (ششم آذرماه ۵۸) تاکید شده است :

" ما همواره گفته ایم که قانون اساسی باید بازتاب اهداف ضد امپریالیستی ، دمکراتیک و خلقی انقلاب بزرگ ما باشد و دست آورد های خلق های ایران را در همه این زمینه ها تثبیت و تسجیل کند و راه را برای پیشبرد و تعمیق این دست آورد ها یعنی ارتقای انقلاب به مراحل بالاتری باز کند . طرح قانون اساسی که اینک به رای مردم گذاشته می شود ، در همه جوانب خود پاسخگوی این انتظار نیست . در مسئله حاکمیت مردم و تعلق تمامی قدرت به اراده خلق ، در زمینه تامین آزاد یهای سیاسی و اجتماعی ، در مسئله ملی ، در مسئله مربوط به زنان و حقوق آنها در جامعه و در خانواده ، در مسئله حدود و وظایف مراجع قدرت و در مسئله نظام اقتصاد روستایی ، این نقص بیش از همه به چشم می خورد . در بسیاری موارد میل تدوین کنندگان به اینکه متن در صورت ظاهر "هرچه اسلامی تر باشد" منجر به آن شده که نه تنها از دقت محتوا کاسته شود ، بلکه مطالبی که قاعدتاً در قانون اساسی جایی ندارد و یا احکام دینی ، که نیاز به تسجیل قضایی آنها در یک سند حقوقی نیست ، در طرح کنونی گنجانیده شود ."

پس از تصویب قانون اساسی ، کمیته مرکزی حزب توده ایران طی نامه سرگشاده سوم آذرماه ۱۳۵۸ در ارتباط با اعلام وزارت کشور دایره تدوین متمم قانون اساسی ، بار دیگر نظریات خود را در باره اصول ارتجاعی قانون اساسی و از آن جمله "ولایت فقیه" مطرح ساخت و به درستی نوشت :

" در متمم قانون اساسی ، لازم است تصریح شود که مبنای حاکمیت خلق است ، تمام قوا از آن مردم است و مردم بر مقدرات کشور و مقدرات خود حاکمند و هر قدرت دیگری ناشی از مردم است و نحوه اعمال این حاکمیت نظام شورایی است ."

در همین نامه بد رستی گفته می شد : " قانون اساسی برای دورانی دراز و برای نسل آینده تدوین می شود و لذا این پرسش مطرح است که تمرکز این همه قدرت و اختیار که مستقیم و غیر مستقیم به یک فرد تفویض گردیده ، زمینه فراهم نخواهد کرد که حاکمیت فردی جایگزین حاکمیت خلق گردد ؟ "

بدین ترتیب اگرچه رهبری حزب بطور ضمنی اصل "ولایت فقیه" را در مورد شخص خمینی نیز مورد سوال قرار داد ، ولی اصولی این بود که آنرا قاطعانه و بطور صریح مردود اعلام می داشت ، و این یکی از نارسایی های رهبری در کاربرد اصل "اتحاد و

انتقاد " در مورد خمینی بود . رهبری وظیفه داشت در زمینه افشای ماهیت ارتجاعی اصل "ولایت فقیه" و تلاش رژیم در پیاد نکردن آن پس از تصویب قانون اساسی نیز براساس پیشنهاد کمیته مرکزی دائر بر ضرورت استقرار حاکمیت خلق و حذف مواد ارتجاعی قانون اساسی از خود پیگیری نشان دهند .

بطور کلی باید خاطر نشان ساخت که رهبری حزب به جنبه اتحاد با جناحی از حاکمیت و نقشر آن در جبهه متحد خلق پربها می داد . این ارزیابی منجر به آن گشت که رهبری حساب خمینی را حتی از حساب دیگر عناصر این جناح جدا کند . اگر این برخورد در فاز نخست پس از پیروزی انقلاب با در نظر گرفتن وجهه بالامنابع خمینی در میان میلیونها زحمتکش ، و اقدامات معین این جناح در تحقق پاره‌ای از آماجهای انقلاب و نیز برای سوخ برنامۀ حزب طبقه کلگردد در میان توده ها به قصد تحکیم و گسترش صفوف حزب صحیح بود ، ولی ادامه آن بویژه پس از تغییر کیفی در ترکیب حاکمیت ، بسی شك خطای اساسی رهبری حزب بشمار می رود .

* * * *

رویدادهای سیاسی پس از پیروزی انقلاب ، صحت این ارزیابی های حزب در زمینه خود ویژگیها و بخرنجی های روند انقلاب بهمین را به اثبات می رساند . حزب توده ایران هیچ توهمی در تد اوم وحدت کامل نیروهای شرکت کننده در انقلاب نداشت و معتقد نبود که یکپارچگی جنبش انقلابی ایران پس از سرنگون کردن رژیم شاه برای مدت طولانی ادامه می یابد . در گزارش هیئت اجرائیه کمیته مرکزی به پلنوم شانزدهم در اسفند ماه ۱۳۵۷ ، در این باره چنین گفته شده است : " مسلم است که بورژوازی لیبرال که تاکنون با جنبش همراه بوده می کوشد جنبش را در چارچوب منافع محدود طبقاتی خود نگهدارد و جنبه های خلقی و مردمی آنرا تضعیف نماید . تجربه همه انقلابها نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواست های طبقات و قشرهای محروم جامعه ، بورژوازی لیبرال حاضر شده است از انقلاب روی برگرداند و با باقیمانده نیروهای ضد انقلاب سازش کند و آن را برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکشان بکار اندازد . باید انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی میهن ما هم همین پدیده ها رشد کند " .

پلنوم شانزدهم حزب را موظف می کرد تا در برابر پیدایش و رشد چنین پدیده ای "اتحاد همه نیروهای دمکراتیک متکی به طبقات زحمتکش و اقشار متوسط هوادار پیشرفت اجتماعی را هر انداز ممکن است تقویت و پشتیبانی نماید " .

تجربه ، ناتوانی دولت موقت را در مقابله با مشکلات عظیمی که در مقابل انقلاب قرار گرفته بود ثابت کرد . این ناتوانی بطور عمده ناشی از آن بود که سیاست دولت موقت در چارچوب منافع سرمایه داری لیبرال ایران محدود می شد . گرچه این قشر از بورژوازی در انقلاب شرکت کرد ، ولی هدفهایش با مجموعه آماجهای انقلابی که در درجه

اول متوجه محرومان و زحمتکشان جامعه بود تضاد بنیادی داشت . درست بهمین دلیل حزب توده ایران بمنظور حفظ دستاورد های انقلاب در افشای سیاست سازشکارانه بورژوازی لیبرال نقش قاطعی ایفاء کرد . تا زمانی که دولت موقت بر سر کار نبود ، سیاست امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم آمریکاد رقبال رژیم خصلتی آشتی جویانه توأم با احتیاط و انتظار داشت . اما پس از سقوط دولت موقت و تشدید جو ضد امپریالیستی در کشور ، این سیاست تغییر اساسی کرد و امپریالیسم مواضع خصمانه جدید و آشکاری نسبت به انقلاب در پیش گرفت . محاصره اقتصادی ، سازمان دادن کودتا های متعدد و شعلور ساختن جنگ ایران و عراق ، سازمان دادن ترور های سیاسی ، تهدید و فشار و شانتاژ تا حد تجاوز نظامی طیس ، خرابکاری در ادارات و موسسات دولتی از طریق عمال داخلی و غیره ، از جمله توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران بمنظور احیای مواضع از دست رفته آن در کشور بود . موضع حزب در افشای این توطئه ها صحیح بود و نقش بسزایی در اعتلای آگاهی توده ها نسبت به ماهیت تجاوزکارانه امپریالیسم ایفاء کرد .

عظیمترین توطئه امپریالیسم علیه انقلاب ایران برافروختن جنگ ایران و عراق بود . پس از اشغال بخش وسیعی از اراضی کشور از جانب رژیم تجاوزکار عراق ، حزب توده ایران بنا به خصلت عمیق میهن پرستی خود در جنگ شرکت جست و گروهی از بهترین فرزندان خلق از اعضای حزب در بیرون راندن نیروهای اشغالگر از خاک میهن نقش بسیار مهمی ایفاء کردند . پس از آزادی خرمشهر بر خلاف خواست سران رژیم ، حزب ما شعار پایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه را مطرح ساخت . ما بد رستی خاطر نشان ساختیم که پیروزی نظامی در جنگ غیر ممکن و ادامه آن با مصالح ملی کشور ما مغایرت دارد . ما یاد آور شدیم که ادامه جنگ فقط و فقط به نفع امپریالیسم جهانی و در درجه اول امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی است . رویداد های سالهای بعد و ادامه جنگ و پیامد های مخرب آن ، صحت این سیاست حزب توده ایران را به ثبوت رساند .

هدف امپریالیسم از برافروختن و ادامه جنگ میان ایران و عراق تضعیف توان اقتصادی ، نابودی نیروی فعال و انقلابی جامعه ، تقویت نیروهای ارتجاعی در حاکمیت ، و سرانجام احیای مواضع از دست رفته خود در کشور بود . محاصره اقتصادی و ادامه جنگ ، مواضع اقتصادی - سیاسی کلان سرمایه داران و بویژه بورژوازی تجاری را که از طریق احتکار ، گرانفروشی و غیره ، ثروت عظیمی اندوختند ، تقویت کرد . اختصاص دادن بخش عمده بودجه کشور به هزینه های جنگ که نظامی شدن اقتصاد کشور محصول آن بود ، همراه با ترورهای سیاسی ، موقعیت اقتصادی سیاسی خرد بورژوازی را تضعیف نمود . مجموعه این عوامل وزن نیروهای ارتجاعی درون حاکمیت را به میزان انقلاب سنگین تر کرد .

از دیگر پیامد های جنگ توقف اصلاحات ارضی ، پایمال کردن حقوق دیکراتیک

زحمتکشان و تشدید سرکوب آزاد یهای دمکراتیک بود . اگرچه رهبری حزب ر زمیننه اصلاحات اجتماعی و حقوق دمکراتیک زحمتکشان با پیگیری مبارزه می کرد ، ولی به مسئله آزاد یهای دمکراتیک بورژوازی در جامعه کم بها می داد ، و این یکی دیگر از نارسایی های رهبری در پیاده کردن اصل " اتحاد و انتقاد " بشمار می رود . درست است که حزب طبقه کارگر هیچگاه نباید مبارزه در راه حقوق اجتماعی را از نظر دور بدارد ، ولی این عمل نمی بایست مسئله آزاد یهای دمکراتیک را که شرط اصلی مبارزه در راه تحقق اهداف مرحله دمکراتیک انقلاب است به مسئله فرعی مبدل سازد .

جنگ نتوانست مبارزه در رون حاکمیت را که پس از انتخاب بنی صدر به مقام ریاست جمهوری وارد مرحله جدیدی شده بود کاهش دهد . بلکه برعکس این مبارزه شدت گرفت و به برکناری بنی صدر که به تد ریح به مواضع بورژوازی لیبرال در غلتیده بود منجر شد . در این مقطع از مبارزه در رون حاکمیت ، هم جناح بنی صدر و هم جناح مقابل آن هر دو برای کسب قدرت انحصاری در حاکمیت مبارزه می کردند . در این مرحله رهبری حزب می بایست مواضع هر دو جناح را که در مجموع با منافع توده های زحمتکش در تضاد بود افشاء و علیه آن مبارز کند . ولی رهبری حزب در این مقطع بطور عمد ه روی افشای بنی صدر تکیه می کرد .

سازمان مجاهدین خلق ایران که از ابتدا کسب قدرت سیاسی را نه از موضع اتحاد با سایر نیروهای انقلابی در جبهه متحد خلق و بر اساس شرکت توده های وسیع زحمتکشان ، بلکه از طریق سهم شدن بهر قیمت در حاکمیت جمهوری اسلامی دنبال می کرد ، در این دوره نیز برای دستیابی به این هدف ائتلاف با جناح بنی صدر و پذیرفتن خط مشی سیاسی او را در پیش گرفت .

پیرو این سیاست بود که در خرداد ماه ۱۳۶۰ مجاهدین خلق ایران بسد ون تشخیص لحظه ، علیه رژیم متوسل به اسلحه شدند . درست است که در این مقطع روند جدایی توده ها از حاکمیت آغاز شده بود و مواضع اصولی نیروهای انقلابی و اتحاد آنها می توانست به تسریع این روند یاری کند ، ولی هنوز تناسب نیرو ها در جامعه بنحو بارزی بسود حاکمیت عمل می کرد . در چنین شرایطی توسل به اسلحه بدون تکیه به توده های مردم که عملاً در آن شرایط امکان پذیر نبود ، جز نابودی بخش مهمی از نیروهای جبهه انقلاب ، ایجاد حقانیت کاذب برای رژیم و توقف روند جدایی توده ها از حاکمیت نتیجه ای نداشت .

رهبری حزب می بایست شرایطی را که در نتیجه این عمل نابهنگام آنها بوجود آمده بود در نظر بگیرد . زیرا رویداد های ۳۰ خرداد ، ۷ تیر و ۶ شهریور که منجر به کشته شدن عددهای از شخصیت های جمهوری اسلامی شد ، زمینه را برای تغییر کیفی در ترکیب حاکمیت و حاکم شدن کامل جو ترور و اختناق پلیسی در جامعه بیشتر فراهم ساخت .

تغییر کیفی در ترکیب حاکمیت ، تحت تاثیر مجموعه عوامل یاد شده نمی توانست

در چرخش قطعی سیاست رژیم به راست موثر نیفتد . رهبری حزب در ارزیابی این روند تاخیر کرد .

در این دوره رهبری حزب موظف بود در اصل "اتحاد و انتقاد" تجدید نظر جدی بعمل آورد و ضمن اتخاذ خط مشی سیاسی - سازمانی مناسب به تدریج در موضوع اپوزیسیون کامل قرار بگیرد .

بدیهی است پلنوم هفدهم حزب (در اوایل سال ۱۳۶۰) در صورت تحلیل دقیق و همه جانبه اوضاع سیاسی جامعه، می توانست روند آتی تحولات را پیشبینی کند و به این نیاز مبرم پاسخ دهد ، ولی به این امر موفق نشد .

از آنجا که خط مشی سازمانی در ارتباط ناگسستگی با خط مشی سیاسی است، تاخیر در تغییر خط مشی سیاسی موجب آسیب پذیری تشکیلاتی حزب گردید . در این زمینه رهبری حزب به رهنمود پلنوم شانزدهم توجه جدی بعمل نیاورد . در اسناد پلنوم شانزدهم در این خصوص چنین رهنمود داده شده بود :

" نکته دیگری که باید مورد توجه رهبری و همه سازمانهای حزب قرار گیرد ، عبارت است از اینکه لااقل برای یک دوران نسبتاً طولانی تثبیت نظام دمکراتیک در ایران ، حزب باید همیشه آمادگی داشته باشد که غافلگیر نشود تا هنگامی که نظام دمکراتیک در ایران مستقر نشده و بازگشت ناپذیر نگردیده است ، همیشه خطر دستبردهای ارتجاعی وجود دارد . لذا حزب ما باید همیشه آمادگی داشته باشد که به فعالیت سیاسی و انقلابی خود در هر گونه شرایط نا مساعد ادامه دهد " .

عدم مراعات اکید این رهنمود ، علت اساسی ضربه پذیری تشکیلاتی بهنگام یورش سبعانه رژیم به حزب بود .

علیرغم نارسایی ها و کاستی هایی که برشمردیم ، حزب توده ایران در دوره فعالیت علنی خود دارای سیاست روشن ، مستقل و برنامه مشخص در زمینه های اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی بنفع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و روستا بود :

— حزب ضمن پشتیبانی پیگیر از منافع و خواسته های طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان با بردن سیاست مستقل خود در میان توده ها از هیچ تلاشی در زمینه افشاندن بذر آگاهی و تشکل در بین کارگران و سایر زحمتکشان فروگذار نکرد . مبارزه سرسخت علیه قانون کار ارتجاعی رژیم مشهور به قانون کار توکلی و شرکت گسترده کارگران در این مبارزه ناپیشگر نفوذ و اعتبار حزب و نیز نمونه بارز و محک واقعی اصولیت سیاست طبقاتی آنست .

— حزب در راه تنظیم قانون مترقی کار بر بنیاد تامین منافع کارگران و سایر زحمتکشان ، شرکت موثر کارگران در اداره امور کارخانه ها ، کارگاه ها و امور خدمات ، تامین اشتغال و تلقی آن به مثابه حق مسلم زحمتکشان ، از میان بردن بیکاری ، تامین مسکن مناسب برای کارگران ، اجرای اصلاحات ارضی بنیادی و غیره قاطعانه مبارزه می کرد .

— حزب توده ایران خواهان ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم و نواستعمار از کلیه شئون اقتصادی کشور، ایجاد آنچنان ساختار سیاسی و اجتماعی که از تبدیل یل سرمایه داری به نیروی مسلط سیاسی جلوگیری بعمل آورد، گسترش مواضع سیاسی زحمتکشان به منظور ایجاد روینای سیاسی نوین خلقی بود و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکرد.

— حزب با جناح انحصار طلب و قشری حاکمیت و نیز بو رژوازی لیبرال علیرغم حمایت و پشتیبانی خمینی از آنها به مبارزه‌اشتنی ناپذیر پرداخت.

— حزب توده ایران علیه دستگیری، شکنجه و اعدام نیروهای مترقی و انقلابی مبارزه کرد.

— حزب توده ایران در قبال جنگ موضع اصولی خود را داشت و پس از آزادی خرمشهر، شعار صلح عادلانه و پایان دادن به جنگ را در حالیکه حاکمیت شعار ادامه جنگ را می داد مطرح کرد.

— حزب توده ایران با تمام توان به تبلیغ و ترویج اندیشه های مارکسیسم-لنینیسم می پرداخت.

— حزب توده ایران در زمینه انجام وظایف انترناسیونالیستی خود از جمله در زمینه پشتیبانی شجاعانه از انقلاب و جمهوری دموکراتیک افغانستان، انقلاب نیکاراگوئه، اتیوپی، آنگولا، جنبش آزادی بخش فلسطین و دیگر نهضت های رهایی بخشو نیز دفاع استوار از اردوگاه سوسیالیسم و دستاورد های مادی و معنوی آن لحظه های کوتاهی نکرد.

رژیم از این سیاست اصولی و مستقل حزب در هراس بود و نیروهای ارتجاعی ما را به "القاء ایدئولوژی" متهم می کردند. بخاطر چهار سال مبارزه خدشه ناپذیر حزب در راه منافع زحمتکشان و آماج های انقلاب بود که در آغاز سال ۶۱ شعار "جماران کلباران، تودهای تیرباران" مطرح و متعاقب آن توطئه وحشیانه به حزب سازمان داده شد. حزب توده ایران در شرایط بخرنج تناسب قوا در جامعه، این آموزش لنین را مد نظر داشت که در انقلاب تمام طبقات آشکارا به میدان می آیند، اما صحت و سقم همه نظریات برنامه ای و تاکتیکی آنها در عرصه عمل توده ها واری می گردد. برای آنکه بتوان به توده یاری رساند و هواخواهی و همدردی و پشتیبانی آنها بسود خود جلب کرد، باید از دشواریها نهراسید و بدون بیم از ایراد گیریها، مانع تراشی ها و اهانتها حتما در آنجا که توده هست فعالیت کرد.

انقلاب بهمن در مقطع زمانی معینی سیر صعودی داشت، ولی با وجود پاره ای دستاورد ها نتوانست به وظایف عمده خود عمل کند و این شامل کلیه عرصه های اجتماعی، اقتصادی و نیز وظیفه ضد امپریالیستی آنست. شکی نیست که رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی در ناکامی انقلاب نقش تعیین کننده داشت. ولی چنانچه اشتباهات نیروهای انقلابی و دموکراتیک نبود، و پس از انقلاب جبهه متحدی از نیروها تشکیل می شد، چنین

فرجامی برای انقلاب محتمل نبود .

پیش‌بینی مبارزه آینده

پس از انقلاب در اینکه رهبری حزب می‌بایست میان روحانیون وابسته به جناح نمایندگان خرد بورژوازی و روحانیون طرفدار بورژوازی تجاری - صنعتی و بزرگمالکان ، فرقی می‌گذاشت ، تردیدی نیست . توده های میلیونی ، نیروهای اصلی محرکه انقلاب از شعار "انقلاب اسلامی" و "جمهوری اسلامی" مطروحه از جانب جناح نخست پشتیبانی کردند . روشن است که برای زحمتکشان "انقلاب اسلامی" و "جمهوری اسلامی" مفهومی جز عدالت اجتماعی نداشت .

ولی علیرغم تلاش‌های حزب ما و دیگر نیروهای انقلابی و پای بندان به آماج های انقلاب ، سیر حوادث نشان داد که روحانیت پس از قبضه کردن انحصاری حاکمیت (در دو سال و اندک نخست پس از انقلاب روحانیت هنوز به این حد دست نیافته بود) با پشت پا زدن به خواست های خلق و هدف های ملی و دموکراتیک ، حاکمیت رادر خدمت تجار و زمینداران بزرگ قرار داد و مالا همان راه رشد سرمایه داری را بسا ایجاد برخی تخییرات ادامه داد .

پس از پیروزی انقلاب ، روحانیون با بدست گرفتن رهبری سیاسی ، چنان مسئولیت تاریخی را بعهده گرفتند که معمولاً در انقلاب های مشابه به عهده دیگر گروه های اجتماعی و احزاب سیاسی گذارده می شود . فقط تحقق آماج های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب که در خواست های اساسی توده های زحمتکش بازتاب می یافت می توانست معیار اساسی قضاوت در مورد انجام عمل مسئولیت تاریخی باشد . اما روحانیون در عمل از عهده انجام این مسئولیت تاریخی برنیامدند و از آماج های مردمی انقلاب عدول کردند . خواست های توده های زحمتکشان در جامعه ما صرفنظر از درک ذهنی آنها ، از نظر عینی از چارچوب "انقلاب اسلامی" و نظریه اسلامی بازگشت به "سنن و احکام شرعی" بسی فراتر رفت . تسریع روند رویگردانی زحمتکشان از جمهوری اسلامی نیز از اینجا ناشی می شود .

در شرایط کنونی ما با خوش بینی انقلابی بیآینده و حزب و جنبش می‌نگیریم . حزب توده های ما با بیش از ۴۴ سال مبارزه پیگیر و آشتی ناپذیر علیه ارتجاع و امپریالیسم همواره با مدد گیری از خصلت پرولتری خود راه خویش را به پیش باز کرده است . در گذر از این سال ها ، خصلت پرولتری حزب ما یگانه چراغ راهنمایی بوده است که در دشوارترین شرایط پیکار به توده ها نیرو و انگیزه و امید بخشیده است .

هم‌کنون نیز حزب توده ایران ، پاسداری از خصلت پرولتری حزب را مهمترین وظیفه خود ارزیابی می‌کند . به اعتقاد ما گوهر خصلت پرولتری در درجه اول در دفاع مستمر از منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و روستا ، پای بندی و وفاداری به تئوری

انقلابی حزب و انطباق خلاق آن با شرایط اجتماعی - اقتصادی و آرایش طبقاتی جامعه، تعیین دقیق خط مشی سیاسی حزب با در نظر گرفتن ویژگیهای هر لحظه تجلی پیدا می کند. حزب ما باید خصلت پرولتری و طبقاتی خود را در عرصه های سیاسی، ایدئولوژی و سازمانی در تعیین وظایف هر مرحله از مبارزاتش به نمایش بگذارد. عملکرد حزب در عرصه اجتماعی، در طول حیات خود، علیرغم پاره های کاستی ها و خطاها، اساساً نشانگر آن است که خط مشی سیاسی حزب بازتاب خصلت مارکسیستی لنینیستی آن بوده است. در آینده نیز خط مشی سیاسی ما باید پاسداری و وظایف و هدف های دور و نزدیک حزب باشد. بدیهی است که فعالیت سازمانی و ایدئولوژیک در پیوند مستقیم با خط مشی آن است و نه تنها به تعیین خط مشی کمک می کند، بلکه تامین کننده اجرای بی خدشه آن نیز هست. حزب باید با در نظر گرفتن پیوند جدائی ناپذیر خط مشی سیاسی با کار سازمانی و ایدئولوژیک فعالیت خویش را در بین توده های زحمتکش بویژه طبقه کارگر گسترش دهد. در عین حال، حزب ما به عنوان حزب طراز نوبین طبقه کارگر همگام با گسترش هرچه بیشتر فعالیت سازمانی و تحکیم هرچه بیشتر شالوده های وحدت سیاسی - ایدئولوژیک خود، باید همواره آمادگی دستیابی به اتحاد سیاسی و سازش اصولی با نیروهای اجتماعی گوناگون را برای خود حفظ کند. طبیعی است که ما در این راه با حفظ استقلال طبقاتی و هدف های استراتژیکی خود گام برمی داریم و آتی از نظر دور نخواهیم داشت که مبارزه ماد آخرین تحلیل عبارتست از دستیابی به حاکمیت سیاسی، حاکمیتی که از درون خلق سرچشمه می گیرد و برای خدمت به خلق خواهد بود.

* * *

«پرولتاریا در پیکار برای احراز قدرت سلاحی

جز سازمان ندارد. پرولتاریا . . . تنها در صورتی

میتواند نیروی شکست ناپذیر شود و حتماً هم خواهد

شد، که اتحاد ایدئولوژیک آن که بر بنیاد اصول

مارکسیسم استوار است، به نیروی وحدت مادی

سازمان که میلیونها زحمتکش را در ارتش طبقه

کارگر در می آورد، تحکیم پذیرد». لنین

برنامه حزب توده ایران

بیشگفتار

اندیشه های مارکسیستی در جنبش آزاد بیخش ملی میهن ما ، از نقش و اهمیت ویژه ای برخوردار هستند . ده ها سال تجربه انقلابی و فعالیت حلاق ایدئولوژیک - سیاسی و سازمانی گروه های سوسیال دمکرات ایران در میان کارگران و زمینداران ، زمینه تشکیل حزب طبقه کارگر ایران را فراهم ساخت و سرانجام کنکرة حزب سوسیال دمکرات کارگری ایرانیان "عدالت" که در آخر خرداد و اوایل تیر ماه ۱۲۹۹ در انزلی برگزار شد ، موجودیت حزب کمونیست ایران را رسماً اعلام کرد .

حزب کمونیست ایران در اشاعه افکار مارکسیستی - لنینیستی ، تربیت کادرهای انقلابی و هدایت مبارزات عملی طبقه کارگر جوان ایران ، تکامل جنبش آزاد بیخشم ملی و بسط افکار و اندیشه های دمکراتیک تاثیر نیرومندی برجای نهاد و صفحات درخشانی را در تاریخ معاصر ما گشود .

در سال های جنگ جهانی دوم و پس از آن ، جنبش آزاد بیخشم ملی و دمکراتیک در میهن ما دامنه گسترده ای یافت . تشکیل حزب توده ایران ، به مثابه ادامه دهنده بلاواسطه راه حزب کمونیست ایران در دهم مهر ماه ۱۳۲۰ ، بدون شك یکی از مهم ترین پدیده های اجتماعی - سیاسی تاریخ معاصر کشور ما است . حزب توده ایران - حامل ایدئولوژی و جهان بینی علمی مارکسیستی - لنینیستی و سنت های کرانبه ای مبارزاتی حزب کمونیست ایران است و گروهی از کادرهای حزب کمونیست ایران با شرکت فعال در پایه گذاری و سازماندهی آن ، تداوم فعالیت انقلابی کمونیست های ایران را تامین کردند .

در سال های ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ همزمان با اوج گیری جنبش ملی و دمکراتیک در آذربایجان و کردستان ، فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان بنیاد گذاشته شدند و به مبارزه قهرمانانه ای برای مصالح خلق دست زدند .

در سال ۱۳۳۹ در "کنفرانس وحدت" مساعی کمیته های مرکزی حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان در راه تامین وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر به موفقیت انجامید . کنفرانس موافقت کرد که حزب طبقه کارگر در سراسر ایران به نام "حزب توده ایران" اعلام گردد ، کمیته مرکزی حزب مرکز واحد رهبری کلیه سازمانهای حزب طبقه کارگر در ایران باشد و سازمان واحد طبقه کارگر در آذربایجان با حفظ نام "فرقه دمکرات آذربایجان" دارای کمیته مرکزی خود ، با حقوق

کمیتۀ ایالتی باشد .

در شرایط کنونی حزب توده ایران وحدت سازمانی همه نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی را بخاطر رشد و گسترش همه جانبه جنبش کمونیستی و کارگری کشور و تأمین نقش رهبری طبقه کارگرد رهنضت انقلابی ضرور می داند و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند .

جهان بینی و مشی سیاسی حزب

جهان بینی حزب توده ایران ، جزب طراز نوین طبقه کارگر ایران ، مارکسیسم - لنینیسم است و هدف های نزدیک و دور و مشی سیاسی و سازمانی آن از انطباق این جهان بینی علمی و انقلابی بر شرایط ویژه جامعه ایران ناشی می شود .

هدف غائی حزب ، استقرار سوسیالیسم و کمونیسم برای پایان دادن به بهره کشی فرد از فرد ، تأمین آزادی و دمکراسی و شکوفایی شخصیت توده های زحمتکش است .

تنها در چارچوب چنین نظامی با ارتقاء سطح رفاه عمومی ، توسعه فرهنگ و گسترش مناسبات عیقا انسانی امکان رشد آزاد و همه جانبه استعداد ها فراهم می شود . تجربه کشورهای سوسیالیستی امکان تحقق اصول انسانی عادلانه را به ثبوت رسانده است .

جنبش جهانی کمونیستی پیشاهنگ گردانهای گوناگون روند انقلابی جهان است . کمونیست ها در عین حال برای تحقق خواست های نزدیک و دور طبقه کارگر و تمام زحمتکشان ، از جمله پیشرفت اجتماعی ، صلح ، خلع سلاح و امنیت عمومی مبارزه می کنند . امروز هم مانند گذشته ، طبقه کارگر نیروی انقلابی عمده دوران ما را تشکیل می دهد . در جهان سرمایه داری ، طبقه کارگر آن نیروی اساسی است که برای متلاشی کردن نظام بهره کشی و ساختن یک جامعه نوین بیکار می کند . در کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین ، طبقه کارگر در حال رشد زیر فشار د و جانبه سرمایه خارجی و سرمایه داخلی قرار دارد و علیه آنها مبارزه می کند و در جریان این مبارزه رشد سیاسی و درجه سازمان پذیری آن افزایش می یابد .

برخاسته از این واقعیت ، حزب توده ایران در راه رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی و شناساندن سوسیالیسم به توده های زحمتکش و در درجه اول طبقه کارگر و آماده ساختن این طبقه برای انجام رسالت تاریخی خویش مبارزه می کند .

حزب توده ایران مدافع پیگیر و سرسخت استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی کشور و منافع واقعی توده های زحمتکش و دارای ریشه های عمیق خلقی است .

میهن پرستی از دیدگاه حزب ما ، خواست سعادت مردم ، علاقه پر شور به رشد و پویایی فرهنگ ملی و سرنوشت حال و آینده خلق های ایران است .

حزب توده ایران بنابه ماهیت طبقاتی و جهان بینی و خصلت میهن دوستانه خود به اصل انترناسیونالیسم پرولتری پایبند است و اعتقاد دارد که میهن پرستی و انترناسیونالیسم پرولتری با یکدیگر پیوند جدایی ناپذیر دارند . ایجاد جامعه

سوسیالیستی در کشور ما مهمترین وظیفه ملی و انترناسیونالیستی حزب توده ایران است . در همان حال ، حزب توده ایران دفاع از سیستم جهانی سوسیالیسم ، جنبش کمونیستی و کارگری در جهان سرمایه داری و جنبش های آزاد بیخشم ملی و ضد امپریالیستی را از جمله وظایف انترناسیونالیستی خود می داند . انترناسیونالیسم پرولتری از نظر حزب ما عبارت است از پیوند جدایی ناپذیر همبستگی انقلابی و شناخت استقلال کامل و برابری حقوق هر حزب .

حزب توده ایران تاثیر متقابل عوامل داخلی و خارجی را در جنبش انقلابی در نظر می گیرد ، اما برآنست که عامل داخلی ، یعنی سطح رشد ایدئولوژیک - سیاسی نیروهای انقلابی ، در رجه تشکل و استواری حزب طبقه کارگر ، جلب توده های خلق به مبارزه و تناسب نیروهای طبقاتی نقش تعیین کننده را دارد .

خصیت و مضمون اساسی دوران ما گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و کمونیسم و مسابقه تاریخی دو سیستم اجتماعی - سیاسی جهانی است . دوران ما ، دوران انقلاب های سوسیالیستی و آزاد بیخشم و تلاشی سیستم استعماری امپریالیسم ، دوران مبارزه نیروهای محرکه عمده پیشرفت اجتماعی ، یعنی سوسیالیسم جهانی ، جنبش کارگری و کمونیستی بین المللی و نیز نهضت های دمکراتیک توده های علیه امپریالیسم و در راه دمکراسی و پیشرفت اجتماعی و صلح است . بر پایه این واقعیت ، حزب توده ایران مبارزه خلق های ایران در راه آزادی ، استقلال و پیشرفت اجتماعی را از مبارزه سایر خلق های جهان در این راه جدا نمی داند ، بلکه آنها حلقه ای از یک زنجیر و جزئی از یک کل واحد تلقی می کند .

حزب توده ایران عضو وفادار خانواده بزرگ احزاب کمونیستی و کارگری است و بر آنست که تنوع موجود در جنبش کمونیستی و کارگری به هیچ وجه به معنی جدایی میان آنها نیست ، کما اینکه وحدت و یگانگی نیز به هیچ وجه به معنی برتری حزبی بر حزب دیگر و یا مداخله آنها در امور داخلی هم نبوده و نیست .

نیروی جنبش کمونیستی و کارگری از برخورد خلاق به واقعیت ها بر پایه آموزش جهانشمول مارکس ، انگلس و لنین ، از همبستگی طبقاتی احزاب کمونیستی و کارگری ، همکاری برابر حقوق در مبارزه در راه هدف های مشترک یعنی صلح و سوسیالیسم سرچشمه می گیرد .

حزب توده ایران از اصول انقلابی مارکسیسم - لنینیسم دفاع می کند و بر ضد هر کوششی برای نادیده گرفتن و انحراف از اصول حیاتی آموزش مارکس ، انگلس و لنین به خاطر جلوگیری از تضعیف جنبش کمونیستی و کارگری ، قاطعانه مبارزه خواهد کرد . حزب توده ایران با توجه به دگرگونی های چند دهه اخیر جهان ، ویژگی های اصلی مرحله کنونی روند انقلاب جهانی را چنین ارزیابی می کند که تناسب نیروها در عرصه جهانی ، به سود خلق هایی که در راه پیشرفت اجتماعی ، دمکراسی ، آزادی ملی و صلح مبارزه می کنند ، تغییر یافته است و سرنوشت صلح و پیشرفت اجتماعی با پویایی سطح رشد

اقتصادی - سیاسی سیستم جهانی سوسیالیسم پیوند مستقیم دارد . جامعه کشورهای سوسیالیستی ، در راس آن اتحاد شوروی به چنان نیروی عظیمی تبدیل گردیده است که بدون شرکت آن حل هیچ يك از مسایل جهانی امکان پذیر نیست .

مشخصات عمده اوضاع جهان و ایران

الف- جهان

در دوران کنونی ، بین سیستم جهانی سوسیالیسم ، کدورها و نیروهای ترقی خواه و صلح دوست از یکسو و دولت های امپریالیستی و متحدان واپسگرا و جنگ طلب آنها - از سوی دیگر ، تضاد های حادی وجود دارد . در این میان ، حفظ و تحکیم پایه های صلح و امنیت عمومی ، پایان بخشیدن به مسابقه تسلیماتی به مثابه سرچشمه عمده تهدید نظامی ، یعنی تدارک مادی جنگ ، گسترش دامنه روند تشنج زدایی و خشکاندن ریشه خطر جنگ هسته ای که موجودیت انسان را تهدید می کند ، عاجل ترین ، حاد ترین و مهمترین مساله جامعه انسانی است .

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی همه قدرت و امکان های اقتصادی ، سیاسی ، فنی و فرهنگی و مجموعه تجربه های پر ارزش خویش را بیدریغ در راه حفظ و تحکیم صلح و پیشبرد امر سوسیالیسم و پیروزی جنبش های آزاد بخش ملی بکارگرفته اند . مبارزه در راه صلح و مبارزه در راه سوسیالیسم جدایی ناپذیر هستند .

کشورهای سوسیالیستی ، علیرغم دشواریها و موانعی که امپریالیسم در سر راه تکامل آنها پدید آورده است و پدید می آورد ، وظایف خود را در زمینه پیشرفت و توسعه اقتصادی ، اعتلای رفاه اجتماعی و ارتقای سطح دانش و فرهنگ با کامیابی انجام می دهند و به عنوان نیروی عمده نبرد ضد امپریالیستی روز بروز شکوفاتر می شوند . توازن نظامی - استراتژیک میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا یکی از بزرگترین دستاوردهای سوسیالیسم بشمار می رود .

سراسر تاریخ سرمایه داری عبارت از تاریخ تعمیق تضاد اصلی آن ، یعنی تضاد میان خصلت اجتماعی تولید و شکل تصاحب خصوصی محصول تولید سرمایه داری است . بحران عمومی سرمایه داری در همه زمینه های ایدئولوژیک ، اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی تشدید شده است . این بحران به ویژه موجب رشد و گسترش بیکاری ، دم فزون به مثابه يك معضل غیر قابل حل و تشدید فقر - معروف به "فقرنو" - در جهان سرمایه داری گردیده است . بحران در عرصه های اجتماعی - اقتصادی جوامع سرمایه داری تشدید می شود و این نظام ناتوانی خود را در حل مسایل و معضلات بجزرنج اجتماعی و ایجاد جامعه ای فارغ از بحران بیش از پیش نشان می دهد . همه این عوامل موجب تشدید بازم بیشتر تضاد های طبقاتی در کشورهای سرمایه داری شده است . امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم تجاوزگر آمریکا که سیاست سابقه

تسلحاتی هسته‌ای و کساندن آن به فضای کیهانی را در پیش گرفته است ، با تمام قوا می‌کوشد تا ضمن تضعیف مواضع سوسیالیسم در جهان ، جنبش‌های آزاد بیخشم ملسی را سرکوب کند .

امپریالیسم از رژیم های فاشیستی ، نژاد پرست ، ارتجاعی و تروریست در سراسر جهان حمایت می‌کند . امپریالیسم آمریکا به خود حق می‌دهد که برای مداخله در امور داخلی دیگر کشورها از قدرت نظامی استفاده کند .

توطئه های امپریالیسم و متحدان واپس‌گرای آن در منطقه خلیج فارس ، خاور میانه و نزدیک ، آمریکای لاتین و آفریقای جنوبی گواه بر این واقعیت است . محاصره اقتصاد ی ، فشارهای دیپلماتیک ، تهدید های نظامی و ایجاد کانون های جنگ منطقه‌ای ، جنگ روانی - تبلیغاتی از جمله ابزارها و شیوه های رایج امپریالیسم در رویارویی با کشورهای نواستقلال است .

امپریالیسم مسئول ایجاد شکاف ژرف میان سطح رشد اقتصادی کشورهای سرمایه داری صنعتی و اکثر کشورهای نواستقلال است .

علیرغم توطئه های امپریالیسم ، مبارزه خلقها اوج تازه‌ای می‌گیرد . سیاست نواستعماری امپریالیسم در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین دچار بحران شده و کشورهای نواستقلال نبرد پد امنت‌های را برای دستیابی به استقلال اقتصادی آغاز کرده اند . کمونیست ها در این کشورها در راه آزادی ، استقلال ملی و نهایتا استقرار سوسیالیسم پیکار می‌کنند و به مثابه رزمندگان پیگیر جنبش‌های انقلابی و ضد امپریالیستی پیشاپیش توده‌های عظیم زحمتکشان قرار می‌گیرند .

کمونیسم ستیزی و هسته اصلی آن شوروی ستیزی ، حربه عمده امپریالیسم و ارتجاع برای بی‌اعتبار ساختن جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم و دستاورد های شگرف سیم‌جهلی سوسیالیسم است . این حربه بیش از پیش‌کند می‌شود و توده های مردم به ماهیت مردم‌فریبانه آن بیشتر پی می‌برند .

ب- ایران

انقلاب بهمن ۵۷ ، انقلابی خلقی ، ضد استبدادی ، ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی بود و به درستی به مهم‌ترین رویداد سیاسی - تاریخی معاصر کشور ما ارزیابی می‌شود . مهم‌ترین خواست های توده های میلیونی کارگران ، دهقانان ، پیشه‌وران ، روشنفکران آزاد بخواه و مترقی میهن ما که بار اصلی انقلاب را بر دوش کشیدند ، در موارد زیرین خلاصه می‌شد :

۱ - سرنگون کردن رژیم سلطنتی ، پایان دادن به سیطره امپریالیسم و دست‌یابی به استقلال سیاسی و اقتصادی ؛

۲ - اجرای اصلاحات دمکراتیک بنیادی در تمام زمینه های سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به سود نیروهای شرکت‌کننده در انقلاب ، به ویژه کارگران و دهقانان

و دیگر زحمتکشان شهر و روستا .

در پی پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، رژیم استبدادی شاه سرنگون گردید .
حاکمیت جدید در ابتدا ، از جمله به اقدامات زیر دست زد :

اخراج مستشاران آمریکایی و برچیدن پایگاه های نظامی و جاسوسی آمریکا در ایران ، ملی کردن ۷۰ درصد صنایع بزرگ متعلق به سرمایه داران بزرگ داخلی و انحصار های خارجی و در اختیار گرفتن حدود ۶۰۰ موسسه صنعتی کوچک توسط دولت ، ملی کردن بانکهای خصوصی و بیمه ها با مشارکت سرمایه های داخلی و انحصاری خارجی ، تصویب قانون اصلاحات ارضی مشهور به بند "ج" و "د" ، افزایش حداقل دستمزدها از ۲۱۷ ریال به ۵۶۷ ریال ، سیادت دولت در بازرگانی خارجی ، الغای قرارداد های اسارتبار اقتصادی با دول امپریالیستی ، خروج ایران از "پیمان سنتو" و پیوستن آن به جرگه کشورهای غیر متعهد ، کان لم یکن اعلام کردن قرارداد نفتی سال ۱۹۷۳ منعقد شده میان کنسرسیوم بین المللی و شرکت نفت ایران .

ولی انقلاب بهمن در نتیجه عدول آشکار رهبران مرتجع جمهوری اسلامی از آماج های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ، نتوانست موانع پیشرفت اجتماعی را از عرصه سیاسی و اجتماعی کنار بزند و گام های اساسی به سود توده های میلیونی زحمتکشان بردارد . آماج های ملی و دمکراتیک انقلاب تحقق نیافت و تا تمام ماند . در نتیجه انقلاب تحسرك و پویایی خود را از دست داد و گام به گام به عقب نشست و دستاورد های آن همچنان یکی پس از دیگری مثله و نابود می شود .

بحران اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، نظامی و ایدئولوژیک عمیق کشور ما را فرا گرفته است . رژیم عملاً سیاست تمرکز زمین و دیگر وسایل تولید در دست اقلیت بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران را در پیش گرفته است . در چارچوب چنین جامعه های حکومت بنا به ماهیت طبقاتی خود شرایط تشدید بهره کشی و در تحلیل نهایی وابستگی به امپریالیسم را مهیا می سازد . این راه به هر اسم و به هر عنوان و زیر هر پوششی از جمله "اقتصاد اسلامی" ارائه شود ، جز راه رشد سرمایه داری نیست و نخواهد بود . سیاست کنونی رژیم جمهوری اسلامی تضاد های سیاسی - اجتماعی درون جامعه ما را تشدید می کند و کشور را به سوی يك بحران عمومی سیاسی می راند .

هم اکنون آشفتگی اقتصادی ، وابستگی شدید اقتصاد کشور به انحصارهای فرا - ملیتی ، کاهش تولیدات صنعتی و کشاورزی ، تورم فزاینده ، بیکاری روزافزون ، ژرفش مستمر شکاف موجود میان فقر و ثروت ، زیان های جبران ناپذیر ناشی از ادامه جنگ ایران و عراق ، گسترش رشوه خواری و حیف و میل اموال عمومی و فساد به عنوان پیامد های ناگزیر سیاست رژیم ، به روشنی چهره خود را نشان می دهد .

ویژگیهای عده رژیم حاکم بر ایران عبارتند از : استبداد مذهبی به شکل تمرکز اختیارات قوای سه گانه مقتنسه ، مجریه و قضائیه در دست يك نفر پایه اصل "ولایت فقیه" ، کنترل پلیسی جامعه ، سرکوب آزادبها و حقوق دمکراتیک مردم ، پیگرد و بازداشت

و شکنجه و قتل و اعدام مخالفان، اعمال ستم ملی و تضيیقات مذهبی، حمایت از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان به مثابه پایگاه امپریالیسم در ایران، نفی همزیستی مسالمت آمیز و معرفی جنگ به عنوان "رحمت الهی"، دخالت در امور داخلی دیگر کشورها برای "صدور انقلاب اسلامی"، کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی، زیر پا گذاشتن حقوق سیاسی و اجتماعی زنان یعنی نیمی از مردم کشور، گام برداشتن در راه انهدام فرهنگ ملی و کوشش مستمر بخاطر تحمیل توده ها و اشاعه خرافات و موهومات و سنن قرون وسطایی، علم ستیزی، فرهنگ ستیزی و دشمنی کین توزانه با تاریخ، زبان، ادبیات و هنر خلق های ایران.

استقرار نظام خودکامه "ولایت فقیه"، مسئله سرنگونی رژیم و دمکراتیزه کردن نظام اجتماعی - سیاسی را به مهمترین مسئله روز تبدیل کرده است.

احیاء مواضع اقتصادی امپریالیسم از طریق برقراری بخش اعظم مناسبات بازرگانی خارجی با انحصارهای فراملیتی و حفظ درآمدی سرمایه دولتی یا سرمایه انحصارهای امپریالیستی، تضاد میان خلق و در درجه اول زحمتکشان را با منافع غارتگران انحصارهای فراملیتی تقویت می کند.

براین بنیان، تضاد میان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و منافع کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری، و در مجموع خود پیششرطهای عینی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رشد جنبش انقلابی را فراهم آورده است.

تحول در آرایش طبقاتی جامعه

انقلاب بهمن ۱۳۵۷ تغییرات محسوس در ترکیب و آرایش طبقاتی جامعه ایران پدید آورده است. پس از انقلاب حاکمیت به گروه جدیدی متشکل از خرده بورژوازی، لایه هایی از بورژوازی صنعتی متوسط و بورژوازی تجاری انتقال یافت.

پایگاه اجتماعی هیئت حاکمه در حال حاضر گرچه یکدست و همگون نیست، ولی بیانگران منافع کلان سرمایه داران بازار و بزرگ مالکان نقش و وزن عمده را در تعیین سیاست داخلی و خارجی رژیم بعهدہ گرفته اند.

طبقه کارگر

رشد مناسبات تولید سرمایه داری در شهرها و روستاهای ایران در دهه های چهل و پنجاه، موجب رشد کمی و کیفی طبقه کارگر گردید. تمرکز نسبی کارگران صنعتی در موسسه ها و مجتمع های تولیدی بزرگ، امکان مانور آنها را در مبارزه افزایش داد. این امر موجب آن شد که پرولتاریای صنعتی - و در صف نخست آن کارگران نفت - نقش قاطعی در پیروزی انقلاب ایفا کنند و تجربه های گرانمایی ببیند و زند.

پس از انقلاب به علل گوناگون و طی روندی که هنوز ادامه دارد، تغییراتی در

جهت کاهش تعداد کارگران به نسبت کل نیروهای فعال جامعه بوجود آمد . این تغییرات منفی زاید به سیاست ضد خلقی جمهوری اسلامی است .

ادامه جنگ و کشاندن شدن دامنه آن به شهرها ، از سویی منجر به ناپایداری برخی موسسه ها و مجتمع های بزرگ صنعتی مانند پالایشگاه عظیم آبادان و نورد آهن اهواز و پتروشیمی ، از جمله کانون های اصلی تجمع پرولتاریای صنعتی ایران ، گردید و از سوی دیگر سبب کاهش تولیدات صنعتی ، معدنی و کشاورزی در کشور شد . به علت کمبود مواد خام ، نیم ساخته و قطعات یدکی اکثر کارخانه ها یا با نصف ظرفیت کار می کنند و یا تعطیل شد مانند . افزون بر این با ویران شدن بزرگترین بندرهای ایران در منطقه عملیات نظامی ، کاهش حجم تولید نفت خام تا کمتر از نصف تولید پیش از انقلاب و همچنین پایین آمدن مستمر تولید فرآورده های کشاورزی و رکود فعالیت های ساختمانی زمینه پیوستن بخش چشمگیری از کارگران شاغل شهرها و روستاها به انبوه بیکاران را فراهم ساخت .

اگر بر مجموعه این عوامل ، خودداری رژیم از سرمایه گذاری در زمینه ایجاد صنایع تولید وسایل تولید و تمایل هرچه بیشتر به اختصاص اعتبارهای بانکی برای ایجاد موسسات صنعتی کوچک هم افزوده شود ، آنگاه با روند توقف پرولتریاسیون و سیر قهرایی آن در سالهای پس از انقلاب مواجه می شویم .

وابستگی فزاینده زندگی اقتصادی کشور به صدور نفت خام ، خصلت اقتصاد تک کالایی را بیش از پیش تشدید کرده است . خصلت اقتصادی تک کالایی نیز نمی تواند در کاهش کمی طبقه کارگر موثر نباشد .

همراه با زرفش بحران اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی ، آگاهی کارگران نسبت به هدفها و خواسته های طبقاتی رژیم "ولایت فقیه" ، با اتکا به تجربه عینی افزایش می یابد .

پرولتاریای صنعتی امروز ایران از میدان های پرتجربه و آزمون انقلاب بهمین و مبارزه طبقاتی پس از انقلاب گذشته است . پرولتاریای صنعتی ایران در جریان پیروزی انقلاب بهمین ثابت کرد که قادر ، برای دستیابی به هدف های انقلابی و دمکراتیک با اطمینان پیش برود . این بخش از پرولتاریا با وجود آن که از نظر کمی کاهش یافته است مانند گذشته مهمترین و اساسی ترین نیروی ترقی خواه ، پیگیرترین و انقلابی ترین پیکارگر

طبقه کارگر ایران استوارترین نیروی ترقی خواه ، پیگیرترین و انقلابی ترین پیکارگر راه آزادی ، استقلال ، پیشرفت اجتماعی و صلح و سرسخت ترین دشمن امپریالیسم است ؛ از این رو ، می تواند چه در راه تامین آزادی های دمکراتیک و چه در راه مبارزه استقلال طلبانه و چه در راه انجام دگرگونی های بنیادی در زندگی اجتماعی - اقتصادی کشور ، نقش تعیین کننده ایفا کند .

دهقانان

دهقانان ایران ، برپایه منافع طبقاتی خویش ، دارای گرایش های ضد امپریالیستی و دمکراتیک هستند و در میان آنها دهقانان بی زمین و کم زمین نزدیک-

ترین و عمده ترین متحدان طبقه کارکرد در راه انجام تحولات بنیادی، از جمله حل د مکرانیک مسئله ارضی بشمار می روند. انقلاب بهمن نتوانست مسئله ارضی را حل کند و بدینسان حادثه ترین، جدی ترین و مهمترین خواست دهقانان بدون پاسخ ماند.

در جریان انقلاب بهمن، در برخی از نواحی کشور، دهقانان بی زمین و کم زمین به ابتکار خویش و با حمایت نیروهای انقلابی، اراضی زمینداران بزرگ را تصرف کردند. اما زمینداران بزرگ که از دیرباز پیوند های نزدیکی با روحانیون طراز اول داشتند، به کمک آنان توانستند اصلاحات ارضی را متوقف کنند. سپس روند بازپس گرفتن زمینها از دهقانان آغاز گردید که با مقاومت شدیدی آنان روبرو شد. این روند همچنان ادامه دارد.

با آزاد شدن خرید و فروش اراضی کشاورزی در سالهای اخیر، بسیاری از دهقانان کم زمین و خرده مالکان زمینهای خویش را به دهقانان مرفه و زمینداران بزرگ فروخته و به توده خوش نشینان روستاها و حاشیه نشینان شهرها پیوسته اند و یا در حال پیوستن هستند.

بهرمرداری از زمین در روستاها غالباً به شیوه تولید سرمایه داری انجام می شود. در عین حال، در سالهای اخیر، از جمله با احیاء موقوفه خواری و گسترش سیستم مزارعه و سهم کاری و از هم پاشیده شدن واحدهای بزرگ کشاورزی و افت سطح فنی کاشت و داشت و برداشت و دست اندازی به برخی دستاوردهای مبارزه دهقانی، بقایای نظام ارباب رعیتی در پاره ای از نقاط کشور نیز تقویت شده است.

همانگه با ادامه قشر بندی در روستاها، روند قطبی شدن جامعه روستایی ایران ادامه دارد و تضاد میان دهقانان کم زمین و بی زمین با زمینداران بزرگ شدت می یابد. کارگران کشاورزی نیز به شدت استثمار می شوند.

فقدان تشکلهای صنفی روستایی، همانند اتحادیه های دهقانی و سندیکاهای ویژه کارگران کشاورزی، از جمله عوامل بازدارنده مبارزه متشکل و قاطع و فراگیر این بخش بزرگ از زحمتکشان کشور است. اما دهقانان طی سالها مبارزه طبقاتی در راه تحقق اصلاحات ارضی، آگاهی و تجربه انقلابی ارزنده ای کسب کرده اند.

عشایر که بخشی از اهالی کشور را تشکیل می دهند، هنوز هم بطور عمده به صورت چادرنشینی و کوچ نشینی، در چارچوب مناسبات واپس مانده ایلی - عشیره ای بسر می برند و به دامپروری می پردازند. پس از انقلاب نه تنها زندگی عشایر بهبود نیافته، بلکه پیوسته زیر فشار نهادهای سرکوبگر رژیم بدتر شده است. اکثریت افراد عشایر، مردم زحمتکشی هستند که همانند گذشته یوغ بهره کشی و ستم خانها و شیوخ را بر گردن دارند. از این رو زمینه های عینی برای پیوستن آنها به صفوف مبارزه سایر زحمتکشان وجود دارد.

خرده بورژوازی ولایه‌های بینابینی

خرده بورژوازی و ولایه های بینابینی که اکثریت مطلق جامعه شهری را تشکیل می دهند، همواره نقش موثر سیاسی در جامعه ما داشته اند .

پیشه وران و کسبه کماکان در عرصه تولید و توزیع کالایی و خدمات در شهر و روستا سهم مهمی دارند و در انقلاب نیز نقش چشمگیری ایفاء کردند .

کشایشی که در نخستین سالهای پس از انقلاب در نتیجه کاهش فشار دستگاه اداری بر توزیع خرد کالایی در وضع پیشه وران و کسبه بوجود آمده بود ، بر اثر هرج و مرج اقتصادی و تسلط فزاینده تجار و سرمایه داران بزرگ بر صادرات غیر نفتی سنتی همچنین بخش چشمگیری از واردات و توزیع کالا که نتیجه سیاست ارتجاعی رژیم بود ، از بین رفت . در نتیجه ، تضاد میان خرده بورژوازی شهری در مجموع خود با تجار و سرمایه داران بزرگی که در راس اتحادیه های اصناف قرار گرفته و اعتبارات بانکی و توزیع کالا و مواد خام و نیم ساخته را در اختیار دارند ، شدید شده است .

این گروه اجتماعی در آینده نیز می توانند مواضع سیاسی مرفعی اتخاذ کنند . خرده بورژوازی در اساس در تحقق آماج های انقلاب ملی و دمکراتیک ذینفع است . اکثریت پیشه وران و کسبه که از ولایه های میانی و پائینی جامعه هستند ، به اتکاء تجربه گذشته با احیاء و بازسازی نظام سرمایه داری انحصاری مخالفت دارند .

با این وجود نباید از نظر دور داشت که خرده بورژوازی خصلتی دوگانه دارد . این خصلت برخاسته از ماهیت طبقاتی خرده بورژوازی است که بین پرولتاریا و بورژوازی در نوسان است . خرده بورژوازی در مبارزه علیه تسلط و ستم کلان سرمایه داران وابسته ، به پرولتاریا نزدیک تری می شود ؛ در عین حال باید در نظر داشت که در اوج مبارزه ضد سرمایه داری می تواند به متحد بورژوازی تبدیل گردد . گرایشهای ترقیخواهانه ولایه هایی از خرده بورژوازی در سطحی است که آنها را در موضع انقلابی رادیکال قرار می دهد . دمکرات های انقلابی از این ولایه ها بر می خیزند .

ولایه هایی از تهیدستان شهرها ، دهقانانی که در جستجوی کار به حاشیه شهرهای بزرگ کوچ کرده اند و نیمه پرولترها که در انقلاب بهمین تحرك معینی از خود نشان دادند ، امروز نیز نیروی قابل ملاحظه ای را تشکیل می دهند .

وضع زندگی حاشیه نشینان شهرها و نیمه پرولترها ، با وجود امیدهایی که به حاکمیت بسته بودند ، طاققت فرسا است . جنبش های اعتراضی و مطالباتی در میان این گروه به تدریج اوج می گیرد . رژیم تلاش می ورزد تا از باورهای مذهبی این زحمتکشان برای نگهداشتن آنها در کنار خود حداکثر بهره برداری را به عمل آورد . لومین پرولتاریا که قربانی جامعه سرمایه داری و فاقد پایگاه ثابت اجتماعی است ، هرچه بیشتر در خدمت ارتجاع قرار می گیرد .

اکثریت روشنفکران ایران - نویسندگان، هنرمندان، روزنامه نگاران، آموزگاران، دبیران، دانشجویان، استادان دانشگاه، کارمندان، نظامیان میهن پرست، مهندسان، حقوقدانان، پزشکان و سایر کارکنان خدمات اجتماعی اساساً دارای گرایشهای آزادیخواهانه ملی و دمکراتیک هستند، از شرایط تسرور و اختناق رنج می‌برند و بخش‌مترقی و انقلابی آنها با زحمتکشان پیوند نزدیک دارند. ضرورت‌های عینی مبارزه، لزوم و اهمیت اتحاد نزدیک با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و روستا را برای روشنفکران مترقی و میهن‌دوست محسوس‌تر می‌سازد. در این چارچوب، بخشی از روشنفکران در طیف نیروهای چپ و انقلابی جای گرفته و از جمله به پیروان سوسیالیسم علمی پیوسته‌اند و در راه هدفها و آرمانهای طبقه کارگر مبارزه می‌کنند. گروهی از روشنفکران نیز در نتیجه عوامل گوناگون و از جمله پیوند‌های طبقاتی با غارتگران اجتماعی، دارای خصومت ضد کمونیستی هستند و در صدد انقلاب قرار می‌گیرند.

کارمندان بخش‌های دولتی و خصوصی و دیگر نهادها و بنیادهای نیمه دولتی که از لحاظ کمی نیروی قابل توجهی هستند، نقش شایانی در انقلاب داشتند. بدیهی است که کارمندان گروه ناهمگونی با وابستگی‌های طبقاتی گوناگون هستند.

در شرایط کنونی، وضع معیشتی کارمندان رده‌های پائین و میانی بر اثر کاهش درآمد واقعی و خیم‌ترپی شدید. فشار روحانیون حاکم، کارگزاران حکومتی و نهاد‌های تفتیش عقاید، اختناق سیاسی، گسترش فساد و ارتشاء و باند بازی در ادارات و عدم ارتقای شغلی بر اساس شایستگی، این قشر وسیع را هرچه بیشتر به مقاومت و مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی سوق می‌دهد.

این گروه اجتماعی دارای گرایشهای ملی و دمکراتیک است و به علت تفرک در ادارات دولتی و نهادها و بنیادها می‌تواند به گونه‌ای کم و بیش متشکل به صحنه مبارزه بر ضد رژیم گام گذارد.

پس از انقلاب، با این که رژیم در مقاطع گوناگون، در گرونیهای چشم‌گیری در مجموعه نیروهای نظامی و انتظامی بوجود آورده و از آن برای سرکوب خلق استفاده می‌کند، اما همچنان در میان پرسنل نیروهای مسلح، کم نیستند میهن پرستانی که با الهام از سنت‌های دیرینه انقلابی و دمکراتیک افسران و درجه داران ارتش ایران به مبارزه با رژیم استبدادی قرون وسطایی و پیکار در راه آماج‌های ملی و دمکراتیک برمی‌خیزند.

روحانیون

روحانیون شیعه طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند که علیرغم اعتقاد به اسلام به عنوان ایدئولوژی واحد، دارای مواضع سیاسی - اجتماعی یکسان نیستند. پیوند‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی لایه فوقانی روحانیت شیعه با بورژوازی - بورژوازیان - و زمین - داران بزرگ، تقویت شده است. بسیاری از روحانیون در ارگانهای قانونگذاری و قضایی

و اجرایی، به مثابه نمایندگان سیاسی کلان سرمایه داران و زمینداران بزرگ عمل می‌کنند. عده کثیری از روحانیون شیعه نیز که مسئولان درجه دوم دستگاه‌های دولتی و نظامی و غیره را تشکیل می‌دهند، از آنجا که جز با تکیه بر فشار و سرکوب نمی‌توانند مقام خود را حفظ کنند، در زمینه تثبیت سلطه بورژوازی بوروکراتیک و حفظ استبداد قرون وسطایی، با بخش فوقانی روحانیت دارای منافع مشترک هستند. مجموعه این دو گروهی‌ها به سرعت زمینه انزوای آنها را فراهم کرده است.

در این بین نباید از نظر دور داشت که اکثریت طلبه‌های حوزه‌های علمیه، از میان دهقانان و لایه‌های متوسط شهری برخاسته‌اند و طبیعتاً بخش چشمگیری از آنها تا زمانی که بطور عمده دستشان به منابع مالی و موقوفه‌های در انحصار روحانیت بزرگ نرسیده است - از پایگاه طبقاتی خود متاثرند. در میان آنها هستند کسانی که تحت تاثیر عوامل گوناگون از جمله موقعیت اجتماعی خود و نیز گسترش نفوذ نیروهای انقلابی، به مخالفت با محافل ارتجاعی روحانیون و سران مرتجع جمهوری اسلامی می‌پردازند.

طبقه سرمایه‌دار (بورژوازی)

پس از پیروزی انقلاب، طبقه سرمایه‌دار (بورژوازی) دچار درگونی‌های کمی و کیفی چشمگیر شده است. سرمایه‌داران بزرگ وابسته که از نظر اقتصادی و سیاسی پایگاه عمده رژیم شاه را تشکیل می‌دادند، متحمل ضرباتی شدند. این ضربات در برخی از رشته‌های اقتصادی قویتر و در برخی دیگر ضعیف‌تر بود.

بورژوازی تجاری که یکی از منابع عمده درآمد قشر فوقانی روحانیت است، با بهره‌جویی از مناسبات طبقاتی و سیاسی ریشه‌دار با سازمانهای سیاسی - مذهبی توانست بیش از دیگر قشرهای بورژوازی مواضع خود را در عرصه‌های اقتصادی - سیاسی تحکیم کرده و گسترش دهد.

ثروت اندوزی از طریق احتکار و گرانفروشی و چپاول بی‌بند و بار توده‌های زحمتکش در سالهای بعد از انقلاب، در سراسر تاریخ رشد سرمایه‌داری در کشور ما بی‌سابقه است. در این میان گروه بازاریان بزرگ پیرو خمینی - که علاوه بر تجارت در تولید نیز شرکت دارند - و نیز واسطه‌ها، از امکان‌های ویژه‌ای برای ثروت اندوزی برخوردار شدند. اشتغال منظم گروهی از روحانیون به امور تجاری، ساختمانی و مقاطعه‌کاری در مشارکت با کلان سرمایه‌داران که از ویژگی‌های سالهای پس از انقلاب به‌من ۵۷ بشمار می‌رود، سبب تقویت بیشتر بنیه مالی و در نتیجه موقعیت سیاسی بورژوازی تجاری شد. این قشر از بورژوازی حلقه واسطه میان انحصارهای امپریالیستی و بازار ایران است.

افزایش قدرت مالی و سیاسی این گروه از بورژوازی و استوار شدن مواضع آن در حاکمیت، در فراهم ساختن شرایط ضرور برای عدول رژیم از آماج‌های انقلاب و گرایش به سوی امپریالیسم و ایجاد زمینه‌های بازسازی مواضع سرمایه‌داری وابسته و امپریالیسم

در ایران، نقش پراهمیت و انکارناپذیری داشت .
بورژوازی صنعتی متوسط و کوچک، که با تولید داخلی سروکار دارد، از نظر کمی بخش چشمگیری از سرمایه داران ایران را تشکیل می‌دهد . تعایل به دستیابی به منابع مالی و اعتباری که در دوران رژیم گذشته نصیب سرمایه داران بزرگ وابسته و انحصارهای امپریالیستی همدست آنها می‌شد، مهمترین انگیزه پیوستن این بخش بورژوازی به انقلاب بود .

اکثر سرمایه داران صنعتی و متوسط و کوچک به دلیل حمایت رژیم از بورژوازی بزرگ تجاری و در پیش گرفتن سیاست درهای باز، علیرغم تعایل ماهوی به نزدیکی با امپریالیسم، دارای گرایش‌های ضد امپریالیستی و مخالف رژیم "ولایت فقیه" و استبداد مذهبی هستند . گرایش ضد امپریالیستی این بخش از بورژوازی به تناسب درجه اعمال سیاست نواستعماری امپریالیسم و یا درگیریها و اختلاف‌های د رونی سرمایه داری در مجموع خود تخییر می‌کند .

در اوضاع و احوال کنونی، اداره جنگ و اختصار دادن هرچه بیشتر درآمد نفت به مصارف نظامی و مشکلات تامین مواد خام، قطعات یدکی، نیم ساخته و ماشین آلات این وضعیت را تشدید کرده است .

لایه‌هایی از بورژوازی متوسط و کوچک می‌توانند در مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک شرکت جویند، اما باید دو جنبه توان انقلابی و گرایش‌های ضد امپریالیستی آنها را از هم تمیز داد و به ویژه در نظر داشت که بورژوازی با درگرونی‌های بنیادی به سود محرومان جامعه، موافق نیست و لذا فاقد توان انقلابی است .

لایه‌های بالایی کارمندان در خدمت رژیم "ولایت فقیه"، در واقع "نسل" جدید تشکیل دهنده بورژوازی بوروکراتیک هستند . بورژوازی بوروکراتیک به گروهی از کارمندان کشوری و لشگری در دستگاه دولتی اطلاق می‌شود که با سوءاستفاده از موقعیت خویش به گردآوری ثروت می‌پردازد . خودداری حاکمیت از درهم شکستن یا نوسازی دستگاه اداری رژیم گذشته، زمینه‌ها و محمل‌های عینی رشد مجدد و انگلی بورژوازی بوروکراتیک را فراهم کرد .

بعد از انقلاب عده قابل ملاحظه‌ای از روحانیونی که در پست‌های وزارت، مدیر کلی و سرپرستی بنیادها و دادگاه‌های شرع و غیره قرار گرفتند و نیز برخی از فرماندهان ارتش و سپاه و بسیج و ژاندارمری شهربانی و کمیته‌ها به زمره عناصر تشکیل دهنده بورژوازی بوروکراتیک درآمدند . رشد بوروکراسی، حیف و میل اموال دولتی، دادن و گرفتن رشوه، تبعیض و غیره، نتیجه عملکرد بورژوازی بوروکراتیک است .

بورژوازی بوروکراتیک از لحاظ تاریخی در راستای تشدید وابستگی کشور به انحصارهای فراملیتی گام برمی‌دارد و برای حفظ موقعیت خود به منافع و مصالح ملت پشت می‌کند . بورژوازی بوروکراتیک، آلت دست ارتجاع، ضد انقلاب و امپریالیسم در کشور ماست و با هرگونه درگرونی بنیادی و دمکراتیک در جامعه مخالفت می‌ورزد .

ضرورت سرنگون کردن رژیم و تحولات بنیادی

مخالفت مردم با مجموعه سیاست رژیم جمهوری اسلامی، اعم از داخلی و خارجی، به سرعت فزونی می‌گیرد. • محمل این مخالفت، تضاد آشفتنی ناپذیر میان خواستهای مردم از یک سو و رژیم استبدادی قرون وسطایی از سوی دیگر در زمینه تامین حقوق و آزادیها و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی است.

جامعه ما مدتهاست که به يك تحول بنیادی در همه عرصه های زندگی اجتماعی، در جهت تامین منافع توده های زحمتکش نیازمند است. • اما سران مرتجع جمهوری اسلامی که در جریان اوج گیری جنبش انقلابی و در سالهای نخست انقلاب در راستای تحقق خواستهای زحمتکشان داد سخن می دادند با رویگردانی از آماج های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب و در پیش گرفتن سیاست ترور و اختناق و پشتیبانی از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان راه خیانت را در پیش گرفتند و به تد ریح به ضد انقلابیونی عنان گسیخته و سد اساسی پیشرفت جامعه ما تبدیل شدند.

حزب توده ایران بر آنست که در حال حاضر، مهمترین، عاجل ترین و اساسی ترین وظیفه ای که در برابر تمام نیروهای انقلابی و میهن دوست ایران قرار دارد، سرنگون کردن رژیم قرون وسطایی و استقرار يك حکومت انقلابی و دمکراتیک است. • حزب توده ایران مرحله انقلاب میهن ما را همچنان مرحله ملی و دمکراتیک می داند. • تد اوم پیگیر و پیروزی نهایی این انقلاب در گرو اعمال رهبرین حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر است و حزب توده ایران در این راه مبارزه می کند.

شرط ضرور سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت انقلابی و دمکراتیک تشکیل جبهه متحد خلق است. • در شرایط کنونی این جبهه طیف وسیعی از همه احزاب، سازمان ها و نیروهایی را در بر می گیرد که به آماج های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب بهمن پایبندند و خواهان تحقق شعار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی هستند. • پایگاه اجتماعی این جبهه کارگران، دهقانان، خرد به بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی است. • این جبهه می کوشد تا لایه های از بورژوازی کوچک و متوسط را که در برخی از دگرگونیهای انقلاب ملی و دمکراتیک ذینفع هستند به سوی خود جلب کند. • اتحاد کارگران و دهقانان استخوان بندی چنین جبهه ای است.

برای تامین سرکردگی حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر در این جبهه، وحدت طبقه کارگر، رزمندگان راه این طبقه و بسیج قشرهای زحمتکش جامعه ضرورت دارد. • از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی حیات خویش را با سرکوب مخالفین خود در کشور پیوند زده و وادامه موجودیت خود را در گرو تشدید ترور و اختناق قرار داده است، یگانه راه انتقال قدرت سیاسی به جبهه متحد خلق اعمال قهر انقلابی است. • در مبارزه برای سرنگون کردن رژیم می توان و باید از تمام اشکال مبارزه، از تظاهرات خیابانی و

اعتصاب‌های همگانی گرفته تا مبارزه مسلحانه تودهای استفاده کرد . حزب توده ایران تدارک اشکال قهر انقلابی را وظیفه خود می‌داند و توده‌ها را در این راه آماده می‌کند .

نظر حزب توده ایران در باره حکومت انقلابی و دمکراتیک و برنامه آن

دعوت مجلس موسسان برای تنظیم و تصویب قانون اساسی و تعیین نهاد های حاکمیت نوین به عهده جبهه متحد خلق خواهد بود . اعضاء مجلس موسسان با رای مساوی ، مستقیم و مخفی ، از میان تمام شهروندان ایرانی ، صرف نظر از جنس ، زبان ، ملیت ، دین و تعلقات سیاسی و عقیدتی انتخاب می‌شوند . مجلس موسسان موظف است که در باره نوع حکومت و قانون اساسی جدید تصمیم بگیرد . در فاصله معقوف رژیم و تصویب قانون اساسی جدید ، اداره امور کشور به عهده يك دولت موقت است که باید از جانب رهبری جبهه متحد خلق به کارگمارد شود .

حزب توده ایران به اتکالی تجربه های د و انقلاب ایران در سده حاضر و بررسی انقلاب های دیگر در این دوره ، نظرات خود را در باره برنامه حکومت آینده که شکل آن جمهوری است به شرح زیر در معرض افکار عمومی می‌گذارد :

الف - تحول در سازمان حکومتی

- ۱ - حکومت انقلابی و دمکراتیک دستگاه دولتی ارتجاعی را درهم می‌شکند . این حکومت هر نوع رژیم تئوکراتیک را نفی و از آن قوانین اجتماعی تبعیت می‌کند که متناسب با سطح تکامل عینی جامعه تدوین گردد و به اقتضای تخییر شرایط و بنا به ضرورت های نوین دگرگون شود .
- ۲ در حکومت انقلابی و دمکراتیک ادیان و مذاهب مورد احترامند ، بی احترامی به باورهای مذهبی مردم و اعمال تزییقات علیه پیروان مذاهب مختلف محکوم می‌شود .
- ۳ - این حکومت انقلابی و دمکراتیک به جبهه متحد نیروهای انقلابی و دمکراتیک جامعه تکیه می‌کند و بر اساس اتحاد داوطلبانه کلیه خلق های ایران و بر مبنای احترام متقابل و حقوق برابر تشکیل می‌گردد .
- ۴ - کلیه ارگانهای حکومت انقلابی و دمکراتیک از پائین تا بالا از طرف مردم (یا نمایندگان آنها) و با رای مساوی ، مستقیم و مخفی انتخاب خواهند شد ، که در برابر مردم پاسخگو خواهند بود .
- ۵ - مجلس شورای ملی ایران ، عالی ترین مرجع قدرت حکومتی است که در آن

نمایندگان برگزیده مردم شرکت می‌کنند. • قانونگزاری، انتخاب دولت و نظارت بر اعمال آن، از وظایف مجلس است.

۵ - ارگان های محلی که توسط توده های وسیع مردم برای اداره امور کشور انتخاب می شوند عبارتند از شوراهای استان، شهرستان، شهر، بخش و دهه. • در مناطق ملی، این شوراهها در چارچوب حکومت خود مختار ملی تشکیل می گردند.

۶ - حکومت انقلابی و دمکراتیک باید دارای نیروهای مسلح دفاعی و انتظامی باشد. • نیروهای مسلح جمهوری باید مجری اراده خلق باشند. • افسران، درجه داران و افراد نیروی مسلح ایران باید مانند دیگر شهروندان از کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار شوند.

۷ - حکومت انقلابی و دمکراتیک استقلال قضایی را بر اساس انتخاب دمکراتیک قضات تامین خواهد کرد.

ب- حقوق و آزادی های سیاسی فردی و اجتماعی

۱ - انحلال کلیه ارگانهای سرکوبگر و تفتیش عقاید موجود و الغاء کلیه قوانین منافسی با حقوق خلق.

۲ - آزادی کلیه زندانیان سیاسی، اعلام بی درنگ بی اعتبار بودن اتهام ها و احکام داد گاههای "شرع" - اعم از نظامی و غیر نظامی - علیه مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و اعاده حیثیت و تامین حقوق پایمال شده این مبارزان.

۳ - تضمین خدشه ناپذیر آزادی عقیده، دین، بیان، قلم، آزادی مطبوعات، اجتماعات، احزاب و سازمان های صنفی؛ آزادی در انتخاب شغل و محل سکونت؛ آزادی مسافرت؛ آزادی اعتصاب؛ آزادی دفاع در محاکم با برخورداری از مصونیت های فردی.

۴ - تامین حق انتخاب کردن برای کلیه افراد ۱۸ سال به بالا و حق انتخاب شدن برای کلیه افراد ۲۵ سال به بالا صرف نظر از جنس، نژاد، مذهب، عقیده، ملیت، سواد، شغل.

۵ - شناسائی و تضمین حق تشکیل آزادانه سازمان های صنفی (سندیکا، اتحادیه، شورا، تعاونی و غیره) برای کلیه کارگران، دهقانان، کارمندان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا در مقیاس های واحد کار، رشته کار، منطقه کار و در مقیاس سراسری.

۶ - تضمین حق مشارکت واقعی سازمان های مستقل صنفی کارگران و زحمتکشان در اداره مربوط به شرایط کار و زندگی آنان در بخش های تولیدی، اداری و خدمات.

۷ - شناسائی و تضمین حق پیوستن سازمان های مستقل صنفی کارگران و زحمتکشان به اتحادیه ها و فدراسیون های منطقه ای، قارهای، جهانی و فراهم کردن شرایط

لازم برای مراد به، مکاتبه، اعلام همبستگی و مبادله اطلاعات سند یکایی، اجتماعی و سیاسی با آنها.

ج- مسئله ملی

۱ - ایران کشوری است کثیرالمله و در آن ملت های گوناگون (فارس ها، آذربایجانی ها، کردها، بلوچ ها، ترکمن ها، عرب ها و غیره) زندگی می کنند که دارای سرزمین، زبان، آداب، آئین ها و رسوم ویژه خود هستند. افزون بر آن، اقلیت های ملی - مذهبی در سراسر کشور بصورت پراکنده وجود دارند. رشته های مختلفی واحد های ملی ساکن ایران را به هم پیوند می دهد. آنها طی سده های متعددی تاریخ و سرنوشت مشترکی داشته اند، در ایجاد فرهنگ غنی ایران با هم همکاری کرده اند و در ادوار مختلف هم راه استقلال و آزادی میهن مشترک خویش دوشادوش یکدیگر دست به فداکاریهای بیشماری زده اند.

۲ - حکومت انقلابی و دمکراتیک طرفدار برابری کامل حقوق کلیه ملت ها، اقوام و اقلیت های ملی - مذهبی و اتحاد آنها در چارچوب میهن واحد برپایه حفظ تمامیت ارضی کشور ایران است. حکومت انقلابی و دمکراتیک برای حل مسئله ملی اصول زیرین را پایه عمل خود قرار می دهد:

- تامین حق کامل خلق های ساکن ایران در تعیین سرنوشت خویش،
- شناسایی حق اقلیت های ملی - مذهبی ساکن ایران (ارمنی، آسوری، زرتشتی، کلیسی و غیره) در برخورد ارشاد از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی خود.

د- سیاست خارجی

سیاست خارجی حکومت انقلابی و دمکراتیک باید مستقل و فعال و در انطباق کامل با نیازهای استقلال و امنیت کشور و نیز در راستای ایجاد شرایط ضرور برای شکوفایی اقتصاد ملی باشد و بر اصول زیرین استوار گردد:

- تمامیت ارضی، تامین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور؛
- پایان دادن به غارت انحصارهای خارجی در ایران؛
- استقرار مناسبات دوستانه و برابر حقوق با همه کشورهای جهان که استقلال میهن ما را به رسمیت می شناسند و آماده هستند تا از تلاش خلق های ما در راه دفاع از استقلال کشور و تحکیم آن پشتیبانی کنند؛
- عقد قرارداد دوستی و عدم تجاوز با همه کشورهای همسایه و تلاش در راه انعقاد پیمان امنیت جمعی در منطقه خاورمیانه و نزدیک و سراسر آسیا بسرای آزاد ساختن منطقه از سلاح های هسته ای و پایگاه های نظامی خارجی؛
- شرکت فعال ایران در جنبش غیر متعهد ها و عدم شرکت در گروه بندی ها و

پیمان های تجاوزکارانه ، اعم از نظامی و یا شبه نظامی ؛
- دفاع فعال از صلح جهانی بمثابه يك وظیفه انقلابی ؛
- پشتیبانی مادی و معنوی همه جانبه از تمام جنبش های آزاد بیخشم ملی دسراسر
جهان ، برای درهم شکستن سلطه امپریالیسم .

۵- رشد اقتصادی

- ۱ - نظام اقتصادی در مرحله کنونی رشد مشخص - تاریخی جامعه ما در سه بخش دولتی ، تعاونی و خصوصی ، بر پایه تقویت بدون وقفه بخش های دولتی و تعاونی در همه زمینه های تولید صنعتی و کشاورزی و توزیع محصولات عمده مصرفی ، تحدید ، کنترل و هدایت بخش خصوصی از سوی دولت استوار خواهد بود .
- ۲ - دمکراتیزه کردن بخش دولتی و توسعه و تحکیم هر چه بیشتر آن در اقتصاد ملی به منظور تجدید نظر در مالکیت وسایل تولید و ایجاد تحول بنیادی در تقسیم محصول ملی و درآمد ملی به نفع توده های محسروم ، استفاده از اهرم های مناسبات کالایی و پولی متمرکز در دست دولت برای بالا بردن میزان سودآوری و ثمربخشی اقتصاد ، افزایش انباشت داخلی ، تامین رشد موزون و مداوم اقتصادی و بالا بردن سطح زندگی توده های زحمتکش ، از وظایف اساسی حکومت انقلابی و دمکراتیک است .
- ۳ - در دوران ما ، با رشد نیروهای مولده تکامل مناسبات تولیدی ، انقلاب علمی و فنی و گسترده گی مناسبات بین المللی ، اقتصاد ملی بصورت مجموعه ای بس بخرنج درآمده است . در جهان امروز تجربه های گرانبهاوار زشمندی برای تنظیم مشخص برنامه های اقتصادی برپایه شناخت علمی یاد نظر گرفتن تناسب میان هدف های مشخص اندوخته شده است که باید از آنها برای تنظیم برنامه رشد اقتصادی کشور بهره جست . برای رسیدن به این هدف ، برنامه ریزی دقیق علمی منطبق با امکان ها و شرایط کشور ضرورت جدی دارد .
- ۴ - هدف از رشد اقتصادی ایران عبارت است از دگرگون سازی بنیادی ساختار اقتصاد ملی یعنی درهم شکستن ترکیب اقتصاد واپس مانده و وابسته کنونی و پایه گذاری اقتصادی با ساختار موزون و پیشرفته متکی بر استفاده معقول از منابع طبیعی داخلی ، توجه به اولویت های صنعتی برای تامین استقلال اقتصادی از طریق احداث و توسعه آن رشته های تولیدی که پی ستون ترقی و خود کفایی مجموعه اقتصاد ملی را تشکیل می دهند .
- ۵ - حل مسئله ارضی به مفهوم حل مسئله مالکیت زمین و مناسبات طبقاتی در روستاها ، ضرورت میرم دارد . حکومت انقلابی و دمکراتیک باید شعار "زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند" را از حرف به عمل در آورد و اصلاحات ارضی و آبی به سود دهقانان بی زمین و کم زمین را در راس برنامه خود قرار دهد . محتوی عمده ایمن اصلاحات عبارت است :

- مصادره ارضی بزرگ مالکان به سود دهقانان بی زمین و کم زمین و همچنین —
- واگذاری اراضی موقوفه به دهقانانی که روی آن کار می کنند . کلیه این امور با نظارت شوراها و اتحادیه های دهقانی انجام می گیرد ؛
- متشکل ساختن دهقانان در شرکت های تعاونی تولید ؛
- ایجاد واحدهای بزرگ و مدرن کشت و دامپروری بوسیله شرکت های تعاونی تولید ؛
- خرید مازاد تولیدات کشاورزی بوسیله دولت و پایان بخشیدن به غارتگری سلف خرها و واسطه ها و غیره ؛
- تقویت بخش دولتی اقتصاد کشاورزی : شامل موسسات کشت و صنعت و دامداری بزرگ .
- ۶ — ملی کردن بازرگانی خارجی و نظارت بر توزیع کالاهای عمده مصرفی از طرف دولت و تعاونی ها . آنچه در این عرصه مهم و حیاتی باید در نظر گرفته شود عبارت است از :
- تشکیل موسسات ویژه دولتی برای برنامه ریزی واردات و صادرات ؛
- حذف کلیه واسطه ها ، در بخش تدارکات و توزیع ؛
- کمک به فروشندگان جزء و تعاونی های توزیع ؛
- تاسیس فروشگاه های بزرگ دولتی به منظور تثبیت قیمت ها و جلوگیری از احتکار و گرانفروشی .

و- اصلاحات اجتماعی

- ۱ — تنظیم و توزیع عادلانه درآمد ملی یکی از مهمترین وظایف حکومت انقلابی است که باید از طریق تنظیم بودجه کل کشور به سود زحمتکشان تحقق یابد . این امر از راه های زیر انجام می گیرد :
- ایجاد تناسب معقول و علمی میان د و بخش انباشت اجتماعی و مصرف در مجموعه اقتصاد ملی و تقسیم علمی و متناسب بخش اخیر (مصرف) به د و رشته مصرف عمومی و مصرف خصوصی ؛
- تدوین قانون جدید مالیات در جهت تنظیم عادلانه درآمد ملی ؛
- ۲ — تامین کار و رفاه اجتماعی برای همه افراد جامعه . در این زمینه حکومت انقلابی و دمکراتیک باید وظایف زیرین را عملی سازد :
- تامین اشتغال برای همه شهروندان در سن کار ، اعم از زن و مجرد و از بین بردن بیکاری و نیمه بیکاری ؛
- تامین و تضمین قانونی حداقل حقوق و دستمزد برای زحمتکشان ، متناسب با نیازهای مادی و معنوی خانواده های آنها و ترمیم سالانه حقوق و دستمزد ها با توجه به نوسان هزینه زندگی ؛
- پرداخت دستمزد و حقوق متناسب با کمیت و کیفیت کار به کارگران و جلوگیری

از تاثیر نامطلوب نوسان های اقتصادی بر زندگی آنها ؛

— پرداخت کمک معاش به کارگران و کارمندان ، نسبت به تعداد افراد تحت تکفل آنان ؛

— هماهنگ کردن مستمر تخصص دارگران با رشد امکان های فنی از طریق آموزش کار ؛

— تنظیم و تدوین قانون کار و تامین اجتماعی بر بنیاد دیمکراتیک با مشارکت مستقیم نمایندگان سازمان های مستقل صنفی کارگران و دیگر زحمتکشان شهرو روستا ؛
— کاهش ساعات کار در هفته به تناسب پیشرفت و گسترش اقتصاد کشور و بویژه کاستن از ساعات کار مشاغل دشوار و زیان بخش برای تندرستی ، طبقه بندی مشاغل بر اساس سابقه و مهارت کار و غیره ؛

— شناسائی حق استراحت برای زحمتکشان و فراهم کردن امکان استراحت و تفریح نظیر آسایشگاه ها و غیره برای آنان ؛

— به رسمیت شناختن قرارداد های جمعی برای کارگران واحد های صنعتی و کشاورزی و خدماتی ؛

— تامین حقوق بازنشستگی برای کلبه زحمتکشان زن و مرد ؛

— منع کار کودکان ؛

— ایجاد آسایشگاه ها و تامین شرایط زندگی برای پیران و از کارافتادگان ؛

— تقسیم صحیح کار در ادارات ، تفریح بر اساس آموذگی ، سوابق خدمت و کیفیت کار ؛ تجدید نظر در قوانین استخدامی بر بنیان دیمکراتیک ؛

۳ — کمک همه جانبه دولت به شرکت های تعاونی روستائی برای بهبود وضعیت دهقانان از طریق پرداخت وام های دراز مدت و تامین ماشین های کشاورزی ، بذر ، کود ، سموم کشاورزی ، بهبود شرایط کار و زندگی کارگران کشاورزی و شمول قانون کار و بیمه های اجتماعی در مورد آنان .

تعیین نرخ عادلانه تولیدات کشاورزی و بیمه کردن این تولیدات . تاسیس مدارس حرفه ای و تربیت کادر متخصص برای کشاورزی و تامین بهداشت و ارتقاء بهداشت و ارتقاء سطح فرهنگ در روستاها . توجه ویژه به مسایل دآمداری و از جمله دآمداری سنتی (عشایری) و دآمداری تک خانواری دهقانی . محو بقایای پدرسالاری . تامین مراتع برای تغذیه دام ، ایجاد مراکز دام پزشکی برای مبارزه با بیماریهای دامی ، ایجاد سیلو ، کشتارگاه و سردخانه مجهز ، اعطای وام و دیگر کمک های دولتی به عشایر فقیر و تهیدست ، تامین تسهیلات رفاهی بویژه آموزش و بهداشت در مناطق عشایری .

۴ — ایجاد امکانات و تسهیلات لازم برای پیشموران و رونق دادن به صنایع دستی ، هنری و ملی .

۵ — تامین خدمات درمانی و بهداشتی رایگان و توزیع عادلانه آن در شهر و روستا . ایجاد شبکه وسیع تربیت کادر پزشکی و بهداشتی ، تاسیس درمانگاه ها و

بیمارستانها و زایشگاهها و آسایشگاهها در سراسر کشور، برای استفاده همه مردم، ایجاد سیستم فراگیر آزمایشگاهها و درمانگاههای سیار و نیز موسسات ویژه‌ای برای معلولان و بیماران لاعلاج. • استقرار نظام بیمه درمانی، سوانح، نقص عضو و ازکارافتادگی، بیکاری و فوت. • تامین حق بیمه کارگران و زحمتکشان به حساب کارفرمایان و دولت.

۶ - تمرکز امر تهیه مسکن به مثابه یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی مربوط به زندگی مردم، بطور عمده در بخش‌های دولتی و تعاونی برپایه برنامه ریزی درازمدت. • تامین مسکن مناسب برای زحمتکشان با قیمت ارزان. • کمک به خانه‌سازی انفرادی خانواده‌های بدون مسکن از راه دادن وام‌های دولتی.

تکمیل و توسعه شبکه آموزش و پرورش در سراسر کشور و توجه بیشتر به مناطق عقب افتاده، تامین آموزش اجباری و رایگان کودکان و نوجوانان در شهرها و روستا و فراهم ساختن شرایط آموزش عالی بطور رایگان، ایجاد شبکه وسیع آموزش حرفه‌ای، بسط شبکه کودکانها، دبستانها و دبیرستانها به تناسب نیازهای کشور، گسترش کمی و کیفی دانشگاهها و مدارس عالی بویژه در رشته‌های فنی و پزشکی برای رسیدن به خودکفائی در این زمینه‌ها، تجدید نظر در برنامه‌های آموزشی بقصد زدودن اثرات مخرب و ارتجاعی عملکرد سران رژیم جمهوری اسلامی از نظام آموزشی کشور، پرداخت کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان خانواده‌های کم درآمد، آموزش به زبان مادری در تمام سطوح و مبارزه قاطع با بیسوادی.

ز- فرهنگ اجتماعی، شکوفایی علم و فن

۱ - شکوفایی فرهنگ غنی مردمی و ملی در کلیه ابعاد آن. • زدودن کلیه مظاهر ارتجاعی و قرون وسطایی از جامعه به مثابه یکی از دردناکترین پیامدهای تسلط نظام "ولایت فقیه" و در عین حال زدودن اثرات سوء فرهنگ نواستعماری که از جانب امپریالیسم به کشورها تحمیل شده است.

۲ - احیای فرهنگ ملی خلق‌های ساکن ایران و کوشش در راه شکوفایی ادبیات و رشته‌های گوناگون هنری و سنن و آداب و رسوم خلق‌ها، الغاء کلیه قوانینی که مانع پیشرفت هنر موسیقی، سینما، نقاشی، پیکره‌سازی، تئاتر و مجموعه هنرهای اصیل ملی می‌شود و ترویج آنها.

۳ - رشد همه جانبه علم و فن و استفاده از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی برای تامین خودکفایی از طریق ایجاد، تعمیم و گسترش تکنیک و تکنولوژی و پایان دادن به وابستگی در این زمینه.

۴ - بالا بردن درجه تخصص و کاردانی از طریق تربیت کادر در زمینه‌های علمی و فنی و تشویق طراحان و مخترعان و مهندسان خلاق.

۵ - تشکیل فرهنگستان علوم.

ح- زنان

رفع کلیه محرومیتهای اجتماعی از زنان و تامین برابری کامل با مردان در همه عرصه های زندگی اجتماعی . تدابیری که حکومت انقلابی و دموکراتیک در این زمینه باید اتخاذ کند ، عبارتند از :

— الغای بی درنگ همه قوانین مغایر با شئون اجتماعی و انسانی زن که رژیم جمهوری اسلامی از تصویب گذرانده است ؛

— سلب حقوق چند همسری و طلاق یکجانبه مردان ؛

— افزایش سن قانونی ازدواج برای دختران ؛

— الغاء کلیه محدودیت های قانونی و عملی که جمهوری اسلامی در زمینه تحصیل،

ورزش و هنر و غیره برای زنان ایجاد کرده است ؛

— تضمین حق مشارکت کامل زنان در تولید اجتماعی و اداره امور کشور ؛

تضمین برابری حقوق زن و مرد در زمینه های اشتغال ، انتخاب آزادانه همسر ،

طلاق ، برخورداری از ارث ، سرپرستی فرزندان ، شهادت در برابر دادگاه ، قضاوت

و غیره ؛

— پرداخت دستمزد مساوی به زنان و مردان در مقابل کار مساوی ، ایجاد شبکه

فراگیر شیرخوارگاه ها و کودکستانها برای کمک به زنان زحمتکش و ایجاد امکان تربیت

اجتماعی کودکان در سال های پیش از مدرسه ؛

— معافیت زنان از انجام کارهای سنگین و نامتناسب با وضع جسمی آنان ؛

— حق اشتغال به کار سبک به هنگام بارداری و حق برخورداری مادر از مرخصی

با حقوق در زمان بیماری کودک ؛

— تامین حداقل ۴ ماه مرخصی زایمان با دریافت حقوق برای شاغل و تضمین

بازگشت آنها به کار ؛

— تامین حق استفاده از مرخصی بدون حقوق برای زنان باردار ، تایک سال پس

از زایمان با حفظ محل خدمت ؛

— تامین حق برخورداری زنان از آموزش تخصصی برای دسترسی به مدارج علمی

و ارتقاء شغلی برابر با مردان ؛

ط- جوانان

۱ — توجه به ایجاد امکان رشد همه جانبه نوجوانان و جوانان و تامین شرایط لازم

برای پرورش و آماده کردن آنان بمنظور انجام وظایف تاریخی خود در آینده . بدین

منظور علاوه بر آموزش در مدارس و از طریق رسانه های گروهی از قبیل رادیو و تلویزیون ،

ایجاد شبکه وسیع موسسات و سازمان های پژوهشی ، هنری ، علمی و فنی برای فعالیت

آزاد و د اوظلبانه جوانان ضرور است •

۲ - گسترش هرچه بیشتر ورزش، برای تامین تند رستی و شادابی و بهد اشست
عمومی، پرورش روحیه انسان د وستانه و صلح جویانه و سلامت اخلاقی و تامین تفریحات
سالم برای جوانان و الغاء مقررات و قوانین ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی د ر زمینـــه
ورزش •

* * * * *

حزب توده ایران برنامه خود را که بازتاب آرمان های ملی و دمکراتیک توده های
وسیع خلق د مرحله مشخص تاریخی کنونی است ، عرضه می دارد •
حزب توده ایران همه اعضا و هواداران خود ، همه قشرهای زحمتکش و مترقی
جامعه و د ر درجه اول طبقه کارگر و متحدانش، دهقانان تهیدست ، پیشه وران ، روشن-
فکران ترقی خواه و میهن دوست ایران را فرا می خواند که برای عملی شدن این
برنامه که یگانه راه تحقق آزادی ، استقلال و عدالت اجتماعی و نیز راهگشای حرکت به
سوی جامعه نوین عداری از استثمار فرس از فرد است تلاش ورزند •

جبهه متحد خلق
ضامن پیروزی است!

پیروز باد مبارزه خلق
در راه سرنگونی رژیم
جمهوری اسلامی ایران!

در راه تحقق رهنمودهای کنفرانس ملی بکوشیم!

با انتشار گزارش کمیته مرکزی حزب به کنفرانس ملی، قطعنامه‌ها، برنامه و خط مشی سیاسی حزب در سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۵۷، مجموعه اسناد و مدارک مصوب کنفرانس حزب توده ایران در معرض قضاوت طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و روستا و نیز دست‌داران حزب ما قرار گرفت. مجموعه این اسناد و رهنمود عمل کمیته مرکزی، هیئت سیاسی و فرد - فرد اعضای حزب توده ایران در شرایط دشوار مبارزه در مرحله کنونی است. در این اسناد، حزب ما نارسایی‌ها و خطاهای خود را، که در شرایط بغرنج پس از انقلاب بهمن ۵۷ در مواردی اجتناب‌ناپذیر بوده به نقد کشیده و هم، از همه مهمتر خط مشی سیاسی، شعارهای تاکتیکی و استراتژیک خود را برای آیندگان نزدیک و دور تنظیم کرده است.

بدون تردید انتقاد از نارسایی‌های گذشته هیچ وقت بی‌هدف نباید باشد. خطاها برای حزبی که در حال پیشروی است و در راه آینده سعادت‌تمند بیکار می‌کنند هدف‌سپندآموزی است. کنفرانس ملی در تدوین و تصویب استراتژی و تاکتیک حزب از این شیوه‌لینی بهره گرفت و می‌توان به جرات گفت که در این امر موفق نیز بوده است. مجموعه اسناد و مدارک کنفرانس ملی با توجه به شرایط مشخص جامعه ما در حال حاضر، ضمن بررسی ژرف و همه‌جانبه اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی، اقتصاد یونیز آرایش طبقاتی در جامعه تنظیم شده است. بهمین سبب نتایج ارائه شده انطباق کامل با واقعیت موجود در کشور ما دارد. آنچه در این مورد جلب توجه می‌کند شرکت فعال هزاران عضو حزب در تدوین و تکمیل اسناد برنامه‌های حزب است. بنابراین آنچه امروز در معرض قضاوت توده‌های زحمتکش قرار گرفته محصول خرد جمعی است. این یک پیروزی بزرگ برای حزبی است که در شرایط مخفی و زیر ضربات مستمر دشمنان داخلی و خارجی به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

علیرغم تبلیغات سوئی که قبل از تشکیل کنفرانس ملی علیه حزب ما در مقیاس گسترده جریان داشت، حزب توده‌ای ما قدرت لایزال خود را در عمل نشان داد. از حزب توده ایران به مثابه سازمان سیاسی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جز این هم نباید انتظار داشت. تجربه ۴۵ سال مبارزه بارها این حقیقت را به ثبوت رسانده است که می‌توان حزب ما را غیرقانونی اعلام کرد، می‌توان هزاران توده‌ای را به بند کشید و یا به جوخه‌های اعدام سپرد، می‌توان به حزب ما تهمت و افترا زد، می‌توان سیاست

داخلی و خارجی آن را تحریف کرد ، اما نمی توان حزب ما را از عرصه سیاسی جامعه ایران کنار گذارد .

اندیشه و نظرات حزب توده ایران پیرامون ایرانی آزاد، مستقبل در خدمت محرومان ، چنان در بطن جامعه ریشه دوانده که نه تنها با تحریف و شعبده بازیهای سیاسی ، بلکه حتی با زور سرنیزه ، زندان ، شکنجه و اعدام نیز نمی توان آنها را از بین برد . علت این امر نیز روشن است ، توده های هایی که در صفوف حزب گرد آمدند ، قبل از انتخاب راه مبارزه به خطراتی که آنها را تهدید می کند آگاهند . آنها نه برای جاه و مقام به حزبی که دائماً زیر ضربه بود است روی آورد ماند . مشوق آنها تئوری جهان-شمول مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بوده و هست . آنها روزبه وار عاشق سوسیالیسم هستند و با ایمان به آن در این راه پرمخاطره گام گذارده ماند .

آری ، اگر مردانگی و از جان گذشتگی ، استقامت و فداکاری هزاران توده های بانام و بی نام نبود ، حزب نمی توانست پس از ضربات سهمگین وارده با چنین سرعت بی سابقه ای درفش پرافتخار کاه را برافرازد . بودند و هستند افراد معدودی که با زدن انواع برچسب های ناروا ، به قول معروف قصاص قبل از جنایت کردند . آنها چه ها کسه نگفتند و ننوشتند . درست هنگامی که این افراد با نوشته های خود سعی در مشحوب ساختن افکار داشتند و هیئت سیاسی را به انواع "گناهان" ناکرده متهم می ساختند ، رهبری حزب سرگرم تدارک بسرگزاران کفرانگس ملی بودن ، کفرانگسی که مانند پتک سنگینی بردشمنان حزب فرود آمد .

ده ها "نامه ای که این افراد پخش کردند چه هدفی را تعقیب می کرد ؟ امروز پس از گذشت زمان ، چهره واقعی آن عناصری که حزب توده های ما را آماج حملات ناجوانمردانه قرار داده بودند ، بیش از پیش شناخته شده است . تحریف آشکار تاریخ افتخارآمیز حزب ما ، مضمون و محتوای ورق پاره های منتشره از جانب آنهاست . هدف عبارت بود از ایجاد تفرقه در درون حزب . تماد فی نیست که از "کیهان هوایی" تحت نظارت سران جمهوری اسلامی گرفته تا "کیهان" چاپ لندن و به اصطلاح رادیو "صدای آزاد" نوشته های آنها را منتشر و پخش می کنند . اما ، هم واژگان سیاسی وهم ارگان های ارتجاعی ناشر افکار آنها کور خوانده ماند . حتی آن عده قلیلی از رفقا که فریب صحنه سازی های شش نفر اجراج شده از حزب را خورده بودند ، از آنها رویگردان شده ماند و یا دیر یا زود خواهند شد . ناکفته پیداست که درهای حزب همیشه بروی اینگونه رفقا باز است و می توانند بدون دغدغه خاطر در صفوف حزب خود باقی بمانند . بویژه اینکه ، اکنون دیگر نکات عمده و اساسی مورد جر و بحث نه تنها روشن ، بلکه به مقدار زیادی حل نیز شده است .

بدیهی است عناصری که گام در راه ضد حزبی گذارده ماند و خوشبختانه عد آنها انگشت شمار است ، که امکان به سپاهی ادامه خواهند داد . اگر از نوشته لنین بزرگ در باره مخالفان حزب در اثر مشهور "یک گام به پیش دو گام به پس" یاری گیریم ، می توان

گفت، هرکسی حق دارد قضات خود را مورد طعن و لعن قرار دهد. کنفرانس ملی مانند ارگان عالی هر حزبی، قاضی برخی ها شد که دعاوی بزرگی داشتند و با شکست و ناکامی روبرو گشتند. حالا این عناصر طرد شده از حزب با ساده لوحی خاصی که تاثیر انگیز است، به "قضات خود لعنت می فرستند" و می کوشند بهر وسیله ای شده کنفرانس ملی را بد نام کنند و از اهمیت و اعتبار آن بکاهند. این تلاش نیز با شکست روبرو خواهد شد. برای تسریع این شکست باید مبارزه کرد. بهترین راه در این زمینه تبلیغ وسیع اسناد برنامه ای حزب است.

بهر حال با پایان انتشار اسناد و مدارک مصوب کنفرانس ملی، مبارزه ما در راه تحقق هدف های برنامه ای آغاز می شود. مبارزه ای سرسخت و آشتی ناپذیر پیش روی ماست. باید با تمام توان خود را برای تحقق وظایف سنگینی که حزب در برابر فرد فرد ما قرار داده، بکار گیریم.

در روش نیروهای ارتجاعی و راستگرا، در مراحل چرخش های دوران ساز تاریخی قانونمندی های معینی وجود دارد. در این لحظات تعرض ثوریک و سیاسی آنها علیه مسایل گرهی سرنوشت جنبش انقلابی متمرکز می گردد. این پدیده را اکنون ما به عیان مشاهده می کنیم. عقاید و نظرات بیگانه با منافع مبارزه زحمتکشان علیه ارتجاع و امپریالیسم با دامنه گسترده تبلیغ می شود و حملات و اتهامات آشکار ضد توده های فزونی می یابد و در چنین شرایطی گسترش فعالیت ایید ثولوزیک، سیاسی و سازمانی حزب بیش از پیش کسب اهمیت می کند.

حزب ما که سرنگون کردن رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را وظیفه میرم و عاجل خود می شمارد، بسیج هرچه بیشتر توده های زحمتکش و در درجه اول طبقه کارگر را در رأس مبارزه روزمره خود قرار داده است. برای دستیابی به این هدف، مبارزه پیگیر علیه دشمنان طبقاتی ضرورت حاد دارد. نیروی حزب ما در طرح مسایل حاد روز و شعارهایی است که با وضع موجود جامعه مطابقت دارد. در این مورد ما از وصایای لنینی پیروی می کنیم که بما آموخت، تمام اشکال فعالیت را باید بطور مستمر و بدون استثنا تکمیل کرد. حزب ما طی ۴۵ سال مبارزه در شرایط بسیار دشوار فعالیت های سیاسی گوناگون علنی و غیر علنی، تلفیق کار مخفی و علنی را آموخته است. اما این کافی نیست. شرایط تغییر می یابد و ما باید در یافتن اشکال تازه مبارزه از خود ابتکار بخرج دهیم. برخورد فاشیستی ارگان های سرکوبگر رژیم با حزب ما ضرورت رزمندگی، تحرك و انضباط بیشتر و رعایت اکید موازین پنهان کاری را ایجاب می کند. حزب ما باید ریشه هایی عمیق میان توده های زحمتکش داشته باشد و بتواند با آمادگی کامل با هر وضع پیش بینی نشده و با هر چرخش غیر منتظره در عرصه سیاسی مقابله کند. به همین سبب، کنفرانس ملی، کمیته مرکزی را موظف ساخت تا در تحکیم صفوف حزب هرچه بیشتر کوشا باشد و نقش فعال آنرا در صحنه سیاسی به میزان چشمگیری افزایش دهد، این نیاز بکار خستگی ناپذیر و مستمر و مراعات اکید کار جمعی، گسترش

سیستم روشنگری حزبی، انتخاب درست، آماده ساختن و بنابر گرفتن معقول کادرهای حزبی و فعالیت بسد و وقفه هسته ها و واحد های حزبی در داخل و خارج کشور را دارد.

ما وقتی خواهیم توانست نقش خود را به عنوان حزب پیشاهنگ طبقه کارگر ایفا کنیم که وحدت اراده، وحدت عمل و وحدت انضباط بسی خدشه را به سطح عالیتری ارتقاء دهیم.

بیاموزیم - افشا کنیم - سازمان دهیم !

**تابناک باد خاطرۀ شهیدان راه آزادی،
استقلال، عدالت اجتماعی و صلح !**

پایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه
در گرو پیکاری گیر، متحد و سازمان یافته همه
نیروهای مترقی و مردمی است !

برگزاری موفقیت آمیز کنفرانس ملی ما

کنفرانس ملی حزب توده ایران که چندی پیش به کار خود پایان داد، توانست در در محیط خلاق، دمکراتیک و سرشار از حسن تفاهم، اسناد و مدارک مهم و حیاتی حزب را مورد بررسی عمیق و همه جانبه قرار دهد و به تصویب برساند. بدون شک تشکیل کنفرانس ملی، ۳۸ سال پس از کنگره دوم حزب، آن هم در شرایطی که همسنة دشمنان حزب طبقه کارگر ایران، از ارگانهای جاسوسی رژیم جمهوری اسلامی گرفته تا عمال دست نشاندهگان امپریالیسم، لبه تیز حملات خود را متوجه حزب توده های ما کرده اند، موفقیت بزرگی در تاریخ حزب ما بشمار می رود.

تردید نیست، که عده زیادی از رفقای حزبی، هم از داخل و هم از خارج کشور، می توانستند طبق معیارهای تعیین شده از طرف کمیته مرکزی حزب، در کنفرانس ملی شرکت کنند. اما در شرایط کار مخفی که از جانب دشمن به ما تحمیل شده، گردآوری همه رفقای صلاحیت دار در این مجمع حزبی عملاً ناممکن بود. ما اطمینان راسخ داریم که علاقمندان به سرنوشت حزب این مشکل را به درستی درک می کنند. زیرا آنچه که در حال حاضر برای همه ما توده های ما حائز اهمیت بود، تشکیل چنین جلسه صلاحیت داری برای تعیین خط مشی سیاسی حزب بر پایه واقعیات کنونی و ارزیابی خط مشی سیاسی گذشته بود.

در گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب به کنفرانس ملی، که در "نامه مردم" انتشار یافت، مسایل حاد کشور و جهان و وظایف حزب در مرحله کنونی مبارزه بطور همه جانبه مورد بررسی قرار گرفته است. چنانکه در گزارش خاطرنشان شده، مسئولیتی بسیار مهم و تاریخی در برابر شرکت کنندگان در کنفرانس ملی قرار داشت.

باید اذعان کرد، که فرد - فرد رفقای شرکت کننده در کنفرانس ملی، با برخورد کمونیستی، ضمن طرح نظرات خود بسیار مسئولانه عمل کردند. موفقیت بزرگ کنفرانس ملی نیز ناشی از درک این مسئولیت تاریخی بود. ناگفته پیداست که این اصل شامل اکثریت قاطع اعضا حزب نیز می شود، زیرا در واقع همه آنان مستقیماً در تدارک کنفرانس ملی و برگزاری موفقیت آمیز آن شرکت فعال داشتند.

مدتها قبل از تشکیل کنفرانس ملی، اسناد مهم حزبی، از آنجمله طرح برنامه حزب و طرح تزهای پیرامون انقلاب بهمن ۵۷ و سیاست حزب توده ایران، برای نظرخواهی در اختیار رفقای حزبی قرار گرفت. نظرات ارسال شده از جانب رفقا، که در موارد فراوان بسیار جالب و حایز اهمیت فوق العاده بود، در طرح نهایی عرضه شده به پلنوم نوزدهم و سپس به کنفرانس ملی گنجانده شد. می توان به جرات گفت که بدون شرکت فعال همه اعضای حزب در تدوین اسناد مهم حزبی، که در عین حال به مثابه مراعات اکید دمکراسی درون حزبی بود، کنفرانس ملی نمی توانست با چنین موفقیت بی نظیری

پایان یابد .

در همین شماره از "نامه مردم" برخی قطعاتنامه های مصوب کنفرانس ملی که رهنمود عمل کمیته مرکزی و هیئت سیاسی آن تا جلسه صلاحیتداری آینده است، منتشر شد ما ست . همه اعضا و هواداران حزب موافقد مفاد این قطعاتنامه ها را در مبارزه روزمره رهنمون عمل خویش قرار دهند .

"نامه مردم" برآن است تا طی مقالات تحلیلی مسایل گرهی مصوبات کنفرانس ملی را مورد بررسی علمی قرار دهد . آنچه از هم اکنون می توان گفت، موفقیت کنفرانس ملی در تعیین خط مشی حزب است که منطبق با شرایط مشخص تاریخی جامعه ما شد. و این و چنانکه گفتیم همه اعضا و هواداران حزب در تامین این موفقیت بزرگ نقش تعیین کننده داشتند . تردیدی نیست، که در صورت مراعات دقیق این خط مشی سیاسی پیروزی بزرگی نصیب حزب ما در زمینه روشنگری سیاسی و بسیج توده های مردم در راه سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی خواهد شد .

کنفرانس ملی پس از بحث و بررسی به این نتیجه رسید که تضاد آشتی ناپذیر میان نیاز جامعه و پیشرفت اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از یکسو و روینای بازدارنده رژیم استبدادی قرون وسطایی - مذهبی از سوی دیگر و نیاز به دمکراتیزه کردن نظام اجتماعی - سیاسی، شرایط عینی مبارزه در راه سرنگون کردن رژیم خودکامه و ضد خلقی جمهوری اسلامی را فراهم می آورد . کنفرانس ملی با توجه به پیشنهاد های اعضا حزب در پاسخ به نظرخواهی عمومی پیرامون برنامه حزب، فرمولهای دقیق مرحله انقلاب، اشکال و شیوه های مبارزه و ترکیب جبهه متحد خلق را به تصویب رساند .

در برنامه حزب مصوب کنفرانس ملی گفته می شود که مرحله انقلاب مبین ما همچنان ملی و دمکراتیک است . در برنامه به درستی خاطر نشان می شود، که تداوم پیگیری و پیروزی نهایی انقلاب ملی و دمکراتیک در گرو اعمال رهبری حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر است و حزب توده ایران در این راه مبارزه می کند .

کنفرانس ملی حزب توده ایران به این نتیجه منطقی و منطبق با شرایط کشور رسید که شرط ضرور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت انقلابی و دمکراتیک، تشکیل جبهه متحد خلق، متشکل از کارگران، دهقانان، خرد بهره واری شهری و روشنفکران خلقی است . این جبهه خواهد کوشید، تا لایه هایی از بورژوازی کوچک و متوسط را که در برخی از تحولات ملی و دمکراتیک ذینفع هستند، به سوی خود جلب کند . برنامه حزب تاکید می کند که اتحاد کارگران و دهقانان باید استخوان بندی جبهه متحد خلق را تشکیل دهد . برای تامین هژمونی حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر در جبهه متحد خلق، وحدت طبقه کارگر و همه رزمندگان راه طبقه کارگر و بسیج همه قشرهای زحمتکش جامعه ضرورت دارد .

کنفرانس ملی معتقد است : از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی حیات خویش را بنا سرکوب هرگونه مخالفتی در کشور پیوند زده و ادامه موجودیت خود را در گرو تشدید ترور

و اختناق قرار داده است، یگانه راه انتقال قدرت سیاسی به جبهه متحد خلق، اعمال قهر انقلابی است. در مبارزه برای سرنگون کردن رژیم می توان و باید از تمام اشکال مبارزه، از تظاهرات خیابانی گرفته تا اعتصابات همگانی کارگران و نیز مبارزه مسلحانه توده ای استفاده کرد.

حزب توده ایران تدارک اشکال مختلف قهر انقلابی را وظیفه خود می داند و توده ها را در این راه آماده می کند.

چنانکه ملاحظه می شود، خواست اکثریت قاطع اعضا حزب، در این فصل از برنامه کنجاند شده است و ما در آینده خواهیم کوشید تا مضمون محتوای این احکام را بشکافیم. یکی دیگر از مسایل مهم مورد بحث در کنفرانس ملی که در اسناد و مدارک آن منعکس است، تجهیز لایه نیروها در جهت سازماندهی هرچه بیشتر فعالیت حزب در داخل کشور است. به بیان دیگر همه امکانات حزب باید در خدمت گسترش مبارزه در داخل ایران قرار گیرد.

توجه به این مسئله حیاتی از آن لحاظ حایز اهمیت است، که دشمنان سوگند خورده توده های ما، با سازمان دادن یورشهای سبانه و سپس تبلیغ گسترده علیه حزب ما که هدف از آن "بحران تراشی" درون حزب بود، سعی می کردند تا با سرگرم کردن اعضا حزب به مسایل فرعی، آنان را از مسایل حیاتی تشدید مبارزه در داخل کشور باز دارند.

متأسفانه باید گفت که بودند وازدگان سیاسی در داخل حزب که دانسته باندسته آب به آسیاب دشمنان حزب می ریختند. نوزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران و کنفرانس ملی با اتخاذ تصمیم قاطع در باره سردمداران گروه ضد حزبی، گام مثبتی در جهت تامین انسجام حزب برداشت. وظیفه فرد - فرد آنانی که به سرنویشت حزب توده های خود علاقمندند، مبارزه سرسخت و آشتی ناپذیر با آن پدیده های منفی است که مخالفان و دشمنان حزب به درون حزب رسوخ دهند. شکی نیست که پس از پایان موفقیت آمیز - کنفرانس ملی، کوشش مخالفان حزب در این راه تشدید خواهد شد.

در قطعنامه اصلی کنفرانس ملی گفته می شود: "موفقیت در امر سازماندهی در ارتباط تنگاتنگ و ناگسستگی با تامین انسجام و وحدت درونی حزب است. کنفرانس ایران است که دستیابی به این هدف بدون مراعات انضباط آهنین در درون حزب، ممکن نخواهد بود. حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است. عضو چنین حزبی موظف است تا مبلغ مرام و مشی حزب باشد و برای تحقق آن بیکار نکند، در راه وحدت حزب - که شرایط اصلی ادامه نبرد و بقای آن است با تمام قوا بکوشد، از هرگونه کار گروهی و فراقیونی اکیداً بپرهیزد، انضباط حزبی را زیر پا نگذارد، اسرار حزبی را کاملاً حفظ کند و از ارتکاب به هر عملی که به حیثیت و اعتبار حزب و ارگانهای آن لطمه بزند، اجتناب ورزد."

همه واحد های حزبی، در هر کجا هستند، باید بطور فعال و پیگیر در اجرای

این رهنمود مهم حزبی بگوشد . مبارزه سرسخت و آشتی ناپذیر با هر نوع انحرافی، وظیفه مقدس واحد های حزبی و تک-تک اعضا حزب است. ده با فدائاری و از جان گذشتگی پرچم خونین حزب بود های خود را برافراشته نگاه داشته اند .

**تلفیق هشیارانه کار مخفی و علنی در شرایط کنونی
یک وظیفه انقلابی است !**

**برای آزادی زندانیان سیاسی
مبارزه خود را تشدید کنیم !**

**پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی
رژیم جمهوری اسلامی !**

M. KASRAFI
Waterloo St
1000 Bohin St

خوانندگان عزیز!

به این نشانی با ما مکاتبه کنید:

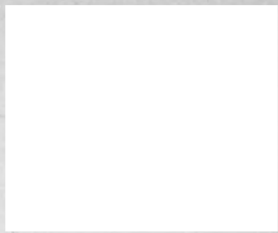
آدرس پستی:

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

حساب بانکی:

Sweden - Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman



Handwritten text in a box, likely a title or header, which is mostly illegible due to fading and the redaction mark.

Handwritten text in a box, possibly a date or a specific reference number.

Handwritten text in a box, possibly a name or a signature.

Handwritten text in a box, possibly a name or a signature.



انتشارات حزب توده ایران

بیا ۲۰۰ تا